







254

A. Ham



وقائع شاه جهان







## بسم الله الرحمن الرحيم و بسم الله تعالی

حامد ز اکیات اول مبدع کائنات و موجد مصنوعات جنابک اتخاف کرده معلا ساحة تقدیسی اولمغه شایان و حقیق قدر که صحایف مکنونات نکاشته قلم ابدی و عزت و سعادت دارین دسنیاری عنایت و توفیق و ذلت و کدایی حکم دیوانخانه قضا و قدری ابد و کن قل اللهم مالک الملائکة تؤت الملائکة من تشاء و تنزع الملائکة من تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدير کلام مجیدی ایلله باصره کلمه انظار توتیاسای تنویر و محمد بد قلمش در وصلوات نامیات و تحیات فایحات اول خلاصه موجودات و نقاوه ممکنات جنابک حوض مورد لشنکان امت و منبع ذلال فیاض فیض شفاعت اولان خاک پاک مشکساینه شایان ابلاغ و اهدا در که وجود شریفی باعث ترتیب مقدمات مصنوعات و ذات قدسی الصغاتی سبب ترکیب بسایط و مرکبات و ترضیه و تعظیات صافیات حمات دین مبین و هدای راه یقین نجوم الزهرات ال و اصحاب و اتباعه و واد که سعی و همتلری مقیر ماند کان دیجور حیرته نجم هدایت و غبار سمنده جهاد پیشه لری مجاهدان صمیم الاجتهادک توتیای بصر بصیرت لری بدر ابعاد سبب تحریر کتاب مشکین نقاب اولدر که جناب نسق ساز کارگاه جهان و شیرازه بندنه کتب اسمان جل شانیه و عم نواله حضرت لری اقتضای حکمت علیه و سبق عنایت از لیه ایلله محمد بد قواعد دین مبین و احیای سنن نجر اولین ایچون علی وفق العاده اسباب خیر و صلاحی اماده ایدوب و قتا که نوبت خلافت روز افزون عثمانی و عطیه کبرای وراثت تحت سلیمانی خلاصه دودمان خلافت و نقاوه خاندان

سلطنت صاحب قران دور زمان طلسم دهنه امن و امان مظهر تائیدات حق و قیوم مولی ملوک العرب و العجم و الروم الا وهو السلطان الاعظم ابن السلطان المعظم ابو الفتوح و المغازی السلطان الغازی احمد خان ایلله الله الملائک المنان حضرت لری نیک شرفند باب دولت لری اولمق مقدور و مپسر اولدی عهد میمنت ما نوسلر نده پیرایه کتابه روزگار اولمغه شایان نیجه نیجه معالی امور و مصالح جمهور پیاپی جلوه کر مجلای ظهور و اولوب نظم سنین در انتظام هجرة نبویه بیک یوز قرق بر حدینه و اصل و عهد خلافت علیه بکرمی الی سنه یه متواصل اولد قده انقن اعمال حسن اشتمال اولان شاهد نور سیده صناعات طبع عالم مثال دن منصبه ظهور ده طراز نده حله وجود ایلله خرامیده اولارق عرض دبدار ایلدی پس بوفن بدیع الغور و عجیب الطور ایلله تکثیر کتب و احیای معارف و فنون و زمره طلبه علوم بویوز دن شاد و مسرور و یورلق همتنه التفات رجاسیله حالادولت علیه ابد استمرار ده تشریف ساز مقام صدارت عظمای سایه انداز مسند و کالت کبری وزیر بر جیس فطنت مشیر عالی همت باب مداین الطاف و کرم داماد شهریار معظم اعنی به حضرت ابراهیم پاشایسر الله مایروم و مایشاء حضرت لری نیک پیشگاه مکارم دسته کاهلر بنه عرض حال اولند قده نتایج افکار اصابت شعار لری و تفاریع ارای مملکت ارالری مقیرن صلاح اهل عالم و متضمن نظام احوال امم اولوب بوفن مفیدک حصولنه رغبت و زمره موحدینه بو طریقیه امداد و اعانت لازمه ذمت علوم و همت و مهمه اساطین دولت ابد و کی علم عالم شمول لری نده ظاهر اولمغه هماندم عقلاء اولی الابصار و فصلاء ذوی الافکار ایلله عجاله افداح مشاؤون و مدبران اصابت اپین ارکان دولت ایلله فتح باب



مخاون بیوروب بوامر دیشانک اساس و مبناسی قواعد شرع مبین  
 و اسخه البنیانه تطبیق و توفیق ابله مرصوص و ماسس قانع رأی رزین  
 صواب دبداری بیور لمغله حالا متعهد امانت کبری فرمان فرمای مسند  
 فتوای کسای مشکلات خلق عالم سنج مشایخ خیرام علامه عصر  
 فرید دهر مولانا عبد الله افندی حضرت نرندن استفتا اولنوب اشرف  
 مساعی و احسن صنایع اولمغله منافع عامه بی متضمن برفن مفید اولدوغین  
 اشعار و قلم معجز رقم حکمت امیز لر بله افتا و بیان پیور ملر بله موجب  
 عمل اولمق یابنده جانب شهریاری عالم پناهدن خط همایون شرف  
 مقرون شرف یافتہ صدور مینت و رود بله دامن قیامتہ دکن عنوان  
 مفاخرت و ذکر بالجمله وسیله اولمغچون سرد فترما محمد نلری بیورادی  
 بناء علی ذلك بو طبع مطبوع و رسم مرغوبك اغوزج و جودی و غونه  
 ظهوری اولمق ایچون اقدام مبادی فنون عربیت و عنوان علوم شریعت  
 اولان فن لغت ابله ابتدا مناسب کور بلوب کتب لغات میاتند صحاح  
 جوهری ترجمه سی اولان وان قولی نام کتابك جودت و ندرتی و طلاب  
 علومك رغبتی و تحصیلك عسرتی مقرر اولمغله طبع و رسمه مباشرت  
 اولندی لکن نسخه لری کیاب و ظفر یاب اولدوغن نسخ دخی ضبط  
 و خطادن خالی اولمیبوب خط همایون و اشارت علیه ابله تصحیح مأمور  
 اولان فضلانك تهذیب و تنقیه اشتغال لری اثناسند کارخانه طباعت  
 عمله سی کاه بکاه خالی قالب تصبیع او قانندن تحاشی ملاحظه سیله  
 مرحوم و مغفور له کاتب چلبی الملقب بحاجی خلیفه خالص النیت شاگرد  
 النعمت خیر خواه دین و دولت بر ذات عالی همت اولوب بالجمله مؤلفاتی  
 تعظیم

تعظیم شان دولت اهنامیه ذبیت وزینت بولمغله تحفه الکبار فی اسفار  
 البحار نام کتاب لطیفی اگر چه قلیل الاوراق جمعی صغیر لکن معنا و مفادده  
 بی نظیر حقا که سالکان راه جهاد کبریا و بحرار هجر حازقی و غازیان مجاهدان  
 صمیم الاجتهاد کرهنمای صادقی نصایح و وصایای خلوص امیزی جهاد  
 اندیشانك مابه التیمیزی بر نسخه نفیسه اولمغله تألیف عیدیه و تصانیف  
 مفیده سندن انتخاب اولنوب انك دخی عباراتی طبع و تمثیل و اشکال  
 و صورتی تصویر و تشکیل و بعض محسنات ضمی ابله عاجزانه توضیح  
 اولنوب ابدی خواص و عوامده تحفه سنیه بر بر گزار و غنچه نوشکفته  
 بهیه بر یاد کار اولمق امید بله طبعنه شروع و عنایت حق ابله ابکی نسخه  
 مرغوبه دخی حسن ختامه رسید اولمق خلافت ممالک شرقیه ده مدت  
 مدیده دن برومتد اوله اموری حاوی و اول اقطار ده زمین ایران طوایف  
 اغوانیان و عجمیان و ملل سایر میاتند ظهور و حدوث ابدن و قایمی  
 محتوی تاریخ سیاح در بیان ظهور اغوانیان و سبب انهدام بناء دولت  
 شاهان صفویان نام کتاب عبرت و بصیرت افزایه ظفر یاب اولوب اسان  
 لا پنددن ترکیه تبدیل و ترجمه و بسمه خطوطیله توفیری بایند اذن  
 ورخصتی متضمن فرمان عالی ارزانی بیور لمغله نسخه مرقومه نك مطبعه  
 شروع اولنوب فلاله الحمد والمنه اتمامی میسر اولدی اصحاب انصافدن  
 نیازمندانه تمنی اولنور که تعبیر واداده و رسم واملاده  
 واقع اولان هفوات و عشراتی عفو و قصور  
 و کسور یزی صفح جمیل ابله  
 سر بیور لر



صورت امر شریف  
ترجمه مذکور نك نفعی عام و سبب تیقظ اولی الافهام اولمعه التشار منافع چون  
بسمه خطوطیله نك شیرینه اذن ورخصت ویرملکله ممانعت او انیمه دیو حکم

صورت عرض حال  
دولتلو و سعادتلو  
خدا کیای دولت لرینه حقیرانه عرض اولنان ترجمه تاریخ سیاح در بیان  
ظهور اغوانیان و انهدام بناء دولت شاهان نام بحاله نك فن بسمه ابله توفیری  
وایادی ناسه و صولی رای وزین اصف نظیر لرند مناسب کور بلورایسه  
بسمه سی بانه اذن شریف لرین متضمن امر شریف عنایت بیورلق بانه  
امر و فرمان دولت او سلطانم حضرت لرینکدو  
براهیم

فهرست کتاب  
مقدمه در بیان ظهور  
دولت شاهان و مدت  
حکومت ایشان ۲

تفصیل احوال شاه  
سلیمان ۴  
احوال مادر شهزاده ۶  
بیان احوال میرزا عباس ۷

وفات شاه سلیمان ۷  
احوال شاه حسین ۸  
عدد شاهان صفویان  
و مدت حکومت ایشان  
علی و فقی تواریخ عثمانیه ۹

النکات فی زوال دولت  
شاهان ۹  
عدد ممالک ایران ۱۰  
بیان احوال اغوانیان  
و سبب ظهور ایشان ۱۲

بیان احوال جنگ  
اغوانیان ۱۳  
ذکر مسالک و مسافات  
من شهر اصفهان الی  
قلعه قندهار ۱۵  
اوصاف قندهار ۱۶

سبب استیلای شاهان  
عجمیان بقلعه قندهار ۱۶  
نیمه مافی الباب ۱۷  
بیان عصیان یورکی خان  
والی کورجستان  
و انهرامش ۱۷



آمدن یورکی خان باصفهان واعتماد کردنش در پیشگاه شاه جمجاه ۱۷	آمدن بابچی از جانب پادشاه هند برای استرداد قندهار ۱۸	ندبیر کردن شاه و رجال و فرستادن یورکی خان بالشکر کوچستان ۱۸
برای استحکام قلعه قندهار و دفع مطالبه پادشاه هند ۱۸	بیان احوال میراویس ۱۹	آمدن میراویس باصفهان واحوال ساروش پادشاه ورجال ۱۹
عرف حال دادن میراویس در پیشگاه شاه برای رفتن بحج شریف ۲۱	استفتاء کردن میر اویس از علماء حجاز ۲۲	عودت کردن میراویس باصفهان از طریق حج ۲۳
آمدن پیام بابچی از جانب چار مسعود باصفهان	ومشورت رجال در احوالش ۲۳	ندبیر میراویس در احوال بابچی مسعود ۲۴
عزیمت کردن میراویس از شهر اصفهان بجانب قندهار ۲۶	وصول میراویس بقندهار	وندبیر کردن برای قتل پورکی خان والی قندهار ۲۶
مشورت کردن میراویس باغوانیان بعد قتل پورکی خان ۲۷	عزیمت کردن میراویس برای فتح قلعه قندهار ۲۸	مشورت کردن اغوانیان بعد فتح قلعه ۲۹

مکاتبات و مراسلات عن جانب میراویس با رجال پادشاه هند ۳۰	سفر عجم در قندهار و سر عسکری خسرو خان ومحاصره قندهار ۳۱	ندارک کردن میاویس برای مقبله بالشکر خسرو خان ۳۲
فراغت کردن لشکر عجم از محاصره قلعه قندهار ۳۳	و فرار کردنش و انزمام شدنش ۳۳	وفات میراویس ۳۴
جلوس میر عبد الله در تخت قندهار ۳۴	بیان احوال میر محمود و قتل کردن میر عبد الله و جلوسش در تخت قندهار ۳۵	سفر کردن عجم فی الدفعة الثانیة برای تحلیص قلعه قندهار ۳۵
سر عسکری صفی قوی خان و احوال فرزندش خان نوجوان ۳۵	انزمام عسکر عجم ۳۵	وقتل شدن سر عسکر صفی قوی خان و فرزندش نوجوان خان ۳۷
ندبیر رجال عجم برای سفر بجانب اغوانیان ۷۳	وسر عسکری لطفی علی خان واحوال جزیره بحرین ۳۷	استمداد عجم از دولت پور نقال ۳۸
آمدن میر محمود بکرمان ومحاصره و تسخیر کردن کرمان و جنگ کردن ۳۸	بالشکر لطفی علی خان و انزمام میر محمود و فرارش در قندهار ۳۸	نفاق رجال عجم در حق لطفی علی خان ۳۸



بیان احوال اعتماد الدوله فتحی علی خان و زویرات رجال رد حقش ۳۹	قلع کردن دیوار کاز اعتماد الدوله بنفاق رجال عجم ۴۰	احضار شدن لطفی علی خان از شیراز و حبس شدنش در شهر اصفهان ۴۰
دیوان کردن شاه و مرافعه شدن خصم با اعتماد الدوله ۴۰	الجواب عن جانب اعتماد الدوله ۴۲	بیان کردن احوال لطفی علی خان ۴۷
نظمه در بیان بقیه احوال لطفی علی خان ۴۸	بیان ظهور علامات سماوی و ارضیه فی الدوله الصفویه ۴۹	عزیمت کردن میر محمود بجانب مملکت کرمان ۴۹
عزیمت کردن میر محمود از کرمان بجانب اصفهان و فرستادن خان هویزه	از جانب شاه برای تجسس احوال میر محمود و خروج لشکر عجم از شهر اصفهان ۵۰	تحریر و ندادن کردن عسکر در شهر اصفهان برای مقابله بالشکر میر محمود ۵۱
قدوم لشکر میر محمود در جوار اصفهان و مشاوره کردن رجال عجم ۵۰	برای مقابله بالشکر اغویان ۵۱	مقابله کردن لشکر عجم بالشکر اغوان و انهمزام شدن لشکر عجم ۵۲
ضبط کردن اغویان آورد وی عجمیان بعد الغلبه ۵۳	مشورت کردن اغویان بعد الغلبه برای رجعت در کرمان ۳۵	فرستاده شدن خان هویزه برای تجسس احوال اغویان ۵۴

ارسال شدن مکاتوب از جانب خان هویزه برای مصالحه با غویان ۴۰	فراغت کردن اغویان از هوای رجعت در کرمان ۵۰	وعزیمت ایشان بشهر اصفهان ۵۰
احوال جولفه ۵۶	مباشرت اغویان بمحاصره اصفهان از جانب جولفه ۵۷	بیان احوال فرح آباد ۵۶ انهمزام اغویان در هجوم بجسر شیراز ۵۸
وعزیمت کردن اغویان بامر مصالحه با عجمیان ۵۸	رسیدن پیام از جانب خان هویزه با غویان و فراغت ایشان از رغبت مصالحه ۵۹	ندار کردن ذخایر از جانب اغویان برای محاصره ۵۹
ارسال شدن خان هویزه از جانب شاه برای مصالحه با غویان ۵۹	هجوم اغویان بجسر اب سایاد و مباشرت ایشان در محاصره تمامی شهر ۶۰	محاربه اهالی بن اصفهان با غویان و اخذ ذخیره از دست ایشان ۶۰
انهمزام میر محمود در جنگ اهالی قصبه بن اصفهان ۶۱	احوال آمدن عسکر عجم برای آمدن اصفهان و انهمزام قرنداش علی مردان ۶۱	استمداد شاه عجم از جانب وختان خان والی کورجستان ۶۱
احوال شهزاده طهماسب ۶۲	احوال میرزا سائیان و میرزا صفی ۶۳	تأهل کردن طهماسب در شهر قزوین بخریک رجال بدنه داش ۶۳



زیر در بیان وقایع غریبه در اصفهان از شدت محاصره ۶۴	و جمع و مراجعت کردن ناس بدولت خانه ۶۴	مراجعت کردن ناس بجانب خان هویزه ۶۴
هجوم و غلو کردن ناس بسرای شاهی ۶۵	بیان احوال خادم احمد اغا ۶۵	بیان احوال قحط در شهر اصفهان ۶۶
عدد مقتولان از شمشیر و هلاک شدگان از قحط در شهر اصفهان ۶۸	تسليم کردن شاه حسین تاج شاهی و تخت ایرانی بجانب میرمحمود ۶۹	وضبط شهر اصفهان واحوال سارو در میان اغوان و عجم ۶۹
ضبط شهر اصفهان و ترتیب الای و رفتن میر محمود و شاه حسین ۷۱	بدولت خانه و جلوس میرمحمود در تخت شاهی ۷۱	احوال جمع و تحصیل خزینہ از جانب میر محمود ۷۲
ارسال کردن عسکر برای فتح قزوین و وقعه قزوین ۷۳	بیان قتل عظیم در اصفهان ۷۳	کفتاری پند امیر سمیاح ۷۵
ترفع شدن قدر اغوان و تعیین حدود و مرائب در میان ناس ۷۶	ندارک کردن ذخایر برای اصفهان ۷۶	مشورت کردن اغوان برای ندارک عسکر ۷۷

ندارک اغوانیان برای فتح و تسخیر بلاد در حوالی اصفهان ۷۷	فرستادن عسکر برای فتح شیراز ۷۸	سر عسکری فریدون خان از جانب طهماسب و عزیمت بایالت بریه ۷۰
اطاعت کردن اهالی کشان ۸۲	وقعه امان الله خان ۸۲	عزیمت کردن میرمحمود برای تأدیب اهالی شهر کز ۸۴
طهور جنون میرمحمود ۸۵	قتل کردن واسطیصال کردن میرمحمود شهرزاده کان عجم ۸۵	روایت کاذبه فی سبب استیصال شهرزاده کان ۸۶
بیماری میرمحمود ۸۶	فرستادن سید علی خان بجانب قزوین و انهرامی اوست ۸۷	جلوس اشرف بجای محمود و قتل کردن محمدرضا ۸۷
اوصاف و مناقب میرمحمود ۸۸	بیان احوال برادر میرمحمود ۸۸	بیان مقدار عسکر اغوان و عدد ایشان ۸۹
احوال اشرف سلطان ۸۹	بیان فرستاده کردن میر محمود اشرف خان را یزندان ۹۰	اسمائات دادن اشرف خان با اهالی ایران ۹۱



تطیب کردن اشرف خان شاه حسین را و نسلی دادن خاطر اوست ۹۱	وارسال کردن نهشته شهرادگان بشهرقم ۹۱	تجربه کردن اشرف خان شاه حسین را درارزوی شاهی ۹۲
تکلیف کردن شاه حسین ترویجی دخترش باشرف خان ۹۳	فرستادن اباجی ازجانب اشرف سلطان بجانب طهماسب ۹۳	بیمان فرستادن نامه ازجانب اشرف بجانب طهماسب ۹۴
عزیمت کردن ارسلان خان ازجانب طهماسب بجانب شهرقم و قدوم ۹۹	عسکر اشرف خان یقز وین و مقابله وانهزام لشکر عجم ۹۹	اهتمام کردن اشرف خان برای جمع و تحصیل خزینہ ۹۶
احوال امان الله خان ۹۶	احوال میانجی میرمحمود ۹۶	احوال قزنداش اشرف خان ۹۷
احوال ماد و میرمحمود ۹۷	خاتمه ۹۷	

مخفی اولیہ کہ اشبود استان ظهور اغوانیانی و انهدام بناء دولت شاهانی  
 متضمن ترجمہ نیک اصل اصیلی اولان کتاب عبرتنامہ حیرت انسابیک  
 مسودی ملت مسیحیہ دن عالم فسیحہ الفضادہ سیر و سیاحتی ملتزم  
 و امور غریبہ و وقایع بدیعہ ضبط و تحریر نہ ملازم ارباب سیاحتدن قابل  
 سداد ملحوظ ارتسام رشاد طوبت شان هدایت نشان بر شخص سیاح  
 مرجو الفلاح مأمول الصلاح اولوب فی الواقع منصفانہ تحریراتی و حکیمانہ  
 ادوات تعبیراتی سیاح مرقومک مجتہس الامور صاحب فراست دانای قواعد  
 حکمت اشنای قوانین سیاست تمیز احوال ملک و ملت اهل خبرت بر مرد  
 عاقل و تجربه دقیق اموردہ صاحب فطنت فرد کامل ابد و کنہ دلیل کافی  
 اولد و غندن ناشی لسان لاتن اوزن جمع و ترتیب ابلدو کی تاریخک سباق  
 و سیاقنہ تعرض و مضمون عبارتنہ زیاده و نقصان و تحویل و تغییر مراد  
 اولنیموب لسان ترکیب تبدیل و ترجمہ دہ و معنایی ادا و تعبیر دہ عین  
 مقصودہ موافقت بولنق اوزن صرف مکنت عاجزانہ قلنشد در فالہ  
 التوفیق للصواب والیہ المرجع والمآب ترجمہ الحقیر والفقیر

ابراہیم من متفرق کان

درکاه عالی





## بسم الله الرحمن الرحيم و بسم تعین

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی جمیع الانبیاء والمرسلین اما بعد  
 بو عبد عاجز و فقیر حقیر ناجیز و اقل رها پندن سیاحان سیر مسکن  
 شعار طریق یزید سماعی و سلوک کیده تحصیل مال و منال سودا سندن فارغ  
 البال و ماسوای جناب خالق الموجد ائدن کف عنان امال اجتهاد ن  
 کند و مه نسبت حسب حال و بوندن اوز که مسند و معال اولمد و کی  
 خارج دایره قیل و قال اید و کن یقینا بلوب بو عالم کون و فساد فسیحة  
 الفضاده پیانی تک و تاز ابله دار و دیار بی شماری سیر و تماشا هواسی لاجرم  
 ارتکاب تعب طریق سیاحت و تحمل بار کیران مسافر ندر و اگر چه تجربه  
 امور سودا سی لابد هواد ثروز کار نا هموار ابله منکسر خاطر و فی الیال  
 و النهار ظهور و قایع مختلفه الاطوار ابله دل و درون کدر الود اولمقدن  
 صبار ندر اچق یوما فیوما بلکه انا فانا مشاهد آثار قدرت نامتناهی  
 و مطالعة آیات باهرات جناب خدای ذوالجلالی ذوق روحانی و موجب  
 نشاط و انبساط درونی اید و کی دخی اولی الابصار ذوی الاعتبار قنده خفی  
 و پوشیده دکلدر بنابرین بوبسته کتیری دستمایه شوق رؤیت عجایب  
 و تازیانه از روی تجربه غرایبات سوق دلفریبی تقریبیله لازمه ذمت  
 طریق اولان سیر و سیاحت سمته عطف عنان عزیمت و اقطار غریبه دن  
 بلاد و امصار شرقیه جانب لارینه اماله زمام عاجزانه همت برله بعد مدت  
 دار ملک زمین ایران کرسی ممالک شاهان افتخار صفویان شهر شهر

اصفهان

اصفهان و وصول بو اولوب بو خطه جلیله حکمت علمیه ربانیه مقتضا سنجه  
 حقیر بر مدت جای قرار و باشخوری پایند سمند اختیار اولمغه ایام مکث  
 و اقامت و هنگام ارام و راحت و انتساب لسان تقریبیله کام سر گذشت  
 عجمانی متضمن کتب معتبره توار یخضر بنی تتبع برله صرف اوقات و کاه ارباب  
 دانش ابله صحبت و اختلاطی التزام و کاه ظهور و حدوث ابدن و قایع  
 غریبه و دواهی عظیمه و شذر و منذر اقوام متنوعه و هرج و مرج طوایف  
 مختلفه عجمیان و اغوائیان ابله سرگردان وادی حیرت اولوب بالجملة روی  
 زمینده ممکن اجناس ناسه دوام و قیام دولت اسبابی ادر اکره بر اینده مجلا  
 و طوایف مختلفه و ملل متفرقه عالم اولی الابصارینه باعث انهدام بنیان  
 دولت اولان احوال و اطواری اذعانده بر مرآت عبرت فاو ذوی الافکار اولان  
 مدققین و محققینه بصیرت افزا و لائق ملاحظه سیماره روز بروز بالمشاهده  
 اطلاع و بالمعاینه علم و وقوف تحصیل ابلدیغ امور جمع اید و بربعاه  
 یازدم و نفی عام اولمق اچون ادای مقصود ده السنه حکمادن اولان  
 لسان لایق اختیار ایدم مقدمه در بیان ظهور دولت شاهان و مدت  
 حکومت ایشان منظومه سلاک سفین هجر نده منساک تاریخ وقتا کد طقوز  
 یوزالتنجی سنه یه بالغ اولوب نظم پرات نظام سلاطین محبت آثار عثمانیانه  
 نوبت خلافت سلطان سیم خان علیه الرحمة و الغفران حضرت نلرینه  
 پد اماتلرینه مفوض اولوب قلم و حکم عرب و عجم و روم اولمق تقدیر  
 لم یزل اشکار اولمش ابدی عهد سلطنت سعادت قرانلر نده ممالک شرقیه دن  
 خطه ازربا یحانده یانی بنام دولت شاهان و مؤسس اساس جمهور خانه دان  
 عجمیان اولان شاه اسماعیل اردبیلی بن شیخ حیدر بن شیخ جنید بن شیخ ابراهیم



بن شیخ علی بن شیخ موسی بن صفی الدین اسحق ظهور ابدوب دول سابقه دن  
دولت فارسیه تعبیر ابله شهرت زده افاق عالم اولان دولت قدیمه یی  
زعیمجه احپاسوداسیمله واول دولت رجالندن تعداد اولنقی هواسیمله  
مسند نشینی داراوجم ادعاسنی کند ویه حسب حال قلوب باعث حدوث  
دولت صفویه اولدی سلطان سلیم خان ابله واقع معارکدیه کابجه کوکی  
اقباله کورینوب بعد الانهزام بجئی برگشته وچوق زمان مرور ایتیموب  
کندوسی دخی گرفتار بجه شیراجل و تاج و تختی ترک ابدوب یرینه اوغلی  
طهماسب شاه اولدی اندن صکره نك اوغلی اسماعیل بعد خد ابدوب بعد  
عباس بعد صفی بعد دیگر عباس شاه اولد بیلر واشبو عباس اول بیوک  
عباس دیکله شهرت بولوب تاریخ هجرتك طقوز یوز طقسان دورت  
سنه سنه تخت شاهی یه جلوس و قرق بش سنه مدت شاه اولمشدر  
ومالك عجمه بجه ولايتلر ضم والحاق ابله دولت صفویه یه استحکام  
ویرمشدر بيك اوتوز دورته قندهاں سفر ابدوب اول اولکده یی هند  
پادشاهی النندن الوب دولتنه ضمیمه قلمشدر بيك قرق بر ربيع الاخرته  
فرح ابادنام محله وفات ابدوب یرینه بنیره سی شاه صفی اون سکر یاشنده  
ایکن شاه اولوب اون دورت سنه مدت شاه اولمشدر بيك الی بر تاریخنده  
ینه عجم دولتنه نوعا ضعف طاری اولغله هند پادشاهی عسکر کوندر وب  
قندهاں قلعه سی واولکده سی عجم استیلا سندن تخلیص وفتح و تسخیر  
ابدوب دولتی ضمایندن قلمشدر تاریخ مز بورده سلطان مراد خان  
بغدادی فتح و تسخیر ابدوب ممالك عثمانیه یه الحاق شاه صفی ایسه جانبینه  
حواب و مقابله دن عجز بنی ادراك ابدوب دولت علیه ابله مصالحه یی ترجیح

ورای

ورای صواب کوروب بوجا بندن ما مون الغائله اولد وخی برله قلعه  
قندهاں هندی بیلر النندن فتح و تسخیر سوداسیمله الی بش تاریخنده ماه  
شعبانك التجی کوننده اصفهان دن حرکت واول جانبیه عطف عنان عزیمت  
قلوب قسطنطنیه نام شهره واصل اولد قله اجل ایریشوب راه قندهاں دن  
فارغ و شهر رمضانك اون ایکنی کونی طریق اخرته رو براه اولمشدر و کوچك  
شاه عباس نام اوغلی اون ایکی یاشنده ایکن یرینه تخت شاهی یه صعود  
ابدوب شاهلقه بر مدت استقرار و دولتنه نظام و یروب استحکام بولمق  
قندهاں تسخیری اهتمامنه دوشوب بيك الشمس تاریخنده مهمات کثیره  
وعسکر وافر ابله اول جانبیه عزیمت وجوار قندهاں وصول بولمق  
هند پادشاهی طرفندن عسکر کثیر ابله ما مور اولان پادشاه زاده  
حروب شدیده و قتال عظیمه دن صکره عاقبت مغلوب اولوب منهزما  
فرار و طوایف اغوانك هند بیلر عصیان و عجله امداد و اعانتلری  
نقر بیدله قندهاں قلعه سی واولکده سی ینه عجم شاهلری نك دست  
استیلا سنه گرفتار اولدی زیل در بیان بقیه احوال شاه عباس ثانی  
مقدمه هند عسکری قندهاں اولکده سی عجم النندن قلع و نزع ایلد کیری  
اشاده خراسان اقلیمه دخی دست درازلق ابدوب ضبط و تسخیر ایلر یله  
خراسان ملکی اول وقعه ده فرار و بر جانبیه چکیلوب اختفا پاش ابدی  
بود فعه عجملر هند بیلر غالب کلوب قندهاں اولکده سی ضرب دست ابله  
اخذ و ضبط ایلد کار بنی ملک مرقوم تحقیق ایلد وکی برله هند بیلر النندن  
ملکی تخلیص هواسی و اخذ انتقام سوداسی جای کیر ضمیری اولغله شاه  
عباسه ایچی کوندر وب و عبودیت نامه یازوب مضمونده ملاطفه یوللو



کنایات تحریر و بوی مخلصه کنایه از جلال و لا استحقاق اقلیم خراسان  
مالکی اولوب خانه دان صفویه جانیده رد و رلوسوه قصد یز سبقت ایتش  
دکل ایکن جانب شرقیدن سواد الوجه بر سمع ظهور و طرفلر بکره  
اولان مضرت قناعت ایتیموب سزک تقریبک ایلک ملک موروثی بدیدن  
نزع و تحت و تاجی غصب و ر بوده قلمق سزک علوشانکره عالمه عالی نامکن  
و طرفلر دن حقوق جوان هر حاله حرکت و رعایت سغی و اهتمام و اربکن  
ستایسته میدرد بوی بوی کونه عبارات و کنایات تحریری برله ملک مرقوم  
مشاهدن استمداد ایلدی و من بعد دخی شاهک خلوص و صداقتند  
نابت قدم و خیر اندیشلقد راسخ الدم اولمق اوزن تعهدلر ایلدی بنه  
علی هند اسام عباس فرصتی غنیمت عد ایدوب کرکی کی ندرک ایلک خراسان  
سفر و اقلیم مرقومی هند بلر لندن الوب مالکنه ضم و الحاق و ملک خراسان  
ایلک شروط و قیودی متضمن عهد و میثاق عقد ایدوب ملک مزبوری  
حکومتند ابقا و تقریر و نسلی منقرض اولنجیه دکن حکومت خراسان  
کند و لرند قلوب عجم شاهلری طرفلر ندن تعرض اولنماق اوزن منشورلر  
یاز بلوب ویرلدی و بعد الانقرض عجم شاهلری طرفلر ندن کیف ماشا و  
اقلیم مرقومه حاکم نصب و تعیین اولنه دیو عهد نامه لرنوب ویرلدی  
شاه مرقوم دخی بکرمی بش سنه مقداری مدت تحت شاهیده کامران  
اولوب خرم آباد نام محله وفات و تحت و تاجی غیری یه سپارش قلدی  
فعلی هذه یلک بئش طقوز تار یخنده ماه محرم بکرمی بشی کوننده ایکنی  
میرزا صفی تحت شاهیه جلوس ایدوب فرمان فرمای ملک زمین ایران  
اولدی شاه مرقوم ایسه انبای حکومتند بر مهب و هولناک رویا کور و

خوف

خوف و تشویشه دوشدی و تبدیل نام ایلک تغییر قضای ازل ممکندر  
ملاحظه سیده صفی نسیمه اولنور ایکن اسمنی سلیمان اسمنه تغییر ایدوب  
من بعد شاه سلیمان نسیمه اولنوردی و کورد وکی هولناک رویاکی اثری  
اگرچه کند و عهدند ظهور ایتدی لکن فرزند شاه حسینک شاهلری  
زمانه بالمعاینه وجوده کلدی تفصیل احوال شاه سلیمان شاه  
مرقومک بر سلطانن اوج فرزندى وجوده کلوب سنا صغری شاه  
حسین ایدی و شاه سلیمان مرقوم بدجملت و مذموم الاخلاق عجول  
و غضوب بی رحم و بی شفقت غایت ایلک خود بین و خشین بر مردناقص  
اولوب بر کون فرزند امجدینک مرضیسی اولمیان بعض ناهموار حرکتی  
مسموعی اولد و غی برله تار غضبی اشتعال بولوب نه شفقت پدرانه طبعند  
ذن دکلوه یحان و نه مشفعین رجا و نیازلری دروننده ایکنیر امکان اولوب  
دردمندى ادنا جرم ایلک قتل ایتدردی دیگر فرزندى پدرى شاهک  
بو کونه تحور بنی و غضب الود حالنی کوروب کند و یه خوف و هراس عارض  
و وهم تشویشه تاج اولوب پیشگاه شاهیدن نفرت و ابانجه زمان پدری  
حضور ینه وار میوب عزت نشین زاویه تجرد اولمش ایکن شاه سایانه  
عاقبت فرزند امجدینی بی جرم قتل ایلد و کنه نوعاندامت و تأسف ال  
ویروب اور تانجه او غلوفنی کورمک اوز و سیمله حضور ینه دعوت ایچون  
امر کوندردی لکن شهزاده نوجوان برادری مقتولک احوالنده پریشان  
الخطار اولوب وهم و خوف کند و یه غالب وادی خیرنده عاجز و در مانده  
بیم جان عزیز ایلک السعید من اتعظ بغیره کلامی مضمونن فکر ایدوب بر او گردن  
شاهک پیشگاهنه وار مدن تحاشی و اجتناب ایدرک پدری برادر مقتولک



حاله ندامت القوا و كندی حقنه مروت و شفقت پدرانه همچنانكه تحريك  
 و ترغيب و بوباب ارشاد و الزام اسبابی ندارد اشتعالند بكن بونته  
 تمسبت بولد و مقامید بلك بركون پدری شاهك خاص بايحه سنه دخول  
 و النته تبرالوب انظار شاهانه و تربيه ملوكانه لربله پرورش یافته اشجار  
 بالابلند و مثمره دن برنهال سر و قدی اظهار تهور و ريله صور تاقطع ابللك  
 مباشرتن كوستردی شهزاده درد منلك مقصودی شاهی ارشاد و الزامه  
 محصور بكن عكس قضيه ظهور ابدوب شاه خشین و خود بین و غایت  
 ابلله كند طبیعت اولغله شهزاده نظریفك تراكت امیز شفقت انكیز  
 حرکتی فهم و ادراك ابلله مقید اولیوب انحق تهورانه وضع و حرکتی  
 اندیشه سنه دوشوب احوال سایر به صرف ذهن ایتیموب شاه بی  
 مروتك تنور غضبی بونك دخی حقنه پر نار و قتل و اسنیمبالن حکم و  
 قوریچی باشی سنی چاغر دوب بلا امان قتل ابللك اوزن امر و تنبیه ابلدی  
 قوریچی باشی مرقوم عاقل و دانا صا حب رای و تدبیر و ارباب شفقت  
 و مرحمتدن بر مرد کامل اولوب ولی نعمتی بولنان شاه سلیمانك جگر گوشه سی  
 و فرزند معصومینك قتلنه صادر اولان امر و عزیت ناشایسته سی طور  
 طبایع ادمیان دایره سندن دور اولوب با خصوص بوبله بر معصومك  
 خون ناحق كندی دست مباشرتیه افشان اولغی زیاده كریه كوروب  
 بووادی عزیت حیرت اشماله بر زمان مختیر و سرگردان اولدی و بذل  
 مقدور بوبله بوباب شاهك نار غضبی تسکین و نایره سوء قصدی اطفال  
 و سكونت بولغی اسبابی ندارد كنده شمیر ساق اهنام ابدوب پیشگاه شادی  
 مرونه بوبله كلام مصلحت امیزه آغاز ابلدی نیم مرونلو شاه ولی نعمتم

مرحمت

مرحمت شعار اقدام سلطانم حضرتلری بوعبد احقر صداقت پرور  
 كترین قوللری عنایت كوستر شاهم مرونلو افندیك محض عنایت  
 و احسانلرندن ماللك اولوب قوشاندیغ شمشر تیزم مجرد شاهك  
 دوشمنلری اولانلرك خونین ریزان و افشان و اعدای دولتندن اخذ  
 انتقام بوبله دنیاده برنام و نشان قومق ایچوندروالانان و نعمتیه پرورده  
 و انظار علیه شاهانه لربله پرورش یافته اولدوغ خاندان عظیم الشانه  
 بوبكونه خیانت و ولی النعم افندیك نور دیده لری اولان فرزندانی  
 كناهلرك ناحق بره سفك دمالینه مباشرت و بوطریقیه الی یوم القیام  
 هدف لغت خواص و عوام اولغله العیاذ بالله تعالی وسیله اولغی ایچون  
 دكلدر بوامر منكره تصدی قولكزه كون حیزامكان اولیوب شاهك  
 فرزندانی كناهی رینه نیم کی نجه لرك قتلی اولی و بكانسبت اسهل و اهوندرو  
 بلكه شاهمدن بكالطف و احساند رزیرا بوندن اقدام فرزند امجد بگری  
 قتله امر و جواز بیوردیغ فكر ائشاده بو خصوص میان خلقده عظیم كفت  
 و كو اولوب قلوب ناسه نوعا برودت ایراث و بالجمله قوللر بركك جناب  
 شاهیلرینه اولان میل محبتلرینه فتور كتوروب بارگاه دولت پناه كردن  
 نیجه لرینك نفرت و وحشتلرینه سبب اولش ابدی دیوب مرقوم  
 قوریچی باشی وجه مشروح اوزن حضور شاهیده گاه واقع حالی عرض  
 و اعلام و گاه دروغ پر فروغ و ضروب مصلحت امیز لرایراد و حسن تعبیر ابلله  
 كلامین تربین و پند و نصیحت یوللو تضرع و نیاز طریقلرینه سلوكیه  
 هاقبت الامر شاه بی مروتیه پشیمانی و ندامت الی ووروب فرزندینی قتل  
 ایتدر ملك نیت قبیحه دن و بوامر ناشایسته یه عزیتدن فراغت یوزین



کویسترمغله قوریچی باشی یه انجامنده خطاب ایدوب دبد بکه ناره غصم  
 اطفا و سکونت بولدی و بو خصوصیه بکندامت ال ویردی بنی ایقاط  
 ایلد بکک خدمت مبرون ک و و بالدن صقند یفک غیرت وحیت و افره  
 و خلوص و صداقت اوزن خاندان خزه اولان خیراندیشلغک ظاهر  
 و اشکار اولوب عندی زده مقبول و پسندیده اولدی امثال و اقرا نیک پند  
 باعث امتیاز برسی جمیلک بولنوب انارن مشاهده ایدرسن انجق بونیت  
 و عزیت ناشایسته مزو بو خطا الود حرکتم من بعد ایکیز پند ستر و کتم  
 اولنوب بوسرخنی و مکتوم اوله و افراد افریده دن بر فرد بو حاله واقف  
 اولمیوب بو ماده نسیمه نسیمه افراموش اولنوب زینهار و زینهار فرزندم  
 دخی ماجرادن برنقریدیه خبیر و آگاه اولیه دیوشاه مرقوم قوریچی  
 باشی یه محکم تنبیه و تائید ایلدی قوریچی باشی دخی شاهک صداقتکار  
 بنده سی و دولت صفویه نیک رفعت خواهی اولمق فکر و ملاحظه سیه  
 اگرچه بوسرورازی دیکرانه کشف ایتدی و لکن حسن تدبیر و رأی  
 رزین اولمق اعتقاد ایل شاه زاده بی دوستانه ایقاط و من بعد رضای  
 شاهیه موافق حرکت بولمق و هر حاله امرینه رام و شاهک منفوری  
 اولان وضع و حرکت متصدی اولماق تنبیهی متضمن پند و نصیحتلر  
 ایل طر ح و تسویه قلدیغی بناء تدبیرینه استحکام و یروب غفات ایل  
 بر مخالف شی ظهور ایلماک ایچون شاه زاده بی ماجرادن خبیر و آگاه  
 قلدی امر صواب مد ایلیمو محرم اسرار قلدی پس کل ماجاوز الاثنین  
 شاع کلامی مفهومندن تغافلدن غیری سوء تدبیره سالک و ناقصه العقل  
 نسوان طایفه سنه حقه سرمکتومی و دیعه قلمی رأی ناصوابه متصدی

اولوب

اولوب اول امرده شاه زاده نیک والد سنه خفیه خبر کوندروب واقع  
 حالی بلدردی و اوغلی شهزاده بی شفقت مادرانه مقتضای سنجه پند و نصیحت  
 ایدوب من بعد عاقلانه وضع و حرکت حکیمانه و ادبانه شاهک درگاهنه  
 ملازمت قصور ایلماک اوزن توصیه و تربیه و بوسر مکتومدن بر فردی  
 آگاه قلماق اوزن تائید و کید و تنبیه و سپارشلر ایلدی احوال مادر  
 شهزاده چون شهزاده مادری ماجرادن آگاه اولدی دروخته خوف  
 و هراس مستولی و فکر و اندیشه کندویه غلبه ایدوب واقع حالی اگرچه  
 خفی و مکتوم اولمق اوزن شهزاده یه اعلام و افاده ایلدی و شفقت  
 مقتضای سنجه تربیه و توصیه ده دقیقه فوت ایتدی لکن نسوانه مقدور  
 نقصان عقل و رأی و تدبیرده عجز و فتور خلق و رویت و تشبیت  
 اموره قصور حبلی حسبه بوا مر مو حشک فکر و اندیشه سیه غم  
 و کدر و الم کون بکون افزایش بولدی و من بعد غضب شاهیدن امنیت  
 اعتقادی با لکلیه فاسد اولدی تا که بر کون فرزند شهزاده ایل نهانی  
 کورشد که طبعنه شفقت مادرانه بالضرور هیجان ایتیکله اوغلونه  
 یو کونه پند و نصیحت ایلدی که نیم نورد بدم او غم قرداشک بی چاره دن  
 نه منند جرم صادر اولمش ایدی که پدری بی مروت اول مظلومی قتل  
 ایتدردی مادامکه شاه بکونه غضب و ظلم و غدر ایل الوده طبیعت  
 وارد و مزاجنه افراط تهو و غالبدر ادنا بهانه ایل سنی دخی قتل ایلک  
 امر مقرر در انک ندامت بی ثباتنه اعتماد و بشیمانی سریع الزوالنه طبعی  
 و مروت و شفقت پدرانه سنه اینانق محضی حماقت در شمشیر خونریزند  
 زها بولمده اوز که طریق بودر که تغییر نام و تبدیل جامه قلوب لیس



درویشان کیره سن وعزم سیاحت ابدوب بودیاردن نابود ونا پیدا  
اوله سن وکوزک کوردوکی یره کیدوب بر زمان کم نام اوله سن جلادی امان  
شمشیرتیزینه طعمه اولدن شاید کدبو طریقیله رها بولمقدن بدل مقدور  
ایله سن دبد کده شهزاده نورسیده جوانک در دنده مادر مشفقنه ک پند  
و نصیحتی جا بکیر اولوب سوز بله عامل اولغه قایل و بوجه اوزن  
اسباب نجاته تشبیه ما پل اولوب هماندم کسوه درویشان رغبت  
وصوب مقصوده عزیت برله مادر مشفقنه سیله و داع و سرای شاهی  
اولان دولت خانه دن بر تقرب غریب ابله چقوب هی و ذی درویشان  
و تبدیل نام و ستانیه اول دیاردن نابود ونا پیدا اولدی بر قاج ایام مرورنه  
شاه سلیمان شهزاده نک احوال ملامت مورثه واقف اولیحق اطراف  
واکنافه ادمار تعیین ورتقلر ارسال ابدوب شهزاده نک بولنوب اله  
کتور لمسنه هر جانبه نکو پو عظیم نقید و اهنام قلدر و هر چند که بوباید  
جستجو ایدوب سعی و کوشش قلدر شهرزاده نک نام و نشاندن ارب بولمیبوب  
ما یوس ونا امید اولدیار شاه سلیمانک دخ سینه پر کینده فرزندی غم  
وعاری و بوقضیه نک حجاب ناری یوما فیوما از یاد بولدی چون  
شهزاده نک حقنه صدور و وورود بولان سوء قصد بنی وقتل وازاله ستمه  
ذاهب اولدوکی عزیت ناهموارینی بر فرد بلیوب بو خصوصه واقف  
قلدیغی محرم اسراری انجیق قوریجی باشی ابدی واقعه باعث وبادی  
اولدر دیوب قتلنه فرمان ابدوب بار سردن دور وراس مقطوعی سرای  
میدانده غلطان قلدر قوریجی باشینک قتلی ماده سی میان ناسد  
کفت وکوا اولوب عاقبت شهزاده فرارینک مادری اولان سلطانک

دخی مسمومی اولیحقنی جان یوهم ووسوسه غالب و فرزند ی شهزاده نک  
غیبتنده مدخلی ابد وکنه شاه واقف اولمش فکر واندیشه سیله اسکجه  
شاهدن خلاص بولمق ملا حظه سیله اول دخ کندویی تلف  
ایلیک اسبابنه مباشرت ایلدی عاقبت بوقصد بله بر کون بالای بام سرایه  
چقوب کندوسن زمیننه انداخته قلوب خرد خاش اولدی بوخبر  
مورخشن دامت انکیزدخی شاه سلیمانک کوشنه لاحق اولیحق الم وکدری  
صد درجه ازدیاد بولوب دل مجروحنه حزن داغ اوزن داغ اولدی  
سلطاننه علاقه دار بولمغله بو طریقیله تلفنه غایت متکدر اولدی  
واگرچه ماسبقه اشدندامت ابله نادم و پشیمان اولدی لکن کوفت کوی  
خلقه و شماتت ناسه کوچیله مقبل اولدی منوال محرر اوزن شاه سلیمان  
ایکی نفر فرزندی دبد ارندن محروم اولیحق میل و محبت پدرانه بالضرور  
طبعنه حرکت و قلب بی رحمیه شفقت و مرحمت بر مقدار رمیده اولوب  
میل و مودتی او چنجی فرزندی میرزا حسینه عطف و اماله برله علاقه  
ایلدی میرزای مرقومک بیوک والد سی هنوز سرای شاهیده مقیمه  
بولمغله شاه جانیندن مرقومه یه رعایت و التفات ابله نوازش خاطر  
قلنوب میرزا حسینهک یاتنه موجود بولنوب والد سی مقامنه  
مشفقانه تربیه و مادرانه نظارت سپارش اولندی و معلم تعیین اولنوب  
تحصیل علوم و فنون و معارف اسبابی اهنامنه دقیقه فوت اولندی  
میرزا مرقوم دخ اگرچه نظردن خور و حقیر و قصیر القامه قدملری  
دخی بیتاق ابدی لکن عقل و زکاده و فهم و فراستنه عقل اهل اولوب  
صاحب استعداد اولمغله پدری شاه سلیمانک مرقومک حقنه میل



و محبتی یوما فیوما ترقی بولدی و حضور شاهیه مد او متدن منفک  
 اولیوب شاهک رضاسنه موافق وضع و حرکتی سعی و کوشش ابله  
 شاهک درون جذب و تحصیل علوم و معارفه سعی یلیغ ابدوب پدر  
 و مادرینک حسن نظر لری و شاهانه تربیه و پرورشلرینه اهل و مستعد  
 او اوب همتلر ابله مدت قلیله ده صاحب کمال اولدی حضور شاهیه  
 حرکات و سکناتی پسندیده اولدوغندن غیری رجال دولتی قاتنه دخی  
 مقبول و مرغوب جمله نک قلوبن صید و شکار ابلش ابدی حتی پدرینک  
 حال حیاتنه ولی عهد تعیین اولتی اتفاقی کفت و کو او باش ابدی بیان  
 احوال میرزا عباس شاه سلیمانک دیکر سلطانن میرزا عباس نامنه  
 بر فرزند دخی اولوب لکن میرزا مرقوم پدری کی کند طبیعت و خشین  
 اولوب تحصیل علوم و معارفه نامستعد لکن فارس و جنگ اور و ذاتنه  
 بهادر جسور و دلاور و آلات حرب استعمالی فننه ماهر اولوب اکثری  
 اوقاتن سلحشور لق و تیر و توفنک انداز لغه صرف ابدوب بوفنده  
 فرید و بیکانه لکن علم و معرفتده بی بهره جاهل و نادان قالمش ابدی وفات  
 شاه سلیمان بر مدت سلطنتن صکره شاه سلیمان علیل المزاج و صاحب  
 فراش اولوب بالین موته باش قودی حیاتن نا امید اولیحق رجال  
 دولتی حضورینه دعوت و جمع ابدوب پند و نصیح یوللو وصیتلر ابلدی  
 میرزا احسینک علم و حلمی و معارف و فنونده فضل و کالینی تفصیل و بیان  
 و میرزا عباسک جهل و نادانلغنی و حروب و قتاله میل و استعدادینی  
 تعریف و عیان و شرح و بیان ابلدکن تحت و تاج شاهیه میرزا احسین  
 و دیعه و وصیت قلدی و بو حال اوزنه وفات ابدوب داراخرته کیتدی

فی الحال میرزا احسینک بیوک والده سی قیزلر اغاسیه اتفاق اوزن سرکاران  
 دولت اولان رجاله مراجعت و متوفی شاهک وصیتی اوزن میرزا احسینک  
 تحت شاهیه به جلوسنه اقدام و کین منصوبن ابقا و استقرار کین ترفیع  
 قدر و منزلت برله کامیاب کینه بر مبلغ نقد و ویرملک و عده سیله ترغیب  
 و تحریص قلوب میرزا عباس تحت شاهیه به قائم اولتی تقدیرن غصوب  
 و خشین و خود رأی اولدوغنه نچکزی حقارت ابله قتل و منصوب و مال  
 و منالندن دور ابلدجکی بدیهی اولدوغندن غیری باب جنگ و قتالی  
 فتح ابدوب آرامش دولت الدن کیدوب بالجه راحت و آرامکز مشقته  
 مبدل اولور دیو میرزا عباسه میل و رغبتن جمله بی تنفیر ایتدیلر  
 و فی الواقع رجال عجم دخی فریضه جهادی رقبه لرندن اسقاط ابدوب  
 حضور و راحت حضری تعب و مشقت سفره ترجیح برله تن پرورلر  
 و ذوق و صفا پرستلر اولوب کمال خواهش ابله میرزا احسینه میل و رغبت  
 و هماندم تحت شاهیه به اجلاس ایتدوب میرزا عباسی حبس ابلدیلر  
 احوال شاه حسین چون شاه حسین ذاتنه معتدل حلیم و کریم و عالم  
 و فاضل کسینه ابدی تحت شاهیه ده استقرار بولدکن برنجه مدت صلاح  
 و تقوا طر بقدرینه سلوکیله زهد اهتمام و منهیاندن ادنا بر فعلی مرتکب  
 اولمش دکل ابدی لکن تقدیر ازل برله نچه زماندن برو مزاج دولت صفویان  
 معلول و بناء نظام اتفاق و اتحاد جمهور لری شقاق و نفاقه مبدل و خرابه  
 یوزط و توب انهدامه مشرف اولمش ابدی الناس علی دین ملوککم  
 مفهومی امکان پذیر ظهور اولیوب مجرد شاهک صلاح حالی و اعتدال  
 و تقوایه سلوکی بیماری فساد طبایع ناسه درمان کافی و اصلاح



مزاج دوات بیمار لرینه علاج وافی اوله میوب بالاخره شاه حسینی دخی  
تقوا طریقندن فراغت وخلقنه اقتدا و موافقت برله مجبور قلد بیلر  
لخلاصه نتیجه حالاری برقیافته کیردی که شاه ورجال عوام وخواص  
خواب غفلت ابله و عیش و عشرته مشغیلله برکونه مستغرق اولد بیلر که  
بالجمله وقایع لیل و نهار دن بی خبر لر اولوب امور دولتری و مصالح  
جمهور لری رؤیت و تشبته مقید و ملتفت بر کلامی نافذ صاحب  
بصیرت کسینه لری قالمیوب شاه دخی خواب غفلتدن ایقاظه قادو  
برخیر اندیشلری بولندی مسود تاریخ اولان سیاح مرجو الفلاح  
عجم تاریخلرندن اولق اوزن شاهان صفویانک عددلری و مدت دولتری  
ضبطنده نقل و روایت ایلدیغی صورت بودر که تحریر اولندی مترجم تاریخ  
بو حقیر بر تقصیر دخی عاجزانه ظفر یاب اولد و غم کتب توارخ عثمانیه ده  
ضبط اولندیغی اوزن شاهان صفویان احوالی علی الترتیب جمع و درج  
و خلاصه ابدوب شاهان صفویانک ظهور لری تاریخی و عدد و ترتیب لری  
و هر برینک تاریخ ولادت و تاریخ جلوسی و مدت دولتی و عزل و وفاتی  
تاریخی ضبط اولنوب بوجمله ثبت و قید اولندی و مسود تاریخ اولان  
سیاح مرجو الفلاح شاهلرک حقنه نقل و روایت ایلد و کی  
احوال کتب توارخ عثمانیه ده ضبط و تحریر اولندیغنه چندان مخالف  
اولیوب روایتین بیننده انجق بر قاج سینه تفاوت اقتضا ایدر غالباً بو  
اختلاف دخی کتب تاریخ نسخه لری ایادی نسا خدن ضبط و خطا  
اوزن تحریر اولندیغندن ناشی واقع اولمشدر پس کتب معتبره  
توارخ عثمانیه ترنپ شاهان بومنوال اوزن ضبط اولمشدو

اول شاهان صفویان شاه اسماعیل بن شیخ حیدر طقوز یوزللی تاریخنده  
اون دورت یاشنده ایکن خروج ابدوب و شاه عنوانینی طاقنوب بکرمی دورت  
سنه حکومتد نصبره اوتوز سکر یاشنده وفات ایتشد ثانی شاهان صفویان  
شاه طهماسب بن شاه اسماعیل طقوز یوز اوتوز تاریخنده اون محقق یاشنده  
ایکن تخت شاهی یه جلوس واللی دورت سنه سلطنت ابدوب الشمس  
اوج محقق یاشنده پسر کهتری حیدر میرزا و مادری مهابشر تیلله نسیم اولنوب  
هلاک اولمشدر مراد خان ثالث عهدنده تهنیه سلطنت ایچون اشبو شاه  
طهما سب طرفندن نامه وهدایا ابله حاکم روان و نجوان طوقاق خان  
ایلیچی کوندربلوب طقوز یوزیمش دورت سنه سی اوایلنده محرز شرف  
تقبیل رکاب افتاب و لمشد ثالث شاهان شاه اسماعیل ثانی طهماسب  
طقوز یوز سکسن دورت تاریخنده اوتوز سکر یاشنده ایکن تخت شاهی یه  
جلوس و برسنه ویدی ای شاهلق ابدوب اوتوز طقوز سنه بکی ای عمر دن  
صبره وفات ایتشد رابع شاهان صفویان سلطان محمد خداینده طقوز  
یوز سکسن بش تاریخنده تخت شاهی یه جلوس واون سنه سلطنتدن  
صبره عزل اولمشدر خامس شاهان صفویان شاه عباس اول بن  
خداینده طقوز یوز طهسان بش تاریخنده اون سکر یاشنده ایکن باباسی  
یرینه تخت شاهی یه جلوس و قرق ایکی سنه سلطنتدن صبره الشمس  
یاشنده وفات ایتشد سادس شاهان شاه صفی بن صفی میرزا ابن شاه  
عباس بیگ اوتوز سکر تاریخنده اون سکر یاشنده ایکن تخت شاهی یه  
جلوس واون دورت سنه سلطنتدن صبره اوتوز ایکی یاشنده وفات  
ایتشد سابع شاهان شاه عباس ثانی ابن شاه صفی بیگ اللی ایکی تاریخنده



اون ابكي ياشنده ايك تخت جلوس و بگرمي بش سنده سلطنت ابدوب  
اونوز بدى ياشنده وفات ايتمشدر ثامن شاهان شاه سلیمان که مقدم  
صفى نسيمه اولنوردى ابن عباس ثانی بيك یتیم بدى تاريخنده بگرمي  
ياشنده ايك تخت شاهى به جلوس و بگرمي سكر سنده سلطنت ابدوب  
قرق سكر ياشنده وفات ايتمشدر تاسع شاهان و اخرايشان شاه حسين  
بن شاه سلیمان بيك يوز اوج تاريخنده بگرمي بش ياشنده ايك تخت  
شاهى به جلوس و بگرمي طقوز سنده سلطنت دن صكره تخت و تاج ايراني  
مير محوده تسليم ابدى فعلی هذا اول شاهان صفويان اولوب باني بناء  
دولت روافض اولان شاه اسماعيلك ظهور ندين اخر شاهان اولان  
شاه حسين تخت و تاج ايراني سردار اغوايان اولان مير محوده تسليم  
ابدنجه طقوز نفر شاهلرك مدت دولتلرى كتب توارىخيه ضبط اولندوغى  
اوزن ايكوز بگرمي سكر سنده مقدارى زمان اولمش اولور النكات فى زوال  
دولت شاهان اگرچه بوعالم كون و فسادده سابقده ولا حقه ظهور  
كلان دولتلرك طلوعى وزوالى و اعمارنك مدت امتدادى وانطوا سى  
و ظهور وزواله تقديم و تأخيرى همان افرادينى ادمك ولادت و مماتنه  
وسنين عمرينك وفرت و قلمتنه مشابه جناب خدای متعال لك ارادت  
عليه و تقدير ازايه سنده منوط درو بومد عامعرفت الله برله بهره ياب بالجملة  
ملل متنوعه و اديان مختلفه عالم اربابنده مقبول و مسلمدر انجق عقد  
وحل امور جمهورده قصور و فتق و رتق مهام دولته فتور و روى و نديير  
مصالح ناسد اھمال و نھاون و كسور مقوله سى نقايص ظهور قضا و قدن  
بادى و باعث اولمق اعتقاد بيله دولت صفويه نك رتبه انقراضه ادبارينه

اصحاب

اصحاب دقت و ارباب فراست ظاهر او معتابو كونه اسباب و علل ايراد و بيان  
ابلسلر در اول اخفى اولميه كه دولت صفويه تعبير اولنور جمهور و عجمك  
باني بناء دولتلرى اولان شاه اسماعيل دن شاه حسينه كنجده مدت مابنده  
شاهلرك استيلا ابدوب قبضه تصرفلرينه ادخال ابلد كلارى ممالك  
اون انى عدد مقدارى اقليم عرفيه به بالغ اولور كه اقليملرى بونلر دو  
عراق عجم خوزستان له رستان فارس كرمان مكران سجستان قندهار  
زابلستان خراسان مازندران كيلان ازربايجان روان شروان طاغستان  
و كورجستان و شاه اسماعيل مرقومك ظهورى زماننده اقاليم مذكون نك  
هر برينده مستقل برويا ابكى و يا اوج ملك بولنوب و هر برى بر مقدار  
مملكته باشلور ياشنده ممالك و متصرف تائيمورك دست استيلا سى اول  
ديار دن كوتاه اولوب چكلوب زایل اولديغى زماندن بروشاھلرك  
ظهورينه كنجده طوايف ملوك اولمشلر ابدى بو حال اوزن فيماينهم اتفاق  
و اتحاد بولنمديغندن غيرى ملك و مملكت نزاعى بران خالى اولمىوب  
متفرقة القلوب و پريشان الاحوال بلوك بلوك اولوب بولنمشلر ابدى  
جماهير عجميان ايسه اول ظهورلرندن برنجه مدته كنجده بازار كارزار  
مد عالرينه رواج و پرمه و تأسيس دولتلرينه سعى و اهتمام بالضرور  
متفق الدرون بولنم قلىرى اجلدن ممالك مرقومه يى تعب يسير و زحمت  
قليله ايله قبضه تصرفه كتوروب دائره دولتلرينى از زمانده وسعت  
عظيمه ايله توسيع قلمشدر در و اون انى عدد اقاليم عرفيه ده بگرمي  
سكزدن زياده سنى و سنوى مذهب ملوك اسلام بولنوب شاهان  
بدنهادلر جمله سن قتلدن صكره اولاد و نسا بلرينى دخی قتل و استيصال



ایلمش در و بوا امر بر حکمت غریبه در گه بونجه اقایمک متصرفی اولان  
طوایف ملوک اهل ای اسلا مدن سنی سنوی اعتقاد لر ایکن روافض  
ظهورند ملک و مملکت تراغندن و باغ و یاغچه و تارلا غوغا سندن ناشی  
بغض و عداوت و کین و غرض و برودت اتفاقا رینه مانع حاجز و اتحاد  
اوزن مدافعه قیدند اولملر رینه سد سد اولوب بری برلرینک ملک  
و عرض و ناموسی زوالنه و بناء دولتلری انهدام واضع حالنه بقرق  
مخمل اولد بلر و بوندن اغریدر که فرزندان دانا یان عجم بو حکمت  
باهره بی اذعان اتمیوب بونجه دارودیان استیلا رینه باعث سهولتلری  
اولان معنای فهم و ادراک ابد میوب قبضه تصرفلرینه اذخا ایلد کیری  
ممالکک ضبط و ربطند قاعدی تا بیدی دستور العمل قلوب هر بر  
اقایمی اولاد و اولاده ارثیه انتقال ایلک اوزن برر خانه و یروب ضبط  
ایتدرد بلر مرور یا میله خانلر نصب و عزلدن امینار و مملکتلرند مستقلار  
اولوب ایلردخی طوایف ملوک حکمنده اولد بلر وقت حاجتده هر فرد  
کندی حالیه مقید اولوب شاهلرینک و بری برلرینک امداد و اعانتلرینی  
مهم ابدند بلر و متصرف اولد قلمری مملکت کند و لرینه اولده منتقله اولغله  
بو نعمت جلیله شاهلرینک دوام دولتمندن ابد و کن بلد بلر و نصب  
و عزل و تا دیب و قتل کند و لرندن مرفوع اولغله شاهلرینه چندان  
طاعتلری و ملیوب حقوق دیوانیه لرینی دخی خزینه شاهی یار سالده تکاسلاری  
کالد اولوب هوا و هوسلرینه تابع اولد بلر ثانی عجم دولتمک فریضه  
جهادی احیا ابد جک عدوی قوی الاقتدارلری و ملیوب بونجه زماندن  
برو وقوع بولان جنک وجد اللری اکثر یا رعایا مقوله سی عجزه

وضعفا

وضعفا ابله اولوب دولتلرند وجودی مهم مهمات سفریه و آلات حرب  
و قتال ندارکنده و ترتیب و تجهیز عسکر مهمه سندن اهمال و تکاسل اوزن  
اولوب بوا امر واجب الاذعانده غفلت اوزن اولد بلر ثالثا شاه عباسه  
کنجه عجم شاهلری حکم و حکومتلرند و عزل و نصب و سایر امور لرند  
مستقلار اولوب شاه عباسدن صکره کلان شاهان زبون دست تسلط  
خدا ام اولملر یله بنیان دولتلری مشرف انهدام اولمش ابدی رابعاً شرب  
خمر بیوک شاه عباس زماندن بروا دن عام صادر اولمش یوللو عوام  
و خواص ناس میانده بر در لو ممنوع اولمیوب صغیر و کبیرلری اشکان عیش  
و عشرته مبتلا مورد و لتلری کورلمه دن قالمش ابدی حتی شاه حسین  
تحت شاهیده استقرار بولد قدده صلاح و تقوایه میلی غالب اولغله  
بو فساد عظیمک علاجی ندیبر و ندارکنده مباشرت ابد و ب شرب خمری  
اشد عقوبت ابله منع و نفیس اصفهانده و اتصالنده واقع چولقه ده  
بولنان خمری با نکلیه یره دو کدروب ملوک نصارا ایلچلرندن غیری بریده  
قطره خمر بولند قدن صکره شیرانی دخی من بعد خمر ایتسونلردیو ائید  
و شد بد تنبیه ایلش ابدی انجام کارینه منتج اولدی بو مرضه مبتلا اولمش  
خلق صبر و تحمل ابد میوب و ما لوف اولد قلمری شربدن امسا که  
قدر تلری قالمیوب علی الاتفاق صغار و کبارلری بریره جمع اولوب  
بو بایده چوق مشورتلر ایلدیلر و کافی الاول شرب خمره شاهدن اذن المی  
ند بیری ندارکنده اولد بلر عاقبت شاهک بیوک والده سنی بو مراد لری  
حصوانه واسطه ابدنوب حیلله طریق قلمرینه تشبث قلد بلر و شاهک  
بیوک والده سی اتفاقا بله تارض ابد و ب طیبیلره حیلله تعایم و بوداء



مهلكه تناول خمر دن غیری درمان مبسر دکلر دبد رتد بلر اصفهان  
وچو افه ده باده آری بولمیب ملوک اچیلرینه مراجعت ایلد بلر چون  
مراد لری حیلله یه مبنی ایدی همان برابکی قدح می تناول ونوشیله شاهک  
میوک والد سنک بحرانی سخته یوزطوندی بوتقر پیده شاه حسینه دخی  
مشفقانه پند ونصح نمند ابرام و الحاح ایدوب اباواجدادینک مسلمانکه  
ترغیب ایدرک سوزن کچوردی و برابکی پیاله ایلد مشق ایدرک دفع  
غم مرتبه سنه وارد بلر بوکون دفع غم یارین دعوت کیف دیه رک شاه  
مزبور برکونه مبتلا اولد بکه امورینی کورمکدن بالکلیه فارغ اولوب  
ذوق و صفایه مشغول و خواننده و سازنده لر بله مجلس اراولوب امور  
دو لئیینه رجاله سپارش قلدی چون زمام حکومت رجالک الینه کیردی  
وقصد فاسد لری بویوزدن تشبث بولدی من بعد امصار واقطارده  
غادر و مغدور ظالم و مظلوم حق و باطل اراغیب ایراد و مصرف لری  
بانمیب روح دولتلری حالت نزع و اردی روایت اولنور که شاه حسین  
تماما عمرنده قزل رنگ لباس کیدی و عادت لری اوزن خانلرخانی اولانلر  
قرمزی رنگ لباس کیمیب احمق برکسنه قتل اولنق اقتضا ایلد و کی  
کونلرده کیرلر شاه حسین ایسه برفردی قتل ایلیموب برفعه باعجه سنده  
قوشلره توفنک اتوب برقا چن دو شرب و قتل ایلکله بویابده دخی  
گندویه ندامت ال و یروب خزینه خاصه دن اپکیوز تو من اچیه تصدیق  
ابلیش کریم الطمع محب فقر احایم و سلیم صاحب جود و احسان کسنه  
ایدی لکن پادشاهلره کون السیف و الاحسان تو امان کلامی مفهومندن  
غفلت ایلد انقلاب دولتلری زمانته مصداقت ایلدی ماشا الله کان

ومالم

۱۲ ومالم یشالم بکن خامس اطوایف عجم اهالی اسلامدن چنوب اسلام  
دعوا سنده غایت ایلد اصرار اوزن اولد قلدی حالده بو عجبدر که شعائر  
اسلامدن معدود فرائض و سنتی اسقاط و اهمال ایدوب باخصوص  
رابطه قویه و اعظم سبب نظام دولت اولان قانون شرع اصفهانده و بلاد  
سایره ده اجرا اولنمقده اهتناملری اولمیب بویابده وضع و حرکت لری  
مختل و مشوش اولمش ایدی حتی شاه عباس زمانته نقود اچیه دایره  
دولتلرندن طشره اخردیان کئسون ملاحظه سیله فریضه خجی دخی  
منع و اسقاط ایدوب مملکتلرنده بولنان مقبره لرینی زیارت ایلد اکتفا  
اولنق حیلله سیله نینه اموال و نقود دیارلرنده قالمق ندبیرلینه قرار و یروب  
من بعد حجه کیدن لری کاه سراو کاه حکامه اذن ایچون مبلغ عظیم و یروب  
بومرادلرینه مصارف کئیره و مشقت عظیمه ایلد و اصل اولور لردی  
و بو خصوص شاهلرک سوء تدبیر و طمع خاملرندن ناشی برمعنا اولمق  
اعتقاد بیلد صلاح و تقوایه راغب اولوب حجه کئمک ارز و سننده اولان  
عوام و خواص لیل و نهار شاهلرینک دولتی زوالینی قنی و درگاه ذوالجلاله  
مناجاندن خالی اولمازلر ایدی و کذا سایر مظلوم و مغدور عجزه و ضعف  
شاهلرینک زوال دولتی دعاسنی باحکمت خداورد زبان اید غشملر ایدی  
مساد سبابا لاله رجال عجم ابکی فرقه متفرقه اولوب بری برلر بینه ضد کامل  
اولمشلر ایدی امور دولتلرنده برفرقه ننگ مناسب کوردوغی خصوصی  
البتده اول برفرقه معقول کور میوب بوشقاق عظیم جمله دن زیاده انهدام  
دولتلر بینه باعث بملکه علت مستقله اولمشدر بیان احوال اغوانیان  
وسبب ظهور ایشان ارباب وقوف و اصحاب دانش اولانلر بویله نقل



وروایت اول نور که طوایف اغوان فی الاصل بحر خز ساحله طاغستان  
 اتصالند واقع شروان اولکه سنده یا خود باب الابواب خارجند طاغستان  
 زبلند واقع بحر آمده ساکنه و مجهوله الاصل بر طایفه در ویا بونلر قوم  
 حزنو یا نلردن بر قوم و یا خود بر شعبه اوله طایفه مرقومه عادت  
 مستمره سی اوزن ایران زمین و سایر اتصالند واقع اما که اقن ابدوب اول  
 دیاری نهب و غارت ایتلر یله تیمور ظهوری اثناسند اول نواحی فتح  
 و تسخیر اولنوب اهالی ایران بونلردن تشکی و ظلم و فساد لر بنی اعلام  
 ایلد کلرند تیمور خان طایفه مزبون ی دیار اخره اجلاویوز قوناق  
 مسافه لرلرندن تبعید ایلد متعهد و ملتزم اولوب جانب شرقی ایران زمین  
 نهایتند قندهار اطرافنده هند ایلد مابینده واقع صحرا و بریه لرلرده  
 اسکان ایلدی تا کم بو طر بقله زمین ایرانک جانب غربنده واقع اما که  
 اهالیسی مرقومونک نهب و غارت ایلد معتاد لری اولان ایصال مضر نلرندن  
 راحت واسوده حال اوله لر بعض کتب توار یخده طایفه مزبون ارمنیان  
 جنسندن اولمق اوزن نقل و روایت اولنور زرا شروان اولکه سی  
 سابقده البانیاسمیه اولنوب اهالیسنه البانیلر دبد کلری کتب  
 جغرافیاده مسطور و مصر حدی بو یله اولجه اغوانیلر البانیلر غلطی  
 اولمق غالب احتمالد و حالا شروان اتصالند قره باغ ناحیه سنده  
 واقع ارمنیان مناستری قند سارنسمیه اولنوب سر طریقلرینه اغوانیچ  
 دیرلر که ارمنی اسانی اوزن اغوانلرک باش بوخی دیک اولور وایالت کجه  
 وروان و نخوان و اخیلرند وکیلان حدودند ساکن و صفقناق تعبیر اولنور  
 جباله ممکن ارامنه طایفه سی حالا بو نامیلد افشار ایدوب اغوانلق

دعواسن

دعواسن ایدرلر و احتمالد که سر طریقلری اولان قند سار باش بوخی  
 اسکانلری اثناسند قندهارده ممکن اولمغه قندهار لفظی دخی مورو  
 ایامیلد قند ساردن غلط اولمش اوله زیر قلعه مرقومه بعض کتب  
 اسکندر بناسی اولمق اوزن تحریر اولمشدر طوایف مرقومه اسکانلری  
 اثناسند ارمنیلر این و مذ هبند اولد قاری دخی محقق اولوب چون  
 وطن اصلیه لرندن دور و مهاجور و بالکیه ایاب و زهابدن ممنوع و منقطع  
 اولد بلر اهالی هند ایلد اختلاط و الفت و موافقت پیدا ایدوب علی مهل  
 جمله سی مسلمان اولد بلر و حالا طایفه مرقومه نک کند ولری بشر دکلری  
 اتمک اوزن خاج واری برنشل قورلر غالبا این ارمنیانده اولد قاری زمان  
 جاهلیت لرندن قلمش بر رسمدر و فی الاصل نهب و غارت ایلد اباعن جد  
 مألوفلر و خلقتلری دخی یا غما و تاراج هواسی اوزن مجعول اولوب  
 مسکنلری دخی سر حد اولمغه جنک اور اولمشدر برمان احوال جنک  
 اغوانیان طایفه مزبون نک جنک و قتالده معتاد لری اولان طور و طرز لری  
 بو یله در که اولایچلرند اعلی و ادنا ضابط نامند وافر کسند لری اولوب انلرک  
 معرفت لر یله مراد ایلد کلری و قتله در حال الا بلرین قوروب فی الحال صف  
 صف اولورلر و نجه زماندن بر و تعلیم و تربیه اولمش عسکر مثلاً و جنکده  
 الای وصف اولمق نظامی طریقلرینی کند و قاعده لری اوزن خوشجه  
 بلورلر و بو خصوص جمله ضابطان و نفراتک معلوم و مضبوطی اولمغه  
 سرکار ده اولملرینه چندان زحمت دخی و یرمزلر جنکه مباشرت  
 ایلد کلرند صفی ترتیب و تنظیم اولنوب جمله ضابطان عسکرک ایلر و سنده  
 طور لر و جمله دن اقدام ضابطلری جنکه اقدام و مباشرت ایدرلر



لسانلری اوزن ضابطلرینه نساچی ویدوان دیرلر تمام کازار جنگ  
 قرشوب اشنداد بولد قد ضابطان کیر و چکلوب کیرودن عسکره  
 و کیفیت جنگه نظارت ایدر لر و دشمندن یوز چوروب کیرودوش  
 کسمنه اولور ایسه بلا امان قتل ایدر لر و بومقوله لک قان و قتل هدر در دیر لر  
 حتی اصفهان محاصره سنده ابوساباد دیکله معرف جسرک قربنده عجم  
 ابله اغوانک محاربه لری اولد قد بوحقیر بویله مشاهده ایلدم که  
 اغواندن برکسهنک جنگه صاغ الی مقطوع اولوب دشمندن کیرو  
 دوش عسکرک قفا سنده طوروب نساچی تعبیر اولنان ضابطلر مرقومی  
 جنگدن قاچش ظن ایدوب قتل ایلک مراد ایلد بیلر اولدخی حالنی بیان و صاغ  
 قولی جنگه مقطوع اولدوغن بلد رد که یینه ضابطلر کیرو  
 دوند و کنه راضی اولمیوب ای مخند و نابکار صاغ قولک کیتد یسه او غور  
 دینه صول قولک ابله جنگ ابله اولدخی کیدرسه اغزک ابله دشمنه  
 صال تاکه بوجوه اوزن اجر جز بله نائل اوله سن دیوینه جنگه سور دبلر  
 بر غریب حاللری دخی بودر که عسکر قفا سنده اولان ضابطلر جنگه  
 مقتول اولانلرک جسدلرینی چقار مغه مأمور لردر لکن یوزن  
 دشمندن دوندردکن عسکره مقتول اولانلری وارایسه سائرله عبرت ایچون  
 اولمقوله لک جسدلرین چقارمازلر و قالد رمیوب میدانه براغوب دفن ایتزلر  
 غایت ابله مزراق و قلیچی ایو قوللنور لر و سریع و چاپکلا اولوب قلیچی  
 ویا مزراقی ره دوشسه اند زایتزدن فی الحال یردن الور لکامل فارس لردر  
 فی الجملة توفنک اند ازلق دخی بلور لر اصفهان کلدکارنده چپلاق و عریان  
 ایدیلر بعد اللرینه اموال و افره کیروب لباسلرینی والت حر بلرینی مکمل

قلد پلار

قلد پلر و جنگه کثرت مداومت طریقیه فنون حربیه ده بر قات دخی ۱۴  
 مهارت حاصل ایتد بیلر میدان جنگلری غایت ابله مدوح و معتبر و ممتاز  
 اوزن در زیر میمنه و میسر و میانه الا پلر و صفر بغایوب دشمنه جمله و  
 هجومه یکه درون اقبال و ادبار ده جمله سی یک شناس معاتوجه و معارجعت  
 ایدر لر و لکن بر قلعه و یا بر شهر محاصره سی طریقلرینی هنوز بلزلر و متر سینه  
 ایدر و کندن بی خبر لردر حالا اصفهان ایالتنه صوی ایچنده کفایت  
 لوزن اولان نجه نجه بلاد و قرا قبضه تصرفلرینه کیر مامش ایدی زیر  
 کند ولرینه استحکام و یروب محکم متر سیر ابله قورینور لردی اغوانیان دخی  
 بومقوله لده تلف نفوسی واکور میوب چندان اهتمام اید غزلردی صوی  
 طشره دن قنوات ابله کلان امصار و بلادک صوین قطع ایدوب  
 یسرت ابله الوب ضبط ایدر لردی طایفه مزبون عسکری جنگ و جداله  
 دائر امورده حاکم و ضابطلرینه فوق الغایه منقاد و مطاعلردر بر مرتبه ده که  
 هیچ ملوکدن برینک عسکری بونلره قیاس و نماز حتی بالدفعات مشاهده  
 اولندیکه عسکرلری پراکنده هر فرد کند وایشنه مشغول و سیر و بیاند کز  
 ایکن ضابطلری طرفندن برادنا کسمنه کلوب فلان یه جمع اولاق ابله  
 مأمور سکزدیو خبر و یرد وکی برله هر فرد مشغول اولدوغی ایشی و طعام  
 اوزن دخی بولنسه نملولی ترک ایدوب فی الحال محل مأمورده جمع اولوب  
 حاضر و اماده بولنور لردی سردارلرینک امر و نهینه انقیاد و امتثال  
 جمله دن اغرب حاللری بودر که قلاع و بلاد و امصار دن برین ضرب  
 دستلر بله فتح ایلد کارنده اولیر لونک اهاپسی جواهر و نقودنی علما  
 باشنه قویوب کزوب یور یسه عسکر بدن و توابعدن بر فردزن دکلو



تعرضه و دست دراز لغه تصدی ابلزلر حتی زیده ذکر اولندوغی اوزن  
 محمد خان ایله اشرف خان جلو سملری زاعنده اغوان عسکری ابکی شق  
 اولوب شهر اصفهان اها لپسی نهب و غارت احمالندن دکانلرینی قیایوب  
 و هر فرد خوف و وحشته دوشمش ابکن بو حالت اشرف خان سمعنه  
 لاحق اولدوغی برله مناد بیلرند ایدوب هر فرد بلا توقف دکانی اچوب  
 کافی الاول کار و کسبه مشغول اولوب بوبله برهنکام اختلافه بر فرد هزن  
 مقداری ضرر و کزند ترب ایلدی اسرایی فیما بینهم بیع و شریه چندان  
 رغبت ابلزلر کتباته کسوب خدمت لری نه اسخدا ام ایدر لر و ازاد ایتمکی سور لر  
 و چوق کسینلری قتال وقتنه تقریبیله قتل ایتمش بولنلر بله اولاد لری نی  
 کندولرینه اولاد ایدنگ عادت لری بدر زنا و لواطه بینلر نه نادر بولنور  
 و بومقوله لک جز الی تربیتی فوت ایتمز لر و سور دوی و سائر مناز لری  
 بی نظام و ملوس در بر حیوان آوردولر نه مرده بولنسه لاشه بدر ایجه دخی  
 اولسه تحمل ایدوب تخلیه ایتمز لر و کندولری دخی طوار لری اراسنه  
 یا قوب قالمیغی اعتیاد ایدن شلر در طعام لری قلت اوزن اولوب و انواع  
 اطعمه بلیوب جزی شی ایله قناعت ایدر لر اثنای سفر لری نه صغیره کبیر لری  
 محمد خانه و ارنجه طواده قاوولمش بغدادی اکیله اکتفا ایدر لر دی  
 با جملله امور لری نه متوکملر در فی الاصل رعایا مقوله سی و بریه  
 خلقی اولماز بله کسوده و اطعمه ده هنوز تن پرور لقی ابله مألوف  
 اولما شلر در چولغه شهرینی فتح ایلد کارند نچه لری صابونی پنبه و یاسکر  
 صابون جامه لری نی کند و ولایت لری جامور بله بیقار لر دی نباتات بریه نک  
 اکثرینی با خصوص لخنه بی حیوان مثالویر لر اثناء سفر لری نه برر باغر سغه

۱۰ صو طولدر وب بللرینه قوشانور لر وقت حاجتده استعمال ایدر لر نقل  
 اولنور که چولغه فتحندن صکره اغوانک لری بر حاجت اچون برامینک اوینه  
 واروب اولدخی اکر ام مراد ایدوب هندستاندن گلش تازه قر تغید ابله  
 ملو بر قو انوس مربانی اوکونه قویوب الننه بر قاشق و یرمش اغوان تناول  
 ایتدکله حظ ایدوب بتون مربانی ییوب کند و سنه بر ضرر ترب ایلماش  
 طعام بدکارنده بر در لوت کف لری و سبزی و صفره و پنبه شکر غایله لری اولیوب  
 هر نه یرده اولور سه او تور وب اتی و پنبی و سیایر ادملرینی اتمک  
 اوزرینه قویوب لر و اطعمه نفیسه دن بر در لوت طعام بلزلر و صودن  
 غیری برشی اچمز لر لباس لری بر ملتک لباسنه مشابه اولیوب غایت  
 عجوبه هیئتدر با خصوص قفتانلری بر در لوتوب اوکنه دوشربلی  
 فیل خور طرمی کبیر در بجا قلمری چپلاق و قبا زدن بول پاچالی دیزلق کیوب  
 اته سوار اولد قلمر نه طوماق کبی ایقلمرینه برر پارچه دری چکوب بنر لر  
 اعلا و ادنی نک اموزنده بر رشالی اولوب کندولرین کونشدن و سلح لری  
 یغموردن انکله حفظ ایدر لر بیاض و یشل و قر مزی الوان بزلری بریره  
 کتوروب باشلرینه صار لر اوکلر نه اوچن کوستروب اکسه ده یاری  
 میله و ارنجه طیلسمان مثالو صار قدر لر و اکثر یا اورته یاسملو اولانلری  
 دخی زلف تاشور لر لکن عجمه غلبه دن صکره طور عجم اوزن کینوب  
 مندلدن غیر یسنی استعمال ایدوب دیزه و ارنجه زرباق قفتانلر کید بلر  
 انجق بول پایا لود بزل قلمر بنی ترک ایتد بلر و هر نه یرده اولور سه دوشمه  
 ارامیوب توز و طوپراغه بقمیوب حلقه حلقه او تور لر نسوانلری  
 نقاب ابلیوب بوزلری اچق کز لر حسنالری بک نادر اولور



اکثر یا کریمه المنظر بد چهره را اولوب نقابه دخی حاجت لری یوق قولاً قلمینه  
وند بک بالور لینه وارحه عجم لری بار کیر لری بویننه صد قلمری کی دور او  
دور او بو نجق لری طاق نور لری باش لری نه شبهه را اور لری بار کیر لری قویروغن کسوب  
صاچ لری نه ضم والحق ایدر لری قوشا قلمری نی بالای سپنه ده مملری التونه  
قوشانور لری با که مملری سار قوب ظاهر اوله ای قلمری نه عجم پا پو جن کیر لری  
چامور بولا شدیغی برله اللربنه الوب عریان ایق کیدر لری چون بوبله  
ایدر سکر دبدیکمزده ایاق بیقاف نور لکن پا پوج ملوس اولد که جد بدن  
المق اقتضا ایدر دبو جواب ایدر لری ذکر مسالک و مسافات من شهر  
اصفهان الی قلعه قندهار کرسی ممالک ایران و مقر حکومت شاهان  
اولان شهر اصفهان زمین ایرانک جانب غربی سنده اقلیم عراق عجمک  
وسطند مقتضای فن جغرافیا اوزره بنش سکر درجه طولده واقع  
اولوب کذلک قاعده مملکت قندهار اولان قلعه قندهار ایران زمینک  
جانب شرقی سنده هند اتصالنده یوز درجه طولده واقع اولوب مسافده  
مابین بکرمی ابکی درجه اولور که خط مستقیم اوزن کاربان بو مقدار  
مسافده بی الشمس الی کونده و سوار مجر دقرق دورت کونده و اولاغیله  
کیدن بکرمی ابکی کونده قطع ایدر انجق مقتضای فن اوزن استقامت  
واستوای طریق شرط اولوب بو مثلاً و مسافده بعیده ده ایسه شروط  
مذکور منک وجودی حیزامکانده اولیب اعوجاج و انحراف طریق  
وارتفاع و انحطاط جبال و وهاد زمین محقق اولغله مسالک مرقومه  
واقعیه مطابق ذکر و بیان اولنسه شایاندر پس فی زمانها هذا واردین  
و صادر بک متواتر نقل و ضبط نموده موافق اولان بودر که اصفهانندن

قندهان

۱۶ قندهان ابکی طریق وارد در بری معمور و آبادان و بری بریه و چوستان اولوب  
باد سمومدن دخی خالی دکدر معمور اولان یولدن کاربان طقسان کونده  
وارره چپار یعنی منزل کچه بور میوب انجق کوندز یوریکله الی کونده  
وارر بریه دن اولان یولدن الشمس کونده وارر لری یاز کونده ذکر اولنان  
یولدن عسکر و کاربان مرور ایدر مز قش کونلرینه مخصوص  
یولدر معمور یولدن دخی کیتد کارنده نهر سجستان کنارینه وارد قلمرند  
برقاج کون مکث ایدوب کیرکی کی صولنوب بووجه اوزن چولدن  
قندهان کیدر لری اصفهانندن قندهان معروف و مشهور اولان طریق  
بونلر در انجق عجم شاهلری قزوین و طهران اقامت اوزن بولند قلمرند  
قندهان کوندرد کیری عسکر اکثر یا مشهد و هرات یولیه کیدوب  
گلش لری درو بوبول زیاده معمور و آباداندر اوصاف قندهار قلعه قندهار  
روم ایلنده اولان قلعه لک رسم و شکله در علی روایه اسکندریناسی  
اولوب بعد هندی پادشاهی بروقتد قبضه تصرفنه کتوروب تجدید  
ایتمشدر فراجه معمار لری بنه بنایتدروب متانت و یرمشدر و سرحد هند  
بولغله استحکامنه کیرکی کبی همت و اهتمام اولمشدر سبب استیلای شاهان  
عجمیان در قلعه قندهار وقتکه طوایف اعوان دست قهر نیمور خانیه  
ترک وطن ابله شروان اولکسی سمتلرندن تبعید واجلا و هند بریه لری نه  
اسکان و ایطان اولند بیلر برمدت اول بریه لرده ساکن اولوب مرور ایام ابله  
جبال و صحرا ره یا بلوب وافر عشا یرو قبایل اولد بیلر و کیمی قونار و کوچر  
و کیمی بلاد و قراده متمکن و هند بیلر بله الفت و موافقت ایدوب اهل اسلامدن  
اولد بیلر و هند پادشاهنک کاهر عیننده و کاه محافظه سرحد لری خدمتند



بولوب غالباً قلعه قندهار مرو و ایامیه دخی بوبله برتقریبیه دست  
 رسلری اولوب کندولرینه استحکام و یرد بیلر ایران زمیننه اقل و عجم یرلر بنی  
 کافی الاول نهب و غارندن بران خالی اولد بیلر شاه عباسه کلبه بوفساد  
 و شقاوت علاجی بولنیموب اغوانلرک طغیان و زمین ایرانیه مضرتلری  
 دفعه رفع اولنق حیز امکان اولدی بوحال اوزن ابکن شاه عباس تحت  
 شاهیه جلوس ابدوب اغوان طایفه سنک زمین ایراندن دفع  
 مضرتلری ندبیر وند ارکنده اولدی بالدفعات مکالمه و مراسله برله  
 بومصلحتک حصولنه سعی و اهتمام ابدوب فایده و یرمدی بالاخره هند  
 پادشاهی ابله عجم شاهیه بینده خصومت و عداوت غلبه ابدوب اتش  
 حرب و قتال استعمال بولدی فرصت ظفر و غلبه شاه عباس طرفنه  
 ال و یروب هند عسکری مغلوب اولدی بوقتقریبیه قلعه قندهار بالجمله  
 توابع و لواحقیه و طوایف اغوانیان ابله هجرتک بیک او توز تار یخنده  
 ضرب دست شاه عباسیه فتح و تسخیر اولنوب من بعد محکوم شاهان عجم  
 اولد بیلر چوق کچیموب هند پادشاهی ابله شاه عباس بینده قندهار  
 اولکده سی مع لواحقه عجم شاهلری ضبط و تصرفند ترک اولنق اساسی  
 اوزن صلح و صلاح عقد و تمهید اولنوب شاه عباس قندهار قلعه سنه  
 استحکام و یروب طوایف عجمدن کفایت مقداری محفظه نصب و تعیین  
 و قبایل اغوانک نظام و انتظاملری باینده اهتمام تام و هند پادشاهی ابله  
 ماینلرند منعقد مصالحه نک شروط و قیودینه مخالف وضع و حرکت  
 اغوانیانک من بعد مکنت و اقتدار قالماق ایچون اوزر لرینه عاقل  
 و مدبر اصحاب رای وند بیرولات و حکام و محافظه نصب و تعیین ابلدی

نمّه

نمّه مافی الباب عفی اولمیه که قندهار تابع طوایف اغواندن غیر حضاری ۱۷  
 تعبیر اولنور برجنس اغوان دخی وارد که بوطایفه دخی نجه نجه عشایر  
 و قبایله منقسم قندهار اولکده سی شمالی و اتصالی اوز بیک یرلر ببله نواحی  
 قندهار بینده ممکن اولور لکن قندهار اغوانی سنی مذهب حضاری  
 اغوانی ايسه زفاشی اولوب بوطایفه اوتته دن برور فص و اعتزالدهم مذهب  
 عجم اولملر ببله بروقتده عجم شاهلری اطاعتندن روگردان اولموب هند  
 طرفلر بنه و یاغیری یه کرها و طوعا میل و اطاعت ایتمه شلردن تا اول رفته  
 کلبه که قندهار تصرفی دست اغوانیانده استقلال بولوب نوبت حکومت  
 اغوانیان میر محمدک بد استقلالنه و دبعه قانش اولدی میرمر قوم تحت  
 قندهار ده قرار داده اولد و غی برله سنی اولان اغوانلره اذن و یروب حضاری  
 اغوانی نهب و غارتیه مشغول اولد بیلر انلردخی مقاومت قادر اولموب  
 احوال لر بنی پیشگاه شاهه عرض و محضر لر ابدوب تشکی و تنظیم و استمداد  
 ابلد بیلر برنجه زمان شاهک امداد و اعانتنه مترقبیلر عاقبت الامر ما یوس  
 و ناامید لر اولیحق میر محمودده تابع و اکعسکر اولد بیلر و جنه کله معا کیدوب  
 بولند بیلر بیان عصیان یورکی خان والی کورجستان و انهرامش بوندن اقدام  
 بیک یوزاون دورت تاریخی اثاسند عجمه تابع کورجستان و البسی بورکی  
 خان شاهک اطاعتندن روگردان و هواسند تابع اولوب بوفساد  
 غریبت و تشیت اسبابی ندارکنده ابکن جاسوسلر شاهیه ابقاط ایدوب  
 شاه دخی ناره فتنه نک اطفال و اسکانی ندبیر بنه صرف مکنت شاهانه  
 و خفیة ادملر کوندروب کورجستانک بوی بکلی بنه وعد و وعید لر ایله  
 استمالث و بورکی خانه متابعت و طغیان و عصیانده موافقت ایلامک اوزن



ایضا واکید و شد بدنبیه و تا کیدل ایلدی لکن مزبور یورکی خان  
 دماغنه مضر فسادی اجرا ایلکه محکم تدارک کورمش بولمغله  
 آخر بو فساد کی و ستر ممکن اولیوب بر زمان مرونده عصیان و مخالفی  
 طاهر و اشکار اولدی شاه دخی واقف قضیه اولحق عسکر تدارک و کجه  
 والیسی کلب علی خانی سر عسکر نصب و تعیین ایدوب یورکی  
 خان تا دینه کوندردی جانبینک عسکری تلافی ایلدی جک یورکی  
 خانک بوی بکری جنکدن متحاشی بر جانب کیدوب چکلدیلر سار عسکر  
 طایفه سی بونلری کوروب انلره دخی فتورال و یروب یورکی خان جانبی  
 مغلوب اولحق خان مرقوم منزه مافرا ایلدی چون بازار کارزار زمگاه  
 صاوولوب بر طرف اولدی کورجستان بکری نه سر عسکر عجم کلب علی خان  
 جانبندن علی مراتبهم نوازش خاطر و اکرام و افره اولند قده محل معار کدن  
 قاقوب تفلپس جانبینه عزیمت ایلدیلر قلعه مرقومه اهاالسی مدافعه یه  
 اقدام ایللیوب کورجستان بکری توسطلر بله فی الحال قلعه تفلپسی  
 کلب علی خان طرفنه تسلیم ایلدیلر آمدن یورکی خان باصفهان  
 و اعتذار کردنش در پیشگاه شاه جمجه مرقوم یورکی خان طاغله  
 محصن ایدوب یاننده عسکر قالمحق افعال نااهوارینه نادم اولدی مرقومک  
 قرنداشی شاه یاننده دیوان بکی اولوب شاهک خدمتند بولمغله فی الحال  
 مکتوبلری ازوب اعتذار و استغفار جاسنده اولدی و کندوسی دخی غیری  
 سلامته چان بوللیوب در حال اصفهانه متوجه اولدی وصول بواحق  
 کند و قلیجن بو بننه اصوب شاهک دیوانه واردی شاهک یاغنه  
 دوشوب کمال ایتها و مسکنیت ایله تضرع و نیازلری ایلدی شاهم جرم  
 و عصیان

۱۸ و عصیان مرقوم معترف و نادم و پشیمان درگاهنه کلام دیلر سک کند و  
 قلیجنله بارسردن بی دور ایلدیلر سک کرمندن بوجرم بندنی عفو  
 و ازاد ایلدیلر کد قرنداشی دیوان بکی و سایر هوادارلری اولان مقرر بلری  
 دخی و انکاطمین للغیظ مضمون اعلان و عفو ایلدیه معامله اولی اولدوغی  
 جانبی رجیح و بیان و شوکت شاهان مجرمله انعام و احساندر یوللو  
 گفتارلر بله شاهه ابرام و الحاح ایتملر بله خان مرقومک جرایم ماجر اسندن  
 شاهی بالکلیه کچوردیلر و شاهک کرمنه هزار تحسین و افرینلر دبوب  
 هزار و صد هزار القیشلر چاغر شدیلر آمدن ایلی از جانب پادشاه هند برای  
 استرداد قندهار کیف ما اتفق هنوز یورکی خانک داستان احوالی افواه  
 ناسده گفت و گو ایلکن هند پادشاهی کمال کرمیت ایلدیه قندهار قلعه سنک  
 استرداد سی سودا سنه دوشمش و بود عوا ایلدیه ایلی تعیین ایدوب و اولدخی  
 ات بویینه دوشوب رو براه اولمش دیو سرحد ایران و الیلری بارگاه  
 شاهه عرض و اعلام ایتملر بله بو پیام ملامت انجام متواتر و شاه ورجاله  
 فکر و اندیشه مورت بر معنای موخشی اولمغله ارباب مشاوره و اصحاب محاور  
 اولان رجال و اعیان بریده جمع اولوب باب مکالمه فی کشاده قلدیلر  
 و ایلیچی مرقومک حقنه عنفیه معامله اولنوب جواب یاس ایلدیه عودت  
 ایتدر ملک و یا خود ایلیچی یه معتاد دولت اوزن اکرام اولنوب برمدت  
 جوابی تا خیر ایلدیلر تدارک کوریلدیه دیو و افر منظره ایتدیلر اخلاصه  
 ایلیچنک ورودندن اول بوممه کور بلوب ایلی یه لازم کلان  
 جواب دخی صورته افراغ اولنق لازمه همت اساطین دولتدر  
 دیو اتفاق ازای شاه ورجال بولمغله قلعه قندهار کرکی کبی متانت  
 و تدارک مهمات ایلدیه و حقنه استحکام و یر بلوب عجله محافظه سی چون



بر مدت مسافران مکث و اقامتدن صکره جواب قطع و پیام یا س ابله  
ارجاع و اعاده اولنه دیو قضایای مشر و تتری بویوزدن نتیجه بندیر اولغله  
رأی و تدبیر لری استصواب اولنوب جمله دن امضای قبول ابله ختم کلام  
اولندی لکن بوامرک تنفیذ و تشبیه بر عاقل و دانا رشید و توانا سر عسکر  
نصب و تعیین اولنوب بحاله صوب مرامه ارسال و محله ایصال الزم  
لوازم لازمه و اهم مهمه و امور عظیمه دن اولغله اتفاقا یورکی خانک  
وقعه سی و شهر اصفهان صورت و سیاق مذکور اوزن موجود بولنه سی  
بوزمان مضایقه و وقت احتیاجه مصادفت ابلدی تدبیر کردن شاه  
و رجال و فرستادن یورکی خان بالمشکر کورجستان برای استحکام  
قلعه قندهار و دفع مطالبه پادشاه هند پس یورکی خان اتفاق رأی شاه  
و رجال ابله بین الاقران و الامثال انتخاب و امتیاز اولنوب مملکت کورجستان  
ینه کندی یه توجیه و منشوری نام بدنامنه یاز بلوب قندهار محافظی  
نصب و تعیین اولندی و بوضع و تدبیر فرزندان دوراندیشان عجمیانه  
خجلی خوش کورینوب و وی نشاط و سمت خطوط و انبساط اظهار ابدوب  
دبیر بلرکه اولا یورکی خان تقریر ابله کورجستان عسکری قندهار  
چکلوب کیمتد که کورجستان عسکر دن خالی و ایحق اول طرفلردن  
مأمون الغابله اوور ز ثانیاً یورکی خان شاهمزرک ازاد کرده و عفو و عنایت  
دیده بند سی اولغله مأمولدر که ما جرای من بعد فراموش المیوب  
خدمات دولته و او غور شاهیده باش و جائله خدمت و صدق و خلوص  
برله بذل مکنت ابدوب من بعد عصیان و طغیان فکر بنی دخی ابله نالشا بولله  
بریرار و نامد از خایله و مکمل و جنک جوی عسکر بهادر ابله قندهار

محافظه

۱۹ محافظه سنه استحکام و یرد بکمر حالت هند پادشاهنک مسموم و معلومی  
اولیحق احتمالدر که دعوا دن قراغت و قلعه قندهار استرداد ی بایند  
چندان افراط ابرام و اطاح اوزن اولیه فعلی هذا یورکی خان مهمات  
و لوازم کوروب یرینه قنداشی اوغلی خسرو خانی کورجستانه قائم  
مقام تعیین و کورجستان عسکر نی الوب قندهار چقوب کیمتدی  
وصول بولد قد قلعه قندهار متانت و استحکام و یردی طوایف اغوانی  
ضبط و ربطنه الوب نظام و انتظام و یردی اطرافه هجوم و اقیندن  
و بالجمله همجوان ایصال مضرندن دست تعرضلرین کوتاه ابدوب حکم  
و ضبط اکید و شدید ابله جمله سن مضبوط و محکوم قلدی بوجه ابله  
عجم شاهننه صدق و خلوص برله خدمات مبرور و وجوده کتوردی  
و اتفاقا بویامد میراویس دخی افغان طایفه لری اوزن کلدار یعنی محصل  
الاموال نصب و تعیین اولنش بولندی بیان احوال میراویس میرمرقوم  
طوایف اغوان بدبیرنده غایت ابله معتبر عزیز و مکرّم ممول عنقا کسنه  
اولوب بالجمله اغوانیانک میرمرقومه کمال انقیاد و طاعت و توجهلری  
اولد و غندن کنند و یه بر مقدار غرور دخی عارض اولمش ایدی هند  
اهالیسی ابله علاقه ابدینوب کند و مالی ابله بر قاج بلوک کاربان هند  
تا جرلر بله معاتجارت و هند کیدوب کلورلر ایدی و الی قندهار یورکی  
خان واقف احوال اولیحق میرمرقومک بو کونه طور و طرز بله تعظمنی  
حضم ابد میوب ندلیل و تحقیری ندبیر بنه بلکه اموال کثیره یه طمع ابله  
زوالی قیدنه دوشدی حضورینه کتوردوب اگرام و اسمالت و نوازش  
خاطر مرأسمنه کما بنی رعایت ابله خاطرین الالوب ایناندردی



و بر همه ایراد ایدوب عاقل و مدبر را ولد و غنیدن رویت و تمشینی همچون  
سنی اصفهانه کوند رمل مراد مدر دیوب حصوله کلدوکی تقدیرده  
نجه نجه وعده لر ایلدی آمدن میراویس باصفهان و احوال سائرش باشاه  
و رجال میرمرقوم خانک سوزینه راضی اولوب اصفهانه روانه اولدی و ویراه  
اولدغی برله والی مرقوم مکتوبلری یازوب دولت شاهیی به خلافت عرض  
ایلدی و حامل مکتب میراویس بود یارک ذی قدر تلرند و مجرد بود یارده  
وجودی باعث فتنه درو عصیان و طغیان دماغنه مضمر درو وصولند  
اخذ و ضبط اولوب بردخی بودیان کله سنه جواز ویرلیه دیوتا کید ایلله  
خبریه در عقب چپار ایلله طریق اخردن شاه جانینه ارسالده شتاب ایلدی  
میرمرقوم اصفهانه داخل اولدوغی برله کوز جبه سنه قودیلر نینه اوغرادوغن  
بلوب مغموم و متکدر اولدی برنجه ایام بو حال اوزن فکر و اندیشه ده  
اولدی عاقبت شاه جمجاه دولتی مختل و مسوش اولوب ایکی فرقه  
متضاده به منقسمه و بری برلرینک علیهنده اولدقلرینه واقف اولیحق  
بر مقدار متسلی اولدی سلامت ایلله رها طریق لرینه تشبث ایدوب  
برطر بقیله اعتماد الدوله و دیوان بکی و سائر سرکارده اولان رجال دولت  
ایلله کورشیکه و یساقچیلر معیتله شهرک مسیره برلرینی کزوب سیر  
و تماشایه اذن الدی در حال اعتماد الدوله به واروب خاکبایینه یوز سوردی  
کرانبها کشمیری شالاردن و ذی قیمت هندتفارق لرندن هدیه بهیه لر  
اخذار و اهد ایلدی اعتماد الدوله نیک طرفه کیرلری ایلله دخی فراد او فرادا  
کوریشوب هر برینه علی حد هم هدایا عرض ایلدی ایرته سی کون  
شاهک دیوان بکنه واردی اکادخی کونا کون هدیه عرض ایدوب

انک و

۲۰ وانک طرفه کیر لر بله دخی کور شوب هدایا و یردی بر قاج کون  
مرورنده قندهار و البسی یورکی خانک قرنده اشی اولوب شاهک دیوان بکی  
اولانک عظیم جمعیتی اولدوغن خبر الوب علی طریق الزیاره حضورینه  
واردی اکرام و رعایت ایدوب یاتنده الیه قودی مجلس محبت تمام اولیحق  
قرنده اشی یورکی خانک وضع و حرکت کتن سوال ایلدی میرمرقوم دخی  
حکیمانه طور ایلله باب مداهنه یی فتح ایدوب مدارا طریقیله یورکی  
خانک مدح شناسنده مبالغه ایلدی یورکی خان عاقل و مدبر صاحب رای  
وزین رعایا پرور جسور و دلاور شاه جمجاهک صادق بنده سی اصل  
و اصیل بر مرد کامل در و بوانشاده قندهان والی نصب اولندوغی محضی  
اصابتد رهند پادشاهی دخی واقف احوال اولیحق دعوی قندهار دن  
فارغ اولمه سی شاهد عادل درو بر قاج ایام سعی و همتی ایلله اول دیار فوق  
المأمول معمور و آبادان اولق امر مقرر در دبد کک دیوان بکی صبره  
تحمل اید میوب حاضر بالمجلس اولانلره خطاب بوللو کلامه اغاز ایدوب  
دبد بیکه بنم قرنده اشم احق اولمشدر بو گونه مدح و ثنا سنده او بوب هزار  
و صد هزار تومن دینارک صرفیه تحصیلی ممکن اولمیان صادق دوستی  
ادراک اید میوب خلافتی عرض ایلک نه حماقتدر و ایرته سی کون  
قرنده اشنه مکتوبلری یازوب واقع حالی بلدردی شاهک سرانی سنک  
مدح و ثنا کله مملو قلوب غیرتک ایلله خاکبای اولان بر محب صاقینی بچون  
شاهه خلاف انها عرض ایلدک دیو و فرقتی یوسرزنشملر ایلدی میر  
مرقوم برابکی کون حملولنده اعتماد الدوله طرفه کیر لر بله مجلس ارا ولد قلمرینی  
خبر الوب علی سبیل الزیان اول ارایه عازم اولدی اشتهال و تواضع برله



جمله نك دست و دامن بوس و عاقلانه تدلل اظهار ابدوب قارشورنده  
 قائم اولدی بر مقدار امدن صکره اعتماد الدوله کلامه آغاز ابدوب دپدی که  
 یکن کر نکرده طرفه کلد بکرده مشغله کثیره مزدن ناشی قندهار و البسی  
 یورکی خانک کیفیت احوال سو ال ایلمی فراموش ایتدک واقف اولدوغک  
 مرتبه اول طرفلرک حالن بزه افاده ابله دپد که چون میرمرقوم رجال عجمک  
 شقاق اوزن اولدوغن تحقیقا بلش ابدی جمله سی ایکی فرقه متضاده  
 اولوب د ایباری برلر نك علیه نه نفاق و غرض و بغض و عداوت اوزن  
 اولدقلرینی بالمشاهده و بالمعاينه کورب احوال نا هم وارلرینه کرکی کبی علم  
 و اطلاع حاصل ایلش ایدی اسلوب حکیمانه اوزره حرکت و جوابه جبارنده  
 لمصاحبه بر مقدار تردد اوزن اولدی اعتماد الدوله ابرام ابدی بک شقاقلرینه  
 موافق احضار قلدی یعنی جواب مذمتیه قصور قومیهوب یورکی خانک  
 سوء حالن تمام شرح و بیان فرست یاب اولدی سوزلری مسموع ابدوکن  
 فهم و ادراک ابدو جک حصمندن اخذ و انتقامه سعی و کوشش ایلدی  
 انجامنده یورکی خان بر قاج سینه بوندن بوبله قندهار و البسی اولورسه  
 اول دیارده فساد عظیم ظهور اید جکی امر محققدر کندوسی سحر و شام  
 مست مدام عسکرینک ضبط و ربطی النده اولمیوب هر فرد هوا سینه  
 تابع رعایا بریانک عرضنه و مالنه و اهل عیالنه دست دراز قلری حدن  
 متجاوز اولدلرینی گاه غصب و گاه سرقه و بلوک بلوک کورجستانه کوتوروب  
 عادتلری زن فروخت ایدرلر کندوسی دخی عسکر و خزینه جمعی  
 سودا سیله عسکره بوز و یروب غالباً کورجستانده اجر ایلد مدوکی عصیان  
 و طغیان فسادینی بواشاده فرصت بولوب فعله کتورمک طمعنده در

بو محله

۲۱ بو محله عسکر کثیره و خزینه و اقربه جمعه سعی و کوششی عن قریب  
 هند بادشاهیله اتفاق و اتحاد عزیمت و پا خود غیری برفساد عظیمه  
 جبارنده دلیل و افسرد شاه دار احشمتک موردیده کار از موده ابا عن  
 جد مجرب الاطوار خان زاده خانلری هم دین وهم مذهب معتمدلری  
 وار ایلکن بر کافرو جاهل و نادان بی ایمان والی نصب اولنوب اهل اسلامه  
 تسلیم و اول سد سدید سرحد شاهي امرینی بویله بر محس ناجنسه  
 توفیض محضی سوء تدبیر و طوز و طرر عقلدن دور و بعید بر امرند ات  
 انجام ایلدی و کی ظهر من الشمس و ابین من الامسدر دپد که چون دیوان  
 بکی فرقه سی اعتماد الدوله فرقه سنک خلافتنه ابدی میرمرقومک  
 بوکونه بسط کلامندن اعتماد الدوله و طرفیکرلری فوق الغایه ممنون  
 و مخطوط اولیحتی فرقه مخالفه واقف احوال اولدوغی تقدیرده میرمرقومی  
 مضرتندن صیانت ملاحظه سیله اعتماد الدوله پند و نصیحت بوللو  
 کلامیله عرض حال تسوید ابدوب حجه کتمکه شاهدن اذن طلب ابله دیو  
 میراویسه خطاب و سلامت طریقنه تشبیه رمز و ایما ایلدی میراویس  
 بوکونه اسلوب حکیمانه اوزن حرکت و شقین فریقینی دل خواهرلرینه  
 موافق مدارا یوللر بینه سعی و سلو کیله طرفند میل ایتدردوب ایکی فرقه  
 ار بابی دخی میرمرقومک صلاح حالنه و زهد و تقوا سینه و شاه دار  
 احتشامک خالص و فخاص بنده سی اولدوغنه حضور شاهیده شهادت  
 و حقنه شفاعت و یورکی خان میرمرقومک حقنه یازدوکی احوال مجرد  
 نفسانیت و اغراض فاسده و افکار باطله دن ناشیدردیو تفصیل و بیان  
 ایلد ک لرنده شاه جمجاه اعتماد و میرمرقومک بالجمله جرایندن



چکوب حقنه عفو تام ابله معامله و معرفت رک تعریفارینه مطابق بنده کن  
 خیر اندیشاندن عد و شمار ابلدی بو خبر مسرت مآلدن میراویس  
 خیر واکاه ایحق کاه شاد و مسرور و کاه فریقینك شقاق و نفاقندن  
 بر اثر موخس ظهور ایدر احتمالیاه غم و دردن خالی و ملدی عرض حال دادن  
 میراویس در بدشگاه شاه برای رفتن حج شریف میرمرقوم دور بین  
 و عاقبت اندیش اولد و غنه بنه نور طوند دو کولمك کرک مفهومی  
 اوزن بر قاج ایام مرورند مفصل عرض حال یازوب حج شریفه اذن طلب  
 ابلدی مفهومی بوقوللرینك مقصودی بالجمله غوابل دنیایی ترک  
 ابله من بعد بقیه عمر عزیزی مقدور مرتبه سی صلاح و تقوی یه سعی  
 و سلوکیه لیل و نهار دعای دوام دولت شاهینی ورد زبان ابدنوب  
 بر قاج سنه اول مقامات متبرکه که ده مسکنک اوزن مکث و اقامت و قاضی  
 الحاجات درگاه ذوالجلاله توجه برله عبودیتنه عاجزانه صرف مقدور  
 مقصود و اولوب بعد زمان بنه عودت و شاه جمجاه مر و نلو افندیك  
 عنایت مالا غایه لری عبد حقیر لری حقنه مبذول بیور بلور ایسه  
 عزم آخر اولد قچه خطه اصفهانده مقیم و اهل عیالم بندلرنی دخی بود بار  
 جلیله یه کتور دوب اذن و رخصت شاهانه لری در کار بیور بلور  
 ایسه قبیله می دخی شهر اصفهان قربنده فرمان بیور لدخی محله اسکان  
 و ایطان ابلک معلوم و در دیر ب مفهوم عرض حال شاه جمجاهك معلومی  
 او ایحق میرم قو م ك حج شریفه عزیمت اذن و رخصت ارزانی و بر فرد  
 مانع مزاحم علیه دیو کتم تنیمه ابلدی بنابرین میرمرقوم ندارکن  
 کوروب بالجمله خدم و حشمه در حال اصفهانندن چقوب حج شریفه

عازم

عازم و متوجه اولدی مکه مکرمه و واروب علما و صلحا و اشراف ناس  
 ابله کوریشوب انلره دخی علی حد هم عجم دیاری تفار بقلرندن هدایا  
 بذل ابلدی ادای فریضه هجدن صکره مدینه منوره کلدی مقامات  
 متبرکه کی زیارتدن صکره اند دخی علما و صلحا ابله کوریشوب هدیه لر  
 و یروب اشنالک پید ابلدی بعد الا یام بنه مکه مکرمه یه کیدوب اند  
 بر مدت مقیم و مجاور اولدی علما مجلسنه مداومت ابدوب فضل و کمال  
 اظهار ابلدی علم مباحثه لری اولان محله ملازمت ابدوب مکه مکرمه  
 فضیلا سی کند و یه میل و محبت ابلدی استفتا کردن میراویس از علماء حجاز  
 بعد زمان فضیلا ی مدققین ابله کند و سنه مخصوص اولوب در و نده  
 مکتوم و مضمر اولان احوالی کشف ابدوب اعتماد و اطمینان تحصیل  
 ابلدی و کی کمسنه لر ابله خفیه مذاکره و مکالمه مباشر اولوب و انلردن  
 نچه نچه امور ند استفتاء مراد ابدوب کند و مظلوم بنی بوسیاقده تسوید  
 ابدوب عرض ابلدی بزم ملک ایرانك نهایت شرف پسند ممالک هدیه اصالند  
 اهل اسلامدن سنی سنوی برالای عشائر و قبائله منقسم خلق ایز بر نچه  
 مدت روافضه دن عجم شاهلری اوزر لر یزه غلبه ابدوب زبردست قهر  
 و تخت تسلط لرنده عاجز و درمانده محکوم لری و لشکر در حالا تحت  
 رعیت لرنده اولد و غم طا بفه عجم پی حد و پی حساب و انواع تعدیلرندن  
 غیری یوز یزه و کوز یزه قار شو چهار یار کوز بنگ بعضی لر یزه ششم  
 و دشنامی اشکار ایدر لر و حالا اوزر یزه حاکم و والی اولمق اوزر بر جادل  
 و نادان کافر بی ایمان کورجی خانینی کورجی عسکر بله محافظه نامینه  
 تعیین ابدوب خلاف شرع مبین نچه نچه اموری را کابره و جبر و عزم یزه



واهل و عیال مره تعرض و دست درازلق و اولادیزی گاه غصب و کما  
 سرقه طریقه یقه الو کور جستانه کوندروب فروخت ایدرلر و نسوانیزی  
 رفاخی و کورجی کافرلی جبر و قهر اتزو میچ ایدرلر بزعا جزله غیرت دبنیه  
 ال و یروب بونلره قلیچ چکسک سرعاجا اثر میدرو و بوا مرک تشیتی حرب  
 وقتاله موودی ولد قد قانلر غازی مقتولر شهید اولورمی و عون جناب  
 حق ابله باد ظفر و غلبه طرفزه و زان اولد قد روافضک اموالی حلال  
 و غنیمت اولورمی و انلری سبی و استرقاق یا خود مملکتیزی جوار و اتصال مرده  
 اولوب اسلام اوزن اولان هند پاشاهنه تسلیم ایلرک شرعا رخصت  
 ورامیدر بزه بیان بیورک دیو رجایلد کده جواز بنه دایر متعدد فتوالی  
 ویردیلر و بالجه فضلالی مدینه و مکه جواز بنه مشعر تصدیق و امضال  
 ایتدیلمر میرمقوم درونند مکتوم و مضمربیت و عزیت امر بنی و تنفید  
 و تشیتی بوجه مشروح اساس شرع اوزن مبنی قلد قد مدت مجاورت  
 نهابته یروب جانب اصفهان ره براه اولدی ننه مافی الباب عجم شاهلرنده  
 نوبت حکومت ایران بیوک شاه عباسه کلجه طوائف عجم فریضه  
 حی ادا یه مداومت ایدوب سنه بسنه انلردن جم کثیر حجه متوجه  
 اولوب اهالی مکه و مدینه انلردن منافع و افره ابله منتفع اولورلر مش شاه  
 عباس بو حکمی تغییره سعی ایدوب بالاده اشارت اولند و غی اوزن اموال  
 ناس مملکتند قالمق فکر ابله اماملرک مقابر فی یار نیله اکتفا اولنق ندیرین  
 ایش و عوام ناسدن نجه لری بونی اعتقاد ایدخش ایدی اول ایلدن  
 عجم طایفه سی خراسان اولکه سنه مشهد امام رضایه و بغداد اولکه سی  
 اول ائنه قبهضه تصرفلرنده بولنغله جوارنده واقع مشهد امام علییه

و مشهود

و مشهد امام حسینیه متوجه اولدیلر و مقامات مذکورینی زیارت  
 ایدن زوار کر بلای نی نسیمه اولنوب حالا بو قدر ابله حجه وارمدن عوام  
 ناسدن نجه لری اکتفا ایدرلر لکن بوفر یضه بی بالکلیه اسقاط ممکن  
 اولمیوب بنه بعضیلری فرصت و امکان بولد قچه حجه وار مقدمه بذل مال  
 ایدوب سعی و کوشش ایدرلر و بو خصوص عجم شاهلر ابله اهالی مکه  
 و مدینه میاننده سبب برودت عظیمه اوامشدر عودت کردن میراویس  
 در اصفهان از طریق حج میرمقوم ادای فریضه تحدد نصکره عودت  
 ایدوب شهر اصفهان وصول بولد قد رجایلد عجم ابله کور بشوب مکه  
 مکرمه جانبدن احضار ایلدوکی عود و عنبر مثالوهدایای کر نیها  
 بخششی ابله نجه لرک درون صید و جذب ایدرک احباب کثیره پیدا  
 ایلدی و رجایلد دولت بیننده معتبر اولوب مظهر الطفات اولدی حسن  
 حالنی و عاقلانه وادبانه وضع حرکتی و خلوص و صداقت الود بر مرد کامل  
 ایدوکنی شاهه قول قول عرض ایلد کارنده شاه دخی میرمقومه محبت  
 ایدوب بعضی اموردات مشورتلر بنه ادخال ایدلر دیو تنبیه ایلدی  
 آمدن پیام ایلی از جانب چار مسعود در اصفهان و مشورت رجایلد در  
 احوالش کیف ما اتفاق اول ائنه مسعود چاری طرفندن برایلی  
 انتخاب و تعیین اولنوب حدوده گلش و شاه جمجاهه کلمک ایچون  
 اذن طلب ایدر دیو سرحد والیلری جانبدن عرض و اعلام اوامش  
 رجایلد عجم بو خبری کتورن کسینه بی احضار ایدوب اول ایلی نه منند  
 ایچیدر اسمی نه در ونه جنسدر دیو سؤل ایلد کرنده اسمی



اسرائیل اور بدر جنس ارمنیدر مولدی قیان نام محلدردیو جواب  
 ویرد که ارمنی الاصل اولدوغن اشتد کارند مختل الدماغ اولد بلر اصلند  
 قیانی اولوب بزم رعایا مزایکن مسقو چارینه برطر بقله انتساب سببیلله  
 شمدی ایلک پله شاهمزك حضورند رسم ایلان اوزن او تور بزدخی رجال  
 دولت رعایا مز مقوله سی ارمنی کافرینه التیام واکرام قیدند اولق بوجهله  
 معقول و مناسب اولوب بونک کلسنه رخصت ویرلمسون مسقو چاری  
 کندی جنسندن برغیری ایلچی کوندرسون دیو مشاوه لرینه نتیجه  
 ویرد کارندن صکره اول وقتک شهر اصفهانده فرانجه پادشاهی طرفندن  
 اقامت اوزن بولنان موسی بمشل نام ایلچی ده دخی خبر کوندروب سوال  
 ایلد بلر که مسقو طرفندن بر ایلچی خبری کلوب ادینه اسرائیل دیرلر مش  
 اول شخص نمند کسنه درنه جنسدر و مسقو چارینه انتسابی نه  
 تقر بیدیه در معلوم کنایسه بر قائمه یازوب طرفزه دوستانه فاده ایلک دیو  
 التماس ایلد بلر اول دخی جوابنده کلان ایلچیک اصلی ارمنیدر تجار مقوله  
 صمدن اولوب فرنکستانده و شمش فرانجه عسکری ارمنده بر مدت قهوه  
 جیلک ایلدوب بعد جنگچی یازلمش و افر سفر لده موجود بولمغله  
 کند سینه و رضا بطلک ویرلمش بعد نمجه یه کیدوب لسان ایدیغی تقر بیدیه  
 لیو پولدش نام قوجه قرالک بعضی خدمتند بوللمش اندن دخی مسقوه  
 کیدوب زاق قلعه سندن کند یه بیک باشی ضابطلمفی ویرلمش بو تقر بیدیه  
 وطن اصلیه سینه قر بیت حاصل ایلدوب صلح رحم ارزو سینه دوشمش  
 ونچ چاساری طرفندن مسقو چارینه شفاعت ایلدردوب التماسیه  
 ایلچی تعیین اولمش بر اصل راده کسنه اولوب رعایا کز مقوله سی و لمغله

ایلاچلک

۴۴ ایلک عنوانیه شاه جضوزینه واروب او تور مغه شایان ارباب اگر آمدن  
 اولوب سفلی الجنس دنی الاصل برارمنیدر چون اول زمانده فرانجه اوبله  
 نمجه لو بیننده قتال وجدال در کار ایدی ایلچی مرقوم ایسه نمجه چاساری  
 شفاعتیه ایلک پادیه سنی انتساب ایش ایدی ول ایلدن مقتضای  
 وظایف ایلان اوزن فرانجه ایلچسینه دخی اسرائیل مرقومک حقنده اول  
 وقتده عداوت اوزن معامله حسب حال اولمش ایدی غریبه قره باغ  
 اولکه سندن متوطن ارمنیان سر طریقلری خلقه خبر ویروب کاملارندن  
 استخراج اولمش و کتابلرنده یازلمش اولق اوزن بوسنه لرده زمین پرانده  
 ارمنیلر جنسندن بر پادشاه ظهور ایلدرو بو پرله غالب اولوب تحت  
 حکومتنه ادخال ایلدرو ارمنیان دولتی قدیمده اولده غی اوزن وضع  
 اولنه عودت ایلدردیو میان ارمنیانده گفت وگو اولوب نمجه لری اعتقاد  
 وانتظارند اولمش بر معنای غریب و لمغله شاه دولتنده دخی اخبار اولمش ایدی  
 ایلچی مرقوم مسقو جانندن بحر خزر ابله شر وان اولکه سنده ساحل بحر ده  
 واقع نیاز اباد نام محله کلوب اندن شهر شماخی یه کلمه اول طرف ارمنیلرندن  
 یاننه او چیوز ادم یاز بلوب عظیم حشمت و وفار اوزن شماخی شهر پنه بش  
 یوز نفر ادم ابله واصل اولدوغی متواتر اولمش ایدی و ایلچی دخی حمله کار اولوب  
 جلب منفعتی ایچون تنهاده بولدوغی ارمنیلره بر ارمنیلر پادشاهلری  
 نسلمندم دیو خبره یروب بیدلرنده بومدعا عظیم شیوع اولمش ایدی  
 کتابلر یزده یاز بلان چقدی ظهور ایدی بوزره پادشاه اوله جقدر  
 ولایت دعواسنه کلش در غارت و حشمت بزمدر دیو رعایا بر یا غیرته  
 دوشمش ایدی فرانجه ایلچیسی واقف احوال اولحق شاه دولتمه خیر



گویند در دینکه بو خصوص ارمنیان عالمینک استخراجی اولوق اوزن  
 کتابلرنده یازلدیغی تقدیرده اسرایل اوری لفظنک حروفی قلب مکان اولنمه  
 السراروی اولوب لسان سریانده پادشاه دیک اولور بو گونه ظنیات  
 ووهمیات عبث اید وکنه ساده دل اولان عوام انتقال اید میوب و مدعی  
 حمله کار بو گونه صنایع ابله مدعاسنه رواج ویرمک قیدند اولور سه  
 بوندن یرفساد عظیم ظهور ایتیمک غالب احتمالی ووقمیله دفع ندارکی  
 کورلمک مهمدر دبد کده واقع حال شاهه عرض اولیحق فکرواندیشه یه  
 واردی ودر حال اعتماد الدوله بی چاغردوب اچی مرقومک کله سی می  
 مناسب یو خسه کیرو عودت ایتدیرلمه سی می مناسب ارباب مشاؤون  
 مشورت ایدوب بران اول بونک قیدی کولسون دیوتنبیه ایلدی  
 ندبیر میراویس در احوال اچی مسقوینا برین بالجه اعیان ورجال دولت  
 بریره کلوب چوق محاون ایلد بلر عاقبت بو عقد مشکل بندک حلی  
 دستوار الحصول اولغله میراویسی دخی دعوت ایدوب مشورتلرینه  
 ادخال ایتدیلر چون باب محاون فتح اولوب دارمکالمه کشاده اولدی  
 هر فرد عقلی وادراکی مرتبه ده سوزسو بلکه ما ذون اولوب کیمی اچی  
 مرقومک کله سن وکیمی کیر وکنه سن مناسب کوروب اهون الشرین  
 ترجیح اولمادیغندن چوق قیل وقال اولدی انجامنده میراویسه خطاب  
 اولنوب سزدخی شاه جهجاهک صداقت پرور بنده سی امور دبد و کار  
 ازموده عالم وفاضل خیراندیشی اولدیغکزه بر فردک ریب واشنباشی  
 قائم یوب لایقدرکه سزدخی بو یابده ذاتکزه جمیلی خلوص و طوویت  
 وعقد و حال اموردده استقامت لمعکرمقتضاسنجه صواب دبد کز اولان

۲۰ جهتی عیان و بوقضیه ده عند بکرده مرجح اولان شکلی تصویر و بیان  
 اید سزدبد کلرنده میراویس هضمانه نفسه عتدار واحتقار طریقاری  
 مراسمی تمام ادا ونکمیل وکستاخانه وضع وحرکت غایت محاشی  
 واجتناب اوزن اولدوغی صورت وسمای اظهاردنصکرهینه جمله نک  
 لیرام والحا میشتد اولیحق منازع فیها ماده ییدار بو گونه تقریریه مباشر  
 اولدی بوداعی دولتکرتک رای ناجیزو عقل کم اندیشه کون اچی  
 مرقومک بوجانبه کله سی مرجح وموجه کورینور زیر اوارایه  
 کلد کده الیکزده بولوغش اولور برفتنه یقاطنه فرصت بولماز و مباشرت  
 سوداسنده اولدوغی فهم اولنسه علاجی بولنوب یا حبس اولنور ویا  
 مسومما اهلاکی اسبابنه تشبث اولنور لکن اذن ویرلیوب بو شهره  
 کلدوکی صورتنه مسقوچار بنه کیرو عودت ایتدیرلمه سی اقتضا  
 ایلدیوکی تقدیرجه مسقوچاری ایلجسی قبول اولنوب کیره کوندرد وکنه  
 لایحاله عار و حجاب ایدوب کورجنسه کرکدر بونار عار ابله غرت دوشوب  
 بریموک نار غوغا علوی اشتعال بولوب فساد عظیمه باعث وبادی بر  
 معنا اولسه کرکدر با خصوص که یورکی خانک بوندن اقدام خیانت ابله  
 فرار ایدن سانه زرمی خان نام قرندهاشی مسقوده ابلکن بو فرصت لانه  
 کیروب مسقو قرانی اغوا و ترغیب وعلیمکزه تحریک دقیقه فوت  
 ایتیموب وساطتیه دولتکزدن اخذ انتقام سوداسنده اولسه کرکدر  
 مشهور و معلومکدرکه سابقه مسقولو طرفندن کاش اولوق اوزن  
 شر واند برشتی صاحب فساد ظهور ایلد کده دفع ورفعی غایله سی  
 دولتکزی اتعاب ایدوب نه مرتبه ده خزینه کثیر کز و عسکر وافر کز



اثلافنه باعث اولشد و شمدی ایسه مسقو چاری غیرت جاهیلنه سی  
مقتضایه بنفسمه حرکت و اوزمه بکزه کلکه مسارعت ایدرسه دفعی  
مشکل برداهیه و اهیه اولور غالب احتمال دخی بودر که اچلی مرقومی  
کیرو دوندر مک مراد ایدنسکز سوز بکز ابله عامل اولمیوب دروننده مضمر  
ولکن علاماتی ظاهر فتنه بی شروان اولکه سنده فعله کتور مکه متصدی  
اوله حال بوکه با جمله مملکتکیزک رعایاسی ارمینیلر و مقول کسنه لر اولوب  
ادنا بیهانه ابله تبعیت ایدوب خزینه دخی ویرلر نتیجه کارالعیاذ الله تعالی  
صفک دما پی حدی متضمن قتال وجدال مستند و متمدن مؤدی اولور  
کورجستان خلایق هم ایین وهم مذهب ارمینان اوللر ابله موافقت  
ایدوب نلر دخی پای وجه کن مسقوی تحریک و طر فلرینه جذب و جلب  
ایدوب الکفر ممله واحده مضمونی اوزن نجه یوز بیک عنده و مرده دن مرکب  
گروه باطله اوله جقلرینی فکر و ملاحظه بیورک با وجود قندهار و البسی  
یورکی خان ابله دخی مخاره طریقی الدن قومیوب و اول دخی سابقه اجرایه  
قادر اولمد و غریض فاسدی تشبیه فرصت یاب و تحصیل ابلد و کی  
خزاین کثیره بذلیله قندهار اطرافنده واقع ملل مختلفه دن جمعه قانو  
اولد و غی عسکر ابله حرکت و هندی پادشاهنی دخی مملکت ویرمک و عدیلله  
تحریک و نجه امورند استمداد اید و احتمالدر که طوائف اغوانی دخی  
برتقریبله طرفنه جذب ایدوب کند و سنه عسکر ایدنه زیر ابن قولکز  
طوائف مزبورنک کلداری ایکن صغیر و کبیری سوز مدن خارج  
ناهموار ایشه وضع و حرکت ایتد کلرینی کوروب و عین الیقین بابوب  
نی خلاف آنها ابله اول دیاردن طرد و تبعید اید و کی مجرد بوکونه نیت

فاسدینه

۴۹ فاسدینه تشبیه ویرمک ایچوندر و حالا العیاذ بالله قضیه مخزون روفا  
اولسه دخی بن قولکز اغوانلر ایچنده اولد قچه بردرلو فساد و متصدی  
اولمیوب طاعت شاه جمجاهده با جمله ثابت قدم و راسخ الدم اولجقلرینه  
متکلم و بیکام موافقت ابله تکمیل ناموس دولت شاهیده بذل مقدور اید  
جکلرینه ضامن و متعهدم همان سر وقت حاجتک برو طر فلرک نلر کی  
کورک الخلاصه دفع مخدورات ایچون اچلی مرقومی بران اول طرفکزه  
کتور مکه بذل همتکز مناسبدر و الاینه سزاعلمسزد بد کک میرمقومی مک  
کلامین جمله تحسین و عاقل و مدبر دور بین و عاقبت اندیش خیر  
خواهی دولت بر مرد کامل اولد و غنه مداد انصافله نتیجه نسلمی چکوب  
انکشت افرین ابله حجتن مهور و امضا قلدیلر و میرک تقریرین قلمه الوب  
نقیرو قطمیر شاهه عرض ابلدیلر حضور شاهیده متبول و پسندیده  
اولوب نوازش خاطرینه اهتمام قلدیلر و خاعتلر کیدروب اغوانیان  
اوزن کافی الاول بلر کلدان نصب و تعیین ایدوب مسارعت اوزن قندهار  
گوندر دیلر و اچینک کلکسنه دخی قرار ویریلوب در عقب احضاری  
ایچون ادملر تعیین اولنوب اثنای راهده لوازمی کورمک اوزن ر قلدیلر یاز دیلر  
عزیت کردن میراویس از شهر اصفهان بجانب قندهار چون میر  
مرقومی حصول مافی الضمیرینه بومقدار غونه وجود پذیر اولدی  
قندهار و البسی کند و سیله حسن زتنه کانه میرعایت ابلک یابنده اکید  
و شد بد نتیجه کاغذلری ویرلدی امثال بهننده امتیاز و کافی الاول اغوانیانه  
بک تعیین اولنوب کندهار التفات و اگر املر سپارش اولندی و اعتماد الدوله  
سرانه تربیه و مکتومانه توصیه لر ایدوب دولت شاهیده مخوف اولان



اختلال نمونه دار اولمق تقر بیلله قندهار و الپسندن سوء نیت فهم و حسن  
اولمور سه فرصت یاب اولد قده بلات تاخیر قتل و دولته عرض وفاده یه  
توقف بیلله دیونیمیه ایلدی و بدینه بومعنائی متضمن مهور و مخفی سند  
دخی و یردی شاهک دیوان بکی دخی قنداشی مرقوم یورکی خانه مکتوب بیلر  
یازوب میرمرقوم دولتک مجرب الاطوار خیر خواهی و شاهک نظر کرده سی  
اولدوغنی شرح و بیان و خانک دخی محب صادقی و هر حاله ثنا کاری  
اولدوغنی تفصیل و عیار ایدوب تطیب خاطر میرا بیلله تقید و اهتمام باینده  
کرمیت اوزن اولد دخی سپارشلر ایلدی و وصول میرا ویس بقندهار  
وئد بیر کندن برای قتل یورکی خان والی قندهار میرا ویس دخی من بعد  
توقفی جائز کور میوب رسم و داعی یرینه کتوروب وطن اصلیه سی اولان  
جانب قندهار متوجه و عازم راه اولدی کاه شاد و مسرور طی مراحل  
کاه فکر انجام کار بیلله قطع منازل ایدرک وقتا که صوب مقصودینه وصوله  
قریب اولدی الایلر قور بیلوب عزت و اکرام بیلله قلعه قندهار داخل اولدی  
والی و اغوان اکراننده اهتمام ایدوب بوجه مسافرت بر قاج کون زیارت  
و تبریک قدیمه رعایت قلد بیلر بعد خان طرفندن اذن و یر بیلوب  
چفتلکنه و ارمنجه تشییع قلد بیلر چفتلکنه مکت و ارام ایدوب شنایان  
و بیکانیه ان دخی تبریک قدوم و تبریح ایلله زیارتنه مداومت ایتد بیلر بعد  
الایام عشائر و قبایلدن و حو و ناس و اصدقاء قدیمه ایلله محرمانه صحبت  
و کشف باب نیت قلوب عمده مرامه موصل طریق تحصیلنده کمال تحری  
قلد بیلر طوائف بالو جک دخی سر قبیله لری داخل مجلس اولوب محرم  
اسرار اولد بیلر انفا قلرند ثابت الاقدام و تشبیه جان و باشر ایلله اقدام

تعهد بیلله

۲۷ تعهد بیلله جملة معاهده ال اوروب معاهد لربنه استحکام و یرد بیلر اعطاء  
الدولتک یورکی خان حقنه و یردوکی سندی از یر ایدوب من عند الله  
کندولربنه نعمت و بو فرصتی غنیمت عد ایلد بیلر قزلباش و روافض  
و کورجیانک ظلم و جور بنی ذکر و یاد و اهل عیال لربنه تعذر لربنی و نجه نجه  
افعال و اقوال شنیعه لربنی یراد و تعداد ایدوب غیرت اسلامی در خاطر  
ایتد بیلر بالجملة امورده میرا ویسک رای و تدبیرینه متابعی بر قات دخی  
در عهد و ایمان بیلله التزام ایتد بیلر وقتا که قضایای مقصود لری اتحاد  
نتیجه سن و یردی ندر کار کور بیلوب اسباب تشبیه مرام آماده  
قلند دخی چون بو بنیانک طرحی لا محاله بنیان دروغ یا فروغه و بو مصلحتک  
حصولی لا جرم حیلله و خدعه رسم و شکنجه افرغه محتاج ایدی میر  
میران اغوانیان هادم خاندان شاهان فتنه عجیبان الحاجی میرا ویس  
غیرت نشان جهت عنوان بر کون بر مغلطه ایلله الی قندهار اولان یورکی  
خانه کلوب قبایل بالو جدن فریاد و فغان و انلردن تشکی نظر اطهار  
والان طوائف مزور و اشتیاسی کلوب نر اغوانلرک او بیلر نه حمل و هجوم  
و بالجملة اموال و اشیا لربنی نهب و غارت قلد بیلر و مواشی نامند حیوانات لربنی  
سوروب کیتد بیلر دبودروغنه فروغ و یردک یورکی خانه غیرت  
ال و یروب کورجی عسکرینک سر بیلوکاری احضار و فی الحال طوائف  
عسکر حاضر و آماده اولوب در حال اللوج اشتیاسنی تعقب ادک و بنی دخی  
بعد العصر قیو خلقم ایلله سوار اولوب بکامنتظر اولک و میرا ویسه دخی  
خطاب ایدوب سن دخی شتاب ایلله ندرکنه قادر اولد غلغوا دارک  
ایلله فلان محله بکامترقب اول و اول محله ملاقی اولد و غز و نصیره



پيشمزدده اماده اولان كورجی عسكری نه واصل اولوب جمله مزيك جسم  
 كچه سرعت و وقت سحرده سرعت ايله على الغفله بالوج اولرینه جمله و  
 هجوم ایدر روز دیوم نوال مزبور اوزن نغمیه و تا کید ایلد کده جمله سی عجله  
 حاضر و اماده صوب ما مورلرینه راهی اولدیلر میراویس دخی کال  
 سرعت و عجله برله بالوج قبا ایلر بالو باشلرندن محرم اسرار و متفق اغراض  
 اولنلرینه خبر اوچروب انلری و قعه دن خبر و خواب غفلتدن ایقظا  
 ایدوب غیرت کونی بوکوندنر ما پشمزده معقود شروط عهد و میثاق  
 بوکون اجرا و انجق وقت فرصتدر دیو اول طرفی اکاه قلد قعه بروده  
 عجله تدارک ایلدی کی اوج بیك سواری اغوانله محل معهوده شتاب ایدوب  
 جان و دلدن یورکی خانك ورودینه مترقب و فرصته مترصد اولدی  
 بر خطه زمان مرونده یورکی خان یر مقدار قیو خلقیله ساده نغره ایلله  
 چقوب کلدی اغوانلر اکی شق اولوب سلامنه دیزلدیلر یورکی خان  
 هنوز احوال دن غافل اورتی لرینه کلدوکی برله بحر زخار انتقام اغوانیان  
 حرکت و جانب کورجیانه سیلان ایدوب یورکی خان نادان میان  
 جداران صفین ده مثال فرعون بی ایمان غریق بحر هلاک اولدی و بو  
 مهلکه دن برفرد ساحل سلامت چقمدی و قندها ن خبر ویره جك  
 پر کسینه بولندی مشورت کردن میراویس باغوانیان بعد قتل یورکی  
 خان مقصود اغوانیان بو یوزدن حاصل اولجق میراویس جمله اغوانی  
 بریره کتوروب مشورت ایلدی وینه پند و صبح و وعد و وعید لر ایلله  
 و مصاحت امیزدرو غلر بله اغوان طایفه سنی نیت و عزیمت لرند  
 دوام و ثبات و بو طریقله تشبث امور لرند باش و جان ایلله قداده رغیب

و تحریر یس

و تحریر یس ایلدی اولان تحسین وافریتلر و مدح و ثنای ایدوب بر خوردار  
 اوله سزدین اسلام او غورنده حقابر خدمت مبرورده بولندی کز سکه بی  
 مرمرده قازوب روز قیامته دکن السنه عالمه ذکر و یاد بکزه باعث بر  
 اثر جمیل قود بکزه جمله کزک قضاسی مبارک و سعیه کز مشکور اولسون لکن  
 معلوم کز اولسونکه اعتماد دوله نک یورکی خان قتلنه اولوب سزه ابراز  
 ایلدی کم فرمانك اصلی اولیوب ساخته ایدی انجق غیرت دینه ظهور  
 ایدوب من بعد صبر و تحمله طاقتم قالمیوب سزی دخی بو بله برور طهیه  
 او غرته غیرت و حجت دیندن ناشی مجبور و مضطر اولدم مضامه مضامه  
 بوند نصیحه بزه لازم اولان بودر که جمله مزیک دل و یک درون غیرت  
 قوشاغن میان اجتهاده بند ایدوب دین محدی او غرینه جانمزی باشمزی  
 قد ایلد وز چونکه بو تقریبله عجم شاهلرینه نصیان یتیمش بولندق  
 بوندن بو بله عجملر یانتد ادیز عاصی و باغی اولوب لاحاله عسکر تدارکنده  
 اولوب اخذ انتقام قیدند اولور لر العیاذ بالله فرصت بولوب غلبه  
 طر فلرند و واقع اوله جق اولور سه ذکور جزئی با جمله قلمجندن کورروب  
 نسوانمزی و اولادیمزی سی و اسیر ایدر لر دبد و کنده اغوانیان بو مهلکه یه  
 القای ایادی ایلد کارینه نوعاندامت ال و یروب پیرو اختیار لر ی سوزده  
 اغاز ایدوب عجم دولتی ذی قوت و قدرت صاحب باس و مکت بر  
 دولت عظیمه اولوب زایسه انلره نسبت پراوج قبا ایل و عشائر رعیت  
 مقوله سی خلق ایکن انلر ایلله مقاومت و پیچه قهر لرندن رها و سلامت  
 نه جای امکان و نه حیز تصور در دبد کارند میرمرقوم عالم و دانا و فصاحت  
 و بلاغت کدخی میرمشار بالبنانی اولمغله کم من فیه قلیله غلبت ایت



قرآنیہ فی قراءت و مضمونہ موافق پند و نصیح ابلہ درونلرینہ تقویہ  
 و یردی نہ بعضیلر اطمینان و خاجان درونلری سکونت بولیوب  
 بزجلہ مز عجم شاهلرینہ خیانت اتمامک و اطاعتلرندن بر طریق ابلہ  
 و وگردان اولماق اوزن متعهد اولمش و بوعهد مزی یین مز ابلہ  
 تا کید ایشزد در حال بو ابلہ ایکن انلر ابلہ مقادله یه مباشرت مز شروع  
 اولور می دید کارند میر کلام مرقوم جوابند عجم طایفه سی حدی  
 تجاوز ایدوب نچه زماندن بر و عرض مز و اهل و عیال مز تعرض و حالا  
 اوزر یزه بر کافر بی دین حاکم نصب و بوجله دن اشنع چهار یارکز پنه  
 شتم و دشنامی یوز یزه قارشوعن قصد ارتکاب و التزام ابلر ابلہ عهد  
 نامه مز شروطنی تغییر و معاهد مزی نقص و فسخ ابلد کاری جانبلرندن  
 واقع اولدوغی مقرر در و انلر ابلہ قتال اوزر یزه فرض عین اولمش در دیوب  
 علماء حجازک بوجله یه دائر و یردکاری فتاوی شریفه یی و بوندن اقدام  
 علمای هند و علمای اوراء النهر جانبلرندن تدارک ابلد و کی متعدد فتاوی  
 ابرار ایدوب بو مشکلمرینی دخی بوجله اوزن حل ابلد کده اکثرینه  
 غیرت ال و یروب جهاده میل و رغبت قلندیلر و راغب اولمینلر دخی  
 خواه ناخواه تبعیت کوستر دبلر عزیمت کردن میراویس برای  
 فتح قلعه قند هار غیری نفیذا امورلرینہ مباشرلر اولوب اوکار نچه کیدن  
 کورچی عسکرینی قرق ایچون طاغلرده و اوهرده ساکن طوائف  
 بللوجه عجاله ادملر کوندورب محل مرور و عبورلرینی محکم سد  
 و بند ابلدیلر و انلرک چو غی بللوج و اغوان الارند اسیر و تلف اولوب  
 کورجستانه سلامت ایلہ عودت ایدنلری اقل قلیل اولدی میر

مشیر صاحب رأی و تدبیر دخی یانند موجود اوج بیک مقداری اغوانیه  
 هی وزی کورجیان و عجمیانیه متوکلا علی الله قلعه قند هار جانیه  
 متوجه اولوب بین العشائین مساعدت بخت برله علی الغفله قلعه مرقومه  
 اسهل وجه اوزن دخول و عجم ضابطانی و بقیه السبوف کورجیان قتل  
 و استیصال برله قلعه یی محکم ضبط و مخوف و مخاطره اولان یرله وقت  
 سحره دکن محافظه ل و قره غوللر تعیین ابلدیلر مشورت کردن اغوانیان  
 بعد فتح قلعه صباح اولد کده جمعیت عظیمه و دیوان اولوب شاهه میل  
 و رغبت کوستروب بو حرکت رضاداده اولمینلری دخی قتل ایدوب  
 ظهور فتنه احتمالی دخی بو طریقله دفع و رفع ابلدیلر بعد نینه ادا اقداح  
 مشاوب ایدوب کند و امورلری مذاکره سنه شروع برله تعداد احتمالات  
 و هر حال احتیاطی کندولر پنه حسب حال بلدیلر پس چون بو قدر  
 وقعه پنجه قهر شاهیدن خلاصه کفایت ایتد و کئی اذعان و عجم دولتی  
 کندولرندن اخذ انتقام و ارقوتی بازویه کتورجکئی فکر و اندیشه  
 و مقاومت عجز و قصورلرینی ملاحظه قلندیلر بعضیلر برای احتیاط  
 ماجرای هند یاد شاهنه عرض و اعلام و غیرت دینیه مقتضای سنجه  
 وقت حاجت امداد و اعانتلرینه حاضر و آماده اولمق رجاستی مناسب  
 کوردیلر لکن میر مشارالیه بو گونه ارایه راضی اولمیوب پنه تقویہ  
 قلوبلری بابند بو صورت اوزن بسط کلام ابلدی ای قوم اغوان الله  
 متوکل اولوب خاطر یکزی خوش طوتک بزم نیت خالصه مز و ابلکن عون  
 جناب حق ابله مکنت عاجزانه مز برله بزعا جزلر و افاض توانلرینه غالب  
 ولور زمبادی عزیز نمزده طرف حقندن بزم مپسر اولان سهوات الیمزده



بوسند قو بدرمع هذا که دولت شاهان اهل اللرنه قالوب بچه زماندن  
برومشرف انهدام اولمشدر اصفهانده اقامتم اثناسنده بالجملة حالارینه  
واقف اولمشدر رجال دولتلری ابکی فرقه اولوب را ئی وتد بیرده بری  
برینه ضد کمال هر فرد نفسی نفسی دیوب مدام عیش عشرته شغل  
ایدوب مهام دولتی فراموش اولمشدر نه اسباب سفره ونه نظام  
ملکته صرف ذهن ابدن اهل بصیرت لری قالمشدر طرف حقندن دخی  
کندولرینه بلایاناز اولمشدر مسعودن اباجی کلوب شروان واذربایجان  
لومنیلرینی عصیان ایتدردوب کورجستان دخی مسقوه تابع اولوب  
هرات شاهی ظهور بلا وهجوم اعدایله عظیم ترلردر بوکونه غایله وارابکن  
اوزریزه سفر امر دشواردر اولورسه دخی ندرک تام ممکن اولمیوب عون  
باهر یاوریز اولوب ینه نصرت وظفر بزمد رنغوز بالله مقاومت مکنت  
اولدوغی صورت رمغا ولسه هند پادشاهنه تحصن واتما حاضریندر  
ولکن بذل وجو غزایله کعب بلدی کمز مال وملك غنیمی بلاطابل اخرج الیه  
ویرمک ورعینی قبول ایتمک رواد کدر همت عالی ایدوب قند هاردن  
یومیه بجه راجع دورت وقیه التونی واطرافدن حاصل اولان اموالی  
کندومزه امساک وسائر مال غنایله محتاج لرینزی اغنایه سعی ایدلم  
دید وکنده جمله نکلینه قوت حاصل ومن بعد قریبده جهادی احیایه  
واغبار اولوب بوبابده اتفاق واتما دور فردن مخالفت صادر اولماق  
اوزن مصحف شریفه ال اوروب عین غلیظ ایله معاهده لرینی تائید  
ایتد بلرومیراویسی کندولرینه سردار اتحاد ایدوب صغیر وکبیر بیعت  
ایلدیلر مراسلات ومکاتبات از جانب میراویسی بجانب شاه عجم چون

میرمرقوم وجه محرراوزن خلقنه پند ونصح ایله تقویه بولدردی کندوسی  
دخی استقلال بولوب مقرر حکومت قند هارده استقرار بولدی خدعه  
حریمه طریق لرینه رعایت ایدوب حکیمانه وضع ایله مدارا ومروت  
سمت لرینی الدن قومیوب شاه طرفنده اعتماد الدولته مصنع مکتوبلر  
یا زوب بلاتا خیرار ساله شتاب ایتدی مضمونده بنم مروئلوعنایتلو  
ولی نعمتم افندم سلطانم حضرت لری کترین بنده لری شهر اصفهانده اقامتم  
اثناسنده بواحق لرینه خاک کپای ولی نعمی یه یوزلر سورمکه اذن  
شریف ارزانی پیورلدوغی تقریبله قندهار والپسی یورکی خانک احوالی  
تخصص پیور بلوب سوء حرکتی وعاقبت اول ملکته باعث فتنه اوله جفی  
خاک کپای دولتارینه حقیرانه افاده اولمش ایدی الحاله هذه بو عید عاجز  
قندهار وصول بولدوغم اثناده چوق کچمیوب طواف اغوان تجمع و پیورکی  
خانک ظلم وجور مالانهایه سنه حمل وطاق کتور مد کلرندن عاقبت  
خدعه ایله کندوسی قلعه دن طشره چقروب ویرمخله جمله سی هجوم برله  
قتل اولمشدر بعد برتقریب غرب ایله قلعه بی دخی الوب کندولری  
ضبط اولمشدر درو بو عید حقیر بکری دخی بولوب بولدروب چفتلکدن  
کشان کشان افتان وخیزان قندهار کتوروب حیراوکرها کندولرینه حاکم  
وسردار اتحاد اولمشدر دروشمد بک بو یوزدن عصیان لری ثابت اولغله جمعیت  
عظیمه لری وارد رانجق بوبنده لری دولت شاه نکل خیراندیشی وقوللغنده  
ثابت قدم صداقت پرور برعید مملوکی اولدوغم ریب واشتبا پیور لمیوب  
بو یله بروقت اختلاله کندولرینه برنادان وناحق شناسی باش بوغ  
ایلدیمیوب بو عید احقر کی شاهک صد اقتکار بنده سنی اوزرلرینه حاکم



نصب ابدکاری حالت ینه قوت بخت دولت کردند زریابو قلاری اوزرلرند  
اولد چیه بواختلاک دفع ورفعه جان و دادن سعی ایدوب انشالله  
تعالی حسن رأی و تدبیر توسطیه هر مشکل اسان اولورو بوناثره فتنه اب  
تدریج ايله اطفا و سکونت بولوب کافی الاول مملکت شاهي نظام ماهو المرام  
ایله انتظام بولورلکن بو خصوصی صورت اخیری ده خاکپای دولتکره عرض  
واقاده ایدرلر ايسه وجود ویرلیه همان بو طرفلرک احوالی بوقولکره  
تقویض اولنوب برمدت اغماض العین ايله معامله بیوربله و تهویر ایدوب  
خود بینلرک سوزبله بوبله برفتنه اوزرینه عسکر کوند رلیه زیراجله سی  
ایاقده اولوب یا مقاومت سودا سبله قتاله جسارت ایدرلر و یا خود دوات  
طرفندن عسکر گرت اوزن کله چکن ایشدوب مقاومت قدرتلری  
اولدوغن حس ایدرلر سه الان بعضی یارینک اساتندن جاری اولدوغی  
اوزن خوفه دوشوب سلا متلری ملاحظه سیله مملکتی هند پادشاهنه  
تسلیم ایدرلر اخلاصه تدریج و تائی و حزم و احتیاط بوعقدده مشکل  
بتدک حلنده لازم و مهم اولغله بو طرفلرک نظامی بوعبد عاجزلر ینه تقویض  
بیوریلوب اشارته جسارت اولندوغی اوزن برمدت اهمال و امهال  
صورتنده تدریج و تائی اصولی قواعدنه رعایت اولنورسه عون حق ايله  
و همت ینی همتا کز برله غایت سهولت اوزن مقصود و مراده ايسه حصوله  
کاور مکاتبات و مراسلات عن جانب میراویس بارجال پادشاه هند میرقوم  
اوتهدن برواغنیوا و اسخیادن غایت ايله ممول هنده تجارت ايله مخصوص  
کاربانی کاورکیدر عنقاونا مدارکسینه اولغله هند دولتی رجالیه باخصوص  
هند سرحدلرند اولان ولات ايله دوستلق اوزن معامله طریقلرند

۳۱ قصود قوم یوب کند و سنه وافر اشنا و احباب و خیرخواه پیدایش ابدی  
پس انلردن مقرب پادشاه و نافذ الکلام اولانلره مودت نامه لر تحریر  
و وساطت لربله وقعه مرقومه هند پادشاهنه عرض و اعلام اولغی  
مناسب عد ابدی و معتمد و قابل خطاب سواله و جوابه قادر کند و سنه  
خیرخواه کمسنه لر ايله ارسال ایدوب هر برینه اقتضای لوزن حالته  
مناسب و شائسته لایق هدایا دخی فرستاده قلمدی مضامن مکاتب  
بو صورتده فراغ اولمش ابد بکه ماجرا تفصیلا شرح میان اولنوب مفهوم کز  
اولدقدده بودخی معلوم کز اوله که بزم اغونلرک بوا مر خطیره جسارتلرینه  
باعث و بادی مجرد پادشاهان اسلامیاندن همجواری اولان پادشاه  
علو الشان پادشاه هند حضرتلرینک عنایتلرینه مغرورادر و وقت حاجته  
غیرت دینیه مقتضای سجه امداد و اعانت و حمایه و عیانت پادشاهانلرینی  
اغوانیان اوزرلرندن بی دریغ بیورملری رجا و امید یله در و عهد  
و اتفاقلری و قول و قرار و اتحادلری بو کام بنیدرکه اگر عجم شاه اوزرینه  
عسکر کوند رر سه اغور دینیه بدل وجود ایدوب دین باهره مجدیله  
یولند جهادی التزام ایدرلر و وافض بد نهادک تحت حکومتند اولغی  
من بعد قبول ایتیموب اهل اسلامدن بر پادشاه ذی الاقتدارک زیر جناح  
حمایه سنه التجا ایدوب کند و مزه مسند و ملجا ابدینورز و مملکتی دخی  
دست تملککنه تسلیم ایدرلر زدیونیتلرند ثابت قدملر و جمله سی یک دل و یک  
جهت لدر پس وقوع و تائی اولنورکه واقع حالی شوکتلو و قدرتلر پادشاه  
اسلام پناه هند پادشاهی مروتلر و افندیزک پیشکاه مکارم دستکاهلرینه  
تعبیرات حسنه برله عرض و اعلام بیور سز و وافض بد فعال بزلردن اخذ



انتقام سودا سیه مضایقه ویر سه صاحب چقه لری مقتضای غیرت  
دینه و لازمه شان و شوکت پادشاهانه لری بدر علی ای وجه کان ملک  
حفظ و حراست نه عدم مکتبی ادراک ابدوب طرف پادشاهانه  
تسایم ابدوز قدیخه برو کند و افند بلر یز در ورجال و اهالیسی بالجمله  
دین قریند اشلم یز در انحق اول امر ده فسخ مصالحه جانب لریندن واقع  
اولوب صرف خزینه ایله عسکر تدارک وارسالده عجله بیور مسونلر  
شمس پلاک دعای خیر ایله حسن همت پادشاهانه لری ونظر و توجه کما  
اثار لری طرفه محضی امداد و اعانت اولوب انشاء الله تعالی دعای خیر لری  
توسط ایله اعدای دینه عاجزانه مقدور یز ایله غالب اولور ز اغوانیان دخی  
وحشی قوم اولوب ایکی عسکر بریره کلد که بعضی قصاص طهوری احتمالیله  
شاید کد بعضی لری عجم طرفلرینه میل ایله باعث فتنه اوله منوال مشروح  
اوزن واقع حال هند پادشاهی رکبانه عرض اولند که محظوظ اولوب  
میرمرقومک ادملرینه کرکی کبی رعایت واکرامدن صکره مطلوبلر پنه  
موافق جوابلری یز بلوب عودت اولند بلر میرمشار ایله بو گونه مکاتب  
مدارات امینلر بله جانبینه خواب غفلت ایچون پستیرا حتی بسط و تهدید  
ابدوب اول جانب لریدن محمل الطهور فخطوری برمدت تا خیر و تبعد ابلد که  
ترتیب عسکر و تنظیم امور مملکت نه صرف مقدور ابدوب ایکی جانبیه میل  
و رغبت کوستر نلر دخی وافر کسینه لری قتل و استیصال ابلدی سفر  
عجم در قندهار و سر عسکری خسروخان و محاصره قندهار برمدت  
حلولند میراویسک احوالی شاه ورجاله حقیقی اوزن عیان و عصیان  
وطغیان روز بروز زیاده بولدوکی غایان اولیحق دفع ندیرلرینه مباشر

اولد بلر

اولد بلر و بویامده سابق الذکر اسرا بیل اوری نام مسقوا با چپسی دخی ۳۲  
اصفهان کلوب نامه سن تسایم ابلد که مضمونی مجرد مراسم دوستلری  
تجدید و احیایه محصور اولوب الحینک لساندن دخی مملکت دعوا سنده  
وارمنیلر پادشاه اولق فکر و سودا سنده اولدوکی معلوم و بعضی  
ارمنیلر پادشاه نسلندم دیدوکی مطلق انلره تعظم و رعایت واکرامده  
امتیاز بولق ملاحظه سیله ابدوکی محقق اولیحق شاه ورجال محظوظ  
اولوب حدندن زیاده اکرام و ادای رسالتدن صکره نامه و یروب  
عودت ایتدرد بلر اولدخی ار درهان قلعه سنه وصول بولد که مرد اولمش  
دیومتو اتر اولوب بو غایله لری بالکلیا مندفع اولیحق قندهار تسخیری  
ایچون عسکر کوندرمکه قرار ویرد بلر وارکان دولت لری شقاق و نفاق اولد  
بولمغله بوماده دخی که اتفاق وگاه اختلاف ازلری درکار اولوب انجامند  
کورجیلر انتقامندینه کورجی عسکری مقدم اولور و کورجستان عسکر دن  
خالی اولیحق اول طرفدن دخی امنیت کلی حاصل اولور ملاحظه سیله  
مقتول یورکی خانک قرینداشی اوغلی خسروخانی کورجستان  
منسوب یله سیه سالار نصب و تعیین ابدوب بالجمله کورجستاندن  
ندار کمنه قادر اولدوکی کورجی عسکر بله قندهار فتح و تسخیرینه  
کوندرمکه قرار ویرد بلر لکن چون رجال عجمک امور مهه مشورت لری  
عیش و عشرت و محاور جمعیت لری ادا اقداح می نابدن عبارت بر کیفیت  
اولمش ابدی بو حال ناهمور لری البته اختلافلرینه بادی اولوردی بوندن  
قطع نظر رجالک بفرقه سی هر حالده کورجیلرک علیهنده بولنق معتاد لری  
اولوب فرقه مرقومه بود فعه دخی خسروخانک سیه سالار رنبه سیله رفیع



قلند یکنند حظا تیموب عاقبت خسرو خان کورجی عسکر به قلند هاری فتح  
 ایلدو کی تقدیرده کورجیلره غرور حاصل اولوب اطاعت شاهید ثابت  
 الاقدام اولمازلرد بوچمه چمه صغری و کبری ایلده انجامنده کورجی عسکرینک  
 معیتلر بنه اون الی بیك قزلباش عسکر ی ضم والحاق و عباس قولی بك  
 اوزر لر بنه باش بوغ تعیین و خسرو خانه مصارف سفر ایچون مطلوبی  
 اولان ایلکوز بیك تومن اچمه فرقه مخالفه نك سوقیله یالکر التمش بیك  
 تومنه حصر و عباس قولی بك عجمه باش بوغ و جمله یه ناظر و مصرف  
 اولوب بیك یوز بکرمی دورت تار یخنده مشهد بولیله قلندار سفر بنه عزم  
 راه ایلد بلرندار ک کردن میراویس برای مقابله بالشکر خسرو خان میر  
 مرقوم عجم دولتی طرفندن قلندهار تسخیر بنه کورجیان و عجمیاندن مرکب  
 لشکر و افره تدارک اولنوب صوب مأمور عزیمت اوزن اولد قلربی استماع  
 ایلد کده کندویه متانت و استحکام قیدنده اولدی اکیملری بیچدروب  
 ایچرویه الدی و عجم عسکر ی کلجکی یوللرده اون قوناق مقداری مسافه  
 یردن بالجمله محصولاتی درج و قلعه یه نقل و سائر اوتلری اتشه و یردی  
 دورت بش سنه مدت کفایت ایلد جک زاد و زخیره یی ایلکی سنه ده جمع  
 ایلدی اطراف و اکنافده یول اوزرنده اولرده واقع قریلری صعب الطريق  
 طاغاره جقدی سواری عسکر بنک اکثرینی در بندلره و کچدلره تعیین  
 ایلدوب کند و بنفسه بالجمله پیاده و بر مقدار سواری عسکر به قلعه یه  
 قیاندی عجم عسکر ی کچ کلکله میر مرقوم محاصره ده محتاج اولدوغی اوازم  
 کرکی کی کوردی بعد زمان عجم عسکر ی اتنای خر بغه قاسمه قریب وقتده  
 چقه کادی کورد بلر که قلندهار اطرافی جمله خراب کوی کندی قالماش عجم

عسکرینک

۳۳ عسکر بنک کتورد کوری زخیره دخی قلت اوزن اولوب وادی حیرتده  
 سرگردان قالد بلرنه چان قلعه یی محاصره ایلدوب جنکه مباشرت ایلد  
 مجبور اولد بلر میراویس ایسه قزلباش عسکر بنک کثر تن کوروب  
 وزخیره لری قلت اوزن ایلد و کین بلوب طشره چقمغه مناسب کور میوب  
 قلعه دن جنک ایلدی فراغت کردن لشکر عجم از محاصره قلعه قلندهار  
 و فرار کردنش و انهرام شدنش قلعه متانت اوزن اولوب مدت مدیده  
 محاصره یه محتاج ایلد و غن عجم عسکر ی ادر اک ایلد جک مایوس اولد بلر  
 و بویامده زخیره لری دو کینوب اطراف و اکناف دخی یک پان خراب  
 اوتلری یاغش بولنوب ایام شتا دخی تقرب ایتیمکله عجملرک احوالی دیکر  
 کون اولدی نه طور مکه قدرت و نه عود ته مکنت حیزتصور اولدی  
 میان عسکرده ظهور فتنه و خسرو خانه قصد هجوم مقرر اولد یحق مشورت  
 ایلدوب قلعه تسخیری سودا سندن چارناچار فراغت ایتد بلر برای  
 سلامت عجم عسکر ی بر یولدن عازم راه اولدی کورجی عسکر ی دخی  
 ایلکی بلوک اولوب بر بلوکی مهمات ایلد اخر یولدن کیدوب خسرو خان  
 دخی الی بیك کز بده کورجی عسکر به قفادار اولدی عسکره ناظر اولان  
 عباس قولی بك اختلافی کوروب قلندهار هرار و عجم عسکر بنک حال  
 دیکر کونندن نقیرو قطمیر چا یچاق خبر و یردی میراویس دخی بالجمله  
 احوال عجمه و سلامتیه عودنلر بنه وسیله اتخاذ ایلدند کاری طریقلرینه  
 و نجاندلری امید بده واقع رای و ند بیر ناصوابلر بنه واقف اولد یحق فی الحال  
 سواری عسکر ی نه خبر کونندروب یاتنه جمع ایتدی و سکر یوز عدد مایه  
 دوه احضار و انلره ایلک شش ادم بندردی و زنه رق تعمیر اولنور برقاج عدد



طوب دوه لره تمیل وکند و بنفسه عسکرینک اوکونه دوستوب عجم  
 عسکرینه قفادن وصوله اقدام تام ایندی سپه سالار عجمیان اولان  
 خسرو خانه ینشوب حمله و هجومه مسارت و جنگ وجدالده دلیرانه  
 غیرت ایدوب عاقبت خسرو خان منهزم و مقتول و کورجیاندن بش  
 یوز نفر مقداری چاپک فرار سلامت بولوب باقیلری جمله طعمه شمشیرتیز  
 اولوب یانلرنده موجود مهمات سفیری تمام امیر اویس طرفندن اخذ  
 و ضبط اولندی ایرتسی کون قزلباش عسکری راهی اولدوغی یوله مبادرت  
 ایدوب انلرک دخی باش و بوغلری اولماغله بردلو دشمندن احتیاط  
 ایدوب نظاملری بولیموب علی الغفله اوزلرینه حمله و هجوم ایتدکلرنده  
 بردلو مقاومت اقتدارلری بولنماغله اچلرندن برفرد خلاص بولیموب  
 جمله سی اغوانلر الله مقتول اولدیلر بعد اغرلق ابله کیدن کورجی عسکرینی  
 قعقیمه متوجه اولدیلر لکن خسرو خان معارکه سندن سلامت بولان  
 کورجیلر بولره ملاقی اولمش و ماجرادن خبرالمش بولنماغله مهمالکن  
 مدافعه ندارکنده اولملر بله اغوان عسکری اوکلاریتی سد ایتیمک  
 قیدنده ایکن السفور الما بوس فهو اسخه جمله کورجیانیک دل و یک جهت  
 صل شمشیر ایدوب اغوانلر اوزرینه حمله قلدیلر اغوانلر اکی شق اولوب  
 بو طریق ابله کورجیلر یول بولوب میانلرندن کچوب کیتدیلر چون  
 اغوانلره دخی بر قاج کون اچنده وقوع بولان وقایع تعب و زحمت و یروب  
 کند ولرینه نوعا ضعف و همتلرینه فتور عارض اولمش ایدی پس  
 چانلری قومیه لم عنایت حقندن بوقدر یوز اقلغی بزه نعمت عظمادر  
 بونک شکرین بله لم دیوب کورجیانی تعقیبدن فارغ اولدیلر و سالم استاد

۳۳ و مسرور قندهاں رجعت و اموال غنائی جمع و نقل ایدوب تقسیم ایتدیلر  
 غنیلر اولوب شنلککلر ایلدیلر و بوندن صکره دخی میراویسک و فائنه  
 کلنجه الی یدی سنه مرورینه دکن هر سنه عجم طرفندن قندهاں تسخیرینه  
 عسکر تعیین و ارسال اولنوب با حکمت خدا قزلباش عسکری هر یان  
 مغلوب و منهزم کیدر لردی وفات میراویس یدی سنه مقداری زمان میر  
 مشیر و نامدار مقرر حکومت قندهاں ده استقلال اوزن قرار داده اولوب  
 حسن رأی و ندبیر بله عجم دولتی کبی بر قوی الاغوار دشمن ابله مقاومت  
 اقتدار حاصل ایلش ایدی بواننده میرمرقومک بنای وجودی تعاقب  
 امراض ابله متزلزل اولوب مشرف انهدام اولماغله بالین اجله سر نهاده اولدی  
 بو حالت ملالات ماثربالمله اغوانیه حزن و کدرو پروب غایت ابله پریشان  
 الخاطر اولدیلر پیروانلری عیاده سنه ملازمت ایدوب امورلرینه توصیه  
 و پند و نصیح نیازینه مداوم اولدیلر میرمرقوم ضعف درونلرینی مشاهد  
 ایدیمک نینه تقویه و تسلیمه لرینه باعث نصیحتلر و امور جمهورلری قوام  
 و دوامنه بادی و صیتلر ایلدی اولامور بکزی جناب حقه نفویض  
 ایدوب طریق جهادده بذل مقدور ثانیاهر حالده همتکزی عالی ایدوب  
 جمله کز متفق یک لجم و یک جسم اولوک من بعد و افضیه سرفروا تیموب  
 جان و یاشکر ابله دفع مضر ثلرنده اجتهاد ایدک عجم دولتی رجالی شقاقدن  
 نوری و باجمله خلقی نفاقدن خالی اولیموب دولتلری مشرف انهدام اولمشدر  
 انلرک کثرتندن و حشمت کاذبه لرندن سزه و حشمت و دهشت طاری  
 اولمیه سز اتفاق قلب و اتحاد درون اوزن حرکتده اووب متوکلا علی الله  
 اندره غالب اولوب اصفهانده دخی ظفر یاب اولور سکر مقوله سی و صیاددن



صکره وفات ایدوب دار بقایه انتقال ایلدی جلوس میر عبد الله در تخت  
قندهار چون میراویس وفات ایندی برینه قنداشی میر عبد الله مقر  
حکومت قندهارده استقرار بولدی و میرمرقوم باطبع جنگ وجدالی  
سومیدوب راحت حضری تعب سفره ترجیح ایدوب بر قاج ایام مرورندن  
صکره اغوانلری یاتنه جمع و علی طریق المشورت بوبله بسط مرام ایلد بیکه  
هر بار جنگ ایدوب بوبله قورقورلوز جنگلر چکمدن مراد یز اوزن عجم ایلله  
مصالحه ایدوب راحت و امنیت اوزن اولوق بزه اولی دکلیدر شمد بیکه  
حاله قنداشمک وفاتی تقریبیه بوم مقصودی تحصیل سی ایدوب  
فرصت دروغالب احوال بودر که شاه بوباید سوزیزی رد ایتیمه پس بر  
ادم کوندن لم شاه قندهار اولکه سنی توابع برلر بزم و اولاد و اولادیزک  
تصرفند ابقا ومن بعد از امزه قزلباش قارشیموب تکالیف شاقه بی  
دخی اوزر یزدن رفع ایدوب سنده شاهک خزینه سنده وانی دخی کند و مز  
تحصیل و تسایم شرطیه بر مقدار و معتدل حقوق دیوانیه و یروب وجه  
مشروح اوزن شاه ایلله صلح و صلاح طالع اولسک مناسب و شاه دخی  
مأمول اولنور که بوضو رند صلحه قایل و راضی اولور دبد کند اغوان  
طائفه سی میرمرقومک بوبکونه کلامندن حظ ایتیموب بینلرند اختلاله  
یادی و میرمرقومک حقند جمله نک محبتی عداوت منقلب اولوب درونلری  
نفرت و برودت اوزن اولمغه یوز طوئدی و وافض النندن رها بولمش ایکن  
ینه رعیتی قبولدن غیر یوزیزه قارشو چهار یار کزینه شتم و کوزیزه قارشو  
اهل و عیالمره دست درازلق و ادنا بهانه ایلله بزم ایلله معاهدی فی فسخ  
اید جملری امر محقق ایکن صاحبه نچه راضی اوله لم دیوب بینلرند چوق گفت  
و کواولدی ومن بعد جهاده بندل مجهود ایلله افناء عمر اید جملرینه بری

برلر ببله

۳۵  
برلر ببله عهد و میثاق ایلد برلر لکن میر عبد الله بوبکونه عزیمتند مصر  
اولوب و اغوانلاندن بعضیلرینی وعد و وعیدلر ایلله رای و ند بیرینه رغبت  
ایندر دوب طرفکی لرغنه میل ایندر مش ایدی و بوم مضمونی متضمن مکتوب  
یازوب بر محمد ادمیله حقیقه شاهه ارسال ایلک اوزن ایدی بیان احوال  
میر محمود و قتل کردن میر عبد الله و جلوسش در تخت قندهار اول شاده  
میر محمود اوزن سکزیاشند بر نور سید جوان بوانوب عوجه سی میر  
عبد اللهک تحت تربیه سنده ایدی زیر ایدری میراویس وفات ایلد که  
ذکور دن اوج اولاد ترک ایدوب بونلر ایچنده محوده میل و شفقتی غالب  
ایدی و جمله جنگلر ده بدر ببله معابولنوب جنگه استعدادی کماله ایدی  
قنداشنه سپارش و یاننده ییو یوب تربیه اولمغی و صبت و ودیعه ایلش  
ایدی بواننده محودی اغوانلر ما و قعدن ایقظ ایدی چک لیل و نهار  
عوجه سی مجلسلرینه مداومت ایدوب بوسره واقف اولمغه جد و اهتمام  
ایلدی عاقبت بر کون یازیلان مکتوب اننه کیروب مطالعه ایلدی بوسری  
کنم ایدوب مترصد فرصت اولدی بر کون اراالق بولوب قلیجن اله الدی  
عوجه سی میر عبد الله او یقوده ایکن قتل ایلدی دیار عجمک بعضی سر  
حد لرند و قندهارده دخی معتاد قدیلری بوبله در که شهرک میداتند  
نواقت تعبیر اولنور بر یوکسک قول بونا ایدرلر اول قول اوزر بینه ایکی کوس  
وضع ایدرلر شاه طرفندن و یا غیریدن خلقه اعلام او ایحق بر امر مهم  
واقع اولسه اول کوسلری ضرب ایدوب صداسی اشدل و کی برله جمله  
ناس اول میدانه جمع اولورلر پس محمود عوجه سنی قتل ایلد و کی برله  
مکتوبلری اننه الوب سرعت ایلله نواخته چقدی کوسلری ضرب ایدوب  
جمله اغوان اول محله کلوب جمع اولدی میر محمود دخی او قور یازار دانش



اربابندن اولمغله نصرت و فريضة جهاده دارنجه نجه ايات قرآنيه و الجهاد  
 حرفتى و خلقى حديث نبوي قراءت ابدوب فضيلت جهادى شرح  
 و بيان دن صكره عم مير عبد الله قومنه خيانت ابدوب كند و ذوق  
 و حكومت بر قاج كون راحنى فكر بله بزي ينه و افض الله و يرمك استر  
 ديوب مير عبد الله شاهه يازدوغى مكتوبى اغوانلرك اليه و يردى  
 و صوت بلند ايله اگاه اولك كه بن انى قتل ايلدم ديد كه اغوانلر مكتوبى  
 او قريوب مضرونى مجودك تقرير بنه موافق بولنوب و فى الاصل مجود پيدى  
 زمانده واقع معارك لرك جمله سنده موجود بولنوب ذائده شجيع و فارس  
 و جمله نك كند و سنده ميل و محبى دخی دركار اولمغله مجود اون سكر  
 ياشنده حاكم نصب اولنوب جمله سى بيعت ايلد بيلر و سنابيوك قرداشنى  
 قند هار و اليسى تعيين ايلد بيلر وجه مشروح اوزن مير مجود تحت قند هارده  
 استقرار بولمق شاهه مكتوب يازمقد مير عبد الله ايله متفق اولانلرى  
 پكان يكان قتل ايلدى و عسكر نظامى قيدنده اولوب اولمده جوار  
 قند هارده واقع حضارى تعمير اولنور و روافض اغوانلر اوزلرينه سفر ايدوب  
 انلرى نهب و غارت ايله مشغول اولدى طوايف مرقومه شاهه احوال رينى  
 عرض واقاده و استمداد ايلد بيلر شاه طرفندن اهمال و مسامحه اولنوب  
 فرياد رسلى اولما مغله اخر انلر دخی اغوانلر تابع اولوب يك دل و يك  
 جهت اولد بيلر عجمك مشكلى براپكن ابكى اولدى اغوانك متفق اجناسى  
 دخی ابكى ابكى اوچ اولدى سقر كردن عجم فى الدفعة الثانية براى  
 تخليص قلعه قند هار و سر عسكرى صفى قولى خان و احوال فرزندش خان  
 نوجوان چون اغوانياندن اوچ طايفه متفق الحال اولدوغى خبر دولت  
 شاهى يه واصل اولد كه بوماده كند و لرينه زياده كدر و يروب مشورت

ايلد بيلر

۳۶ ايلد بيلر اغوانلر على حاله بر مدت دخی ترك و اهمال اولنوب علاجلى  
 گوريلد و كى تقدير جه عاقبت دولت شاهيده برفتند عظيمه وقوعه باعث  
 اولورلر بونلرك ندركى كور بلبوب دفع مضرتلى امور مهامدند و باى  
 طريق كان كور مللور ديدو قرار و يردكارندن صكره كليتمو عسكر تدارك  
 اولنوب صفى قولى خان سر عسكر تعيين اولنق اوزن اتفاق ايلد بيلر  
 مرقوم صفى قولى خان مقدمه اصفهانده حاكم اولوب رجال دولتلرينك  
 امور ديد و كاراز موده معتدل و دانا كسنه لرى ايدى شاه حسينك كوتند  
 رجالك ابكى فرقه اولوب اختلافلى تقريريله عزل اولنوب كند و  
 خانه سنده كوشه و حداثه منزوى اولمش ايدى بود دفعه سر عسكر لك  
 تكليف و ايحق قبول ايتدى بعد شاه حسين طرفندن صفى قولى خانك  
 اياغنه خلعت و عادتلى اوزن جواهر ايله مرصع تاج كوند بلبوب نامه  
 سر عسكر لك منشورى يازلدى خان مرقوم ينه قبولدن اجتناب  
 و بوندن اقدام خصوص مزبون تعيين اولنان سر عسكر لر بوايشك  
 عهد سندن كلكه قادر اولد بيلر زير اسر عسكر لر امور لرند مستقل اوليوب  
 اوزلرينه ناظر نصب اولنق سر عسكر ك مرادلى اوزن حركته مانع برامر  
 ناصوابدر مطلق طوايف عسكر سر عسكر دن خوف و رجاده اولد قجه  
 جنك شد تنه تحمل ايتز بوندن دخی استنمع بودر كه مادامكه دولت شاهى  
 ابكى فرقه مختلفه در دشمندن اخذ انتقام بوجهله حيز تصور دكلدر  
 زير ابوصورنده سر عسكر اولانلرك چديناتهاون و زن اولوب غالب و مغلوب  
 اولمى بكساندر على كلاله تقديرين فرقتينك برى خلافتده بولنسه  
 كر كدر و بن دخی بو خد متك عهد سندن كلم دپوعذر لرييان ابدوب



سر عسکر لکن ابا ایلدی ینه رجال دوات مشاونه رغبت ایدوب  
 بو خصوصی مکالمه دن خالی اولد بلر لکن کند و جنسارنده صفی قوی  
 خاندن غیری بوا مرد شوارک عهد سندن کله جک برکسینه بولنیوب  
 مرقومی ارضا والزام قیدنده اولد بلر التزاملری فایده و یرمیوب حمله  
 طریقلرینه ذاهب اولد بلر مکر صفی قوی خانک اون بدی یاشنده  
 برنوجوان اوغلی وار ایدی جمله نیک اتفاقیه اوغلانه خاتلق و سر عسکر لک  
 و یرمک مناسب کورلدی تا کم بو طریقیله پدری اوغلونه اولان محبت  
 مقتضای سنجه غیرته کلوب و سفره معاکیدوب امور بنه نظارت اید فی الواقع  
 جوان نور سیده شاه جمجه جانیندن خلعت و مجوهر تاج و خاتلق  
 متشوری و سر عسکر لک عنوانیه مکرم و ایحق قبولنده مسارعت ایدوب  
 پدرینک یاغنه دوشدی هزار و صد هزار رجا و نیاز لر بله پدرینک  
 گوکل میل ایتدردوب سفره معاکمک اوزن ارضا ایلدی پس پدری صفی  
 قوی خان انا مال و مالکم و اولاد کم فتنه لکم ایت قرانیه مفهومی اوزن فرزندینه  
 اولان میل و مودت سوقیه مهماتن کورمکه مباشر اولوب انجامنده  
 معتادلری اوزن شاه جمجه طرفندن عالی ضیافت اولوب مرصع تاج  
 گیوب قلچ قوشانوب دو تمشات و یربلوب و اولاته سوار اولوب شاه  
 سرانیدن اول کونده مکمل لایلر ایلد قزویندن چقوب راه مشهد و هرات  
 ایلد عازم سقر قندهار اولد بلر صفی قوی خان اوغلونی امور سفره  
 قطعاً قارشد و میوب جملیه مباشرتی بالذات کندوسی التزام ایلش ایدی  
 فی الحقیقه خان مرقوم مالک ایرانه نامور و جمله نیک عندنده معتبر بر صاحب  
 رأی و ندیر کسینه اولمغله سرای شاهیده اوغلی قاچ قوشانوب تاج

و خلعت

۳۷ خلعت کیوب بو گونه التفات شاهانه ایلد ملتفت اولد و غندن نفس  
 قزویندن و طراف و اکنافدن ذکور و انانیدن لایلری سیرینه بی حد و بی  
 شمار خلق جمع اولوب حاضر اولمشلر ایدی وجه محرر اوزن صفی قوی خان  
 و اوغلی سر عسکر نوجوان خان اون لئی بیک قزلباش عسکر بله اصفهان دن  
 چقوب مکتب و شاقلری دخی حاضر و آماده کی پیشرو کی پیرو کی مین و کی  
 میسر فریاد فغانلر و صوت بلند ایلد دعالر ایدرک چقوب کیتد بلر انهم عسکر  
 عجم و قتل شدن سر عسکر صفی قوی خان و فرزندش نوجوان خان حضاری  
 اغوانی عجم عسکر بنک و رودی خبرن اشید یجک فی الحال میرمخوده واقع حالی  
 بلدروب استمداد ایلد یلر میرمخود دخی قطعاً توقف ایتدیوب امداد لر بنه  
 عسکر تعیین ایدوب عجم عسکر بنک استقبالیته مبادرت ایتدی یلر صفی قوی  
 خان عسکر ک روحی مشابه سنده اولمغله عسکر دن منفک اولمازدی اوغلی  
 ایسه نوجوان اولمغله اوچیز نفر مقدار سواران فارسان ایلد صید و شکار  
 ایدرک عسکر دن ایریلوب ایلروده بولندی کیف ما اتفاق اغوانلر ک قره  
 غولنه مصادفت ایدوب بلا توقف هجوم ایتدی یلر طرفیندن جنک  
 وجدال استمداد بویحق خان نوجوان اغوانلر انده مقتول اولدی سایر  
 معتنده اولان قزلباشلر دخی هلاک اولوب بشن لئی نفر چاپک فرارلری  
 کوچیله قورتلوب صفی قوی خان به بو خبری ملالت اثری بلدرد یلر استماع  
 ایلد و کی برله مد هوش و لایعقل عسکر ک تربیب و تنظیمی مهمه سنی فراموش  
 و بومهلکه دن غفلت ایدوب در حال سل سیف ایلد اغوانلر جانبینه  
 وصوله شتاب ایلدی عجم عسکر صفی قوی خانک کمال غضب و تهور  
 ایلد عنان اختیاری الدن کیتد و فن کوروب سرعت ایلد پیرو اولد بلر



اغوانلرك دخی میراسد الله نامنه برکسینه لری وافر عسکر یله کلوب  
 آمد اولر بنه بنشدی ایکی عسکر ملاقی اولیحق صغی قوی خان جبهه  
 عسکرده بولمغله جمله دن اول اغوانلر ایچینه اوغرایوب جنکه اقدام ایلدی  
 بازار کارکنار قتال رواج بولمق صغی قوی خان قتل اولنوب عجم عسکری  
 منهز مافران یوز طوندی جزئی عسکر قورتلوب اکثری هلاک اولدی لر  
 اسد الله مهماتی اخذ و جمع ایدوب ولایتنه نقل ایتدی اغوانلر بویوزدن  
 غنیلر و عظیم شاد و مسرور اولدیلر من بعد اغوانیان قلب قوت بولوب  
 عجملرک بخنی اولجانبه برکشته اولدی ندبیرر جال عجم برای سفر در جانب  
 اغوانیان و سر عسکری لطف علی خان و احوال جزیره بحرین بو خبر  
 مو حش عجم دولتک سمعنه لاحق اولیحق غایت ایله مکدر و پریشان  
 الحاطر اولدیلر و من بعد بودردک علاجی ندبیرنه عاجز قالدیلر نه چان  
 ینه مشاؤون مجالسی قوریلوب ندبیره باشلدیلر اغوانلری علی حالهم ترک  
 آتیمک دخی بر طریقیه مناسب کورلیوب وار قوی بازویه کتور مکله ینه  
 کلبتلی عسکر و برمد برسر عسکر تعیین اولمق اوزن قراروردیلر واعتماد  
 الدوله نکه انشته سی لطفی علی خانی جمله سی مناسب کوروب مأمور قلدیلر  
 عسکرندارک اولنوب مهمات سفریه کوریلور ایکن جزیره بحرین  
 جانبندن فریاد جیلر کلوب جزیره مرقومه یی بر قایح سنه دن برو مسکت  
 امامی عجم النندن الوب ضبط ایلد و کندن غیری بندر عباسه تعدالی  
 حدن بیرون اولمغله تقدیم اهم الزمدر ملاحظه سیله خان مرقومک  
 کور بلان ندارک ایله بحرین سفرینه عزیمتی اولی در دیو بعضی رجال دولت  
 پورای و ندبیره ذاهب اولمغله بنه اثار شفاق میان رجال طهون کلوب

مصاحبتک

۳۸ مصاحبتک فوئنه باعث اولدی و جزیره بحرین بصره دن اشاغله بحر  
 فارسک ساحل غریبسنده ساحله قریب مخرج در مرورد بر محل اولوب  
 و قره ده دخی بر قایح ناحیه توابع لرلی اولوب بوجانبه سفر قندهان  
 سفر دن اسهل کوریلوب قریب مسافه ده بولمغله اکثری رجال بحرین سفری  
 تقدیمتی ترجیح ایتدیلر اسمداد عجم از دنمای پورتقال لکن جزیره مرقومه یه  
 عجم دولتک عسکر و مهمات نقل ایتدن جنک سفینه لری اولیوب دیو  
 جزیره سنه ادم کوندروب پورتقال کفره سفندن اجرت ایله سفینه لر  
 طلب ایتدیلر پورتقال دخی شاه عباس زمانندن شاحسپنه کله عجم  
 شاهلری طرفندن زه ویرله کلدوی صریهی و یروب ایلد یغکر تقدیرده  
 نه مقدار سفینه استر سکر و پرزدیو جواب ایلد کندن ایاچی مرقومک  
 یو یابله رخصتی بولمغله در عهد ایلدی و فی الحال سفینه لری حاضر  
 و اماده قلنوب یوله روانه اولدیلر قرق اللی بیك مقداری قزلباش  
 عسکری دخی صوب مأمورلر بنه روانه اولدیلر بندر عباس قریبده  
 ساحل بحر و وصوللر نکه پورتقال سفینه لری دخی کلوب او محله بئشدیلر  
 جزیره بحرینه مرور مراد ایلد کندن سفینه لر اوزرینه باش بوغ اولان  
 قیودان وعد اولنان اچینه کلدوغن خبر الدوی برله سفینه لر بنی الارغه  
 ایدوب کسینه یی سفینه لر المدی لطفی علی خان دخی یوله روانه اولدوغی  
 برله خلا فنده اولان فرقه فرجه بولوب شاهم بحرین ایچون بو قدر اچینه  
 پورتقاله و یرمک مناسب دکلر بواچیه بوندن اهم بر مهمه صرف  
 اولنسه اولی در و بونک بر مقدار بنی مسکت امامنه و یردیکم تقدیرده  
 جزیره یی طرفه رد ایدوب مجدد اصلاح و صلاح دخی عقد اولنور مثالو



سوزلر بيله اچهنك دخی ویرله سی منع اولنش ابدی پور تقال قیودانی  
 اچهنك کلدوکن تحقیق ایلدوکی برله کیلرینی یلمکن ایدوب دیوه عودت  
 ایلدی قزلباش عسکری خایب و خاصر بقه قالدیلر آمدن میرمچود بکرمان  
 و محاصره و تسخیر کردن کرمان و جنگ کردن بالاشکر لطفی علی خان و انهرام  
 میرمچود و فراوش در قندهار بوار القده میرمچود کرمانه کلوب محاصره ايله  
 کرمان شهر بنی و قلعه سنی الدی عجم عسکرینک فی الاصل مقصودی  
 بوابدی که بحرین فتحی میسر اولد قنده کرمانه کیلر و اندن کرکی کبی ندارک ايله  
 قندهان و انلر چون میرمچودک کرمانی الديوکی خبر سر عسکر لطفی علی  
 خانک معلومی لوابدی عجم عسکر بيله سرعت ایدوب کرمانه و اصل اولدی  
 عجم عسکری و فرت اوزن بولمغه اغوانلر ايله عظیم جنگ ایلدیلر عاقبت  
 غالب اولوب کرمانی الديلر مچود دخی منهرم اولوب قندهار جانبینه فرار  
 ایلدی نفاق رجال عجم در حق لطفی علی خان چون بو خصوصی لطفی علی  
 خان شاه دولتنه عرض ایدوب و عسکره علوفه و ذخیره طلب ایلدی  
 لطفی علی خانک خلافت اولوب حسد ایدنلری شاهی اغفال ایدوب میر  
 مچود دن النان غنایم و اول طرفلر ده ندارک اوانان ذخیره کفایت ایدردیو  
 شاهی اچیه ویرمدن منع ایلدیلر لطفی علی خانه کیفیت احوال معلوم  
 اولمچو عجم رجالینک کرماندن شیرازه کلجه هر نقد رمالکانه و چفتاکاری  
 بولند یسه جمله سنی غارت ایتدوب ذخیره لرین عسکره توجیه ایلدی  
 و بولدی دووه و سائر حیواناتی اخذ ایدوب خلافت اولانلره و غما عسکرک  
 اعلاوفه لرینی و بخشش لرینی دخی ندارک ایدوب توزیع ایلدی بعد عسکری  
 الوب شیرازه روانه اولدی شیراز شهری اصفهان دن اون ابکی قوناق  
 مسافه ده اولوب عجم رجالی اصفهانک لطفی علی خانک بوکونه حرکتی اسماع

ایلد کارنده

۳۹ ایلد کارنده مرقومه بغض و غرض و کین وعداوتلری قات اندرقات اولدی  
 و شاهه واروب لطفی علی خاندن شکایتلر و اظهار نظرلر ایلدیلر خان  
 مرقوم مأمور اولدوکی جانبیه کثیموب ولایت خراب ایدرک شیرازه بوکونه  
 حشمت و تهور ايله کلدوغی دماغنه فساد اولدوغنه علامت در دبدیلر لکن  
 شاه بود دفعه مرقوملرک سوزلرینه التفات ایتیموب اغوانلره غالب  
 کلدیغندن غایت ايله شاد و مسرور اولدوغندن لطفی علی خانک  
 هرند کلو جرمی و ارایسه ده عفو ایلدم دیو جواب ویرمکله مسفورلری  
 اسکات ایلدی بیان احوال اعتماد الدوله فتحی علی خان و تزویرات رجال  
 عجم در حقش لطفی علی خانک خلافتکیرلری شاهک بوکونه مودت امیر  
 کللا من استید یجک نار حسد لری ثنور سینه پر کینلر نده اشتعال بولوب  
 اتش غرض ايله یا ذوب یا قلوب هلاک اوله یاز دبلر نه چانه بینه بوکروه مرده  
 بریره تجمع و مقتضای بد نهادلری اوزن مشورت و لطفی علی خانک علیه نه  
 باش و جانلر بيله حمله ندیرلر نده وارمقدور لرین صرف ایدوب لطفی  
 علی خان حالا اعتماد الدوله ک انشته سی و مخصوص چراغ افروخته سی  
 و اعتماد الدوله دخی شاهک نظر کرده سی و معتمدی اولوب خان مرقومه  
 سر عسکرک ابقا اولوب بردفعه دخی اغوانلره غالب اوله جک اولورسه  
 شاهک کیتیله میل و محبتی بولرک جانبیه منعطف اولوب بولر بزه غالب  
 و سوزلری حقمزده نافذ اولوب مضرتلری محقق اولور مثلاً سوزلر بيله  
 بری لرینی تحریص و تحریک ایدرک حمله بولر نده ک و تاز ایتدیلر عاقبت  
 حمله و تزویراتیه بومادهلری تشبیتی طول و درازد شوارا حل مشکل  
 الفصل بر صورت افرای ایلدیلر چون بواثناده شاه حسین دخی بالحملة  
 رجالیه اصفهان شمال پسند اون ابکی قوناق مسافه ده واقع طهران شهر نده



مکت و اقامت اوزن ابد بیلر بوفرقه ضلالت طریق محل و مقامه مناسب  
حیله نصیم ابدوب منلا باشی و حکیم باشی و سادطلمر بله تشبیه بوسیاق  
اوزن مباشر اولد بیلر اولاسوء قصدر بنی اعتماد الدوله ثانیاً انشته سی  
و چراغ افروخته سی اولان لطفی علی خاتک حقنه اجرا یه قرار و یرد بیلر  
منلا باشی و حکیم باشی ایسه اندرون سرای شاهیدن معدود مقر بلردن  
اولمغه حضور شاه یه وارملر بینه عاد تا مانع و مزاحم اولمیب برکون  
ایکپسیمی پیشگاه شاهید مندلر بنی چقاروب فریاد و فغانه باشلد بیلر  
و اعتماد الدوله طرفندن حدود عثمانیه یه قریب محله ساکن اکراد  
بکله بینه یازلش بر قطعه مکتوب شاهک الله صوند بیلر مضمونده اوتهدن  
برو بتمزده معهود و مکتوم اولوب فرصته مترصد اولدوغز خصوصک  
حصولی روغ اولدی همان عجاله اوج بیک لولو تدارک ابدوب بران اول  
طهران عزیمت و وقت ایله شاهک سرانیه سرعت ایدوب جمله عالم یستر  
راحتده و شاه و توابع خواب غفلتده ایکن سرایه هجوم و دخول و شاهی  
اخذه صرف همت ایدو سر دیو تحریر اولنش ایدی مضمون مکتوب  
شاهک مفهومی اولیحق مبهوت و متحیر ساده دل اولدوغندن حیله  
احتمالی فکرندن غافل نه ایدو جک و نه دیبه جکی بلدی بینه مرقومان کار  
گزار بازار حیله یه رواج و یرمده جد و اهتمام ایله کوردکی می شاهم معتدک  
اولان اعتماد الدوله سکا نه و نه خیانته جسارت ایلدی لطفی علی خاتک  
بونجه عسکر یله شیرازده جمعیتی مجرد بونک راپیه در مرادی مطابق سزی  
کوردلره اخذ ایتدردوب کندوسی دخی شیرازدن عسکر بله عجاله کلوب  
اصفهان ضبط و تسلطندرو بونک قیدی کورلمکده عجله بیورمکراهم  
مهامندن مکتوبک حیله یه احتمالی عدم امکانه دوزیر اعتماد الدوله نک

۴۰ کندو مهر یله اولدوغی مشهود بیکزدرفی الواقع دقت ایله مکتوبک مهری  
شاهک منظوری اولد قده اعثا الدوله نک مهری اولدوغی لاشبهه اولیحق  
شاهه اعتماد کلوب در عقب قوریچی باشی بی احضار و اعتماد الدوله نک  
سرمقتوعن حضور شاه یه کتورمک اوزن فرمان ایلدی قلع کردن  
دیدن کان اعتماد الدوله بنفاق رجال عجم بینه مفسدان مرقومان رجا  
طریقنه سلوک یله بناء ترو یرلر بینه استحکام و دروغ بی فروغلمری کشف  
اولماق ایچون برقات لباس حیله دخی لباس ابدوب شاهم تهور یله قتل  
اولسون باری کوزلرین چقارمق ایله اکتفا اولسون دیو نیازمند  
بولد بیلر و بویله اولسه دولتک دخی کندوسندن سوآلی لازم بجه مور  
معطل و بونجه مال و منال و جوهری ضایع اولماز دیو دلیل چکد بیلر  
و بوا ثناده هر چند که شاه اعتماد الدوله بی حبس و یا خود حضور بینه  
کتورمک مراد ایلدی مرقومان دامن غیری در میان ابدوب شاهی منع  
و عاقبت ایکی دیبه لرین چقاردوب بو حال ایله جبر ایتدیلر شاه بو حالت  
غریبه ظهورنده کیتد کچه فکر و اندیشده بهرینه طالیدی کاه نار غضب  
و تهور یله یاندی یا قلدی کاه خطا اولق احتمالی خاطرینه خطورایله  
ندامت چکدی و بویله بر مجرب الاطوار صادق قولندن بو گونه خیانت  
صدوری حیرامکا نیدرد بو ملاحظه یه وار دی مکر الحال و مضطرب  
الاحوال اکل و شرب و خوایی ترک بیدوب اول کچه کندوسن محافظه ایتدردی  
و بوعجبه تفکر بله نجه قالدی عاقبت عجله ایلد و کنه پشیمان اولوب  
منلا باشی و حکیم باشی بی احضار سزی بی بوماده ده غالباً خطایه سوق  
ایتد بکز و بونک حقیقتنه واقف اولق اقصای مراد مدر اعتماد الدوله  
کوزلر بینه نهار اولسون دبو محکم تنبیه ایلدی احضار شدن



احضار شدن لطفی علی خان ارشیراز و حبس شدنش در شهر اصفهان  
 بواسطه شیراز حاکم منتهی یازیلوب لطفی علی خانی اخذ و قید  
 و بند ابله اصفهان کوند ملک اوزن تنبیه اولندی شیراز حاکمی مضمون امری  
 عمل کتور ملک طر بقلربن تفکر ایدوب برکون لطفی علی خانی آورد و سندن  
 خانه سنده دعوت و کند و سنده بر عالی ضیافت ترتیب ایدوب اثنای  
 صحبت بر مقدار خلوت و مجلسی اغیار دن تهی قلوب شاهدن لطفی علی  
 خانک حقنه صادر اولان امری النه و یردی خان مرقوم مضمون امره واقف  
 اولحق قطعاً مخالفت سمتن کوستر میوب عادتلری اوزن ابکی اللربری بری  
 اوزر بنه وضع و سمعنا و طعننا دیوب امر شاهه تسامیم اولدی بو منوال اوزن  
 اصفهان ارسال اولنوب محبوس قلنددی دیوان کردن شاه و مرافعه  
 شدن خصم با اعتماد الدوله بویامده اعتماد الدوله نک خلا فیکر لری فرصت  
 یابلا اولد قجه اعتماد الدوله حقنه نفاق و نغمه و انواع حیل و تزویر ائله شاه  
 حضورند مد عالربنه فروغ و تقویه و یرمه دن خالی اولد بلر لکن شاهه  
 بوماده ده شبهه عارض اولوب غرض فاسد اید و کنه بر مقدار میل  
 و یرمش ایدی اول اجلدن حزم و احتیاط و بوماده نک حقیقتنه بعد  
 حراب الکوفه واقف اولمق ایچون غلبه دیوان اولسون و هر فرد بلد و کنی  
 و کوردوغنی حضور شاهیده اعتماد الدوله نک مواجهه سنده ایراد ایلسون دیو  
 تنبیه ایلدی چون اعتماد الدوله نک قلع اولنان دبه جهانیدلر پنک  
 یاره لری بر مقدار ابوجه اولمش ایدی بر دیوان عظیم قوریلوب انک دخی  
 احضاری مراد اولنوب خصم اسمیله رو برو حضور شاهیده مرافعه  
 اولملری فرمان اولندی شاه دخی دقت و اهتمام ایدوب بدرج و تانی اوزن

طرفینک

۴۲  
 و تانی اوزن طرفینک سوال و جوابی فهم و ادراک ایدرک سمع بصیرت  
 ابله بود عوایی استماع ایلک مراد ایلدی دیوان قوریلوب جمله رجال  
 و اعیان و ارباب دیوان جمع اولد قده اعتماد الدوله نک دخی کوزلرین  
 بغلیوب کشان کشان حضور شاهیده دیوانه کتوروب برکوشه ده  
 اوتورن بلر چون مجلس دیوانلری حاضر و اماده اولدی شاه جمیاه  
 فرمان ایدوب اعتماد الدوله فتح علی خان حقنه هر فرد بلد و کنی حضور  
 شاهیده مرقومک مواجهه سنده سو بلیه و سندی نایسه ایراز اید  
 و اعتماد الدوله دخی قدرتی مرتبه سی مدافعه و حقنه اراد اولنان مواده  
 علی الانفراد جوابی و ارایسه سو بلیه دیو فرمان صادر اولدی و مناد بلرندا  
 و بود دیوان و دعوی اذن نام و رخصت نام و یرلدی فعلی هذا منا طره یه  
 آغاز اولنه دیو شاهدن خطاب صادر اولحق تلبیس ابلیس نهاد قزلباشک  
 بری فی الحال یا غه قلوب میدان زویرده کر بند غیرت ابله قائم و بو کوئه  
 گفتان آغاز قلدی اولا اعتماد الدوله نک اغزندن اشدوب معتمد و معتبر  
 کمنه دن بو بله استماع ایلدم که اعتماد الدوله برکون شاه حسینک یدری  
 متوفی شاه سلیمانک صورتان یارتنه واروب قبری اوزن طوروب شتم  
 غلیظ ابله خطاب و ای شاه سلیمان شمدی حالک تجده در بنم یدرمی  
 بی کنه قتل ایلدک بن دخی اوغلاک شاه حسین بنی عن قریب یدرم انتقامی  
 ایچون قتل ایتد رمکه صرف مقدور ایدرم دیش ثانیاً بو غرضی اجرا  
 ایچون اگر ادبکربنه یازدوکی مکتوب کیجه کوندز جیمند محفوظ  
 و کند و سنده مخصوص مهر بله مهور در بونک ساخته اولمق حتمالی و امکانی  
 دخی یوقدر ثانیاً دولته دار مهمه مشورتلری اقتضا ایلد که کند و



دائرة سنده اولان طرف کیرلر بله مشورت وانلر ابله مذاکره و مکالمه وانلرک  
 رأی و تدبیرلر بله مباشرت ایدوب شاهزک دائرة سنده اولان رجال دولتی  
 مشورت اذ خال اتمیوب دانشمیبوب قطعا مورد دولته قارشدن میوب حجر  
 و حجر مقوله سی شاهزک دائرة سی رجال و خدامی تحقیر و تذلیلدن  
 خالی اولدی رابعاً تماماً ایران زمینده دائرة دولت شاهیده واقع ممالک  
 اهلی بر مرتبه طرفنه جذب و بند ابلش که شاهزک بر خصوص ایچون  
 رقی یعنی خطی و فرمانی اول دیان وارسه اهل بسی اعتبار اتمیوب اعتماد  
 الدوله تعلیغه یعنی مکتوبنه رغبت و اعتبار و مضمون بیل عمل ایدرلر خامسا  
 کند و قیزلر نی و قیزلری و اغوللری قیزلر نی شاه دولتمند صاحب شان نام  
 مناسب و مملکت متصرف فی اولان خانلره تزویج طریقله طرفنه جذب  
 ایلدی کی دماغنه اولان فساد بنی وقتند اجراه تحصیل مکنتم ایچوندر  
 مادسا اعتماد الدوله سنی مذ هیدر ازکی طایفه لری نده معیندر و حالا  
 طایفه مرقومه نکه عصیان و طغیان اعتماد الدوله نکه رأی و تدبیر بله دو  
 دبد که بودر و غه فروغ و یرمک ایچون مهر یله مهور بر قطعه مکتوب  
 ابراز ایدوب سز که ازکی بکلی سز خوف و اندیشه ده اولیوب همان  
 شرواندن حرکت و روان قلعه سنده کلجه واقع یرلری اند و ضبطه  
 مبادرت ایدوب سز بنم قزند اشم اوغلی روانه خاندنر بو خصوص کند و سنده  
 افاده اولمش اغاض العین ایدوب اوزر یکه عسکر کوندرمیه دیو تنبیه  
 اولمش مضمون مکتوب بوسیاق اوزن بحریر اولمش ایدی سابعاً قزند اشی  
 اوغللری هنوز صغیر و نارسیده اوغلچقلر ایکن انلره خانلق و یروب  
 بر سر حده والی نصب ایلدی تامنا انشته سی لطیفی علی حافی مسکت

امامی

امامی اوزرینه سر عسکر نصب ایدوب بوجه عسکر ایدارک اولمش  
 و پورتقالدن سفینه لر کلوب بحرینه نقل ابله تخلیصی حد امکان اولمش  
 ایکن نه بحرینه کچدی و نه کرماندن اغوانلری تعقب ایدوب قندهان  
 کندی ائلاف خزینه دن غیری مملکت شاهی بی نهب و غارت ایتدر دوب  
 خراب ایلدی و کندی طرف کیرلری اولانلرک چفته لکلر بنی صیانت ایدوب  
 شاه دائرة سنده اولانلرک اموال و ارزاقلرینه تعرض ایلدی بوندن  
 طاهر اولان بودر که بر جانبدن مسکت امامی بر جانبدن ازکی و بر جانبدن  
 اغوان ممالک شاهیه اعتماد الدوله رأیله استیلا ایدوب کند و سی  
 تمسبت مافی الضمیرینه فرصت یاب وانلر ابله متفق و متحد اوله تاسعا  
 اعتماد الدوله نکه بو گونه افراط اوزن کند و یه مخصوص خزینه جمعنه  
 باعث و حالا بو باده کمال اهتمام و حرصنه بادی نه در الان انواع جواهر  
 و التون کشالات و اودان و ذی قیم اسباب و اشیاء و امتعه بی حسابدن  
 قیزی طقوز یوز ییک تومانی متجاوز بقود خزینه سنده موج دخی  
 دبد که مواد مرقومه اعتماد الدوله نکه مواحه سنده تقریر و قلمه اند که  
 شاه اعتماد الدوله به خطاب ایدوب بونلره دارجوابک و رایسه سن دخی  
 افراد افراد ایمان ابله سکاذن شاهانم در کار در اشدلم واقعه میدن  
 بله لم دبد که اعتماد الدوله قیام ایدوب تمهید کلام ابله بو گونه تقریر  
 اغاز ایلدی بنم سام جمعا هم مرجع کتمه فندم سلطانم خضر تلری ایچون  
 اودت شاهانه لری واقع حاله اطلاع تحصیل و حق باطلی بله علم  
 حاصل هر فردک عالی حسن و قبحی ظاهر و آشکار اولوب معلوم علم  
 عالم راری بی رلی ایچون بوقرلر بی سو پلنکه تعلیق ایلدی ایچون دبد



جهان بینلری چقارمزدن اول نبی سو پلندیکز اعدای بدخواهملریک  
اکاذیب و اراجیف و زویرات صریحه لرینه بوندن بویله وقوف حاصل  
ایلدیغکیز بوقوللرینه نه فانه یید ویرر بورسوا یلغله زند اولمقدن  
شمشیرشاهیدن قتل اولمق بکانبست اولی وارزوی دل و دروغدو  
باعث حقارت مجر د شاهمه اولان صداقت و استقامتدیر یوزده سویلن  
سوزلر باجمله کذب صریحدر حیل و بهتان و افک و افتراءدن عبارتدو  
بیانه شروع ایلسم حیللری عیان و خدمات شاهید طریق استقامتدن  
زن مقداری عدم انحراف غایان اولمق مقرر در انحق خوفم بودرکه شاهم  
واقف قضیه اولحق ندامت المنه کرفتار اولمق ایله معذب ورنجیده  
خاطر اوله سزو بوینده کزی دخی قتلدن کف بدایدوب بو حال  
ملامت اشتغال اوزن نبی حیاته قویه سزدیو گفتار ملالت اثار بسطیده  
ایکن ماده متعلق جوابک واریسه انی کون لم دیو شاه جانبندن  
عتاب امیز خطاب صادر اولمغله اعتماد الدوله بیان کذب ماده عطف  
لسان ایلدی الجواب عن جانب اعتماد الدوله جواب اول شاه سلیمان  
قبری ماده سنه داتر شاهم دولت شاهید اعتماد الدوله اولانلر  
زیارت قبور مراد ایلد کلرند معتاد قدیم اوزن باجمله قیو خلقلری ایله  
معاکیدوب زیارت ایله کلشلمدر بوقولکزیسه زیارته واردکده  
قیو خلقدن غیری نجه نجه رجال دولت و علما و صاحبامعیتلر ایله  
گیتدیکم جمله یه معلوم قیمره قارشوشم امیز کلام ناشایسته می نچون بر  
شخصدن غیری کسنه اشتدی و اول دخی شقاوی سببیلله بوندن اقدام  
تا دیب و قیومدن قیو و لمش اولوب بویله برشتی مفسدک خبر واحدی

اعتماد سزاسند اولور می انصاف بیور ایله حضورشاهید بر قاج دکنک  
ایله تخویف بیوراسون در حال کذب و کیمارک تحریک و اغواسی  
اولدوغی غایان و اور جواب ثانی بنم مهرم ایله شاهمک خلافتنه اولان  
مکتوب ساخته درزیرامعلوم کزدر که بر عجز ماندن برود و لیتیزده پیدا  
اولان ساخته حیلر فرمان و مکتوب و سکه دخی یا دیوب تقلید ایدرلر  
ونجه لری قتل اولنوب بالکلیه استیصال ممکن اولدی و ندیک التوتنه  
تقلید ایدوب حضور بکزه کتورلدو کی وقتد تشخیص و تمیزده عاجز  
قالمش ایدک بنم مهرجه تقلیدلری خوش بوندن اسهلدر یازی بنم  
دکدر معلوم کزدر بوندن قطع نظر مکتوبیه یازمش که تاریخ مکتوبیک  
ارتنسی کونی کجه سی اوج بیگ ادم ایله کلوب شاهک سرانی بصبه سز  
حدود عثمانیه جوارنده ساکن اگر ادیکلری هر نه مرتبه ده سرعت و عجله  
ایلسه لر اون بش کونده طهران کلملری حدامکانده دکدر و شاهک  
سرانی بصمق اوج بیگ ادمک ایشی دکدر و بن دخی بونلردن خبر  
اولوب ندارک اوزن اولمق کرک ایدم مع هذا که اول کون قوریچی  
باشینک نبی اخذ ایلدو کی کون اولوب بر در لوندارکده اولدم و حرمندن  
طشره چقمدم العیاذ بالله بنده بوملعت اولمش واسه وعدولریک  
ادعاسنه کون انشتم لطفی علی خانیله بوقفسادده یکدل یولنش  
اولسم خان مرقوم بونجه مهیا عسکر ایله قرب و جوار اصفهانده حاضر  
ایکن اگر اده مراجعت نه لازم ایدی حقیقتی بملک مراد بکزیسه مکتوبی  
سزه ویرندن سؤال اولنسون کیمدن لمش ونه طریقله الله کیرمش  
دغتش بیوراسون غورینه بو طریقله واقف اولورسکز بعد واقع حال



بلنوب مکر اعتماد الدوله بر کون کيفه مغلوب ايکن خلافتند اولانلرک  
تحریرکی و بر مبلغ آنچه ویرمه لريله مقرب و محرمی اولان خدمتکارلرینک  
بری مهر بنی قویبندن چقاروب بر ایکی بیاض کاغذ مهر لیوب اللرینه  
ویرمش لا حقه خفی اولمیه که عجم دولتمند قانون قدیم اوزن اعتماد الدوله  
اولانلر بالجه امورده مستقلا اولمیه کندی لرینه مفوض اولان  
دائرة دولتمند واقع ممالک اهلایسنک اموری و دعوا و نزاعلرینک  
فصل مقیم ی و سایر مملکت اموری نه واریسه بونلر سپارش اولنوب  
امور سایر دیو وضع بد ابد مزلر مکر که شاه طرفندن کندی لرینه اول  
ایشلرک که رله سی نتمیه اولنه سفر لر اموری یا جیلرک خصوصی  
صرع سکرلرک عزل و نصبی قطع حدود احوالی و بونلرک امثال اموری  
بالذات شاهلر کوروب را بلرینه موقوفدر و اوتدن برورسم قدیلمری  
بو ایکن بعضی شاهلر کند و ذوقه راحتلری قیدند اولوب بالجه اموری  
اعتماد الدوله اولانلر سپارش ایلاک دخی واقع اولمخله شاه حسین دخی  
بونلره قیاس ابله بالجه امور دولتی اعتماد الدوله سنه سپارش ابدوب  
کند و سی ذوق و راحت مشغول اولمش ابدی و فی الواقع اعتماد الدوله  
شاهلک صادق بنده سی و هر حاله خیر خواه دولتی اولوب بالجه  
امورند اعتماد سز ابر مرد کامل ابدی بناء علی هذا جواب ثالث تقریرینه  
بو یوزدن شروع ابلدی شاهم کند و یه مخصوص اموری بنک لرینه  
سپارش ابلدی و کی زماندن برو شاهلک دائرة سنه اولان رجال و خدام و  
مقر بن حسد و عداوت ایدب امور دولتی کند و مه مخصوص معتمدلریم  
ایله مذاکره یی محتاج اولمش ایدم شاه دائرة سنه اولانلری هر چند که امور

۴۴ مهمه مذاکره سنه ادخال باش اولدم هر حاله بکار غما حسن رأی و تدبیری  
قبول ایتیموب دولتک فایده و ضرر بنی ارامیموب کند و لری نقصانیت  
ایله قضایانک عکسی ظهورینه جد و اهتمام ابد لر دی و بوجه شاهمه  
معلومدر دیوب بر نجه مواد بیان ابلدی جواب رابع ممالک شاهیدن  
بر مملکت شاهک رقی یعنی فرمانی وارد قد مضمونیه علمه اهتمام اولنیموب  
خلقک امر شاهی یی برینه کتور مکر نکاسل و تهدانه جبارلرینه  
سبب و بنم مکتوب وارد قد بلاعات و بهانه مراد اولنان خصوصک  
تمشبتنه جان و یا شیه اقدام و اهتمام ابلد کلرینه باعث بودر که طرفدن  
وارن مکتوب مضمونیه علمه اهمال و مسامحه ابلد کلری چینه عندمه  
شفاعت و عذر و عالت و هدایا و رشوت بر در لو قبول اولنیموب امریه  
مخالف بولند قلرنده لایحه قتل اولجقار بنی یقیتا بلوب و بر طریقیله  
نجات بولمیه جقار بنی ادراک و اذعان ایشلر ابدی شاهمک دائرة سنه  
اولانلر ایه هر بری علی حاله بر شاهد رافع و ضرر عالم و شان و ناموس  
دولت نه ابد و کنی فهم ایتیموب و ارامیموب مجرد کند و فایده لری طمعیله  
بو کون شاهدن بر مهم ایچون صادر اولان امره یارین مخالف امر صادر ابله  
کند و لرندن خوف رفع و زایل و شاهی باطل و عاقل لکن ظاهرده  
مصنوع و صورت امزین اکاذیب و اراجیف گفتار لر بله خطا و غلطه سوق  
ابد لر دی جواب خامس شاهم اعتماد الدوله قیز لر بنی صاحب نام  
و شان خانلره تزویج ابلدی دبد کلری واقع حالدر زیر شاهمک ایام  
دولتمند قیزلری هم کفلری اولیان ناجنس فرومایه لره ویرمک و امیدر  
بوندن قطع نظر شاهمک دشمنلرینه ویرمیه بوب خدمات دولتمند



خاندان شاه جمجاهه خلوص و صداقت ايله ابا عن جد مجرب الاطوار  
مدوح الاحوال قدیمی امکدارلر بکزه قیز ویردیکم محل اتهام میدرانلرک بری  
شاهمک قوللری اغاسی رسم ثانی رسم میرزادرکه خدمات دولتکرده  
خلوص و استقامت ايله شهرت بولمیشد و بری دخی محمد قولی خان درکه  
حالا شهر شهر اصفهانده قائم مقام اولوب دولت صفویه نیک خیراندیشی  
و بودوات علیه نیک غیر نکشی شاهمک مقبول و معتبر صداقت پرور قولی  
اولدوغندن حالا بوبنده لری نیک اموال و اشیای صبط و تحریرینه  
ما مور بیور مشلر درو بونلر دولت شاهیده عالی قدر و منزلت لری ایکن  
نه انکه شاهک خاطری بلکه قدیمی مغیر اولدوغنه دخی جواز ویره لر  
جواب سادس شاهم بنم سنی مذهب اولوب لری الاصل اولدوغم  
جمله یه معلوم و دولت شاهیده سنی قوللری حددن بیرون در جمله  
صدق و خلوص اوزن شاهک استقامت پرور قوللر بیوز و هیچ بروقت  
و حاله ذره دکل و خیانت و وقوع بولمیب مسموع اولما مشدر طرفدن  
اولق اوزن لری بکری نه یاز بلوب مهرم ايله مهر مکتوب دخی ساخته دن  
مضمونی تزویر و بهتان و افک و افترا در اعمال دوله نصب اولدوغنه  
لری طایفه لر بنی عصیان اوزن بولدم طوایف مرقومه نهایت ممالک  
ایرانده کوه البرزکی جبال رفیع التلال صعب المرور دشوار الوصولده  
ساکن اولمیر ايله انلرک صبط و بطلی لاجرم حسن تدبیر ايله کاه قهر و کاه  
استمات طریقه موقوف اولوب اسلاف ذوالابصار بکزه زمانلرنده  
انلره قار شوحد و دلرده بر قاج بیگ مرتب جنگجوی عسکره اضر و اماده  
بطور دقلرندن ماعد اشاه عباس انلره خزینه دن سنه ده بیگ بد بیوز

تومان

تومان آنچه تعیین ایدوب کند و ملک لری نی نه کند و لری بله ضبط ایتدردب ۴۰  
واقضه ایلد کچه بو تقریر بله طرف اخره دخی بر مقدار عسکر بله امدادیزه  
حاضر اولور لری الحاله هذه کرک اول سرحد عسکرینک علوفه لری  
و کرک لری کیلرک آنچه سی بهر سنه خزینه شاهیدن اخراج اولندوغی  
معلوم کزدر لکن اول آنچه محله واری میوب شاهک دایره سی رجالی  
بیلرند تقسیم اولندوغی دخی معلوم کز اولسون طوایف مزبور نیک  
سبب عصیانلری بود و سنیک تقریر بله بنم ايله اتحاده دایره عواری اولسه  
کچن سنه تا دیملری مراد اولنوب اوزر لری نه کوندیرلان عسکرده  
سر عسکر اولان اوزر قندشم اوغلنی قتل ایتیز لری و اول اشاده عصیان  
ار نکاب ایدن طاغستان بکری نیک رجال بله شمشال بکدن ایاچی کلوب  
مومی الیه شمشال اطاعت زدن رو کردن اولما مغله طوایف مرقومه ايله  
صلح و صلاح عقدینه توسط و جرملری عفو اولنوب رای کاغذ لری  
و یرمک نیازنده اولمشلر ایدی لکن بو خصص دخی ساخته و کند و  
مصاحبه لری ایچون حمله و خدعه یه مبنی ایدی زیر اوختان خان کورجستان  
والیسی بولنوب طوایف لری ايسه عادت مسمره لری اوزن کورجستانی  
نهب و غارتدن بران خالی اولمیب عاقبت بالجمله کورجستان خلعتی اتفاق  
ونفیر عام اولوب هنکام شتاده لری کیلر طاغلر دن زللی احیانده وختان  
خان رأی و تدبیری اوزده الشمس تیش بیگ مقداری عسکر لری کیلر اوزرینه  
وارمغه حاضر و اماده اولدقلر نی لری کیلر خبر الدقد بو غایله یی دفع ایچون  
صور تا صاحبه رغبت و رایه طلب کوستر مشلر ایدی وختان خان دخی  
وارقونیه تدارک کوروب حاضر و اماده و مباشرت اوزن اولدوغن



حضور بکره عرض و اعلام ایلد که رجالد دولت مشاؤون ابدوب فی الواقع  
وختان خان صرف مقدور ابله طاغستانه طفر بولوب اخذ و ضبط  
ایده جک اولور سه اندن محمل اولان ضرر و زیان لڑکیلرک ضرر ندن  
اشد در زیرابونجه مالک ضبطنه کیروب مسقوا ابله همجوار اولور ادنا  
بهانه ابله طرف دولت شاهیدن رنجیده خاطر قلنسده اطاعتدن چاقوب  
هم اینهم مذهبی اولان مسقو کفره سیله یکدل و یک جهت دولت  
شاهی بی اتعاب ایللری مقرر دو مثلثو ترهات و صفری و کبری دنصکره  
منلا باشی و حکیم باشی الصالح خیر دیوب ایچی دخی گلش طالب اولمش  
بولمغله صاحبه جواز و در عقب چپار ابله طاغستانه الونک رای کاغذ لری  
ارسال و وختان طرفنه دخی کید و شد بد رقم یاز بلوب مضمونده سنکه  
وختان خان کورجستان و الیسی سن رقم شاهی سکا و وصول بولدوغی  
رله طاغستان سفر ندن فراغت و بر بهانه ابله اول جانبه عزیمتدن کف  
عنان عزیمت ابدوب زینهار و زینهار رقم وصولنده ائنه سوار اولمش  
بولندک ايسه اتندن اینه سن یولد بولند یغک تقدیرده در حال رجعت  
و مقابله ده بولند و غک تقدیرده دخی شمشیر یکی نیامنه ادخال اید سن  
ولز کبلره برد ولور رنجیده به جواز کوستر میه سن زیر طرف شاهیدن اول  
طوا یغه رای ویرا شد رد یویاز بلوب چپار ابله کال سرعت اوزن ارسال  
اولمش ابدی وختان خان واقف احوال اولیحق بولکونه ندرک ابله  
فرصت فوت اولد و غندن منکسر خاطر عظیم تا سف ابله بردخی عجم  
شاهلر ینک دشمنلر ینه قلع چکمیبه جکنه علی ملاء الناس عین ابلدی  
وفی الواقع عینده صادق اووب من بعد شاهلره خدمت ایتدی ازین جانب

شمس الخ

شمس الخ ایچسی رای کاغذ لری بی الوب طهر اندن طاغستانه روان اولدی  
برنجیه مدت مرورنده سائر قبایل بکمر ندن دخی ایچیلر کلوب شاه عباسک  
قانونی اوزن وجه معاشرلری طلب ایلد کلرند نوروز سلطانده  
دیوان عیدده طقسان دورت قبایل بکمر ینک ایچیلری صره لری و رای  
کاغذ لری بی الوب کتد بیلر جواب سابع قرند اشلم اوغلر ینه صغیر لریکن  
خانلق و یروب بر منسوبه کوند و دیغم واقعدر خانلق قانون دولت اوزن  
خازنده لره طرف شاهیدن احسان اولنه کلشدر نیم بد عثم دکلدر  
منسوبلر ینه کتد کلرند یا نلر ینه عاقل و مدبر کتد الر تعیین ابدوب  
ظلم و تعدلر ندن و ناهموار حرکت لرندن بوانه کلجه شکایت ایتمش بر فرد  
دخی یوقدر جواب ثامن انشتم لطفی علی خان صر عسکر اولوب بحرین  
جزیره سنه کچمدی و مسکت امامیله مقابل اولدی زیر شاه عباس  
کوند پورتقالک اخذ و ضبط ایلد و کی رلریزی تخلیص ملاحظه سیله  
انکلیز و فلنک سفینه لری ابله پورتقال اوزر ینه سفر اولنوب پورتقال  
غالب کلکله قبضه تصرفنده اولان رلریزی رد و من بعد دیادن مرور  
و عبور ابدن تجار ینزه تعدی ایلامک ایچون سنه بسنه خزینه دن بیک  
بشیوز تومن انچه ویرلک اوزن معاهده اولنوب بزم و قنره کلجه و بزم  
زمانزده دخی بر قاج سنه لک صره لری ویرلدی کوه و دیو قیودانلر ینه  
خبر کوندروب کفایت مقدار سفاین رجالد ایلد یکزده اجرت و صره لری ینک  
بقیه سن طلب ابدوب طرف ندن دخی وعد اولمغله عهد و فایله بلا عوق  
و تأخیر دو نمان کوندرد بیلر اجاره لری و بقیه صره لری خزینه دن  
فراز و اخراج اولنوب دایره شاهیده اولان رجال معتاد لری اوزن



خلافه ذاهب و دلائل و برهانها را بر آید و ب مبلغ مرقومك اصفهانند  
 چقمه سنی مناسب کور میوب شاهه منع ایتدر دبلر پورتقال دونماسی  
 واقف قضیه اولیحق خدمتدن روگردان اولوب برلر بنه عودت ایلد بلر  
 شاهم خز بنه دن چقان اچیه محله واصل اولماز پورتقال دونماسی  
 دفتر لر بنه نظر میورد اژه کرجالی پینلرندانی دخی تقسیم ایدوب اکل و بلع  
 ایلد کلمری فی الحال معلومك اولور لطفی علی خان سفینه سز بحر بنه  
 یکمک ممکن اولدی کرمانه سرعت ایدوب میر محودی بوزدی و قوودی  
 کرمان یولیه تعقب ایلک خدمتکنده اولدی بریه و چول اولوب چوق  
 مهماته محتاج ایدی بوملا حظه ایله شیراز دن معمور یول ایله کیمک مراد  
 ایلدی عسکره علوفه وزاد و ذخیره و مهمات سقریه مصرفی و یرلمکه  
 و جالاک مانع اولوب عسکر بولدوغی یردن المغه مجبور اولدی اعانتلری  
 ایچون بن دخی مالمدن اوج بیگ دوه بوکی پرنج کوندر مش ایدم جواب  
 تاسع ایام دولت شاهیده وافر خز بنم واردر باعن جد خان زاده خان  
 اولوب اقربا و تعلقاتدن ارثیه و شاهم امور عظامی بوقوللر بنه سپارش  
 میور مغله وافر خز بنه یه مالک اولدم انجق ظلم و جبر ابر فردک حقن  
 المدم و کندیدن کسنه بی شکایت ایتدومدم دیومواد مذکور بی وجه  
 مشروح اوزن اعتماد الدوله تقریر و شاه سکوت معامله سیله دقت اوزن  
 اسماع ایدوب حقیقت حاله واقف اولدی کند و یه ندامت و پشیمانی  
 ال و یروب کوزلرندن یاش باران کی دو کیلوب سیلان اولدی صداقت  
 و خلوصنی در خاطر ایدوب رقت قلب ال و یردی المصلحه دیواندن قلقوب  
 عجله دفع مجلس ایلدی فی الواقع دولت شاهیده بوبله بر کامل صاحب

رای

۴۷ رای و ندبیر کسنه گلامش ایکن بونک دخی حالی بوبله اولیحق افتاب  
 دولت شاهان قریب غروب ایدوکی تقدیر یزدان ظاهر و اشکار اولدی  
 شاه حسین بی جان نان و نعمتیه پرورده قلد بکی خدام خذلان انجام  
 شر لر بنه اوغرا دوغنی یقینا ایلدی و بالجمله دعوا و نزاعلری اغراض فاسده دن  
 گنایه و افک و افترا دن عبارت ایدوکنی بالمشاهده اذعان ایدی و باعث  
 فساد اولنلرک حقلرندن کانون جزالری ترتیب اولنمقد جان و دلدن  
 سعی و اهتمام قلدی و من بعد اعتماد الدوله بی بنه بو حالیه خدمتند  
 اسخدام و بالجمله امورنده استقلال و یرمک مراد ایلدی لکن گروه  
 ضاله قوی الاتفاق اولوب شاهک مقصود بی لغو و ابطال ایچون بنه  
 پراهین ابراز و سند ات و دلائل احراز ایدوب نه مفسد لک جزاسی  
 ترتیبی ممکن و نه اعتماد الدوله نلک مقام اولده قیامنه قایل و نه کند و  
 ولا پینده کوشه و حدتده از وایه راضی اولوب بالاخره شیرازه نفی  
 و کوز حبسند اولوب هیچ بیگانه دن بر فردیانه وار مامق و سوبلشمامک  
 اوزن اجلا و یومیه الی تومان اچیه ایله متقاعد اولدی بعده میر محود  
 اصفهانه وصول بولدوغی برله اغوانلره وصول مبسر اولسون دیو  
 قزلباشلر زهر لیوب قتل ایلدیلر اعتماد الدوله شیرازه نفی اولند قدده  
 داماد لری اولان میرزارستم و محمد قولی خان شاهک مرغوب و مقبول  
 الاطوار قوللری بوانمغله عرض و مال لر بنه و منسوبلر بنه تعرض اولنمیوب  
 سائر ارباب اسنشان سنک اموال و اشیا لری مصادن و کندولری حبس  
 و مناسبلری دیگرانه توجیه و کاه اطلاق و مال و منال لری رد اولنمیوب  
 انجامنده مناسب طلبندن و اموردن بالکلیه کف بد ایللری شرطیه



گوشه از واکندارینه مقام استقرار تعیین اولندی بیان کردن احوال لطفی  
 ملی خان خان مرقوم اصفهانده حبس ایکن علیل المزاج اولدی شاه  
 طرفندن مخصوص طبیب تعیین اولوب تسخیم مزاج ایلدوکی برله  
 محاسبه سی کور بلوب عسکرک غارت ایلدوکی اموال و اشیای زمین و ولایتند  
 تقاعد فرمان اولندی لکن جهات اربعه ده اعدای دولت حرکتند در  
 مرقوم لطف علی خان رنجیده خاطر قلند یکی حبسیله انلرک برینه لاحق  
 اولمق سوداسند اولور احتمالیه رجال دولت طشهره کمنسند جواق  
 و یرمیوب ینه اصفهانده اقامت ایلک اوزن کند و سنه تعیینات و یربلوب  
 گوز حبسند اولدی چوق چکمیوب اصفهان محاصره سی روینا اولوب  
 بخت برکشته دولتک احوالی مشتمل اولمق جمله کاتفاقیه اغوان  
 عسکریه مقاومتیه سیه سالار نصب و تعیین اولمق مراد اولندی وقتی  
 کچدی و عسکرک قلبینه خوف طاری اولدی بوند نصکره بو خدمتک  
 عهده سندن کله هم دیو اعتدار و ماجرای ذکر و یاد و علت و بهانه  
 ایدوب بر طریقله قبول ایددی میر محمد خان مرقومک احوالنه واقف  
 اولوب محبوس ایدوکن بلش ایدی اصفهانده ظفر یاب اولدوغی برله  
 کتوردوب اگر املر ایلدی صاحب نام و شان اولمقله خان مرقومدن  
 اغوانیان زیاده خوف و وهم اوزن اولد قلرندن غیره موقوف تقریدله  
 شاه و رجالدن رنجیده خاطر اولمش بکاصداقت ایلله خدمت ایدو  
 ملاحظه سیه میر محمد خذ متنده استخدا مراد ایلدی بوجمله برله ینه  
 اجناسی قزلباشلر میل و رغبتی غالب و طهماسبیه وصوله تشنه اولمقله  
 برکون اصفهانندن فرار ایلدی در حال میر محمد اکاه اولوب مناد بلر

ند

۴۸ ندا ایدوب وعد و وعیدلر ایلدینه تنقید نام ایدوب آخر کار جوار  
 اصفهانده بن اصفهان نام قصبه ده قزلباشلر طوب اظهار صداقت کاذبه  
 و ملاحظه انعام سو قبیله کشان و کشان قید و نید ایلله میر محمدک حضور ینه  
 کتوردیلر اولدخی امان و یرمیوب قتل و لاشه سن دورت شق ایدوب  
 دورت یول اغزل ینه براغوب اغوانیان کورد کده شرندن امین اولد بلر انجق  
 مقتول مرقومک اوغلی طهماسب ایلله معافرا ایدوب روزمان یاتند شهرت  
 یولمش ایدی غفلت اولمیه که اقطار شرقیه ده واقع ممالک و بلاد و قری  
 و اول جوانب بریه لرند ممکن اجناس ناس و قبایل و عشایر و سائر طوایف  
 مختلفه خلقی خلقت و جبلتلی مقتضای نسخه اقطار غریبه ده ساکن  
 و ممکن اولان اجناس ناسه خوریزلقه و غدر و ظلم و جورده بالطبع  
 غالبلر و غایت ایلدی بی رحم و بی مروت ظالم و غدارلر در جنکیز خانک ممالک  
 ماوراء النهره استیلای و هلاک و خانک خلفاء عباسیه دولتمند  
 غلبه سی و نیمورک زمین ایران و غیره یه تغلبی حد و حسابدن بیرون  
 نفوس بشرک تلفنه بادی اولدوغی بو کافی دلیلدر عجم دولتمند دخی  
 عجم دوائی خلقی همان بونلره قیاس ظلم و غدر و شقاق اوزن مجعول اولوب  
 کرک اعتماد الدوله فتح علی خان و کرک انشته سی لطفی علی خان سرکشتلری  
 مجرد عجملرک زورائی اولد و غندن ناشی بو قدر ایلله رتب جزا لند اکتفا  
 اولمش ایدی والا حقارند ساخته قلدری ترور ایلک دن مقداری  
 صحیح اولمش اولسند نه انکه قوم بی رحم قزلباش مرقوملری حیائند  
 قویه بلکه استد عقربت ایلله قتلدن غیره اولاد و انسابلرینی دخی معتاد  
 ناشایسته لری مقتضای نسخه خلاف طبایع ملل عالم استیصال ایدرلری  
 وانلردن بر فرد قوملر دیتمه در بیان بقیه احوال لطفی علی خان بالاده



اوزن وقتا که سر عسکر لطفی علی خان شیراز دن اصفهان حاضر اولوب  
حبس اولندی شیراز جانبند اولان طوایف عسکر استیدوب مهیر  
اواد پلر نه کند ولر پنه باش بوغ اولوق ایچون دیگر سر عسکر کوندردی  
ونه زاد و ذخیره و علوفه لر پنه دایر امار صادر اولدی کندولری من بعد  
نه پوزدن حرکت و یاسکونت و نه ایشمه مباشرت اید اچکاری نی مشعر  
بر کاغد وارد اولدی بر مدت انتظار یله بعضیلری و همنه تابع اولوب فران  
یوز طوتد پلر عاقبت اعتماد الدوله فتح علی خانک دخی احوالی معلوم  
و مسمو علری اولیحق و عسکره صاحب حقار کسینه بولند یغندن جمله سی  
پر پشان اولد پلر باش سز بوغ سز مرور و عبور ایلد کاری و لا پلری یقرق  
بقارق چقوب کتد پلر عسکرک بالجه پر پشان اولد و غن اصفهانده رجال  
دولت استماع ایلد که حظ ایدوب ممنون اولد پلر زیار قاج کون  
اول عسکرلری خصوصی بینلر نه مشاؤون اولنوب بعضیلری سر عسکر  
کوندردیلوب علوفه لری و تعیمیناتلری و یر بلوب کله جک یاز ایچون  
حاضر و اماده بولنه لرینی مناسب کوروب شاه دخی بورا یه تابع اولمش  
ایدی لکن پنه شقاق و نفاقه عادت لرینی رک ایتیموب یر بلوک رجال بوبله  
رای و تدبیر ایتد پلر که اشبهو ایام شتا حملول اید نجه بونجه عسکر  
علی حاله قالوب بسلند بکی تقدیرده که زشتد علوفه لرینی وزاد  
و ذخیره لرینی و سائر هنکام شتاده محتاج اولد قلری حوایجلرینی طلب  
ایدوب بونجه مصارف اقتضا ایدر حال بو که کلچک یاز دخی بلکه  
نجه زمان مرور پنه دکن عسکره احتیاجیمز اولماز بوبله اولنجه اتلاف  
خز پنه دن غیر بر شیشه مؤدی اولماز اغوان عسکر کرم انده منهزم

اولوب

اولوب کتدی بر نجه زمان ابقلنه مزخفاری اغوانندن دخی رای طلمی ایچون  
ایچکی کله جکدر لری طایفه لرینه جمله رای و یرلری و ختان خانک دخی  
عسکر طاعلدی مسکت امامنه بر مقدار اچقه و یر بلکه بحرینی تخلیص  
ایدن رز بوجه اوزن سهولت ایلد هر ایش وجوده کور صاند پلر فساد  
مباشر نلر نلر نه چوق احتمالا لرو یرد پلر خیر لومصاحتلر نه صرف زهن  
دخی ایتد پلر انجمنه اعتماد الدوله حقنه واقع قضاحتلری و سر عسکر  
لطفی علی خان اولان حقار نلری و وختانک دلکیر اولوب یمن غلیظ ایلد  
امداد لرندن چکد بکی حالی با خصوص عسکر لرینک بو گونه و سوابق  
ایلد پریشان و پراکنده ورنجید خاطر اولوب الان ممالک عجمه بر یرده  
حاضر و موجود عسکر اولد و غن جوانب اربعه ده اعدای دوله لری  
خبر الدقلری کی بو فرصتی کندولرینه غنیت عطا اید پلر شاه و رجاله  
اولمش اوله جق همان بزایشیزی کون لم دبد پلر فعلی هذا طاعستانه  
واقع طوایف لر کیان بکری بری برلرینی تحریک و ترغیب و جشمزدن  
اولان اعتماد الدوله نک قزلباشلر نه ر غماصلی ازکی و مذهبی سنی اولد و غیچو  
کوزلرین چقارد پلر دیوتو و یچ و تحریک فتنه ایدر رک بر قاج کون ایچنده بر عظیم  
جمعیت پیدا ایتد پلر اول بهار اولد و غی برله عجم مملکتلرینه اقین ایدوب  
نجه نجه یرلرینی غارت ایتد پلر عجمک مدافعه ده اقتداری اولد و غن  
حس ایتد کاری کی اتفاق اوزن شروان اوز پنه هجوم و دار ملکی اولان  
شماخی شهرینی اخذ و ضبط ایدب قار شولرینه چقان قزلباش عسکر  
قلیل و باش بوغ سز اولوب قاپچدن کچورد پلر میر محمد دخی شروان و شماخی  
لر کیلر دن ضبط اولند و غنی استماع برله غیرت و حجت طبعند حرکت



وکنند و به عظیم قلب قوت حاصل اولوب رجال واعیان جمع و مشورت  
ایدوب اعتماد الدوله و سرعسكر لطفی علی خان عجم عسكرینك پریشان  
اولدوغنی حالی باخصوص از کیملرک شروان اولکه سنی ضبط و حالاساثر  
عجم دیارینی نهب و غارت مشغول اولدقارین جمله به عرض و افاده  
ایلدکده جمله نك دروننده غیرت و حجت هیجان و حرکت ایدوب یكدل  
ویك جهت دیار عجمه اقله رغبت و بوعزیتلرند سرعت و مبادرت  
ایتدیلر وارقوللر بنی بازویه کتوروب عسكر جمع بر قاج کون ایچنده  
تدارک لرین کوروب حاضر و آماده اولدیلر بیان ظهور علامات سماوییه  
وارضیه فی الدوله الصفوییه بیک یوز اوتوز دررت سنه سنه خطه  
نیریزده عظیم زلزله واقع اولوب شهرک اکثری بنالری منهدم اولدی و بجه  
زمان مدت اولوب سکسن بیکدن زیاده نفوس بشری زمین هلاکه  
متواری اولدوغنی شاهه عرض ایلدیلر اصفهان شهرنده ایام صیفه بلوت  
نادر کورلش ایکن اول سنه ده اصفهان اوزرنده طومان و بلوت برکون  
اکسك اولدی کونش طلوع ایلدوکی وقتلرده افق اصفهان قان کی  
قزاروب کورینه وردی شاه حسین طهراندن اصفهان کلوب شهره کیردوکی  
کوندلش پارسه سی مثالو بر بلوت کندوسنی احاطه ایلدی منجملری  
بو کونه علائم جوانب اصفهانه مثال انهار سیلان دم و قوعنه دالاندو  
دیو خبر ویرمشلر ایدی عزیت کردن میر محمود بجانب مملکت کرمان  
چون میر محمود ممالک ایرانیه اقین تدارکن کوردی شدت شتا و صوات  
سرمایه بقیموب صوب مقصودینه متوجه اولدی کرمان اولکه سنه  
واصل اولوب شهر کرمانی دخی محاصره ایلدی بر قاج کوند نصیره درون

شهرده موجوداتش پرستان کرمان شهرینی ویره ایله میرمحموده تسلیم  
ایلدیلر لکن قزلیاشلر بناسی برمتین قلعه سی اولوب قلعه ده متانت  
وزاد و ذخیره لری و فرت اوزن بوانغله دروننده موجود لشکر قزلباش  
کمال کر میت ایله جنکه اقدام ایدی بجك قلعه فتح و تسخیری طول و دران  
محاصره به محتاج ایدوکن اغوانیلر فهم و ادراک ایملر به کندی احوال لرینی  
مشاوره د نصیره بر مقدار اغوان عسکرینی محاصره ده قویوب سائر لری  
هنوز اصفهان غفلت اوزن ایکن الغار ایدوب اطراف و کنافنی غارت ایلمک  
اوزن قول و قرار و یردیلر تا کم بوعزیتلری حصول پذیر اولدقه کرمانه  
عودت ایدوب کرمان قلعه سی دخی اول مقدار زمان مرورینه دکن زاد  
و ذخیره لری فنا بولق مضایقه سیله فتح و تسخیر اولنوب من بعد اغوانلر  
قندهان عودت ایموب بوصورت اوزن کندولرینه متانت و استحکام  
و باجمله اسباب سفریه لرینی انه تدارک و جمع ایدوب مراد ایلدکلری  
محارک نهب و غارتنه کرماندن مباشرت ایدلر و کرمانی کندولرینه مرکز  
حصن و ملجا و مقر ایدینه لر دیونددیلر ایتدیلر پس کرمان شهرندن  
اصفهان شهرینه بکرمی بشق و نفاق مسافه اولوب وقتا که عجمک بریده  
موجود عسکر لری اولدوغنی و هنگام شتا و ملغله عجله دخی عسکر ندوکی  
ایکن اولدوغنی میرمحمود یقینا خبرالدی کرمان قلعه سی محافظه سنه  
کفایت مقداری عسکر قویوب کز به و چاپک سوار عسکرینی انتخاب  
ایدوب اصفهان جوانب نهب و غارت ایلمک سودا سیله کرماندن سرعت  
و جانب اصفهانه رو برآه اولدی و خفی اولیه که میرمحمود بوندن اسبق سر  
عسکر لطفی علی خانه مغلوب اولوب منهزما قندهان فرار ایلد کد نصیره



میرمرقوم بجه زمان مرورینه دکن کرمانه کله جکنه عجم رجالی قطعا حمال  
ویرمدوکی کی میرمرقوم دخی کرماندن اصفهانه کلوب اصفهانی قبضه  
تصرفه کتورمک و عجم شاهنی طوتوب صاحب تاج و تخت اولق فکر  
وملاحظه سی میرموجودک و اغواندن بر فردک خاطرینه دخی خطورایتش  
برمعنادکل ابدی الحق میرموجودک و بالجمله اغوانک مشاوره ابله صورت  
افراغ ابلدکاری مقصودلری بوبله ابدی که ایام شتاده علی الغفله جواب  
اصفهانی غارت ابلدکاری تقدیرده اولاغوان عسکری غنیت عطیه  
تحصیل ابدلر بانیایام شتاده اطراف غارت ابلدکاری سببیله عجم خلقنک  
قلوبنه نوعا خوف دوشوب کله جک یازین کرمانده اولان اغوان اوزرینه  
عسکر کلی ندارکندن عاجز اولورلر و اغوانلر بوتقریبله فرجه بولوب  
کرمانی الوب و قتیله کینلری محب قلعیه لمق ممکن اوله و سائر استحکاملرینه  
وعجم عسکری کلدوکی صورته مقاومت لازم اسباب ندارکیله اقتدار  
حاصل ومن بعد کرمانی کندولرینه ملجأ و مرجع ابدینوب محل  
مزبور دن تشبیت مافی الضمیرلرینه بو طریقیله سهولت حاصل ابلدلر  
ومحل جمعیتلری و مقسم عسکرلری بوندن بوبله کرمان اولق اوزن اتفاق  
واندن شیراز و لاری اصفهان جانبلرینی اقین ابله تضییق ایلکی نصیم ابلد  
ابدی عزیت کردن میرموجود از کرمان بجانب اصفهان و فرستادن خان  
هویزه از جانب شاه برای تجسس احوال میرموجود و خروج لشکر عجم از  
شهر اصفهان میرموجود کرمانی محاصره ابلدوکی خبر سمع شاه و رجاله  
لاحق اوله حق سکر بیک قزلباش عسکری ندارک اولنوب هویزه  
خانی کندویه مخصوص بش بیک قزلباش عسکر ببله کرمان طرفلرینه

کوندلدی

کوندلدی تا که اولحوالیده برمناسب محله مکث و کندولرینی کرکی کی محافظه  
ایله مقید اولوب اغوانلرک واقع حالن حقیقیته تفتیش و تجسس ابدوب  
اصفهانه عجماله بلدون و کندوسی اولجانبه توقف ابدوب اصفهانندن  
کرکی کی مهمانله عسکر کشیرورودینه مترقب و منتظر اوله هویزه خانیله عسکر  
قزلباش عازم راه اولوب اثنای راه میرموجودک عسکر کشیرایله کرماندن  
قالقوب شدت وصولت ابله جانب اصفهانه متوجه و وصول مرامه کمال  
کرمیت ایله صرف مقدورده ابدوکن خبرالحق عسکر قزلباش مقاومت  
واول حوالیده مکث و ارامه جرأت ابدی میوب بوخبر ابله رجعت و عجماله  
اصفهانه کلوب واقع حالی بلدرد بیلر تحریر و تدارک کردن عسکر در شهر  
اصفهان برای مقابله بالشکر میرموجود بوخبر ملالت اثر شاه و رجال  
وناسک مسموعی و ایحق جمله یه عظیم وحشت و دهشت ال و یروب تحیر  
اولد بیلر و عجماله عسکر ندارکنی مراد ابلد بیلر اکن جمله و همه دوشوب چندان  
عسکر یازلمغه رغبت ایتدیلر کورد بیلر که ایش ایشدن چکمه قریب اولدی  
خزینه دن وفرت اوزن اچیه چقاروب اون کون مقدار زمان ایچنده اچیه  
قونیه نفس اصفهانندن خپلی عسکر ندارک ایتدیلر و عجماله اوزن اصفهانندن  
چقوب دورت ساعتمک مسافه ده واقع کلناباد نام قریده ده قونوب  
اوردولرینی قورد بیلر اعتمادالدوله قرق الی بیک عسکر و هویزه خانی  
دخی وافر عسکر ندارک ابدوب برکروه عظیم اولد بیلر بجه خاندلر و بکار  
وسردار و ضابطلر جمله سی معاشمت عظیمه ابله اصفهانندن چقوب برده یست  
دهشت خا اولد بیلر کثرت و فرتلرینه الدانوب عظیم غرور ابله مغرور و بو  
حال اوزن اغوان عسکرینک قدومنه اشتیاقلر اظهار ابدوب منتظر



اولدیلر و عجم عسکرلرین بر فردانهم احمالان ویرمبوب مسافه بعینه دن  
 گلش تعب طریق ابله زده نمش عشائر و قبا پلدن مجمع عسکر عجمک  
 توانانمچ ذوباس شدید عسکر جنگ جو بیله مقاومت قدرت نه احمالدر  
 واغواندن بر فرده پنجه زور یزدن سلامت ورهانه ممکنرد بویینلرنه  
 شاعرانه وادیلرونکته امیزایات و اشعار کفتاری رایج اولوب حتی  
 هویره خانی شاهم میرمچودی دیری طوتوب اول نابکاری کشان کشان  
 حضورینه کتوریم قندهار سمتنه قاجسه قاجه مر عثمانلویه فرار مراد  
 ایلسمه دخی تازی سواران عرب تعقب ایدوب المدن خلاص اولمازدیو  
 وافرلاف کزاف سو پاش ایدی قدوم لشکر میرمچود در جوار اصفهان  
 و مشاونه کردن رجال عجم برای مقابله بالشکر اغوانیان ایکی کوند نصکره  
 میرمچود عسکر بله کلوب عجم اورد و سنه قارشو بر ساعتک مسافه مقداری  
 یرده عسکرینی قوند وروب اورد و سنی قوردی عجم عسکر روستاسی  
 مشورتلر ایتدیلر چون عسکر تدبیری اعتماد الدولیه وهویره خانه  
 سپارش اولمش ایدی حرکتیه بری برلرینه مخالفت اوزن اولدیلر  
 بعضیلاری مترسلر یا پالم اطرافزه استحکام ویرهلم کند و مز اغوان  
 اوزرینه کیمبوب انلرک گلسمه مترقب اولهلم و اگر اغوان عسکری اوزرینه  
 کلیموب اصفهان شهرینه وارمق قیدینه اولورسه بز عسکر بله تعقب  
 ایدوب اصفهانلر دخی قارشو چقوب ما موالدر که ایش اسان اوله  
 واصل بزه توقف مناسب تا کم طشره دن امدادیز کلوب بر طریقه  
 اغوانلری قوشادوب بر محله محصور اید و زوبوبله اولدقد ذخیره لرینه  
 از مدت قلمت کلوب کسه لرینه واقع جگدری دخی سد و بند ایدوب

بر فرد

بر فرد الیزدن خلاص اولیه بعضیلاری بوتد بیره قایل اولمبوب نام شان  
 کسی دعواسنه دوستدیلر بوبله باغی هندی خزانلرینه قارشو مترسه  
 کرمک قدیمدن برو عالمه متواتر شهرتیزی محو و لغو ایتمکد روعرض و ناموس  
 دولتی اضمحلالدر اچقدن بونلرک اوزرینه واروب عسکر جنگ جو یز  
 حمله و هجومنه بکونه عسکرک مقاومت اقتدارینه احمالدر ما موالدر که  
 همان وهله اولاده لشکر دریا خرو شیرک حرکتی کوروب قرار فران  
 تبدیل ایدلر و کلدکاری بولی بوله میله مقابله کردن لشکر عجم بالشکر  
 اغوان و انهم شدن لشکر عجم بوتد بیرک اربابی غالب و مغله بوجه اوزن  
 حرکتیه میل و رغبت ایدوب همان مجملر بر شرف ساعت تعیین  
 ایلسونلر دیو خبر کوندردیلر انلر دخی بازار کونی وقت طهرده جنگ  
 مبارکدر دیو عرض ایلدیلر بواثناده طشره دن بر مقدار عجم عسکری  
 امداده کلیمور دیو خبر گلش ایدی انلر دخی ورودینه توقف مناسب  
 کورلمبوب و نام و شانلر انلر ابله شرکته جواز ویرلمبوب وقت معینه  
 دخی فوت اولیه دیو یوم معهودده اوبله دن بر ساعت اول قوللر اغاسی  
 اولان میرازرستم قولندن اغوانلره حمله اولنوب جنگه مباشرت اولندی  
 مرقوم میرزازرستم نقصینه شجیع و بهادر اولوب یاتنه ما مور قزلباش  
 عسکری و قیو خلقندن غیری دور تیوز کوز بده منتخب کورچی عسکری  
 اولوب جمله دن اول اغوانک بر جانی اوزن هجومه اقدام ایلدی علی مردان  
 خان دخی بشیموز کندویه مخصوص کز بده عسکری و سائر میر بدن  
 تحریر اولنان عسکر ایلله و سائر خانان و میران و ضابطان قول قول  
 جمله ده سرعت و مبادرت ایدوب ناره قتال شدت اوزن اشتعال بولوب



عجم عسکری مبادی حربیه بر مرتبه ده سعی و کوشش قلند بیلر که اغوان  
 عسکرینک بر جناحی از حمله قریب ولدی حتی هویزه خانی اغوان  
 عسکرینک بر جانبی منهزم اولدوغن مشاهده بولم عسکر بیلر  
 اغوانلر اوردوسنه سرعت ایدوب اوردولرینی غارت و یاغما و روایتلری  
 اوزن میر محمد کون ابکی قومن مقداری نقود التوتنی فیضیه تصرفه  
 کتوردی میر محمد بوجال ملالت اشمالی مشاهده ایدیک دروننه خوف  
 و هراس عارض اولوب فرار قیدند اولدی صاغ قول صول قول  
 سردارلری اولان امان الله و نصر الله یانه شتاب ایدوب عجه عجه ایات  
 قرآنییه و احادیث نبویه معنایینی ذکر و یاد ایلر پند و نصیح و تقویه  
 و یرک پای فرسینی قید و بند ایدوب پابند سمند اختیار ایتدیلر چون  
 قلبگاه عسکر اولان سردارک سپنه سنده هجان واضطراب بر مقدار ارام  
 و سکونت بولدی مین و میسر و میانه ده واقع عسکر دخی غیرته کلوب  
 جانب قزلباشه قصد و عزیمت و صرف مقدور و ممکن ایلر مردانه  
 جنبش و حرکت و جان و دلدن جمله سی سلامتاری فکر و اندیشه سیله  
 بو خطیره عظیمه و کرداب مهملکه دن ساحل سلامتیه وصول امید یله  
 قهر و تدبیر اعداده بذل قدرت و تعب و شدت حرب و قتله تحمل  
 و مصابرتدن غیری چاره اولم دوغن ادراک ایتدیلر بواثناده اتفاقا  
 عساکر عجمک قلبگاه اولان اعتماد اوله اوزرینه بر مقدار اغوان عسکری  
 سرعت و کرمیت اوزن هجوم ایدیک بازار کارزار جنگ و قتال رایج  
 اولجق عسکر قزلباشک مقاومتیه اقتداری درکار و پایداری اولم یوب  
 اغواندن روگردان و جنگدن کریران اولدیلر باخصوص باعث  
 قوت دل و درونلری اولان عسکر تو فتنه کجیان قراری فران تبدیل و ثباتی

اخر افه تحویل ایدیک عسکر طایفه سی دخی قیام ایلر میوب  
 جانب عجمیانده علامت ملالت اثرانهم روان اولدی ستون عسکر اولان  
 قوللر اغاسی میرزا رستمک یانه اولان شاه قوللری دخی بوز دوندروب  
 اقبال و اقدامی ادبار و فران تغییر ایتدیلر اغوانلر اوردوسی غارتنه مشغول  
 اولان عرب عسکری دخی قزلباشلرک اختلال و انهمان مشاهده  
 ایدیک اسباب و اثنالی بر اقدیلر خانلری اولان هویزه خانی ایسه غیرت  
 ایدوب الدوغنی التونیله شتاب اوزن فرار ایلدی قزلباشلرک طوپیچی  
 باشیسی اتفاقا مبادی جنکک هلاک اولمغله سارطو و عجمیان کلال الویروب  
 طویلر باجمله معطل قالدیلر بوجال حالت جست و جسارت و شجاعت و قوت  
 اغوانیانده علت مستقله اولوب مرده لایکن زند و دلیر اولدیلر هر چند که  
 عسکر قزلباش مقاومتیه اقدام اوزن اولدیلر فایده و یرم یوب پنه  
 معلولیلر و عاقبت رستم میرزا و اوغلی و علی مردانک قزنداشی قتل  
 و کندوسی دخی مجروح اولدیلر و اغوانلردن محمد نشان نام خان کورجیلری  
 تعقب ایدوب جمله سن قتل و بی نشان ایلدی ضبط کردن اغوانیان  
 اوردوی عجمیان بعد الغلبه بوجورت و سباق اوزن طرفینک عسکرند  
 شدت روزگار ناهموار ایلر توج ایدن دریای قتال ایکی جانبیدن مد  
 و جزرا ایلر کاه تلاق و تلاطم و کاه زوج و کاه تفرد ایلرک بر یق ساعت  
 نجومیه زمانی مرورند بر مقدار سکونت بولمغله اموال و اسباب مهمات  
 ایلر خالی قلان قزلباش اوردوسنه دک و خدعه احتمالیله اغوانیان  
 بر درلو تعرض اینیوب کند و اوردولر پنه رجعت ایتدیلر ایکی ساعت  
 مرورند عجم اوردوسنک احوال کرکی کی تحسین ایلد کارندن صکره



تمام اخذ و بلا حائل و مانع دلو اهلری اوزن ضبط ایلدیلر عجم  
 آورد و سنده بکرمی بش عدد حاضر و آماده اولمش و اغزش بش بال یز طوب  
 بولنوب سائر مهمات و اسباب و ائقال بی نهایت و بکرمی بش بیک تو من  
 نقود آنچه بولنوب آورد و لر بنه نقل ایتدی لر نکته چونکه بوانه کله طهور  
 و حدوت ایدن احوال عن قصد اولیوب جمله اتفاق واقع اولوردی  
 بود فعه دخی اغوانلرک اصفهانی محاصره ایلمک فکر و سوداسی خاطر لر بنه  
 دخی خطور ایشش معنی دکل ایدی اول اجلدن بولد قلمی طویلره قطعاً  
 نظر و وضع بد ایلیوب انجق اسباب و اموال سائر بی آورد و لر بنه نقل  
 ایلدیلر و مراد و مقصود لری چالوب چار یوب اله کتورد کلمی غنائم ایله  
 قند هار جانلر بنه عودت ایلمک مقصود ایدی و بواشاده اصفهانی اولان  
 وقایع ملالت ایشمال و جزع و فزع و سائر احوال قیامت نشان ذکر و بیان  
 محتاج اولیوب ارباب عقوله معلوم اولمغله تحریرندن کف لسان قلم  
 قلندی اغوانیان دخی بر قایح کون تنفس و راحتته محتاج اولوب اطرافه  
 پی در پی قره غوللر تعیین و ارسال و بو طر بقیله صدوری محمل قضا  
 ظهورندن بصیرت اوزن حزم و احتیاط و هر جانبده طرق موارد اعدایی  
 سد و بند و دیوار باندلر نصب و ارسال اولندی مشورت کردن اغوانیان  
 بعد الغلبه برای رجعت در کرمان و قعه کونندن برو جانب اصفهانی  
 اغواندن بر فرد بعمله کور غیوب غیری میرو رجال و اعیان و اشراف قوم  
 جمع اولوب کند و احوال لر بنی مشاؤون و مکالمه میباش اولدی لر بعضی لری  
 الد بکمز اموال غنائم ایله کرمانه عودت سعی و همت ایدلر و بوز اقلق ایله  
 وصول نزد بیر بنی کون لم بزوار مددن قلعه فتح اولدیسه فیهما و نم والا فتح

و نه پنه

و نه پنه صرف مقدور ایدلر تا کم من بعد بزه بوبله بر حصن حصین جای  
 قرار و هر حاله حصن ایدلر جک مقام استقرار اولوب قلعه به کمال استحکام  
 ویرد کد نصیره خز بنه و مهمانلری قلعه به قویوب کرکی کبی محافظلر  
 نصب و تعیین و زاد و ذ خیره کورلد کد نصیره عسکر خیزی طرف طرف  
 اقیقه کوندر مک سهولتی تحصیل ایشش اولور ز انجق طویلری کتور مک  
 ندر کز اولد غندن غیری بزله مهمان ممکن سبب کمارلق لازمه حال ایکن  
 سرعت سیر یزه پای بند بر امر خطیر اولمغله لا محاله قز لماشدر بوله عزیمتدن  
 آگاه و انجق وار قونلر بنی بازویه کتوروب بای وجه کان بر مقدار عسکر  
 ندر ایدلر برله بزه عقب کیر لر اولسه لر کر کدر دبد کله جمله اغوانیان بروای  
 و تدبیره راضیلر اولوب طقوز بیک عسکر انتخاب و صورتا اصفهانی  
 محاصره قصد نده اولد قلمر بنی اشعار ایچون اول جانبه سرعت و سائر لری  
 دخی اسباب و ائقال لر بنی دوروب دوشوروب ایلر و بر مقدار عسکر اغراق  
 ایله کیدوب بر مقدار در قفانظارت و اصفهانه کید جک طقوز بیک عسکر  
 دخی بعد الا یام رجعت و بونلره قفادار اولمق اوزن مشاؤون لر بنه نتیجه  
 ویردیلر فرستاده شدن خان هویزه برای تجسس احوال اغوانیان و بو  
 ایام ثانیه خدایه ده حوالی اصفهانی اغواندن بر فرد کور غند یغندن بعمله  
 متحیر اولدیلر اغوانلر غنمی لوب کتدی لر صاندیلر عاقبت هویزه خانی  
 عرب فارس لر بزه تجسس تعیین اولنوب بر قره کویجه ده شهر دن چقوب  
 اغوانلر سمته رو برام اولدی محل معار که یه واصل اولد قده اسباب و ائقال  
 بالجه نقل ایشش انجق طویلره وضع بد و انیموب علی حاله جنگ یرنده فاش  
 و بر مقدار اغوانیان یر لر بنی تجسس ایدلر کور دیکه اغوانلر آورد و لر ندر ایدلر



و سکونت اوزن بریره حرکتی یوق فی الحال ندارک کوروب طویلری  
 سرعت و کمال کرمیت و شتاب ابله اصفهانه نقل ایتدردی و اغوانلرک همنوف  
 آوردولرند علی حالهم قالد قلمر بنه خبر ویرنجه اغوان فرصت بولدی  
 کندولر بنه من بعد قلب قوت حاصل اولدی بزم اختلال و اختلا فز اغوانی  
 جست و جسور قلدی بوندن بولله الد قلمری اموال غنائم ابله کیر و کتمکه  
 نیت و عزیت علایمی کورغدیغندن اصفهانه تعرض قصدند اولد قلمری  
 ظاهر اولدی دیو جمله ناس و رجال و شاه متکدر اولد بلراختی اغوانک  
 کورغدی و کی سکر کونده فی الجمله ارام بولوب بر مقدار عسکر تدارک و طشره لره  
 ر قلمر کوندروب عسکرک و رود بنه مترقب و اصفهان شهر بنه مهمال ممکن  
 متانت و یرمه ده اهتمام قلمر ابدی بومقدار جه ندارک کندولر بنه  
 مقاومت و باری نفس اصفهانی حفظ و حمایه کفایت ایدر و غالباً  
 اغوانلرک دخی مطمح نظر لری جولفه و سائر حوالی اصفهان غار بنه  
 محصور اولوب بومرادلری حاصل اولد قلمر اصفهان دن ال چکوب کیر و کتمکه  
 قصد و عزیت ایدر لر فکر و ملاحظه سیله اضطرار بلری بر مقدار سکونت  
 بولش ابدی ارسال شدن مکتوب از جانب خان هویزه برای مصالحه  
 باغوانیان بوائشاده بو یوزدن ظهوری روغا اولان داهیة نک حسن  
 تدبیر ابله دفع ملاحظه سیله شاه حسین هویزه خانقانیاننه چاغروب  
 امر ابلد بکه میرمخوده کاغذ یازوب صورتاً شاهدک خبر واکاهی اولمبوب  
 هویزه خانینک کند و اختراعی و لوق اوزن مصالحه عقدنه فتح باب مصالحت  
 ابله لر یس شاهدک تنبیهی اوزن شاه و رجال کویانی خبر و هویزه خانی  
 کندی قریحه سندن اولوق اوزن میرمخوده کاغذ یازوب بر معتمد قاصد

ایله

ابله ارسال ابلدی مفهومند طر فکره بو گونه غلبه لر واقع اولدی بونک  
 نام و شانیه اکتفا ابلدوب الد بکتر اموال و اشیا ابله و لا بکتره عودت ابله سکر  
 مناسب اولوردی احتمالدرکه باد ظفر خلا فکره و زان اولوب هر بار تقدیر  
 ازل مقصود بکتره موافق ظهور ایشیه بن دخی سنی مذهب و سز کله یاک  
 اعتقاد اولد و غدن طر فکره خیر اندیشک مقتضای دیانندروب و بعیدندن  
 ناشی طر فکره نافع اولوق اوزن بر خدمت مبروره کزده بولنی در عهد  
 و الزام ابلد ر مسلماً متکدر و غده مضمر مطلوب اولغله شاهی و رجالی اغفال  
 و تغلیط ابلد رم تا کم قفا کزدن عسکر کوند ر لیمه و مصالحه اولی کوریلوب  
 موافقت ابلد بکتر صورتد قند هار اولکده سی توابع یرلر لیه سززه تابید  
 اولنور و من بعد شاهلر طرفندن تصرفنه تعرض اولنار عسکر بکتره  
 بخش ایچون طرف شاهیدن سززه بر مقدار اچیه دخی هدیه نامیه الیور ملک  
 ممکندر بویندم ابله عامل اولوب بران اول رجعت قیدند اولور سز  
 طر فزه حامل ورقه ابله نتیجه لوجواب کوندن سز بوموادده سز کله معهود  
 اوله رق حصوله کتور لیمه سنه متعهد اولورم همان بران اول ادعی رجعت  
 ایتدون سز تیر عزیمتکتر هر بار هدف مقصوده اصابت ایشیه جکی احتمالن  
 فکر و ملاحظه دن غافل اولیمه سز دیو تمهید کلام ابلدی فراغت کردن  
 اغوانیان از هوای رجعت در کرمان و عزیت ایشان بشهر اصفهان اغوان  
 عسکری دخی مقدما اتفاق ابلد کلمری صورت اوزن عودته حاضر و مهیا  
 اولش ایکن اتفاقاً قاصد ابله مکتوب چقه کلوب میرمخوده واصل اولدی  
 امر او اعیان و ارکان اغوان بریره جمع اولوب جمله نک مواجهه سنه مکتوب  
 مرقوم چهار لیه قراءت اولنوب مفهومی معلوم اولیحق مشاور ایتد بلر



مکتوب مرقوم بعض مواد بنه نسبت اکثر چه مصنع لکن حیل حربه  
احتمالاتی جهتندن عاری اولمغله همان عجم لک کمال ضعف لربنه علم خیر  
اولوب اغوان لک جانب وطن لربنه مصمم عزیمت لربنه فراغت لربنه بیاد دی ولدی  
و مشورت ایدوب بعضی لری ظاهر مکتوب ابله عمل مناسب انجق قوی  
سند لربنه و کفیل لربنه و رسو نلربنه و لکن اکثری خلافتنه ذاهب اولوب  
بو مکتوبیدن عجم لک کمال مرنبه ده خوف و ضعف اوزن اولد قلری اشکان  
اولدی عون حق ابله بوفرصت بزه ال ویردی جمله مزکیرو کیمک سودا سندن  
فارغ اولوب رایشه میاشر اولام دیوب هماندم میز محدودک میا نجیبی  
یعنی معلمی و مربیسی اولان عالمه واروب دانشد بلر اولدخی بسط کلام  
ایدوب قزلباش دولتی بر شهرت کاذب دن عبارت و کند لری دخی بالجله  
مرحمت و شفقتدن بی نصیب و مقرر صد فرصت مرتکب کذب و حیل بر قوم  
غدار اولد قلری معلوم مکر در عهد لربنه اعتماد و عین لربنه استناد ممکن  
اولیوب چونکه صالحه میل و رغبت لری وارد ر قند هار اولکه سندن مفهوم  
مکتوب لری اوزن کف بد و حضاری و بلا و ج اغوان لری برنم ابله معا بولنوب  
جنک کرده دخی موجود اولم لربله انلردن دخی بالکلیه ال چکد کد نصکره  
شاه حسین قیز بنی میر محمد و ورسون و عملکت لربنه قیز بنک جهاز بله معا هدیه  
اولسون بعد حد و دتصیب و تعیین اولنوب مایبندن بو طر بقیه برودت  
قالقوب جدال ترک اولنور و دوستنه دوست دشمننه دشمن اولمق اوزن  
شروط عقد اولنور بو جمله یراخی اولور لربنه مصالحه عقد اولسون  
دبد کله جمله اغوان مناسب کوروب هویره خانه قاصد بله قطع جواب  
یازد بلر یاز بلان جواب رجال و اعیانه معلوم اولمق مشور نلربنه ایدوب

شاهه

۵۶ شاهه عرض ایلد بلر شاه انکشت تحیری دندان تفکره قویوب وادی  
خیر نلربنه سرگردان قالدی و حالنه عطف نظر ایدوب بو بابله انلردن جواب  
استدی رجال و اعیان دخی شاهم جمله سی ممکن انجق قیز و یرمک نجبه اولور  
شاهم زرعایا سی مقوله لربنه قزین و یردو کی حاله روی زمبند موجود  
ملوک و مللی بیننده البته شایع اولوب بردخی ذن دکلو اعتبار نلربنه قالماز بویله  
بدنام اولدن جمله مزه اولمک بکدر همان عرض میا چون غیرت ایدم  
بو کونده یارنده طشیره دن عسکر یز کور اطراف شهره محکم چند قلر  
کسوب نفس اصفهانی محافظه ده اهتمام ایدم فرح اباد خلقی و رعایای  
دخی ممکن اولد قچه ایچرویه الوب خدمته قوشالم شهر مزده دخی وافر  
موجود عسکر یز وارد بر مدت کند و مزی محافظه ابله غوائی اشغال ایدوب  
ذخیره لری دو کتور بوضو رند رجعت ابله مجبور اولور لربنه اول وقتنه دخی  
اقتصاد سینه کور حرکت اولنور پس اغوان لربنه کاغذ یاز بلوب مطالب  
سایره کز سنابد که حصول پذیرا وله انجق سزستی مذهب اولد و غکزدن  
غیری عجم شاه لربنه رعایا لری مقوله لربنه بولند بغکز اجلدن قیز الملق  
و یرمک تقریبیله مصاهره برو جهله حیرت امکانده دکلردیو جواب یا س  
و یرلدی ظاهرده و باطنده بو کونه تحقیر و مزوایایی متضمن جواب  
اغوان لک معلومی اولمق غیرته کلد بلر و بونک اوزر بنه اتفاق ایلد بلر که  
بر قاج ایام دخی مکت ایدوب کونده بر قاج دفعه اصفهان اطرافتی چالوب  
چار یوب مهمال ممکن غارت ایدلر و بو کونه تضمین ابله مطلوب بلر بنی محصل  
ایدلر باری قیز و یرمز لربنه ده مواد سازه رضاکو ستروب قوی سند لربنه  
و کفیل لربنه و یرلر یا خود بو دخی اولیوب اطرافدن عسکر کله جکئی فهم  
ایلد یکمزده رجعت ایدوب تصمیم اولند و غی اوزن کرمانه عزیمت ایدوب



بورایه جمله اغوان تابع اولوب اطراف وجوانیه در حال چته لر تعین  
 ایدوب کوندردیلر میان احوال فرح آباد عجملردخی فرح آبادی تخلیه ایدوب  
 انجق دش عدطوی کونون میوب یه کومد کار بنی اغوانیان خبر اوب  
 اول جانبه دخی ادملر کوندروب تجسس قلبدیلر وفی الواقع فرح آباد نام  
 محل خارج اصفهانده قلعه مثالو متین دیوار ایله و خندق بعید القعر  
 ایله محاط دروننده حیاض و میاهی و باغچه و باغاتی جنت مثال انواع  
 اشجار و ازهار ایله رونق عاقص و و بیوت کونا کون ایله وسعت پیدارم  
 ذات العباد بر سر ای بی همتا اید و کن اغوانیان مشاهد اید جک غازیان  
 و مجاهدانه موعود اولان جنت فردوس یه نزول ایدوب کوندولر بنه  
 عجمیل اجر جزیل قلنش صاندیلر پس اداخلوها امنین ابی مفهومیله  
 عملد سرعت و شتاب ایدوب جیفه مزخرفانیله ملوس اوردولرندن  
 قالقوب فی الحال سرایه نقل ایتدیلر بوجه اوزن اغوان عسکری فرح  
 آباد سراینه قونوب دیوارلر بنه متانت و خندقلرینه توسیعه و یروب  
 برقات دخی قلب قوت بولدیلر و درون و بیرون سرایه عسکر قویوب  
 بر شکل اخره کیردیلر و مهمال ممکن زاد و ذخیره ندر کی فکر نده اولدیلر میان  
 احوال جولفه جولفه اصفهانک محله سی مثابه سند بر و اصع شهر مقداری  
 ازمنیلر محله سی اولوب ماینتی فصل ایدن نهر زنده رود در اغوانلرک فرح  
 آباد سراینه کیروب کوندولر بنه استحکام و یرمک قیدنده اولدیلر بنی  
 عجملر کوردکده جولفه یه فرمانلر کوند و روب بالجه ارمیلر سلا حلوب  
 اصفهانده شاه سراینی محافظه یه کاسونلر دیو قتمیه ایتدیلر زیر اقلر لباس  
 قوللری بو کجه جولفه اطرافنده اغوانلره قارشو مترس المغه مامور  
 المشر درو بوجه اوزن جنکه شروع و مشاشرت اید جکار در

۵۷  
 مباشرت اید جکار در بنی چان ارمیلر کال انقیاد ایله عجم حبله سنه  
 الدانوب کوند و درلرینه درمان فکرندن غفات ایله جمله سی ساحل انوب  
 اصفهانده کتدیلر و شاهک سراینی محافظه عزیمتده اولدیلر عجم غدارلری  
 بیجانلرک سلج و بساطلر بنی یگ پان اوب تعی دست جولفه یه کوندردیلر  
 و قزلباشلردخی جولفه محافظه سنه وارمدیلر و چونکه تقدیر ازل بوبله  
 بر قوم بی رحم و غدارک جزالری ترتیبنه تعلق ایلش ایدی هر ند بیرونلر کاری  
 لا محاله خلاف صواب واقع اولوردی بودفعه دخی جولفه دن بر قاج بیگ  
 مسلح عسکر حاضر ایدوب و عیاللری غیرتیه اولجه جنک ایتدردوب  
 کوندولرینه تقویه و یرمک ممکن ایکن اغوانه عسکر اولمیه لردیو ساحلر بنی  
 الدقلرندن صکره مشورتلری بو کاهنجر اولدی که اغوانلر البته جولفه یی  
 اوب ضبط ایدرلر و ز صاحب چقیوب دفع قیدنده اولمیه لمز پر جولفه  
 ارمیلر ندمال و جوهر و امتعه ذی قیمت بی حد و بی حسابدر اغوانلر کرکی  
 کی غنیمت اوب طویوم اولورلر و اندن صکره طور میوب کیر و کیدرلر  
 نرم دخی بوار القدر طشره دن عسکر یز کلوب تعقب ایدرلر و زوج جمع ماللری  
 اللرندن الورز عسکر یز کلدوکی صورنده بر مقدار مال دخی بزور روز  
 بو تقدیرده جمله سی غنی اولوب ارزوی وطن درونلرینه دوشوب کتد و  
 کوندولرینه چقوب کیدرلر صاندیلر اغوانلر ایسه همان اول کجه جولفه یی  
 یوریش ایتدیلر لکن شهر مز بورده ارامنه طایفه سی غایت ایله کثرت  
 اوزن بولمغله اهل و عیال و اموال وارز اقلری غیرتیه شهری محافظه ایتدیلر  
 و شاهه فریادچی کوندروب امداد طلب ایتدیلر صورتا کرچه عجملر  
 امداد و عید ایلدیلر لکن نه امداد ایتدیلر و نه ساحلر بنی ویردیلر عاقبت



نالیدار اولوب قزلباشلرک دخی کند ولرینه سوء قصدینی کوروب جولفه بی  
 اغوانه خوانا خواه تسلیم ایلله مجبور اولدیلر اغوانلر جولفه بی ضبط  
 ایلد کاری کی ارمیلردن اللی نفر دونشش ملبس و مزین قیز اوغلان  
 قیز و عسکره بخش ایچون بیشش بیک تومان اچقه طلب ایلدیلر و اغوانلرک  
 بو گونه مطالبه لر بنی دفع و تعدیل و تسهیل بر درلو حد امکانده اولمیوب  
 چار و ناجار قیزلری ندرک و الیسه فخره الیاس و بولد قلری درو جوهر  
 ایلله تریین والدرندن طوتوب میر محودک دازه سنه کوتوروب تسلیم  
 ایتدیلر انجق تمشربیک تومان اچقه بی جمع ایدوب ویرمک امر مشکل اولغله  
 پیر و اختیار و باش بو غلری بریره جمع اولوب مشورت ایلدیلر غیرت  
 ایدوب جمع و تحصیل و اغوانه بو نجه مبلغی تسلیم ایلدیکمز صورته شاید  
 که اغوان بودیارده پایدار اولمیوب کرها و یا طوعا چقوب کتدی کی نقدی رده  
 مال مزایع اولدوغندن غیر قزلباش بزه جور و ستم و نچون ویردیکز  
 دیو اعداب و تعجز ایللری امر مقرر اولوب پس انفاقیلله جواب و مال مز  
 اصفهانده اولوب بو حالده جمع و تحصیل بر طریقیله حد امکانده اولمیوب  
 شهر اصفهانده ظفر یاب اولدوغکز حالده بالتمام ادا ایلدیز دیو هزار نیاق  
 و تضرع برله تسلیم ویردیلر مباشرت اغوانیان بمحاصره اصفهان از جانب  
 جولفه ایرته سی کون اغوانلر ارمیلردن اغنیا اولانلرک اولرینه کیمروب  
 اموال و ارزاق و افره لرینی غارت ایتدیلر و لکن فقرا اولرینه و کلکسارینه  
 تعرض ایتمیوب بر فردی دخی قتل ایلدیلر چون یوم ایتیه ده نوروز  
 ظفر اثر و سعادت رهبر مقرر اولدی همان اولیوم فیروزده جولفه  
 جانبدن اصفهان محاصره سنه مباشرت ایتدیلر مایه ندر زنده رود

واقع

۵۸ واقع اولغله کجک ممکن اولمیوب دوه لر بله زنبق تعبیر اولنور طویلری  
 کتوروب قارشو قارشو جنگ ایتدیلر بر نجه ایام عجم و اغوان پیننده واقع  
 اولان جنگ همان صبیانک لعینه مشابه بی مال بر قوری هنکامه ایدی  
 طوب و توفنک احیا نالوب ادم قتل اولنق نادر اولور دی و اصفهانی  
 محاصره ده عاجزلر اولوب انجق سرای فرخ آباددن جولفه یه کلغه  
 احاطه ایلشلر ایدی انهم اغوانیان در هجوم مجسر شیراز بو حال اوزن  
 ایکن بر کون اغوانلر شیراز جسرینی اخذ و ضبط ایچون یوریش ایلدیلر  
 قزلباشلردن چوق عسکر کلوب اغوانلرک دفعنه کال کر میت ایلله کوشش  
 قلدیله ضبط جسر و ظفر مپسر اولمیوب اغوانلردن وافر کسنه قتل  
 اولندقه باقیلری رجعت ایلدیلر اند نصکره اغوانلر جنگدن چکلوب  
 ایکی طرف بر مقدار استراحت ایلدیلر بر قایچ ایام آرام ویردیکه بر کون  
 اغوان بلوک بلوک اولوب جسرلرک ضبطنه مباشرت ایتدیلر الینه کیمی  
 تحته پارچه سن و کی قیو قنادن و کی پنجره لر قیماغن الوب سیرلنهرق  
 جسر شیرازی قبضه تصرفه کتوروب صودن دخی کچمکه باشلدیلر انجق  
 جسر مرقومک محافظه سیچون اون ایکی عدد طوب ندرک اولنش و اصلی  
 فرا نجه لو بر استاد طویلیلری دخی بو لغله اغوانلرک زخام اوزن  
 یوریشلرینی کوردیکه طویلیلری صاچمه و طاش پارچه لر بله طویلدروب  
 اغوانلر زخامی یقلشدیغی برله یک قتلدن اتش ایدوب اغوانلرک اکثری  
 تلف اولدیلر و باقیلری دخی جنگدن روگردان اولوب فرخ اباده متوجه  
 اولدیلر عجم طرفنده خادم اغالردن احمد اغانا منده بر شجیع و جسور و دلیر  
 و دلاور کسنه کندویه متعین عسکر بله جسر مرقومک محافظه سی



خدمت منته ما مور او لمش ابدی اغای مرقوم کمال شدت و کرمیت ابله اغوانلره  
 عقبه کیر اولوب عین زمان کورماش بر جنگ ایتدیلر اغوانلر بود فعه  
 مغلوب اولوب چوق کز به کسینه لری تلف اولدی و حاللری اول کونده  
 بر مرتبه ده دیکر کون اولمش ابد بکه اگر خادم احد اغایه امداد ایدر بر مقدار  
 عجم عسکری بولمیدی کلنا باد معار که سی انتقامینی عجملر بلا شبهه بکون  
 اغوانلردن الملق امکانی حاصل اولمش ابدی زیر اغوانلره بکون تلف نفوس  
 ابله انهم بر محله واقع اولماش ابدی اغای مرقوم دخی عجمک کیزودن  
 امدادی ظهورندن مایوس اولمقینه دونوب جسرک محافظه سند ثابت  
 قدم اولدی و غبت کردن اغوانیان بامر مصالحه با عجمیان اغوانلرک ایشه  
 بالو باشلور امور دبه لری میر محمود کلوب مشاؤون ایتدیلر و کلنا بادده  
 صاحبه رغبت ایتد کلرینه نادملر اولوب چوق تا سف ایتدیلر عسکرک  
 کز به سی ضایع اولوب حیوانلر یز لاغر اولد قله قزلباشلره طشره دن  
 قوی امداد کلوب بزه مضایقه و یرد کلر نه حالز مشکل اولور همان بر  
 طریق قیله مصالحه تد بیرین کون لم دیدیلر و هماندم جولفه شهری  
 ارمیلرینک بالو باشلورینی چاغروب دیدیلر که قزلباشلره وارک اگر  
 بزم ابله صلح ابلک مراد ایدر لر سه کلنا بادده نصیم اولندوغی اوزن خلقمزی  
 ارضا ایدر زو سزدخی تقاضا زدن قورنلش اولور سز ایمان اومنیان دخی  
 پینلر نه مشورت ایدوب صاحبه توسطی معقول کورمیدیلر و بکونه  
 احتمالات و یردیلر که بزین السیفین قالمش بر قوم ایز توسطن ابله صلح عقد  
 اولندیغی برله تمسکمز موجبه یتش بیک تومان اچیهی اغوانلر لا محاله  
 طلب ایدوب بزدن الماری مقرر در و سز اغوانلر ابله برلک اولدو کز دیو

قزلباشلر

قزلباشلر دخی اصفهانده اولان مالزی الدقلرندن غیری اغوان چکلوب  
 کیتدیگی کبی نجه نجه بهانه لر ابله بزی نجه زور نجیده ایدر جکلی محقدو  
 بزه مناسب اولان ارالینه قارشمیوب مقید اولما مقدر هر نه حاللری  
 وار ایشه کندولری کورسونلر بزه اهون الشریین بو اولمق کرکدر واکر  
 قزلباشلره امداد یتشوب اغوانی دفع ایدر لر سه بزه انلر ابله معا اغوانلری  
 تعقب ایدر زو بتقر ببله خدمتده بولنسک احتمالدر که عجملر من بعد  
 رنجیده ایتیموب مالزی و یره لر و اغوانلره و یره جغمز یتش بیک تومان  
 دخی یاغزه قالمش اوور همان مساحه برله بو خصوصی تعویق ایدر لم دیو  
 اتفاق ایتدیلر رسیدن پیام از جانب خان هویزه باغوانیان و فراغت کردن  
 ایشان از رغبت مصالحه اغوانلر بو ائاده خوف و اضطرابه دوشوب  
 نه یوزدن حرکت ایدر جکلی بلیوب اشد اختلال و اختلاف ابله عظیم  
 پریشان الحال اولمشلر ابدی قضا و قدر اول کجه هویزه خاندن خفیه  
 ادم کلوب بو کونه خبر کتورد بکه کونیم سزی ایش کورک و بردو لو فکر  
 و اندیشه اوزن اولمیوک بن دخی سزدخم انشا الله تعالی عن قریب مراد بکر  
 حاصل اولور و اصفهان نه حالده ونه کیفیتده ایدوکنه و فتح و تسخیری نه  
 طریق قیله مبدردرد یونقیرو قطمیر خبر کوندرمکله کویا اغوانیان هاتف  
 غایبدن مرده سلامت صداسی کلدی و هویزه خانینک بو کونه وضعنه  
 باعث بو اولمش اید بکه کندوسی سنی مذهب اولوب اگر چه خدمتده  
 شاهه خلوص اوزن ابدی لکن سارر جالدن نجه موادده منکسر خاطر  
 اولوب اعتماد الدوله فتح علی خانک موادده سنی مذهب درد یو بو نه مت  
 ابله قزلباشلر کوزلرینی جقارند کلری خطیره سی درونده جای کیر اولمش



ابدی و خان مر قومه شاه خزینه سندن اختلال بهانه سیله بهر یوم الی  
 قومن اچیه ویر بلور ایکن و طشره دن امداد لری دخی کلور دیو امید لری  
 غالب اولمغله صاحبه راضی دکل ابدی ندارك شدن ذخایر از جانب اغوانیان  
 برای محاصره پس اغوانلر هویزه خاتندن بوسه کونه خبر ابله عجملرک  
 احوالنه و قوف تام حاصل و صلح و یاغیری طریقیله رجعت وعود نلرنده  
 دخی معصوبت عظیمه فکر و ملاحظه ابلد کلرنده ینه قیام و ثباته قرار ویرد بلر  
 واپکی ای مروینه دکن قطعایوریش و هجوم یوللو حرکت ابله تلف نفوس  
 ایتیموب کندولرینی تعابه جواز ویرمد بلر انحق کندولرینه متانت و یروب  
 اصفهانه قار شو بو حال اوزن طور و ب اطراف محافظه دن خالی اولد بلر  
 و طرفیندن مصاحت ملاحظه سیله ادملر کلوب کیمدوب شاه دخی  
 طشره دن امداد کلور امید بلر رفیق و ملائمت اوزن معامله برله اغوانلری  
 اغفال و تعویق و تأخیر سمته ذاهب اولمش ابدی اغوانلر دخی بواپکی ای  
 ایچنده اطراف واکنافه چته لر کوندروب بی حد زاد و ذخیره جمع وندارک  
 ابلد بلر و جوارلرنده نجه نجه بلا دو قری بی کرها و طوعافت و نه خیر ابدوب  
 قبضه تصرفه کتورد بلر ارسال شدن خان هویزه از جانب شاه برای  
 مصالحه باغوانیان شاه امداد انتظارنده ایکن بو قدر زمانده ظهور ایتیموب  
 و اغوانلر دخی ایام خالیه ده ندارک مالزم ابله کون بکون قوت بولد قلمرین  
 فهم و ادراک ابدوب الصلح خیر دیوب مکالمه سی ایچون هویزه خانینی  
 اغوانلره کوندردی چون امر مصالحه خان مر قومک دروتند منفوری  
 ابدی بو تقریبه اغوانه واروب کندویه مخصوص امورینه تشبیت  
 و یروب اغوانلر ابله دوستلق و اشنالق پیدا ابلدی امر مصالحه یه صرف

۶۰ مقد و ایتیموب تعلیل و بهانه ابله تعویق و شاهه صعوبتلر کو ستردی  
 هجوم اغوانیان بحسراب سباباد و مباشرت ایشان در محاصره تمامی شهر  
 اصفهان اوچنجی ای دخول ابلدوکی برله ینه جنکه مباشرت اولنوب  
 اغوانلر بروقت سحرده علی الغفله اب سباباد جسرنه یوریش ابدوب  
 ضبط ابلد بلر جسرك محافظه سنه ما مور کورچی عسکرینی یک پان هلاک  
 ابدوب اصفهان جانبنه عسکر کچورد بلر شهرک جواب اربعه سنی  
 محاصره ابدوب طرق و مواردی محکم سد و بند ابلد بلر احوال امدن  
 عسکر عجم برای امداد اصفهان وانهزام قرن داش علی مردان اغوانلرک  
 شهر اصفهانی بو طرز اوزن محاصره ابلد کاری خبر موخش اطراف واکنافه  
 شایع اولیحق بالجمله قزلباش قومنک درونلرنده خوف وهراس ودهشت  
 و وحشت جابگیر اولدی جسراب سباباد ضبط اولند قد نصیره اطراف  
 مملکتدن اصفهان امداد ینه جمع و عزیت ابدن باش سز بوغ سز قزلباش  
 عسکری اوزن اپکی دفعه جنک ابدوب اکثر یا منهزم اولوب اغوانلر  
 غالب اولمشلر ابدی و بو معار که کرده جمله دن زیاده اغوانلر ابله جنکه  
 اقدام ابدن علی مردان خاتک قرن داشی ابد بکه ندارک اولنان ذخیره ابله  
 اصفهانه کیرمک مراد ایش ابدی زیراعلی مردان خان سائر لر ایچنده  
 امور دبد ککار از موده برمد بر خان اولمغله وافر ذخیره ندارک  
 و بشیریک قزلباش عسکرین جمع ابدوب ایوجه ندارک ابله اصفهانه  
 امداد مراد ابدوب ندارک اولنان ذخیره و عسکری بر محله قویوب  
 اوزلرینه کوجک قرن داشی سردار نصب و تعیین و کندوسی بر مقدار  
 عسکر دخی کتور و ب قرن داشینه کلوب ملاقی اولق اوزن بر جانبه کش



ابدی سردار مرقومه اغوانلر اصفهانك فلان جانبی هنوز محاصره ابله  
 احاطه ابله بلر اول جانب اچقدر واول طرفه اغوانلر ك نظر واهتمای  
 بوقدر سهوات ابله شهره وصول و دخول نمکند دیو بعض اعتماد  
 ناشایسته خبر لرك كذبہ احتمالن ویرمیوب سرعت و مبارزت و علی  
 مردان خالك عسکر بله قدوم و ورودینه توقف ایتیموب یاننده موجود  
 بش بیک عسکر و وافر مهمات و ذخایر ابله اصفهان و وصوله عزم راه ابلش  
 ابدی اغوانیان ایسه خبر الدقلری بله قارشو چوقوب عظیم جنگ ایتد بلر  
 عجملر منهزم اولوب اکثری مقتول و سردار لری کوجیه فرار ابلدی  
 و بونجه زاد و ذخیره اغوان النده قالدی علی مردان خان و قعه بی خبر  
 ایحق کندویه دخی یاس کلوب اصفهان و عزیمتدن فراغت ابلدی  
 و اصفهان خلقینك دخی امید لری ایحق علی مردانك و قرنده اشنك قدومنه  
 منحصر اولمش ایکن انلرك دخی حالی بویوزدن اولد و غنه خبر ایحق جمله  
 محزون و متحیر اولد بلر محاربه اهلای بن اصفهان باغوانیان و اخذ ذخیره  
 از دست ایشان اغوانلر دخی عجم عسکرینی بوزوب زاد و ذخیره و مهماتی  
 اخذ و قبض و آوردولرینه نقل ابلك مراد ایدوب بو خصوصك تشبثی  
 ایچون بر مقدار اغوان تعیین و انلر ابله ارسال ایدوب باقیلری خدمت  
 مأمون لرینه کتد بلر مکر اصفهان دن بر ساعت مقداری محمد بن اصفهان  
 تعبیر اولنور ابدار و هوادار و صاحبه الاشجار بر بلده معمون اولوب  
 اطراف و کنافدن بلاد و قری خلقی اول قصبه ده جمع اولوب و اطرافنی  
 چند قلر ابله احاطه ایدوب کندولرینه کرکی کبی استحکام ویرمشلر ابدی  
 اغوانلر الدقلری غنیمی آوردولرینه نقل ایدرکن اثنای رهنه قصبه

مزبور ده

۶۱ مزبور ده مجمع قزلباش خلقی کمال کثرت اوزن اغوانلره قارشو چوقوب  
 بالجملة زاد و ذخیره و مهماتی اغوانلر الندن الوب بن اصفهان و نقل  
 ایتد ریلر و اغواندن چوق کسنه لری اخذ و قتل ایتدیلر انهمام میرمچود  
 در جنگ باهالی قصبه بن اصفهان میرمچود بو خبری اشدی عجمك عظیم الم  
 و کدر و تهویر ابله اغواندن وافر عسکر سچوب ککند و بنفسه قصبه  
 مزبور ده تحصین ایدر قزلباش اوزرینه کیتدی لکن محل مزبور ده  
 قزلباشلرك کثرتی اولوب کمال شدت و کرمیت اوزن جنگه قیام و اقدام  
 ایتد بلر عاقبت ظفر و غلبه میسر اولمیوب میرمچودك عسکر مغلوب  
 اولیحق وینه اغوانلر دن چوق کسنه قتل اولنوب بچه لری دخی قزلباشلره  
 اسیرد و شدی میرمچود بو وقعه دن غایت ابله مغموم و متکدر اولدی  
 یا خصوص که اقر با و تعلقاتندن بر قاج نفر کسنه یاننده موجود بولنوب  
 بو جنگه قزلباشلره اسیر اولمشیدی بیان سبب قتل و اسایصال اسارای  
 قزلباش و عهد میثاق در میان اغوانیان برای اخذ انتقام پس میرمچود  
 عجماله اصفهان ایلچی کوندروب شاه حسیننه بو گونه خبر کوندرد بکه شاه  
 حسین کند و جانبندن بن اصفهان ادم و رقم کوندروب قصبه مزبور ده  
 مجمع قزلباشلر زینههار و زینههار اغواندن اخذ ایلد کاری اسرانی قتل ایلیمه لر  
 و نچیز ورنجه ایتیموب خوش طوته لر تا که اغوان دخی اکامکافات ابله  
 قزلباش اسیر لرینه معامله ایدلر فی الواقع شاه حسین وجه محرر اوزن  
 رقم یازوب و مهماندار باشی میرزارا قیام معتمدینی بو تنبیهی ابله کوندروب  
 و بر قاج اغوان دخی معاکیدوب بن اصفهان و اصل اولد قلرند کورد بلر که  
 قزلباش بد نهاد اغواندن دست راسی اولان اسرادن بر فردی صاغ



قوم محبوب جمله سنی صلب ابلش و صلب اولنانلرك وجود لرنده صانع ير  
 قالمیوب كاپدن ابله قوپاروب يل مو ملری ابله یا قش یا ندر مش و بونلرك  
 ایچده میر محودك كوچك قرندا شی و عیسی اوغلی و خاله سی اوغلی  
 واغواندن نجه نجه بلا و باشلور بولنوب جمله سی قزلباش او باش الندن  
 بو كونه سكهجه ابله كرفتار نجه شیر اجل اولد قلی رینی اغوان کور یجك  
 فی الحال رجعت و اور دولینه واروب میر محوده و صغیر و کبیر جمله اغوان  
 طایفه سنه بواحوالی اشاعت ایدوب بوفعل شنیعك و خبر مو حشك  
 صیت و صداسی دل دریا انتقام اغوانیانی جوش و خروش و کتوروب  
 بریزه جمع اولد بلر نلر دخی اللرنده اولان قزلباش اسیرلرینی جمله قتل و من بعد  
 صلح و صلاح لفظی دخی بر فرد لسانه المیوب اغواندن بر فرد صاغ قانجه  
 اخذ انتقامه جان و پاشیه بدل مقدور ایدو چكیرینه جمله سی متعهد  
 و مصحف شریفی اورتیه کتوروب متفق الدرون جمله سی ال اوروب ایمان  
 غلیظ ابله عهد و امانلر ایدوب بونیت و عزیمتلرنده قیام و ثباتی تا کید  
 و تاید ایتد بلر و من بعد عهد و امانلرینه موافق انتقامه جان حقیله  
 سعی و کوشش ایتد بلر و اللرنده موجود قزلباش اسیرلرینی صغیر و کبیر  
 فقیر و غنی خان و رعایا علی و ادنی دیموب قزلباشلرك کوزلرینه قارشو  
 جمله سن صلب ایتد بلر و بوحالی اذعان ایدن مسلم و نصارا و یهود و نجوس  
 جمله سی يك لسان علیهم ما يستحقون دید بلر استمداد شاه عجم از جانب  
 وختان خان والی کورجستان چون کلبا باد انهرامی اثناسنده علی مردان  
 خان اصفهانه فی المیوب امداد ایچون عسکر تحریر و ندر اکنه کشش ایدی  
 و ندر ارك ایلد و کی بش پيك عسکر و ذخیره و مهمات بالاده ذکر اولد و غنی

اوزن دست رس اغوانیان اولوب كوچك قرندا شیهه عسکر منهزم  
 اولدی بو خبر مو حشدن سائر عجماره دخی نفرت و وحشت كلوب  
 علی مردان یا تده بولنان بر مقدار عسکر دخی پراکنده اولمغه یوز طو توب  
 اصفهانه امداد من بعد ممکن اولد و غنی بلوب کند و محافظه سی ندر اکنه  
 اولدی و اصفهان خلقي دخی علی مردان و سائر امداد و اعانت ما مول  
 ایتد کیری کسنه لردن ما یوس و ایچق کورجستاندن غیری بر در لوا میدلری  
 قالمدی چون مقدم شاه حسین و ختان خانه عظیم اعتدار ابله دعوت  
 نامه یازوب هدیة بهیه لر کوندروب اغوان النده مقتول اولان  
 خسرو خانك انتقامن الملق غیرتیه ترغیب ایدوب بو تقریبه استمداد  
 و اصفهانه کلمه سن مراد ابلش ایدی بواثناده و ختانه فرستاده قلنان  
 بیك نامه و رکوب و ختان خان مقدمه ایلد و کی یمینده ثابت قدم و من  
 بعد عزم اولد قچه عجم متاهلرینك دشمنلرینه عهدم اولسون قلی حکیم  
 قولنده راسخ الدم اولد و غنی جواب یاس دخی كلوب باب امید امداد  
 بالکلیه منسد اولدی احوال شهزاده طهما سب بوندن صکره یینه  
 مشاؤون ایدوب طهما سبی برطر بقیله اصفهانندن طشره کوندر ملك  
 ند بیرین ایلد بلراون اپکی دفعه امداد یزه عزیمت ایدن عسکر ك انهرامنه  
 باعث مجرد باش بو غلری اولد و غید و شهزاده مرقوم بیرون اصفهانده  
 بوانسه البته خلق اشدوب کوروب یا تده جمع اولور لر و عسکر کثیر اولوب  
 زاد و ذخیره ندر ارك ایدوب اصفهانه کوندر مکه غیرت ایدر و یزه دخی  
 کلیملو عسکر بله كلوب امداد و اعانت ایدر دیو مشورتلرینه نتیجه  
 و یرد کارنده سکر یوز کزیده چنکچی قجر عسکر بله بر شپ تارده غیرت



ایدوب میان اغواندن چوب سلامت بولدی و اگر چه اطراف و کنافه  
 نك و یو عسکر جمع اهتمانده اولدی لکن خلق چندان میل و رغبت  
 ایتیموب عسکر یازمیلدیلر زیر ابوندن اول امداده کتمک مراد ایدن خانلره  
 کرمان شاهان اورستان و شیراز و بونلرک جوارنده اولان خلق بردفعه  
 عسکر یاز بلوب بوزلشلر ایدی بعد طوائف اکراد بکلرینه مراجعت  
 ایلدیلر انلر دخی بز دولت علیه عثمانیه حدودی جوارنده ساکن اولوب  
 کند ویرلری هر حاله محافظه یه محتاج ایزوبله اختلال اثناسنده حرکت  
 اید جک اولور سق عثمانلویه تابع اکراد و سائر ملل مختلفه مترصد  
 فرصت اولوب در حال ولایتی غارت ایللمری مقرر در دیو جواب ویردیلر  
 و شروان حواله بسنده اولان قزلباش خلقی دخی طوائف از کیمان ابله  
 مشغول الحال اولوب انلر دخی پابند غائبه اولملر بله نه اصفهان امداد  
 ونه طهماسبه عسکر اولدیلر بعد طهماسب قزوینه کلوب او توز بیک  
 مقداری در نئی عسکر پید ایلدی و اصفهان امدادینه کتمک سوداسنده  
 اولدی نه یوزدن حرکت اولمور و نه ندرک ونه صورت و طریق ابله  
 کتملور در دیو مقر بلری اولان رجالله مشورت ایلدی چون عجم خلقی  
 بونجه زماندن بروروز کارنا همواردن زده نتمش تعب اختلال و اختلاف  
 احوال ابله پریشان الاحوال اولمش و شداید حرب قتال دن کندولرینه  
 نفرت و دهشت کش ایدی با خصوص که شهر اصفهانک احوال دیکر کونی  
 قیابندهم شیوع بولمش ایدی اول کرداب بلادن اجتناب و اول مهلمکه  
 هطماندن محاشی ضمیر لرند مکتموم ایدی بناء علی هذا طهماسبی دخی اول  
 طریق بر تعبیه عزیمتدن و اول بادیه شوم دان تو جهدن منع و تحویل ایلک  
 قصد ابله

۶۳ قصد ابله تعویق و تاخیر مراد ایتدیلر شاه عجله ابله کند و عسکر یزه  
 برخو شجه نظام ویره لم زاد و ذخیره و مهماتری کرکی کبی کون لم و بر مقدار  
 عسکر دخی جمع ایدوب ندرک تام ابله وان لم ما مولد رک نجه مدت  
 مرورینه دکن شهر اصفهان اغوانک دست رساری اولیماز از قضا اولدوغی  
 صورنده دخی اغوان طائفه سی نهب و غارتدن صکره طور میوب  
 عودت ایلک مقرر در بز دخی عسکر کثیر ابله عقبگیر لری اولور ز و اموال  
 و اشیمالری اللرندن سهولت ابله الور ز دیوب طهماسبی اغفال ایتدیلر  
 و بر قاج کوندن صکره یه مراد لرینه و سوء قصد لرینه تمسبت و تقویه  
 و یرمک ایچون شاهم بو عسکر و افره ابله اصفهان اوزرینه واردیکم زده  
 غالب احتمال بودر که اغوانی دفع ایدرز و اغوان دفع اولدوغی برله یه  
 شاه شاه اولوب رجالی رجال اولور سزی دخی میرزا سلیمان و میرزا  
 صفی کبی حبس ایدر لر دیوب طهماسبی بو گونه اغوا ابله مقصودندن  
 فراغت ایتدر دیلر احوال میرزا سلیمان و میرزا صفی ایام محاصره امتداد  
 و شدت داهیه عجمیان اشد ایدوب شاه حسینک معتادی دولخانه  
 اولان سرای شاهیدن طشره چقمیوب و نظارت احوال عسکر و ناسه  
 اقتداری منعدم اولوب رجالد دخی کیدرک نافذ الحکم مسیموع الکلام  
 صاحب ند بیر عدامه یوز طوطغله بر کون جمله عجم اتفاق ایدوب شهزاده  
 میرزا سلیمانی شاه حسیننه وکیل و قائم مقام اولق اوزن تخته چقاردیلر  
 شهزاده مرقوم مقتضای حال و وقته کون کینه قهر ابله و کینه لطف ابله  
 معامله ایدوب روز شب سعی و اهتمام ابله عسکره و خلقه حبلی نظام  
 بولدرمش بکن اون کون حکومتندن صکره غدار و ظالمدر و شاه حسین



تختنندن اندیروب کوزلینه میل حکمک سودا سینه دوشمشدر دیو  
خلق تجمع ایدوب عزل و حبس ویرنه شهزاده میرزا صفی بی تخته چقاروب  
شاهه ولی عهد نصب و زمام حکومتی بد تصرفنه نفویض ایتدیلر میرزا  
مرقوم برای مقداری وکالت ایدوب حکومته مستعد صاحب ذات  
اولغله اگرچه نظام احوال عسکر و ناسه جدا و فی ایلدی لکن طبایع  
افراد عجم بالکلیه متغیر و اصلاح پذیر اولمقدن دور و بعید سقیم المزاج  
اولدوغن مشاهده ایدوب بر مقتضای قضای ازل عجمه عارض اولان  
ادرده دوام پسر اولدوغن قهم وادراک ایدیجک ولم بصلح العطار ما افساه  
الدهر دیوب کندوسن حکومتدن عزل ایلدی عجم رجالی انی دخی حبس  
ایدوبینه حکومت شاه حسینه قار داده اولدی ناهل کردن  
طهماسب در شهر قزوین بتخریک رجال بدنهادش ازین جانبینه  
طهماسبی مقر بلری تعویق و تغلیط و صغری و کبری دن عبارت  
قضایای کاذبه ابله اغفال ایچون شاهم اصفهان النازدن اول واروب  
مخلیص ابلهک شاه شاه اولور رجالینه رجال اولور اندوغی کی واروب  
بر تخت و تاجی اغوان النندن اله لم تا کم بالجمله عجم نرم ازاد کرده مزاوله  
بوصورنده سن تحت شاهیده برقرار اولوب سنگله معامک کشلرک  
سکا رجال اوله دیوب بو کونه کلمات فساد امیز لر بله طهماسبی اغفال  
واغراردن غیری عاقبت اولمک سودا سینه دخی دوشوردیلر و خانلردن  
برینک قیزینه فی الحال نامزاد اولوب قزوینده سورندارکن کوردیلر ونجه  
ایام دونما و شنلکلر ایدوب سرور و شادمانی اظهار ایتدیلر اتفاقا ز فاقی  
کیجه سی اصفهانک اغوانه تسایم اولندیغی خبر بله سور و شنلکلرینی  
ایچامه رسیده قلدر اصفهانلو طهماسبک احوالین خبر ایچق مر قومی

طشیره

طشیره کوندروب بقر عسکرینی یاتنه تعیین ایلد کارینه نادم اولدیلر  
واوانمک قیدینه دوشوب امداد لری اهنامنده اولدوغن ادراک ایلد کلرنده  
اصفهاندن طشیره فرار سودا سینه اولدیلر و یوماغیوما قحط غلبه  
ایدوب جنکه اقتدار لری قالمیوب علنا اصفهاندن چقوب کیدر لردی  
اغوانلر دخی اعماض العین ایدوب چندان ممانعت ایتمز لردی فی الواقع  
طهماسب اصفهانده بولنسه اوراق دفتر انسال و انساب شاهان انکله  
دور بلوب عرق خاندان صفوییه اندک منقطع اولوردی و بو تقدیرده  
عجملر میر مجوده بیعت ایلک امر مقرر ایدی ز بل در بیان وقایع غریبه دو  
اصفهان از شدت محاصره و تجمع و مراجعت کردن ناس بدولت خانه امر  
محاصره تمتد اولیجق قحط غلا و سائر کمالات مضایقه سیله و هر جانبدن  
شد ایدود واهی پیایی ظهور بله اهالی اصفهان حیز تعبیر دن بیرون  
حال پریشانه کرفتار اولوب شاشوب قالدیلر شاهلری اولان شاه  
حسین ایام محاصره ده پدی ای ایچنده سرای شاهی اولان دولت  
خانه دن برکز طشیره چقمدی برکون عجمک صغیر و کبیری جمع اولوب  
برکروه عظیم شاهک سراینه واردیلر سرای میداتنده اهناملری عیوقه  
چقوب جاغر شدیلر شاه فریاد و فغانلرینه تحمل ایدوب میوب طشیره  
چقدی قوللرم مراد و مقصود بکزدن دیو خطاب ایلد کده جمله سی  
صوت بلند ابله شاهم شدت قحطدن بونجه بیک نفوس بشر و غیرینک  
ئلف اولدوغندن خیر بکزو بونجه قوللر بکزدیلر یادن هر روز شب  
خاک مذلتده غلطان اولد قارینه اکاهکر وارمیدر شاهمک دبدار نه  
اشتیاق غایتیه ایشوب قوللری شاهک حالندن بی خبر شاه دخی



قوللرينك دېكركون احوالندن كا. دكل شاهم بوند نصكره ايش ايشدن  
 چكدي غيري درديزه دوا قالميوپ همان غيرت ايدوب سر ايدن چقه سز  
 و قوللرك اراسنه كلوب جمله مزه قلب اولوب يك دل و درون صغير و كميريز  
 اغوانه هجوم ايدن زير فرديز حيانده اولد چقه جان و باشيلا جنك ايدن  
 اجلقندن قرقلقدن بوضورنه شمشير اعدادن جمله مزه اولمك اولي دور  
 ديو جوق اغلشد بلر شاه حسين دفع قيدنده اولوب نوازش خاطرلرينه  
 مهما امكن رعايت ايلدي بود دفعه اموري هويزه خانه حواله ايدوب  
 انك ياتنه كيدوب معيتله اغوانه هجوم نديريني انك راي واهنما منه  
 سپارش ايلدي و هويزه خاني وكيل مطلق ايدوب على الاستقلال  
جمله يه سردار نصب و تعين ايلكله دفع مجلس ايلدي مراجعت كردن  
 ناس. بجانب خان هويزه بوند نصكره جمله قزلباشلار هويزه خاننك  
 ياتنه واروب غلوايتد بلر شاهك تنبيه اوزن زه سردار اولوب پيشرويز  
 اول بزدخي سكا پيرو اولوب اعدى اوزرينه شجخون ايلدم ديو عظيم ابرام  
 و اخاح ايله فرياد لر ايتد بلر خان مرقوم دخي دفع مراد ايدوب مدار ايله  
 معامله و بللو باشلورلريني ياتنه كتوردوب عجله ايتيموك برايكي كون دخي  
 صبر و تحمل ايدوك بش كونه دك طهمااسب لشكري شمارعد و شكار ايله  
 امداد مزه بتشمك اوزن درانلر بير وندن يراندر وندن دشمنه هجوم  
 ايدوب بو طر بقيه انشاء الله غلبه ايدن رزو بو كچه طهمااسبدن بكا  
 مكتوب و ادم كلوب ساخته مكتوب دخي ايراز ايليوپ اول كون كوچيله  
 بوجمعي دفع ايلدي ايرته سي كون ينه جمع ايدوب دفع ممكن اولمدي  
 عاقبت خلقك او كونه دوشوب بر مقدار اغوانه قارشو كدلد كه

طرز

طرز عرب و عجم اوزن تطير و نفال ايدوب بگون يوم نخسدر و فالز ٤٥  
 نامباركدر جمله مزه لاف و لورزد يوينه خلق دفع ايلدي بوندن صكره دخي  
 بر قاج دفعه جمعيته طشره چقلوب كاه يوم نخس و كاه فال نامبارك ديوب  
 عجم عسكرينك اغوان اوزرينه هجومنى امهال واهمال ايلدي هجوم و غلوا  
 كردن ناس بسراي شاهي غيري عجملار هويزه خاننك جنكه وارمغه مرادى  
 اولميوپ اغوانه معين شكننده اولد و غن و اراده بش كون مرور و طهمااسب  
 هسكردن اثر ظهور ايلد و كن كوروب ينه تجمع و شاهك سز ياتنه توجه  
 ايتد بلر كورد بلر سراي قپولرى قپانوب محكم سد و بند اولمش فرياد لره  
 باشليوب شاهك سز ياتنه مثال باران طاشلار يا غدر دبلر شاه بونلره  
 كور غيوب سكوت ايله معامله لكن بعضى خادم اغالى كلوب مطلق بكن  
 ندر ديو سوال ايتد بلر شاهمز طشره بيور و سونلر حيانده ميدر بله ام زه  
 قلمقان اولوب دشمنه هجوم ايلدم شاهمزي كورد كچه جمله مز اوغرينه  
 فدالولوب خاك ايلر ينه قربان اولورزد يوينه زور جاليز فرياد و فغانيله  
 چاغرشد بلر و اغلشد بلر حيز قبولد و اقع اولميوپ سوزلرينه التفات  
 اولمدي شاه دخي كور غيوب هر چند كه خادم اغالى دفع قيدنده  
 اولد بلر فائده و ير ميوپ شاهم اجلقندن هلاك اولدق هويزه خاننك  
 زه سوء قصدي دركاردر البته غيرت ايدوب طشره بيورك قوللرينه  
 سپر اولوب دشمنه وان لم شاهمزي يولنه جمله مز بو كون قربان اولالم  
 و ياد دشمنه غالب اولوب خلاص اولالم ديوب كند كچه جمعيتملى و فرت  
 و فرياد و فغانيله شاهي طلمبه اصرار لرى كرميت بولوب عاقبت دفعنده جان  
 بولميوپ اندرون سراي شاهي موجود خدام سلا حلوب مقاومت



حاضر اولد بیلر و حصار سر اید موجود قولون بورنه و سایر صاحبه  
طویلرینه آتش ایدوب نجه لری هلاک و سایر لرلی برقات دخی منکسر الحال  
و پریشان خاطر اولد بیلر من بعد شاهدن دخی مایوس و روگردان  
اولوب بلوک بلوک اصفهان دن قراری فرات تبدیله یوز طوند بیلر بیان  
احوال خادم احمد اغا ذکر می مرو را بدن اغای مومی الیه صاحب شجاعت  
دلیر و بهادر کسینه اولوب سابقا جسر شیراز وقعه سنده شجاعتی  
بالمشاهد جمعیله معلوم اولمش ایدی و تحت حکومتده اولان عسکر  
الشکر قزلباشک کزیده سی اولغله اغای مرقوم جانبندن اغوانیان دخی دائیما  
خوف و احتیاط اوزن اولمشلر ایدی بود دفعه عسکرینک زاد و ذخیره لری  
قالمیوب شدت جوع جانلرینه طاق ایدوب اغای مومی الیه اوزرینه  
طلب از اقلری سوقیله هجوم ایتد بیلر لرلرندن خلاص ممکن اولدوغن  
بلوب تخلیص کریبان قصد بیلر شاهک مطبخنه حواله ایلدی وارک هر نه  
بولور سکرالوب امروز کفافلنوب فرادا ایچون رزقزی خدای تعالی  
میردن کوندور ما مول ایدرز دبد کده بر جمعیت عظیمه واروب  
بر تقریبیلر شاهک مطبخنه یول بولوب بولدقلری ارزاقی یاغما ایلد بیلر  
اغای مرقومه شاه عتاب و خطاب ایدوب نچون عسکر بکه بو کونه ایش  
ایتدردک دبد کده شاهم بوندیم مقصودم مجرد عسکرالندن تخلیص  
کریبان محصور دکل ایدی بلکه قصدیم بو اید بکه اندرون سرای شاهیه  
موجود خادم و ندیلر باری بر کجه اچ قالوب طشره ده اولان عباد الله  
شدت جوع ایلنه کونه بلایه گرفتار اولدقلرینی برکز خاطره کتون لر  
شاه دخی اغای مرقومک بو کونه جوایندن ملازم اولوب رفیقیه معامله می

شایسته

شایسته کوردی بواشناده اغای مرقومه خبر کلد بکه طشره دن بر  
مقدار عسکر بیلر وافر ذخیره کلوب ایچرویه کیرمکه جسارت اید مد کلرندن  
جوار اصفهانده بر محله قونوب اطرافلرینه خندق کسوب بو حال اوزن  
اصفهانلو ایلر بخبره و اتفاقا قلمر بیلر حرکت مقرر قبلر دواغای مرقوم فی الحال  
هویزه خاتمه واروب واقع حالی بلدر دی وان لم بجه لر طرفندن اغوانلر  
اورد و سندن دوکوشه دوکوشه کجه لم و اول عسکر و ذخیره می ایچرویه  
الله لم دبد کده هویزه خانی مخالفت ایتمیوب وافر عسکر بیلر قالقوب طشره  
بچقد بیلر احمد اغا عسکر بیلر پیشرو اولوب اغوانلر ایلر عظیم جنک ایلدی  
هویزه خانی قفادن امداد و اعانت ایلر مقید اولمیوب آخر کار احمد اغانک  
کزیده عسکرلی قریلوب منهزم اولدی و کتدوسی دخی فرار ایدوب  
کوجیله سلامت بولدی شاه واقع حال دن خبر اولیچ احمد اغای  
جاغر دوب نچون هویزه خاتندن اول حرکت ایدوب دشمنه واردک  
و نچون انک رای و تدبیر بیلر عامل اولوب امر بنه منتظر اولدک دیو عتاب  
و خطاب و تعزیر لر ایلدی اول دخی جوانیده شاهم هویزه خانی سنک  
دشمنه کدر امدادیمه کلسه اغوانه غلبه مقرر ایدی و اول عسکر و ذخیره می  
ایچرویه الملق حدامکانه ایدی لکن خان مرقومک دماغنه فساد  
اشکان اولغله اراقدن حالمزی تماشا ایدوب نه کندوسی اعانت ایتدی  
ونه اعانت مراد اید نلره اذن و یردی چون شاهم دوستک دشمنک  
بانمندن قالدی بنم دخی الله ایلر عهدم اولسونک بزدخی طشره چقوب دشمنه  
تارشو وار میهم ایچق اغوانلر کلوب شاهمی تختندن ایلر و اغانندن  
سور بیوب کوتورد کارنده بن قولک دخی کلوب صداقتی ابات و جمله



اعلان ایچون اول اراده شاهمک او غورینه قلیچ چکوب خاکپای شاهه  
وجود و جانی نثار ایدیم و یاغی التمه اولوب شاهمک قربانی اولام  
دیوب شاهک حضورندن چقوب کندی خانه سنه کندی غایت  
ایله غیور بر مرد جسور اولمغه شاهک تعزیر بنی حضم ایدم میوب و خاین  
و صادق شاهک حضورنده بنامدی دیو غیرتدن صبر و تحمل قراری  
قالمیوب اول کجه کند و سنی زهر لیوب هلاک ایلدی لشکر قزلباش اغای  
مومی الیهک فوتی خبرین استماع ایدیجک من بعد بر فردن امید لری  
قالمیوب یا س کلی ایله ما یوس و نا امید اولد بلر بیان احوال قحط در شهر  
اصفهان اصفهان محاصره سندن اوج ای مرورینه دکن چار سو  
و بازارده کفایت مقداری نان و لحم و سایر ما کولات اقسامی بولنوردی  
اوج ای مرورنده اتانک بولنمیوب دوه قاطر بار کیره و چهار انلری فروخت  
اولنوردی و بر بار کیر بوغز ایچون اون ایکی تومنه صائلوردی بر قاج  
گوند نصیره بکرمی بش تومن چقدی و چوغه وار میوب بر چهار الی تومن  
لجه یه صائلدی بعده بونلرک وجودی بولنمیوب کلب و کدی ینمکه  
باشلندی و بر مرتبه یه وارد بکه درون اصفهانده کلب و کد بدن بردانه  
بولن اولدی بر کون بو فقیر بر مهم ایچون فرا نجه اچسی سر ایندن چقوب  
انکلتره بالیوزی سر اینه کتک مراد ایلدم کوردیمکه سرای قیوسی  
او کونده بر بی چان خاتون بر کدی توتمش بوغز لاق استدر درمند خاتون  
شدت جوعدن ضعفه واروب کدی یه کوچی تمز اللرینی طر ملیوب قان  
روان اولمش ایکن جان حقیله طو توپ سیلامنی ایچون ایکیسی دخی فریاد  
وقیان ایدر عاقبت حقیر دخی صبر و تحمل ایدم میوب بیچار حیوانی

بوغز لاقه

۹۷ بوغز لاقه خواه نا خواه خاتونه اعاشه مجبور اولدم دورت ای مرورنده  
انسان اتی ینمکه باشلندی و انصاف اتن صتار بش نفر قصاب طو تلوپ  
سار لره عبرت ایچون باشلرین طاش التمه قویوب ازوب قتل ایتد کلرینی  
کوردم بوند نصیره اسواقده هلاک اولمش تازه میتلرک بودلرین کسوب  
یرلردی و جمله اسواق اچلقدن هلاک اولمش انسانیه رختم رختم اولمش  
طولمش ایدی التمه اکر چه بو حقیر نا چیزک اعتقاد ایدم و جمله مقتضای  
قضای ازل بر امر بر حکمت لم یزلدر انجی قصوره کسورند بیردخی ظهوری  
قضایه باعث اسباب و عللدن ایدوکی لاریب و لا استنباهدر فعلی هذا  
تفاق و اختلاف خلق و اختلال ناس و رجال و بالجمله امور لرند قصور  
زای و ندیر اهالی اصفهانک بو حال حیرت اشماللرینه باعث و بادی علل  
و اسباب ظاهره دن ایدوکی دخی امر بد بهدر اهالی اصفهان بلاد سائر  
خالقی کی و زمره محتاج اولد قلری نان و لحمی هر کون بازاردن صاتون  
الوب اولرند زاده و ذخایر بولماز ایدی و بر فردک خانه سنده بر ایکی ابلق  
موجود کفافی بوغدی بوبله ایکن اطرافده کد بلاد و قری خلقتی ذخیره سز  
شهره الوب کتورد بلر محاصره احتمالینی قطعادر خاطر ایتد بلر ذخایر  
ندار کی ممکن ایکن صرف زهن ایتد بلر اغوانلر فرح ابادی ضبط ایلد کدن  
صکره جسر اب سباده تصرفلرینه کیر نجه اوج ای مرورینه دکن اطراف  
اصفهان اچق ایکن اصفهانده جنکیچی یی قویوب رعایا و نسوان و صبیانی  
طشره چقر میوب آخر ملکته کوند ر میوب ذخیره ندار کی فکرین دخی  
ایتد بلر همان بر ایکی کونلک هنگامه در صا و لور صاند بلر دایما کفتهای  
مفرحه ایله شاعرانه مبالغه لرو کفت و کوی کاذبه بله ر سنانه جنکار ایدوب



عکس قضیه ظهور ایدرسه حال نجه اولور دیمدیلر برکون اصفهانده  
 مقیم فرانجه لچسی اعتماد الدوله یه واروب فرصت الله ایکن ندارک کورک  
 و بی فایده خلقی طشره چقارک انجامنده ندامت چکر سکر دیوب ایقاپ  
 مراد ایلدکن اعتماد الدوله شمد بلك اصفهانده بر قاج سنده کفایت ایدو  
 ذخیره مر واردر دیو جواب ویردی حال بوکه بر فردده برای کفایت ایدو  
 ذخیره بولمادی مداهنه اربانک خوش امدی کلامنه ولاف وکذاف  
 امیز گفتارینه الدانوب وار دبدکاری صحیحدر دیو اعتقاد ایتیش ایدی  
 بروقتده حنطه و شعیر وار زوسا یرحمو باندن دانه اثری قالمیوب اخر کار  
 انجبارک پیراغنی و قیوغنی دارچین مثال ووزینه فروخت و هو انلرده وکوب  
 کیک ابله قارشدر ووب دورت و قیه سی اون تومان اچیه صائلوردی  
 انواع اونلر وکوکرو یاغ و پینر پوسته کیلری و ساردری پارچه لری  
 پیشریلوبینوردی کهنه پاپوج کون پارچه لری و بونلرک امثال قایش  
 پاره لری صوده اصلد بلوب پاسطرمه یوللوینور اولدی بونلر دخی  
 بولنماز اولدقدن غیر خلق سو قاقلره دوشوب اول صاحب خاندان  
 خان زاده لر کونش یوزین کورمین خاغلر ثبیه و باکره صاحبلی  
 و صاحبسز خاتونلر و قیزلر در و یا قوت و لعل ابله دونش عنقا بازار کان  
 زاده لر سو قاقلره دوشوب ماملرک بیتی و جوهرلرینی باشلرینه الوب  
 فریاد و فغان ابله بر پارچه نان طلب ایدرلردی نه جوهرلرینه رغبت  
 ایدر وارونه سدر مقی چون بزنان پانستی و یرمکه قادر کسنه وار همان  
 بیچارلرک فریاد و فغان ابله نفسلری دوکنوب ضعف جوع ابله یه دوشوب  
 سورینه سورینه وهره کی ما ولیه ما ولیه جان و یررلر ایدی هرکس نه یه

دوشسه

دوشسه انده قالوب دفن دخی ممکن اولمیوب اول حال اولوردی ونهر  
 اصفهان دخی لاشه ابله لب بر لب طولش ایدی بو احوالی کورن اهل دل  
 نفسی نفسی دیک حسب حالی ایکن کند و نفس و حال فراموش ایدوب  
 بونلرک غمیله وادی حیرنده سرکردن و لایعقل طوکا قالوردی غریبه شاه  
 حسینک بر عنقا میرزاسی بو حال حیرت اشمالی مشاهده ایدی بچک فکر  
 و اندیشه یه واردی نور دبدلری اولان اولاد و انساب و اهل بیتی بر قاج  
 کوندن صکره نفقه لری قالمیوب بو حال وحشت افزایه خواه نا خواه گرفتار  
 اوله جقلرین بقینا فهم و ادراک ایدوب ماملکن بذل ابله ایکی اوج و قیه  
 مقداری طعام ندارک ایلدی و بالجمله اهل بیتی و اولاد و انساب و اقرباسی  
 دعوت ایدوب اطعام ایلدی بعد جمعه یه خطاب ایدوب دد بکه ای تم  
 نور دبدلرم سوک و قورنداش و اقربا لرم بو طعام جمله مزک صوک طعامیدو  
 فیرا اکل و شربه متعلق بوندن غیری برذن مز قالمی مکر میرزای مرقوم  
 اهل و عیال و تعلقاتی سو قاقلره دوشوب اول حال وحشت اشمالیله  
 ملف اولیه لر دیو طعامه سم هندی قاتوب بر مقدار زمان مرورنده  
 کندوسی و غیر بلری بالجمله خانه سنده هلاک اولد بلر اغرب غریب  
 بو حقیر دخی بو ائنده اسرار حکم علیه ربانیه دن بر حکمت عظیمه  
 مشاهده قلدیم شهر اصفهانده محاصره دن اول بر قاج سنده دن بروسا بلك  
 ایدر بر مسکین اعما کوردم اثنای محاصره ده ینه سائلك ایدر کوردم  
 بعد المحاصره میر محمود کوننده ینه مسکین مرقومی سائلك ایدر کوردم  
 و بوسری ادراک غایت ابله مقیر و عاجز و در مانده قالدیم احوال پاجیان  
 ملوک نصاری در محاصره اصفهان اصفهانده موجود ملوک نصاری



اچیلری کند لری بی عجمه قیاس ایتیموب و وقت اختلاله ذخیره ندارکی  
 کند و لرینه نسبت حد امکانه اولماز ملاحظه سیمله پیشین ندارک  
 کوردیلر و ما کولات و مشرو بائلرینه متعلق حنطه و دقیق وار و سه سر  
 و حواچ بیوندن اولان حبوبات سائر و لحوم مقدده بی وفرت وزن  
 ادخار ایتدیلر ابتدای محاصره دن اوج ای مرورینه دکن لحوم جدید  
 بو انوردی و اطراف اصفهان احق اولوب طشره دن دخی ندارک  
 و احضار ممکن ایدی شهر اصفهان محصور اولدوغی کی اباچیلر دخی  
 اولرینک قیولرینی محکم قیادیلر و ناس ایله اختلاط ایتیموب تحاشی  
 واجتناب و کند و لرینی لیل و نهار محافظه اوزن اولدیلر میرمخود دخی  
 جاسوسلر و سائطیه احوال اچیاندن خبر الیق عجملره ذخیره و برمیهر  
 و شکر لرین فروخت ایتیمه لر دیو خفیه تنبیه اولندیلر عدد مقتولان  
 از شمشیر و هلاک سند کان از قحط در شهر اصفهان تنبیه شهرلده  
 طوغوب بیویوب جنگ و قتال کور میوب و هرج و مرج و فتنه فساد لرینی  
 مشاهد ایتیموب با خصوص سرحدلده محاصره شدن لرینی بلییوب  
 ناز و نیاز بله پرورده اولان بلدی و سائر بونلرک امثالی ساده دللر نعمت  
 و احی اذعان ایتیموب بو گونه تقریر و خبری مبالغه یه حمل ایدر گمشلردر  
 مع هذا که شهر اصفهان بر بلده عظیمه و خطه واسعه اولوب درون  
 شهرده ممکن بلدی و مسافر و مجاور و عسکری اولنلردن غیری اطراف  
 بلاد و قری خلقی دخی شهره کیروب همان انساندن عبارت در یای عمان  
 اولمش ایدی ثنای عروب و قتاله مقتول اولان قزلباشلرک عددی  
 بکرمی بیکه بالغ اولدوغی صدقه بقین برتواتر در لکن افات قحط دن هلاک  
 اولنلرک تعداد و تخمین بروجهله حد امکانه اولیموب بر قاج کره بوزیک

اولدوغند

اولدوغند دخی اشتباه قالمیوب اولی و انساب اولان تعیین عددده کف  
 لسان قلم قلمقدرتسایم کردن شاه حسین تاج شاهی و تخت ایرانی بجانب  
 میرمخود و ضبط شهر اصفهان و احوال سائر در میان اغوان و عجم میرمخود  
 اصفهانده وقوع بولان احواله نقیر و قطیر خمیر و ابلق غیر شهر اصفهان  
 دست رسی اوله جغند اشتباهی قالمیوب محاصره تمشینی شدن بر مقدار  
 تسهیلی رو کوردی و عسکرینی بر مقدار کیر و چاکوب تلفتی من بعد جائز  
 کورمدی سر بلوکلرینی چاغروب عجم اوزر بنه وارایمه دیو تنبیه ایلدی  
 برابکی کوندن صکره عجملرک یریشان حالی اغواندن علی وادنایه معلوم  
 اولیق اغوان عسکری اصفهانده یوریشه اذن طلب ایلدیلر و مطلوبلرند  
 مصدر اولوب میرمخود و میاچچیسی دفعنه سعی ایدوب کوجیه  
 تحویل ایلدی و بنه هر فردی بر او یر بنه کوندروب خدمت مأمورده  
 ثابت الاقدام اولدیلر و میرمخود یوریشه جواز و یرمدی زیر اموال  
 و خز بنه شهر غارت اولدوغند غیر یو محض حمتدن و تعب و مشقتدن  
 صکره عسکرندانهزام و وقوعندن خوف ایدوب حزم و احتیاط ایدردی و  
 یو کوندلده شاه سر اینده دخی ما کولات و مشرو باته دآر برذن مقداری زاد  
 و ذخیره قالمیوب و بالجهله اطرافدن معاون و رودندن یاس کلی ال و یروب  
 شاه عاقبت خواب غفلتدن بیدار اولدی و ایش نیه منجر اولدوغن بلدی  
 لباس فاخره سن چقاروب یاس و ماتم کیاسن کیدی اندرون سرانی کزوب  
 خادم و ندیم و تعلقائیه اغلشرق و داعلشدی سر ایدن طشره چقوب  
 میدان و اسواق قحط ایله هلاک اولمشلر ایله مال اولمش کوردی دروننده  
 رفیق و شفقت هیجان ایدوب دپه لرینی مثال سحاب ایدار اشکیار اولدی



صوت بلند ابله اغلیوب کوردوگی ندیم وخادم وناسه متوجه او اوب  
وداعه بشلیدی وگاه خطاب وگاه عتاب ابله بوکونه کلامه اغاز ایلدی  
ای بنم صاد قلمر محبت ابله محنته گرفتار اولمش قوللرم بو بحر بلاده  
یارد اشلرم نار غیرتم ابله یاخش یاقلش صداقت کارلرم بوقضای مبرمه  
رضادن غیری چاره مزو بو حکم ازله تسلیمدن اوزکه منالمر یوقدر بناء  
دولتمزی اینز ابله هدم ابتدک جناب حقندن مستغرق اولدوغم نعمتک  
شکرن بلدک نفاق و شقاق واختلاف ابله دوشمنلریزی ایقلندردق  
سو ندبیر وقصور وکسور رای ابله ماملکمزی یادالنه ویردک قضای  
ازل ناشایسته فعلمر ایچون تخت ایرانی بزه لایق کور میوب اخره ویردی  
سری وبری تقدیر خد اغیره بنده قلدی چون ارادت علیه بوکاتعلق  
ایتدی شاه جدید واروب جمله مز سرفرو واکافول اولمقدن غیری  
چان قلمدی شهری کزوب وصوت بلند ابله والواع ای تحت شاهی  
الوداع ای ملک ایران الوداع ای تاج دار الوداع ای شهر اصفهان الوداع  
دیوب شاه وناس وعلی وادنی بر مرتبه ده اغلشد بلر که اه واینیلری  
افلاکه چقوب جولغه ده واغوانلر اوردوسندن اشکان اشید بلور دی  
واول کون اخشامدک بو حال اوزنه کزوب اغلشوب اخشامه قریب  
شاه وناس سرایه واروب جمع اولد بلر ومشورت ایدوب شهری اغوانه  
تسلیمه اتفاق ایتد بلر چون صباح اولدی شاه حسین معتمد لردن برقاج  
کسنه یی میر محمد ابله مکالمه یه کوندروب نورد بده سی قیز بنی دخی  
تجهیز ایدوب میر محمدک ایاغنه کوندردی مکالمه یه مأمور اولانلر  
کندولر بنه سیارش اولنان شروط و قیودی ایرادومیر محمد دخی قبول

ایدوب

ایدوب ویره مواد لری عقد اولند قده کیم وعودت اولند بلر بعد شاهی  
کتورمک ایچون مخصوص ندرک وانلر انتخاب اولنوب میر محمد  
کندور جالندن برقاج کسنه یی معاکوندردی شاه حسین کوندیرلان  
اتلره سوار اولوب وعادت ایران اوزنه الا بلر قوروب میر محمد جانبینه رو  
براه اولدی میر محمد دخی رجالیله حاضر و اماده شاهک قدومنه مترقب  
اولدی وشاه ایچون براوطه حاضر لنوب برمندراوزر بنه سوزنی مقعد  
دوشنوب اوزته یره بر بالین قود بلر بعد شاهه اگرامنه صورنده اولموردو  
دیومذاکره ایتد بلر بعضیلر شاه شاه ایران اولوب الان میر محمدک  
قاین پدروی ومقدمه ماجمله اغوانک افندیسی بولمغله استقبال واکورد بلر  
لکن میر محمد استقباله تنزل ایتوب انجق دیوان خانه ده کندی  
رجالیله شاه حسین ایاغ اوستندن بکلیوب شاه حسین رجالیله کلوب  
دبوانخانه به چقد قلرند میر محمد برقاج ادم یرشاهه استقبال ایدوب  
بری برلر بنه سلام ویردیلر وشاه حسین میر محمدی قوجوب والندن  
واپکی کوزندن بوس ایدوب قوبنندن برصر غوج چقاروب کندی الیه  
محمدک باشنه طاقدی واللهم مالک الملک ایتنی او قویوب بومعنا متضمن  
برمقدار کلامه نصیره میر محمد تقدیر ازل تاج وتخت ایرانی بنندن لوب سکا  
لایق کوردی وهمان مبارک اولسون دیدکده شاه حسین کندور جالنه  
وبعد میر محمدک رجالنه عطف نظر ایدوب بوکونه خطاب ایتد بکه ای رجال  
وناس بوکوندکن مالک ایران شاه بن ایدم الان تحت و تاج وملکی فراغت  
ایدوب میر محمدک بد تصرفنه قصر ید ایتدم وبن دخی تحت حکمنه کیردم  
بوندر نصیره سزک ویزم شاه مز بودرد بد کده اولانکند و سنی پدروی مقامنه



قبول رجاسنه شروع تانیا اهل و عیالنه وضع ید رضا و یرمیوب والد لری  
مقامنه تنزیل بالثا اولاد لری نه رنجیده یی رو اگور میوب کوچک قزند اش لری  
مقامنده استخدا ام رابعیا خد موجود رجالک صداقت لری بوانه کانه  
مجب و مشاهد اولمغله بکا صداقت ایله خدمت ایلد ک لری کبی سکادخی  
صداقت و استقامت ثاب الاقدام اولم لری ما مول اولمغله خور و حقیر  
اولم لری شایسته کور میوب عزیز طوته سن خامسا مملکت اولان فقرانک  
اوزندن ظلم و غدر دفع و رفع سادسا احکام شرع مبین هر حاله اجرا ده  
صرف مقدور ایله سن دیو نیازی تمامند میرمچود شاه ای و طه یه دعوت  
ایدوب یرکوستردی شاه حسین مندن التفات ایتمیوب کنان او توردی  
میرمچود دخی مندر اوستنه اتور مغه رغبت ایتمیوب مندرک اول برکنارنده  
زانواوزنه او توردی بعده شاه حسین کند و مهر بله و بالجمله ایران دولتی  
خانلر ینک و معروف اولان اعیان و رجالک اسملر بله ممضا و مهر لر بله  
مهور تحت و تاج و ملک ایران فراغتتی متضمن برکاغد چقاروب میرمچودک  
النه صوندی اولدخی قارشو سنده قائم دیوان کاتبه و یروب جهر بله  
قرا ت ایلد کده ینه میرمچومک ید پنه و یردی در حال معتبر و معتقد لری  
اولان مشایخدن برکسینه یی احضار ایدوب یانلر پنه کلدی شاه و میر  
ایکپیسی دخی دیزاوزنه کلوب اولدخی بران میرمچودک باشنه و بران شاه  
حسینک باشنه قویوب دعال و ثنار اتامنده تخت و تاج ابرانی میرمچوده  
نبریک ایلدی بعده بالجمله رجال عجم کلوب سرفرو و میرمچودک دامن  
بوس ایدوب بیعت ایلدیلر بعده خانان و ضابطان و اعیانان انو انیان  
کلوب انلر دخی دامن بوس ایله رسم تبریکی احیا ایلدیلر فعلی هذا شاعر

دانا

۷۱ دانا و طر بفاک هائف غایبدن الهام ایله مذهب ناحق دیدوکی تاریخ نکته  
امیر مفهومه موافق شاه اسماعیل طهور وابتد ابولان دولت شاهان  
طقوز نفر شاهان کراهانک تقریبا ایکپیوز بکرمی سکز سنه مقداری مدت  
ممالک ایران استیلا برله حکومت لری بو کون شاه حسینک تمام اولوب غالب  
دفتر لری بونده دور بلوب حتم اولدی ضبط شهر اصفهان و ترتیب الای و رفتن  
میرمچود و شاه حسین بدولت خانه و جلوس میرمچود در تخت شاهی  
بعده میرمچومک خان اولی اولان امان الله خان سرای شاهی اولان  
دولتخانه ضبطنه ما مور اولوب کوندردی و خان ثانی اولان نصر الله خان  
بر مقدار عسکر بله قزوین جانب لری ینک یوللرین محافظه و اولطر فلرده  
طهماسب حرکتنه نظارت ایچون ارسال اولندی شهر اصفهان ضبط  
اولنوب قبولر پنه عسکر تعیین اولندی مرور اید جک لری سو قاطر تطهیری  
ایچون ادملر تعیین اولنوب لاشه لرد فن اولنوب یوللر بیقنوب مهما  
امکن رواج قبیحه ازله اولندی شاه حسین ایچون غیری او طه دوشنوب  
ایند اسکان اولندی ذکر اولنان احوال جمعه کوننه مصداقت ایدوب  
ایرتیسی کون ارام و استراحت اولندی درون اصفهان ما مور اولانلر اهانام  
ایدوب ما مور اولد ق لری خدمت امکان مرتبه سی پر پنه کتورلدی او چخی  
کونکه یوم بازار ایدی الایلر ترتیب اولنوب شاه و میراتلره سوار اولوب  
شهر اصفهان توجه اولندی اغوانلر اندن قتل اولنان قزلباش لاشه لری  
اذر جاری بغچه سندن بغلغله شاهه کوسترمک قصد بله اول یولدن  
کید ملک تنبیه اولندی شیراز کویریسنه وارد قله جمله الای و میر و شاه  
کوپرویه او غرامیوب کچردن عبور ایلدیلر ایکی یول اغزی نام محله



کلند کده میر محمد طوغری یولدن اصفهانه کیدوب شاهي ايسه دېکر  
 طریقیله کوندر دېلر فرایچه وانکله وندرلانده بالیوزلری میر محمد  
 استقباله کلوب اوکونه دشدیلر وقرلماشردن بر فرد الایه کلسون  
 وسیر طریقیله یوللرده بولسون دیو محکم تنبیه ایدوب منادیلر ندا  
 ایتدر دیلر طرف طرف اغواندن عسکر و سوقاقلر باشنه زیبق تعبیر  
 اولمورطو یلر قونلوب مستوفی توفنکچیلر حاضر واماده قلمنوب  
 قزلباشلرک حیلله و خدعه سندن کرکی کی حزم و احتیاط ایتدیلر وجه  
 محرر اوزن سرای شاهي اولان دو تختانه یه واردیلر اندرون سرایه اولان  
 خدما وندما سرای شاهي نی ترین ایدوب میر محمد ک مری اولان  
 حولی ده سرتاپاز پریای سمند میره دیبای ذیبای ذریاف دوشیوب  
 اوزرندن کچوردیلر و بوضورت اوزن عزت و اکرام ابله تخت شاهي یه  
 اجلاس ایتدیلر شاهک خادم اغاری کلوب بیعت و مقام خدمت قائم  
 اولدیلر و اندرون سرایه موجود سارندما و خدمه بالجه کلوب میره  
 سرفروورسم بیعتی بر بنه کتوردیلر بعد کیر و قلان رجال دولت و خانلر  
 و اختیارلر و اصفهانده موجود ایش ارلری و عسکرلری کلوب بیعت  
 ایتدیلر و صداقت و استقامت برله من بعد میره خدمت و خلوص  
 و طوبیته ثابت قدم و راسخ الدم اوله جقلر بنه عهد و امان ایتدیلر میر  
 محمد ک دخی قحطک شد تیلله خلعتک مضایقه سی معلومی و ملغله حل و عقد  
 امون مباشرندن اول ذخیره مهمه سنه صرف مقدور ایدوب اغوانلر  
 آورد و سندن اصفهانه ذخیره کتورلسون دیو فرمان و همان اول کونده  
 بهای ارزاق تنزل یوز طوبتوب اخشامه دک دورت و قیه دقیق ایکی غروشه

ایندی

ایتدی فعلی هذ ابرقاج کون ایچندن تحصیل ارزاق ناسه ایشام اولنوب دن  
 و لح ابله خلق بر مقدار کفافلندی بو خبر شایع اولوب طشره لرده  
 مسوع خاص و عام اولیحق اصفهانده صاحب خانه و مالک متصرفلری  
 اولوب محاصره شدندن فرار ایدیلر اولر بنه کلکه رغبت ایتدیلر و یوما  
 فیوما اصفهانده خلق چوق اولغله باشتلیدیلر بعد میر محمد رسم عجمه  
 مراعت کوستروب ضیافت ترین امر ایلدی و امورد وائی مشورت ایچون  
 کند و سندن بیعت ایدن عجم خانلر بنی و بیکلر بنی و سار اسانشان ار بانی  
 دعوت ایلدی شاه حسین خلو ص و صداقت پاید ار اولانلره اکرام  
 صورتن اظهار و خیانتلر بولنلری جمله قتل ایلدی انجق هویزه خانی  
 ابله میر محمد بنه مقدمه عهد و امان جاری اولغله انی قتل ایشیوب  
 حبس موئبد ابله حبس ایلدی خان مرقومک عوجه سی اوغلی  
 محاصره دن اول میر محمد کلوب مسبوق خدمت و مشهود الصداقت  
 بولمغله بر بنه هویزه یه خان نصب و تعیین ایلدی میر مرقوم شاه حسین  
 خلوص و صداقتی مجرب اولان رجاله خطاب ایدوب شاهکزه ایلدیکز  
 صداقت و استقامتکز مجرد رفعتکزه علت مستقله اولوب بکادخی خلوص  
 اوزن خدمت اولور سکن ملا حظه سیله بولندیکز مناسی سزه ایقا  
 و مقرر ایتدم واروب مامور اولدیکز خدمتکزه سعی بلیغ وجد اوفی ایدسز  
 فعلی هذ شاهکرجالی میر محمد و رجال اولوب اعتماد الدوله سی بنه اعتماد  
 الدوله اولدی مرقوم اعتماد الدوله و ته دن بروایعن جد عجم شاهلر بنک  
 خدمتکده صداقت و استقامت برله شهرت بولاش کسنه لردن اولوب  
 بود فعه میر محمد جانبندن خدمت مرقومه اعتماد الدوله مرقومک



ذمت خلوص و همت استقامت نه تفویض اولنوب الباس خلعت برله  
امتیاز قلند قد میرمچودک یا غنه رو نهاده قلوب بوکونه نیاز مندانه  
تضرع ایلد بکه میرم هر حاله امر بنه طاعت و انقیاد برله مأمور بورد قلمری  
خدمت مائده صدق خلوص اوزن صرف مکنت ایلد رم انجق طهما سب  
طهور ایدوب انکله جدال و قتال اقتضا ایلسه شاه زاده مرقوم کر منه  
مستغرق اولد یغ ولی نعم افندیك اوغلی اولوب خاندان شاهیدن  
اوز ریمه اولان حقوق نان و نعمت باشیدن اشمس برحالت لازمه الرعایه  
اولغله اولمای نعم افندی بریمه عدویانه سل شمشیر و کافرانه انکار نع برله  
جانبیلر بنه قصد یله انداختن کان و تیر بو قوللر بنه نسبت امر دشوار  
الجسارت بلکه بویله بر فعل شنیع ارتکابی محالاندن اولغله میرم بو قوللری  
طهما سب ایلد حروب و قتاله امر ایلد و بوگونه عنان اختیارم ایلد  
اولد و غی خصوصه قولنی کر مندن عفو ایلد دبد کله میرمچود اعتماد  
الدوله نیک بوکونه ناشر الکرم و شا کر النعم حق شناس و خاطر پرور صداقت  
شعار کلامندن غایت ایلد حظ ایدوب من بعد خدمت و کالتدن عزل ایلما مک  
و عدلر بنی متضمن وافر تحسین و چوق افر بنلر سو بلدی و رجال عجمه  
علی مراتبهم اطهار ملاطفت و نوازش خاطر لر بنه رعایت کو ستروب  
هر فردی منسوب بنده ابقا و تقریر قلند قد اغواندن اوزر لر بنه برزناظر دخی  
تعیین ایلدی انجق تعدیل و تسویه منازعات و دعوائی حقوق عبادده  
حل مشکلات و احقاق حق خصماده اجرای شریعت قانون ایرانی اوزن  
دیوان بکلرینک عهد ذمتلرینه تفویض اولنه کلد و کنه بناء بو مقام  
ع ایلد دیکر انک استخدا می روا کور لمیوب جنس اغویانندن صاحب زهد

و تقوی

و تقوی کامل ورشید عالم قواعد شریعت مستقیم و معتدل اعتقاد  
ایلد کلری برکسند یی انتخاب و امتیاز ایدوب دیوان بکی نصب و تعیین  
و بو خدمت واجب الدقت و لازم العفی انک ذمت اهنامنه سپارش  
ایلدی دیوان بکی مرقوم دخی اجرای قوانین شرع نموبد بر مرئیه  
جد و سعی و اظهار عفت و عصمت ایلد بکه جمله قزلباش انکشت بحیری  
دندان تفکره قویوب باعث زوال دولتمری اولان اسبابی هنوز فکر  
و اذعانه باشلد بیلر و سبب زوال دولتمری اولان سوء حاللرینه ندامت و لن  
ینفعهم الندم ایلد نادملر اولغله یوز طوند بیلر احوال جمع و تحصیل  
خزیننه از جانب میرمچود عجم شاهلرینک خزیننه سند و موجود ذی قیم  
الات و اسباب و جواهر و بساط اگرچه وفرت اوزن بولندی لکن سیم  
وزن دارنقود اقل قلیل ایدی میرمچود جانبندن جمله سی ضبط اولندی  
بعد رجال عجمک هر برندن بر مبلغ آنچه و جوهر طلب و انوب خواه  
نا خواه تحصیل اولندی حال بوکر رجال عجم شاهلرندن زیاده خزیننه  
مالک اولمشلر ایدی جولغهن و اصفهانندن تاجر لر دن و غیر بیلر دن  
حتی ملوک نصارا ایلیچیلرندن دخی بر بهانه ایلد مبلغ و افره طلب و انوب  
طوعا و کرها جمع و تحصیل و میرمچوده تسامیم اولندی میرمچوددن  
غیری رجالی و سرکارده اولانلری دخی جروج جمع اموال سودا لری غالب  
اولغله انلر دخی بر تقریب و بهانه ایلد اموال کثیره جمع و اذخار ایلد بیلر  
و عسکر اغوانده متعین علوقه لو عسکر اولمبوب کسب و تحصیل ایلد کلری  
اموال غنائیک خمس حاکم لرینه تسامیم و باقیسن بیلر نده تقسیم ایدوب  
طوا ئف عسکر دخی اموال غنائیدن منول اولد بیلر حاکم لری طرفندن



بخشش وقوعی دخی نادر واقع اولوب انجق اصفهان فتحند نصیره  
سرکارده اولانلرینه تعیینات ویریلوب عسکر طوا بقنه دخی احیاناً  
ذخیره ویریلوردی ارسال کردن عسکر برای فتح قزوین و وقعه قزوین  
اصفهان شهری وجه محرر اوزن فتح و تسخیر اولند قد نصیره برای قدر  
زمان مرورند قزوین شهری دخی فتح و تسخیر اولنق مراد اولنوب میر  
حمودك خان اولی اولان امان الله خان سكر بیک عسکر ايله قزوینیه  
تعیین و ارسال اولندی و میر محمود طرفندن قزوین اهل بسنه خطابا  
امریازیلوب کوندرلدی مضمونده سز که قزوین اهل بسی سز امرم  
وصولند انقیاد ایدوب شهر قزوینی اول جانبه مأمور سر عسکریمه  
تسلیم اید سز و طهماسب اند بولنورسه بلا عوق و تاخیر طر فزه  
کوندن سز امره انقیاد ایلد بکک صورتده اموال و اهل عیالکزه و عرض  
و استیاذه تعرض اولنوبینه اولدوغکز حال اوزن منال و مناسبکزه  
کند و کزه ابقا و مقرر قلنوب اسوده حال اولور سز و اغوانلر دن طرف کزه  
بردر لوضر و کزنند تر نباید جگ اولور سه طرفزدن تضمین و تکمیل اولنور  
والا امره اطاعت ایتیموب عناد و مخالفت و مقاومتیه جسارت اید جگ  
اولور سکر عون جناب حق ايله باد ظفر و غلبه طر فزه و زان اولد قد  
بر فرد بکزه بر طر بقله امان ویرلیموب عموما قتل و استیصال اولنور سکر و بو  
سمیاقده شاه حسین طرفندن دخی مکتوبلر یازلدی و نادر کار کوریلوب  
لشکر اغوان جانب قزوینیه روان اولدی قطع منازل طی مراحل اید رک  
قزوینیه یقین اولد قلرند طهماسب خبرالوب یاننده موجود عسکر ايله  
نیرزه فرار ایلدی اغوانلر وصولند شهر قزوین عسکر دن خالی  
اولمحق

۷۴ اولمحق و کند ولری دخی طهماسبه استناد ايله جنگ و محاصره نادر کارینی  
چندان اهتمام ايله کور میوب غفلت اوزن بولنلر ايله لشکر اغوانك فجأة  
وصولند میر محمودك امرینی واکام منظم شاه حسین مکتوبلرینی  
کورده کاری برله شهر قزوینی بلا قتال و جدال و بلا منازعه لشکر اغوانه  
تسلیم ایتدیلر و درون قزوینیه قوناقلر نادر ك اولنوب با جملة اغوانی  
قوناقلره توزیع ایدوب بشقه بشقه قوندر دیلر اهل قزوین لشکر اغوانه  
و سردار لری اولان امان الله اکرام ایدوب وافر هدیه لر و یردیلمر علی  
روایه سردار و اغوان قناعت ایتیموب طمع خامه دوشدیلر و میر محمودك  
امر و وعده بنه مخالف حرکتیه وضع اقدام ایتدیلر عاقبت قزوینلی طاقت  
گتور میوب خفیه مشورتلره باشلدیلر و قزوین شهرند یوز بیک قزلباش  
موجود تخمین اولنوب سکر بیک اغوانی کوزلرینه کستر دیلر سکر  
طقوز کون مقداری زمان بو حال اوزن کچوب قزلباشلر اغوانلره سوء  
قصدده یک دل و یک جهت مترصد فرصت اولدیلر چون معتاد  
یلد لری اوزن کجه لرده جاملر اچلد قد جماعیلر بوری چالوب بووجه  
اوزن خلعتی نومدن ابقا ط و جاملر اچلد بغن اعلام ایدر لر مش پم بو حالنی  
ملعنترلرینه اتفاق اوزن مباشرته و سیمله اید بنوب بر کجه اغوانیان خواب  
راحت و پستر غفلتده بالین امن و امانه باش قوبوب کند و حاللرند ایکن  
قزلباشلر ايسه ملعنتده جمله معهود و فساد تشبیتند متفق اندرون  
اولوب انلر دن هر فرد بیدار و اتفاقلری اوزن اغوانلر بر طر بقله اکاه اولمیه لر  
دبو معتاد اولان وقتندن اول جماعیلر بوریلرینی اوفر وب بوریلرینك  
خدا سی اشد لک یکی برله قزلباشدن هر مهماند ار اغواندن کند و خانه سنده



اولان مهمانی بلا توقف هر نه طریقه ممکن اولور سه قتل ایلیه دیوسرا  
 و خفیه اتفاق و سواقا قلمده دخی حاضر و اماده بولماق اوزن قول قول  
 ادملر تعیین اولنغی ترکیم و نصیم ایتدیلر و اغولنلردن بر فرد الارندن  
 بر طریقه رها بولماق اوزن عظیم تدارک کور دیلر شب معهودده  
 اتفاقاری اوزن تشیئی مراملرینه مباشرت دخی ایتدیلر اغواندن بر بلوک  
 بیدار بولنوب احوالنه یوزدن اید و کن فهم ایتدیلر و عجاله ائله پنبوب  
 چارستوله چقدیلر هر جانبدن قزلباشلر هجوم ایدوب عظیم قتال ایتدیلر  
 سردار اغوانیان اولان امان الله مجروح اولوب بیک مقدار چایک اغوانیله  
 کوجیله فرار ایدوب اصفهانه دوشدی دورت بیکدن مجاوز اغوان  
 قزلباشلر ائله مقتول اولدیلر ماملرینه باحمله رک ایدوب نجهاری  
 عریان و بریان جانلرین قورقاروب کادیلر و نجهاری یول بولمبوب  
 چول ایل قندهار سمتن طوقوب کیمتدیلر بیان قتل عظیم در اصفهان  
 بیک یوز اوتوز بش تاریمخنده بووقعه ظهور ایدوب غیری اغوانیان فکر  
 و اندیشه و اروب کندولرینه عارض اولان ضعف ملاحظه سی موجب  
 الم و کدراری اولدی و اصفهانلوردخی بو حال اشدوب بوکونه فساد  
 جسارت ایدوب جگرین عین الیقین بلوب کمال مرتبه ده خوف ایتدیلر  
 و طائفه قزلباش اسمالت ایل و نوازش خاطر لرینه رعایت اولنوب  
 لباس لباس کرام و توجیه مناسب ایل کندولرینه دوست اولیه جقلرینی  
 بالمشاهده اذعان و ادراک و تحقیق ایتدیلر و دفع محذوره کمال حزم  
 و احتیاطی و سرعت و بیادرتی اهم مهمانن شمار ایل هماندم میر محمد  
 جانبندن عموم ضیافتی ترتیب اولنوب شهر اصفهانده بقیه السیوف

والقسط

۷۰ والقسط رجال واعیان و ایش ارلری بیرو جوان میرک ضیافتنه دعوت  
 اولنوب مهمان اولدیلر اکر ام صورتلری اظهار اولنوب معتاد عجبانه  
 رعایت مرامی احیا اولندی و مصلحه مألوف اولد قلمری عیش و عشرت  
 محبتلرینه جواز کوسترلدی اوج بیک مقداری قزلباش بو حال اوزن  
 ضیافت میرده موجود اولوب جمله سی قتل و طعمه شمشیر اغوانیان  
 اولدیلر میرزار ستمک اون ایکی یاشنده برنوجوان پرهنگ و صاحب معارف  
 نوغلی اولوب کبار اغواندن بری کندویه اوغول ایدنخس ایدی قضا ایل  
 مجلسه حاضر بولنوب هر چند که اغوانلر شفاعت ایدوب تخلصی باند  
 میر محمد نیازمند اولدیلر رجاری قرین قبول اولمبوب اول نور سید  
 جوان پرهنگی دخی قتل ایتدیلر پس بو طریقه قزوین و قعه سی  
 ظهورندن اغوانیانه واقع اولان وحشت و دهشت بر مقدار دفع و رفع  
 اولوب قلوب اغوانه نوعا امنیت حصولیله یوزلرینه ابراحت سریلدی  
 و مقتول اولان قزلباشلرک لاشه لری شاه سرانی اوکنده میدانه بر اغلدی  
 بوکادخی قناعت اولمبوب مقتول اولانلرک اولادلری ارانوب و شهر  
 اصفهانده کوزه کورینوب جنکه قادر اولان قزلباشلر اخذ اولنوب  
 قتل اولندی اندرون سرای شاهیده پرورده اولان ایکی یوز نفر مقداری  
 عجم خان زاده و کورچی بیک زاده لر پنه دبلد کلمری محله کیمکه رخصت  
 ویرلوب هر بری بر جانیه باشن الوب کتمک ملاحظه سیله شهر دن طشره  
 چقد قده قفادن اغوانلر تعیین اولنوب قتل اولندیلر و دورت بش کون  
 ایچنده اغوانلر حوالی شهری گشت و گذار ایدوب قزلباشلردن  
 بولد قلمری ایش ارلری و سوز صاحب لری و جنکه قادر اولنلر پنه امان



ویرمیدوب قتل ابلد بلر رجال عجمدن انجق بکرمی بش نفر کسمه فی  
 صاغ قوبوب باقیلری استیصال اولندی و بوند نصکره اعتماد الدوله  
 دخی اطفیله معامله برطرف قلوب کند و سندن عنقیله یمش بیک  
 تو من اچیه طلب اولنوب تحصیل اولندی و بالحمه مقتوللرک اموال  
 و اشیارلری مصادره اولنوب درخزینه قلندی اشبو قزوین و قعه سی  
 سیمه سی اولان مقتل عظیمه متواری خاک هلاک اولان قزلباشلرک  
 عددی بالحمه جنک کرده قتل اولنلارک عددینی اشدی و اغوانلرک  
 دخی جمع اموال سودا سنه وادخار خزینه هوالرینه باعث و بادی بو  
 اولدی و افراد قزلباشلر برفر ده من بعد برطر بقیله اعتماد یابی بو محله  
 محکم سد و بند اولدی گفتاری پند امیز سیماح ای دل بیکانلر در دین  
 گوروب شاد اولمه دشمنک بلاد کوروب مغرور اولمه بو کون بکایارین  
 سکا مضمونن او تبه بو چرخ فلکک اقبال وادبارینه اعتبار ایتمه نه سعد نه  
 وفایونه محسند بقار بنهار بر در او حالنه طیمه بنده سی اولدوغک دولتک  
 دکل مهمانی اولدوغک کسمه نک زوالن کورمه ای کوکل عاقل ایسک تماشا  
 ارزو سیله بو بله رهنکامه قیامت نشانده بولنه ولی نعمتندن رنج و الم  
 کوردک ایهده زوال دولتن تنی قلمه مرد اول نفاق و شقاق و خیانتی  
 ارتکاب ایتمه اشنادن بیکانه بکایکدر دیمه قصور اعمالک و سوء افعالک  
 تحتند سکا حقندن مقدر اولان جزا دشمنک الیله رتیب اولنق ارزو سندن  
 اولمه جرم و جنایتک ابله دشمن و بیکانه نک پیخه قهرینه و دست بی  
 رحمنه کرفتار اولوب ولی نعمتک فندک استنک الینه دوشمکی سکا نعمت  
 عد ابله دوست النندن سم و حنظل دشمن النندن و سکر عسل تناولندن  
 سکا اولی شمار ابله احوال عالم کون و فسادی چون بو مرتبه ده بحر به  
 قلدرک

قلدرک طبایع ناسی اختلاف اوزن بولدرک مالک غرب خاقینی قتل نفوسه  
 اتق و ارحم اجناس عثمانیانی انعام و احسانده اچود و ارحم اهالی شرقی سفک  
 دماده خلف و عدده لاف و کذا فده ابلع و اغلب بلدک بونجه امور عظامی  
 چون بالمعاینه کوردک حسب حالک فهم وادراکه برابینه مجلا بولدرک من  
 بعد عاقل ایسک دعای دوام استغالیله بولندغک دولتک قدرنی بلدک  
 رفیع شدن قدر اغوان و تعیین حدود و مراقب در میان ناس بوندن  
 صکره میرمچود کند و اجناسی و عسکری اولان اغوان طایفه لرینه رفیع  
 قدر و تعظیم شان و اعتبار طریقه دخی نوازش خاطر لرینه رعایتلر  
 مراد ایدوب منادیلرندا ایتدردی مالک ایرانده و باخصوص شهر  
 اصفهانده واقع اولان طوایف مختلفه من بعد اغوانلره اکرآمده  
 مراسم تعظیم رعایت و اغوانلره مصادفت ابلد کلری محالرده ایاغه  
 قالقوب و قارشولرنده قائملر اولوب وال بغلیوب بوللرده دخی قالدرمدن  
 اینوب تعظیم ایله پول و یروب هر حالده لازم کلان اکرآمده قصور  
 ایتیمه لر دیونتیبه ابلدی و اجناس ناسک هر صنفینه مرتبه ده حد تعیین  
 ایدوب جمله نک رتبه ده اعلی و اقدمی اغوانیان ثانیان در کر بنیان ثالثا  
 ارمنیان رابعاهنددن کلان منتانین خامسا اتش پرستان سادسا  
 یهودیان سابعار فاضیان که جمله دن ادنا و احقر اولق رتبه سنه تنزیل  
 مراد اولنوب صورت و سباق مرقومه حفظ و صیانت اولنق محکم تنبیه  
 اولندی ندارک کردن ذخایر برای اصفهان بواشناده شهر اصفهانده  
 واقع زاد و ذخیره قلت بولوب خلقه مضایقهال و یردی پس میرمچود  
 فکر و ملاحظه و رجالیله مشورت ایدوب نصر الله نام خانی اوج بیک  
 کز پدا اغوانله چته لر تعیین ایدوب کوندردی مملکتی کشت و کذا ر ایدوب  
 اطاعت ایدن بلاد و قری خلقه فی علی حالهم ابقا



وقری اهلنه را وی و یروب اصفهانه بر مقدار زخیره کوندون لرو اطاعت  
ایتمندلر اهل پس قتل و اموال وارز اقلری نهی و غارت ابله لرد بفرمان  
ایلدی منوال مشروح اوزن نصر الله خان اصفهان دن چقوب همدان  
جانبلرینه متوجه اولدی نجه نجه بلاد قری اهل پس اطاعت ایدوب  
رای ویرلدی و ذخیره و یروب اصفهانه کوند رادی نجه لری دخی عناد  
و مخالفت و مقاومت مباشرت ایدوب قتل و اموال وارز اقلری یا غما  
و غارت اولدی و نجه لری کوندولرینه کمال مرتبه ده استحکام ویرمش  
یونمغله ظفر میسر اولمیوب علی حالهم ترک اولندی همدان قریبند در کزین  
نام شهره وارد قلمرنده اهل پس استقباله چقوب نصر الله تبریک قدوم  
رسمن اجر او کوندولری تابع اولدیلر شهر مزبور نکه اهل پس سنی مذهبلر  
اولوب شاه عباس عصر نکه موصل حواله پسندن اجلاوی وطن و همدان  
نواحبسند همدان اسکان اولمشلر ایددی نصر الله خان در کزینده بر قاج کون  
مکت ایدوب انلردن دخی الی بیک عسکرند ایدوب ایدوب طقوز بیک  
عسکر ابله همدان حواله پسند ه غارت مباشر اولدی اطاعت ایدنلره رای  
و یروب مخالفت کوندولر ابله مقاتله و مغلوبی اولنلری قتل و اموال  
اشیالرینی یا غما واپکی بیک قزلباش عسکر بله شاهک هر کله سنه راست  
کلوب بر مقدار مقاومت نکره قزلباشلر مغلوب اولیحق هر کله بی لارندن  
الوب کزینلری میرمچوده کوندردی النان بی حد و بی حساب حیوانانندن  
و اموال غنیمتدن ماعد الی بیک دوه یه ذخیره تحمیل ایدوب بوجه  
عسکر ابله سکسن کون مقداری زمان مرورنده اصفهانه کلدی بر قاج  
کوند نصکره عسکر تعیین اولنوب یوز بیک نفوسدن مجاوز در کزین  
اهل پس اموال وارز اقلری بله اصفهانه نقل و شهر مزبورده صاحب سر  
اولان

اولان خانه لرده اسکان ایلدی و انلره مراد لری اوزن نجه نجه املاک دخی  
توزیع و تحلیک ایلدی بوجه نفوس اصفهان ایچنده غایب اولوب هیچ  
عدم و وجود لری معلوم اولدی و بینه شهرک اکثری محالری خالی قالدی  
مشورت کردن اغوانیان برای ندرک عسکر بوندن بوبله اصفهان شهری  
محافظه سنه در کزین اهل پس کفایت ایتدوکن میرمچود ادراک و اغوان  
عسکرینک دخی کزینده سی بوجه وقایع تقریبده تلف اولوب اشد احتیاج  
ایله عسکر جدید و اصفهانی طولدرمغه بوجه خلقه محتاج اولد قلمرین  
ملاحظه ایدوب پیرو دانی لری اولان ارباب استشان ابله بوباید مشورت  
ایتدیلر و خلاف چنسلری و عدوی دینلری اولان عسکر و خلقه دخی  
اعتماد کلی ممکن اولمیوب مهمال ممکن کند و چنسلرندن عسکر و رعایا  
و بریانداری اهنامنده اولدیلر و اصفهان شهر بیک انا فانا محافظه سی  
عسکر وافر وجود بینه محتاج اولد و غندن غیری بر طرفدن دشمن ظهور  
ایدر احتمالیه بوا مر واجب لاذعانده تا خیر و قانی مناسب کور لمیوب  
قند هار جانبلرینه عسکرنداری ایچون عجاله تعهد کسندلر کوند رملک  
مناسب کورلدی و میرمچودک ایشکلر اغاسی اولان عبدالله اغانام کسند  
انتخاب اولنوب هدایای کثیره و خزیننه و افره ابله قند هار ارسال اولندی  
وصول بولدد قند ارسال اولنان هدایای تسلیم نصکره عسکر تحریرینه  
مباشرا وادی از زمانده مراد لری نه موافق اهل و عیالار بله معال اصفهانه کلک  
اوزن وافر اغوان تحریر اولنوب حاضر و اماده قلندی صغار و کبار و ذکور  
وانات مجموعی او توز بیک دوه یه تحمیل اولنوب بر بلوک عسکر ابله اغای  
مرقوم ابله معاسلامت بله اصفهانه واصل اولدیلر بعد قند هار خلایق



گروانیه کوچوب و یانلرینه برر مقدار اغوان عسکری قوشلوب اصفهانه  
 کلمکه باشلد بلرگاه اون بیک دوه وگاه بش بیک دوه ابله الی بدی دفعه ده  
 وافر خلق کرب نهاییه تنه میر محمد وک والد سی دخی اوج بیک دوه دن  
 مرتب کار بان ابله دوه یه سوار اولمش اصفهانه کلدی بوسورت اوزن کلان  
 کار بانیله برر بلوک عسکر کلوب میر محمد وک عسکری کفایت مرتبه سی  
 وفرت وادی انجق اغوان یقینه بخشش وهدایا عادی و عسکره متعین  
 علوفه نظامی جاری اولمیوب کلان عسکره برر طرف ککوستروب  
 وارک فلان محلی فتح ابدک اطاعت ایتمز لایسه قتل و غارت ابدوب غنیمت  
 الوک دیوب بو طریقه اغنا ایدردی خزینه سندن بر فرد بر حبه ویرمزدی  
 تدارک اغوانیان برای فتح و تسخیر بلاد در حوالی اصفهان میر محمد وک  
 عسکری وفرت بولجه کند ولرینه هجوم اعدا دن نوعا امینت کلوب قلوب  
 عسکره دخی قوت کلدی بر مقدار نظام و انتظام عسکر دن صکره تضییع  
 اوقات و اکور میوب عسکری ایش ایله مشغول قلمق مصاحبت عدا ولندی  
 چون طهماسبک احوالی پریشان اولوب عجم طایفه سی ککند و سینه  
 عسکری از لغمه رغبت ایتمد کاری اغوانک معلومی اولمش ابدی اول جانبدن  
 چندان خوف و اندیشه قالمیوب اصفهان حواله سندن واقع بلادک  
 تسخیری تدارکی کورلدی و زبردست نامنده بر خان سر عسکر تعیین  
 اولنوب بر مقدار عسکر ابله تسخیر بلاد تعیین اولنوب قرب اصفهان اوج  
 ساعت مسافه مقداری یرده واقع کز نام قصبه فتنه عازم اولدی قصبه  
 مزبونه وافر قزلباش تجمع ایدوب اطرافه عمیق چند قلر و طوپراقدن  
 قوی بدنلر ابله استحکام و یروب وافر زاد و ذخیره دخی تدارک ابلر ابله

اغوانلره

۷۸ اغوانلره اطاعت ایتمیوب مقاومت اقدام ایتمد بلر عاقبت لاغم ابدوب  
 یوریشیله ابدلر اندن ینه قرب اصفهان واقع بن اصفهان نام قصبه یه  
 وارد بلرانی دخی محاصره ابدوب عظیم جنک لرایتمد بلر قصبه مرقومه ده  
 مجمع قزلباش غایت ابله کثرت اوزن اولد و غندن غیری مقدمه دخی اغوانلر  
 جانبندن دفعاتله کند ولرینه تعرض سبقت ایتمکله کند ولرینه غایت ابله  
 متانت ویرمشلر ابدی بود دفعه محاصره ابله طغر مپسر اولمیوب عاقبت  
 کعب تعبیر اولنور اتش برستلری کتوردوب لاغم امرینه مباشرت و یوریش  
 تدارکی کورلدی لاغم ابله بر طرف اچلوب عسکر اغوان یوریش اوزن ابلکن  
 قزلباشلردن ادملر کلوب امان دبلد بلر سر عسکر اولان زبردست  
 خان دخی فی الاصل بن اصفهانی اولوب قصبه مرقومه اهل بسنک سلامتی  
 عمده مافی الضمیری اولمغله شروط و قیود ویره متانت اوزن عقد  
 اولنوب قصبه مرقومه ضبط و ایچنده بولنان زاد و ذخیره اصفهانه  
 نقل اولندی میر محمد وک خبر واصل اولد قد فی الاصل قصبه مزبوره  
 قزلباشلرینه عداوتی زیاده اولمغله ویره ابله انوب ککند ولرینه امان  
 ویرلد یغندن خط ایتمیوب من بعد وسیله انتقام اولمق ایچون بر تهمت  
 ابله متهم قلمغه چوق سعی ابلدی قزلباشلردخی حالدن خبر اولوب اغوانک  
 عجیز و جفالرینه حمل ابدوب هر درلونا شایسته حرکتلری حضم  
 ایتمد بلر و بر درلوتهمت و بهانه و علت طرفلر ندن ظمورده عظیم تحاشی  
 ایتمد بلر و بوائنده لطف علی خان اصفهاندن فرار ابدوب بن اصفهانه  
 داخل اولمغله قزلباشلر اخذ و قید و بند ابله میر محمد وک کتوردوب تسلیم  
 ایتملر ابله صداقت اوزن اولد قلر بنی اثبات ابدوب میر محمد وک مرقوملرک



حقنه اولان نارغی بو تفریله برمقدار سکونت بولدی فرستادن عسکر برای  
فتح شیراز میرمجد نصرالله خانی بنه سر عسکر نصب و تعیین ایدوب اوج  
بیك اغوان والی بیك درک زین عسکر یله شیراز فتحنه تعیین وارسال  
ایلدی خان مرقومه انشای راهه مرور ایلدی وکی قصبات وقری اهاالسی  
اطاعت ایدوب برحمله مخالفت کوسترمد بلر و فی الاصل نصرالله خان  
هندستانه کعب طایفه سندن اولوب عجم ایچنده شجاعت و بهادر ایلله  
شهرت بولوب اغوانلر پیننده بختی کشاده بلدرم خان دیکله معروف  
اولمش ایدی حتی اصفهانک محاصره سی اناسندن اصفهان امدادینه طشردن  
کلان قزلباش عسکر یله اغوانلر پیننده اون ایکی دفعه صواش واقع اولوب  
یدی دفعه ده اغوانلر غالب و بش دفعه ده مغلوب و منهزم اولمشلر ایکن  
نصرالله خان امدادلر بنه پشوب وسیله سلامت و باعث ظفر و غلبه لری  
اولمش ایدی و کندیوسی سر عسکر بولندوغی جنگلرده مغلوبیت  
وانهزام طرفلر نده وقوع بولمیبوس سندن اغوانلرک معتقدی و مسند  
غلبه سی اولوب قزلباشلردخی کند و سندن خوف و خشیت اوزن  
اولدقلری اعتقاد یله خان مرقومه عظیم ازایت و غرورال و یرمش ایدی  
بو حال اوزن فتح بلاد ایدرک طقوز بیك عسکر یله وقتاکه قرب  
سیرازه وصول بولدی شیراز اهاالسی دخی سائرلره قیاس بلا توقف  
شهر و قلعه شیرازی اغوانلره تسلیم ایدرلر امید و اعتقادنده ایکن عکس  
قضیه ظهور ایدوب اهالی شیرازی حرب وقتاله حاضر و مقاومتیه آماده  
بولدیلر و هماندم مدافعه یه اقدام ایتدیلر نصرالله خان قزلباشلرک  
بو گونه حرکت و جسارتلرینی کوریکک کند و سنده غیرت ال و یروب

و در حال

۶۸ در حال عسکرینی ترتیب و تنظیم ایدوب یوریش ایلدی و شدت  
و کرمیت اوزن طرفیندن جنگ اوله رق شهره تقرب ایتدیلر خان  
مرقومک ايسه غیرت و شجاعتی حسن ندیرینه غالب اولمغله جبهه  
عسکرده بولنوب دانه توفنک اصابتیله انداخته زمین تلف اولدی  
اغوانلر سردارلرینک زمین هلاکک غلطان اولدوغن کوروب  
مجوملر نده اقدامدن ادبار و مقابله دن روگردان اولوب سردارلرینک  
نعمتیه رجعت و برمقدار کیر و چکلکده بر حواله دیوارینه سپر لنوب  
طو و دیلر واللر نده بولنان قزلباشلرک جمله سن شیراز لویه قارشو قتل  
و بو حال ایلله اوزاقدن بنه محاصره امر بنه اقدام و کند و لرینی محافظه یه کمال  
اهتمام ایدوب واقع حالی اصفهانده میرمجدوده عرض و افاده ایتدیلر میر  
مجد نصرالله خانک شهید اولدوغن اسماع ایدیکک غایتله ملول اولوب  
ماتملر کیدی و برمصنوع بر به بنا اولنوب نعشه سن نقل و انده دفن اولنق  
اوزن نذیمه و ایکی تربه دار نصب ایدوب اوقاف تعیین ایلدی وزیر دست  
خانی نصرالله یرینه سر عسکر تعیین ایدوب عجاله عسکره کوندردی  
نصرالله خانک فوتی خبری شیوع بواجق معرفتیه اطاعت ایدن بلاد  
و قری خلقی بنه جمله عصیان ایلدی زبردست خان عسکر اغوانه وصول  
بولدقه مشته و نمادی جنگلر اولوب شیرازه ظفر مقبر اولدی زیرا  
شیراز خانی عاقل و مدبر کسینه بولنوب شهر شیرازه کمال مرتبه استحکام  
و یروب زو دود خایر و عسکرده کرکی کی ندرک ایلله صرف مقدور ایلش ایدی  
حتی قبل المحاصره مسکت قارشو سندن سوا حل بحر فارس ساکن قبایل  
عربدن الحاجی عبداله باقی نام خانه و افراچه کوندروب برمقدار عسکر یله



استنداد رجاء پلش ابدی ولد دخی الثمسی اوزن شیراز آمد دینه وافر عسکر به  
 کلکی متعهد اولمش ابدی شیراز خانی واهالپسی الحاجی عبدالباقی خان متعهد  
 اولدوغی اوزن امداد لینه کلور امید به سکر ای مقدار مدت شد ابدی  
 محاصره یه تحمل واغوانلردخی بویا آمد جنک وجد الله کریمت اوزن  
 حرکتدن خالی اولموب عسکر لری نصف مرتبه سی تلف اولمش ابدی  
 ونصر الله خانک شهادتی تقریه به مقدمه اطاعت ابدی بلاد وقری اهلپسی  
 دخی عهد میان ابدوب اغوانلر زاد و ذخیره ده مضایقه اوزن اولمشلر ابدی  
 برکون اتفاقا وقت عصر ده الحاجی عبدالباقی خان النبی بیک عرب و بر مقدار  
 فزلباش عسکرین جمع ابدوب بی حساب ذخیره ابله شیراز آمد دینه  
 کلکوردیو اغوانلره خبر کلدی سر عسکر زبردست خان بو خبری اشد یجک  
 سکر بوز اغوانله فی الحال اتلغوب قارشو واردی و بر محله شیراز آمد دینه  
 کلان عرب و عجم عسکر به ملاقی اولوب رستمانه جنک ایتدی و عجم  
 عسکر بنک چوغی طعمه شمشیر اغوانیان اولوب ایکی یوز نفر مقداری  
 عرب ابله الحاجی عبدالباقی خان میدانده قالدی خان مرقوم دخی غیور  
 و جسور و شجاع و بهادر کسینه اولمغله بو حال ابله مقاومتدن بوزد و ندموب  
 عاقبت اولدخی قتل اولندی بازار کارکنر قتال کاسد اولمغه زبردست خان  
 مهمات و ذخایری اغوانلر آورد و سنه نقل ابدوب جمله سی غنی اولد بلر وادم  
 کوندروب شیراز خلقنه واقع حالی بلند بلر ایام محنت و نایب بالغ اولوب  
 چون طول محاصره شیراز اهلپسنه مضایقه و یروب زحمته کرفتار  
 اولمشلر ایدی و امداد لری امید دخی بو یوزدن یا سه مبدل اولدی  
 غیری شهر شیرازک اغوانلره تسلیمی کند و لینه مصاحت کوردندی

خان

خان واعیان شیراز و سائر ایش ارلری اتفاقیه خانک قرنداشی ویره  
 موادی مکالمه سنه طشره کوندردی چون اغوانیان شیراز اهلپسنک  
 کمال مضایقه سنه و قوف نام تحصیل ابلشلر ایدی شیراز خلقنه امان  
 و یرمکه میل و رغبتلری اولد و غندن کلن ادمه جوابی عوق و تاخیر  
 ابدوب برکون خجاء یوریش ابله شیرازی اخذ و ضبط ابلد بلر سر عسکر  
 مرقوم شهره ظفر مبر اولد قده اموال وارزاق ناسر یا غمه و غارت اولنسون  
 دیو اغوانه اذن و رخصت و یردی انحق قتل نفوسدن احتراز ابدی  
 دیو محکم تنبیه ابلدی وجه مشروح اوزن شهرک ضبطی مبر اولد قده  
 نجه فقرانک اچلق ابله هلاک اولدوغن کورد بلر و بر عنقا محتملر باز رکانک  
 انبارند مجموع شیراز خلقنه اوج ای مقداری زمان کفایت ابدی جنک  
 بغدادی بولندوغن زبردست خانه خبر و یرد بلر صاحبی بولد و بر نچون  
 یو فقرایه بغدادی اتفاق ایتدک دیو عتاب و حبس ابدوب اچلق ابله هلاک  
 مرتبه سی تعزیر ابلدی شهر ضبط اولد قده بر مقدار محافظ تعیین اولنوب  
 باقی عسکر اطرافه چته لره تعیین اولنوب کوندردی دورتیو ز مقداری  
 افوان بندر عباس جانبینه راهی اولوب مرو و ایلد کری بلاد وقری اهلپسنی  
 اطاعت ایتدردوب حاله و حاللر نجه بر مقدار ماللرین الوب بندر عباسه  
 وارد بلر محل مزبور اهلپسی اغوانلرک کله جکی اشد یجک اموال وارزاق بلر  
 سفینه لره سوار و هر مز جزیره سنه کو چد بلر بندر عباسه انحق انکار  
 و فلانک اچیلری توابعلر به قالب اولدوغی اولرینک اطرافنه چند و لک  
 کسمک ابله کند و لینه استحکام و یروب جنکه حاضر اولمشلر ایکن اغوانلره  
 مستقبل ایچون ادم کوندرد بلر قزلباشلر اموال وارزاق بلر هر مز جزیره  
 سنه نقل و کند و لری اچیلک تقریه اول دیارده مسافرنه اقامت اوزن



اولد قلر بنه خبر وورد گزند اغوانلر تعدی و دست دراز لاق ایتمیوب بر مقدار  
 ما کولات و مشرو با نیله اکتفا ایدوب رجعت ایلدیلر ولکن اثنای  
 طر بقلر نده کند ولر بنه خسته لك اصابت ایدوب اللی نفری سلامت ایلله  
 عودت باقیسی یولده وفات ایتدیلر سر عسکری فریدون خان از جانب  
 طهماسب و عزیشش با یالت بریه قزوین معارکه سفدن صکره طهماسب  
 ینه تیر یزدن قالقوب گاه قزوین و کاه طهراند مکث و اقامت و گاه  
 حوالیلر نده کشت و گزار و مهما مکن عسکر تدارکندن حالی اولمیوب  
 شیراز شهری اغواندن محاصره اولندوغنی اشمنش و بلش و الحاجی عبد  
 الباقی خالک شیراز امداد ینه وارمق ایلله متههد اولدوغنی معلومی اولمش  
 ایدی پس اغوانلک بر فرقه سی شیراز جانبیلر بله مشغول ایکن برورده  
 بر مصاحت کور بلور ملا خطه سیمله سکزی بیک قزلباش و بر مقدار  
 شته سو نلو و سائر درنی بکرمی بیک مقداری عسکره فریدون خانی سر  
 عسکر نصب ایدوب جوار اصفهانده بریه یا ائی اوزر بنه کوندردی و بو گونه  
 نذیمه و تومیه ایلد بیکه اول یا لته وصوله عجله ایدک زیرالحوالیله نجه نجه  
 بلاد و قری هنوز اغوانلره اطاع ایتمیوب انلردن دخی ممکن مرئیه ده  
 عسکر تحریر و جمع ایدک بعد کل یکند فام شهره واروب انده مکث ایدک  
 و شهر مزبور ریلده عظیمه اولوب اطرافده واقع قزلباشلار انده مجمع  
 و چند قلر و دیوارلر ایلله کند ولر بنه عظیم استحکام و یرمشار در و شهرک  
 انباری و ملق اهن شهره بر ساعت مقداری مسافه ده قلعه مثل و طویر اقدن  
 خند کلر و دیوارلر ایلله محاط بر حصار یا یوب ایچنه عسکر و ذخیره  
 یغمشار در بو تقریبده اول جانبیه کلان اغوان بلوکار بنه غلبه  
 اقتدارین تحمیل و وافر اغوان تلف ایلدیلر در طهماسبیک ایسه دو گونه

ند بیرده

۸۱ قد بیرندن مرادی بو اید بیکه سر عسکر مرقوم محل مز بورده اقامت و تحصن  
 ایدوب شهر اصفهان اطرافنه اول محلدن پیایی عسکر کوندن و بو تقریبده  
 اغوانی نجیزدن خالی اولمیوب میر محمود عاقبت غیرته کلوب و بالذات  
 اخذ انتقام سودا سنده و شوب بونلرک اوزر بنه حرکت ایلله اصفهان  
 شهر بنی خالی قویه و بوضورتده اغوانلک بر بلوکی شیرازده و میر محمود  
 دخی اصفهاندن اوج دورت قوناق مسافه ده بو لفق صورتده طهماسب  
 مترصد فرصت اولوب کند و عسکر بله اصفهان شهر بنه دخول فرجه  
 بوله و شهری بو تقریبده ضبط اید میر محمود و نوب شهره قصد اید و سه  
 فریدون خان در قفا اغوانی اشغال اید و شیرازده دخی عبد الباقی خان  
 اغوانلری اشغال ایدوب بو تقریبده پینلر نده افتراق واقع اولوب بری  
 برلر بنه امداد و اعانتدن عاجز اولد قلری حالده طهماسب تمشیت مافی  
 الضمیر ینه سهولت بوله پس اشبو مصمم اولان صورت قوندن فعله کلک  
 ملا خطه سیمله فریدون خان عسکر بله صوب مامور بنه راهی اولدی  
 ایالت مرقومیه وصول بولد قده نجه نجه ارامنه قریه لری اغوانلره اطاعت  
 ایش و کند ولر بنه طرفلرندن رای و یرلمش بولندی ایش ارلری و سوز  
 صاحبیلر بنی کتوروب نچون اغوانلره اطاعت ایتد بکزدیو الی یوزدن مجاور  
 رعایا کله سنی قلعه ایدوب طهماسبه کوندردی و اغوان کله سیدردیو  
 عرض ایلدی بو اثماده الحاجی عبد الباقی خانلک انهرامی و شیرازک اغوانلر  
 الینه گرفتار اولمشی خبری کلوب فریدون خانلک اورد و سنده داستان  
 اولدی و سمع طهماسبه دخی حقیقتی اوزن لاحق اولدی بو خبر موخشی  
 کرک طهماسبیک و کرک فریدون خانلک همملر بنه فتور و عزیتلر بنه



قصور و کسور کتور و ب عسکر لینه دخی وحشت و دهشت ال و یردی  
طهماسب و فریدون بو حالت حیرت اشتمال تفکرند ایکن میر محمود  
بنفسه اصفهانند وافر عسکر ابله حرکت و فریدون خان صوبه  
سرعت ابلدی فریدون خان دخی میر محمود ک بنفسه حرکت و عزیمتن  
خبر الحق اندیشه یه واردی و عسکر بنی جمع ابدوب حاضر و آماده قلدی  
و کندوسی بر پوکسک یره چاقوب میر محمود ک عسکر ک کثرت اوزن  
و حرکت شدت و کرمیت اوزن اولدوغن مشاهده اید یجک دروننه  
خوف و هراس عارض اولوب قفای عسکره توجه برله فرار سمجن  
کوستردی خان مرقومی عسا کر قزلباش قفاده کور یجک قراری فران  
تبدیل نیتند اولدوغنه حمل ابدوب جمله عسکر قزلباش جنکه مباشرندن  
فی الحال روگردان اولوب فران یوز طوند پلر میر محمود ک عسکر قزلباش  
عسکر بنی فرار ایش بولد قلرند کل پکنند شهر بینه قصد و یوریش  
ایتد پلر لکن شهر مزبوره کمال استحکام و یر یلوب اطرافنه بعید القعر  
خند قلر قازیش و خارجند بر یوجه دیوار بنا اولنش بولند و غندن  
اغوانلر ک شهره دخولنه حایط مرقوم سید سید مقامند مانع حاجز  
اولدی چون اغوانلر ک جنک ابله ما اوف نیمون غرق اولمش بر معل فیالری  
وار ابدی دیواری فیله یقدر و ب ثله اچد پلر و اول ثله دن هجوم ابدوب  
شهری کل پکندی فتح ابدوب درونند موجود قزلباشلر ک اکثرین طعمه  
شمشیر قلد پلر و در عقب شهر مزبور جوارند قلعه مثالو بنا اولمان جمع  
ذخائر و محل تحصنلری اولان حصار لینه توجه و محاصره برله مضایقه  
و یرد کارند درونند موجود قزلباشلر امان دیوب و یره ایتد پلر میر

محمود

محمود دخی و یره لر بنی قبول ابدوب حصاری اخذ و قزلباشلره مال ۷۲  
و جانلر بله امان و یروب سلامت بولد پلر فریدون خانک انهمی کام کند  
شهر بیک قهر بله فتحی حصار ک ضبطی و الحاصل بو وقایعک مجموعی  
اوج ساعت مقداری زمانه تمام اولدی اطاعت کردن اهالی کشان بو حالی  
اطراف بلاد خلقی مشاهده اید یجک نجه لری طوعا اغوانلره اطاعتی  
معقول و مناسب کور و ب کند ولری تسلیم اولدیلر ایالت مزبوره واقع  
کشان شهری اها لسی دخی بورائی حسب حال لینه مناسب عدا ابدوب  
و افر هد ایا ابله میر محموده ایچی کوندرد پلر و شروط و قیود و یره یی تحریر  
ابدوب کوندرد پلر میر محمود دخی و یره لر بنی قبول و کند و بنفسه کشانه  
واروب اخذ و ضبط و کفایت مرتبه سی محافظلر نصب و تعیین ابدوب  
جانب اصفهان روان اولدی اصفهان داخل اولدوغی کوند عظیم الابلر  
قور یلوب اوج کون دخی دو نماوشنلر کرا یتد پلر و بوند نصیره میر محمود  
بر جانب حرکت سودا سنند اولیوب من بعد اصفهان اقامت عزیمتنه  
قرار و یردی وقعه امان الله خان میر محمود ک خان اولی اولان امان الله خان  
اغواندن اولیوب میر محمود ک او ابل حکومتند سرحد هندستاندن  
کابل نام شهر دن قندهار کلوب میر محموده انساب ابدوب و کتخداسی مقامند  
اولمش ابدی مرقوم امان الله عاقل و کامل و جنک امور ند غایت ابله مدبر  
کسنه اولوب میر محمود ک عجم دیار بینه بو مرتبه ده تعرضنه و بو کونه امور  
عظامه وضع ید و مباشرت باعث و بادی امان الله خانک رغیبت و توصیه  
و تربیه سیله اولمشدر حنی هنوز کرمانه حرکتلرندن اول میر محمود ابله  
امان الله بدینند جاری اولان عهد میثاق بونک اوزر بینه جاری اولمش



ایلدیکه صوب مراملر بنه حرکت ایلدکاری کوندن حصول مراملری  
 وقتنه دکن عجم دیارندن کسب و تحصیل قادر اولدقلری اموال و اشیا  
 هر نه دکلر اولور سه نصی میر محمودک و نصف اخری امان الله خانک اوله  
 برکون میر محمود ایله امان الله خان بریره کلوب محبت و سلفه وقوع بولان  
 بعضی احوال لر بنی در خاطر و مکالمه و مذاکره اثنا سنده امان الله مایه نلر نه  
 واقع میثاق و عهد سابقه یی یاد و ندکی و میر محموده بو گونه خطاب  
 ایلدیکه جناب خدای متعال حضرتلری بزم کی عاجز لره خاطر و فکر یزه  
 کلیان وحد و وظیفه مزاولیان امور عظامی محضی عنا بنندن فتح و تسخیر  
 ایلدوب بو نعمت عظمایک شکر و نشری و هر حاله حقوقک احقاقی  
 و عدل و انصاف قانونلرینک احیاسی اوزر یزه فرض منزله سنده  
 اولوب دوام و قیام سلامت بوجمله یه رعایت ایله مقدر اولوق امر محققدر  
 بوبله اولدقد مبادی مباشرت اموره مایه نلر نه واقع عهد و میثاقه وفا  
 ایلدوب لطف حق ایله قبضه تصرفه وصولی مپسر اولان اموال غنائیک  
 و ممالک و افره نک نصی بنم حق صریح اولوب میثاق و عهد یز مقتضا سنجه  
 طرفه تسلیم اولوق مطلوبدر دبدکه میر محمود بو کلامدن غایت  
 انکسار خاطر ایله مألول اولوب فکر و اندیشه یه واردی و امان الله خانه  
 خطاب و عتاب ایلدوب بو قدر انه کیرن مال کثیر ایله اکتفا ایلدوب بنم  
 مال و ملکده شرکت سود اسندن فراغت و بودعوائی من بعد فراموش  
 ایله دبدکه دفع مجلس قلوب امان الله خانه سنده کیتدی و در عقب  
 شاهلر صرغ و جنبه تقلید بر صرغ و ج یا پدروب باشنه کیدی و کمال  
 تهورندن نه اید جکنی بلیموب میر محموده جواب کوندردیکه چونکه عهد

وامانه

وامانه و فایتموب خلف ایتدک بن دخی من بعد سنک خدمتده اولم  
 وفی الاصل سنک قبیلمندن دکام هندستان پادشاهی توابعندم سنک  
 بکار در او حکمک جاری دکلر و شمد نصیره توابع اولان عسکر بنی الوب  
 و طنم اولان کابل کیدرم دیوب بر قاج کوند نصیره کابل اطرافنده اولان  
 عسکر دن ابکی بیکدن مجاوز عسکر ایله اصفهان دن قلقوب عازم راه  
 اولدی میر محمود دخی اغماض العین ایدوب امان اللهک کیتدی و کی چندان  
 مهمی اولدوغی صورتی اظهار ایتدی اوچ کوند نصیره امان الله  
 خان کابل سود اسندن فراغت و طهماسبک یاننه عزیمت ایلش دیو  
 میر محموده خبر کایهک میر محموده عظیم خوف و وحشت ال و یروب  
 در حال قیو خلقیه انلره سوار اولوب اصفهان دن طشره اوغرا دی و عجلاله  
 قفادن اون بیک عسکر سرعت ایله کلوک بنشوک دیو نیمی ایلدی چون  
 اغوان عسکر ی سریع الحریکتلر اولوب چاپک سوارلر در وایام خالی ده  
 ترتیب نظاملری دخی حسن صورتیه فراغ اولش بولندی بر ساعت ایچنده  
 حاضر و اماده لر اولوب میر محموده قفادن بنشدیلر و الغار ایلدوب ابکنجی  
 کون امان الله ملاقی اولدیلر میر محمود عسکرندن بلالوج محمد خان نام  
 کسینه امان اللهی کوروب سو قصد یله حمله ایلدی میر محمود بحاله دفع  
 ایدوب و کند و بنفسه دوستانه وضع اوزن امان اللهک یاننه واروب  
 او پوشوب قوجشدیلر بر مقدار عسکر دن ایریلوب خلوت ایتدیلر  
 و میر محمود امان الله خانه نیاز مندانه معامله برله بنی خاک ایله یکسان  
 ایلکی روا کورمه دبو اثنا سلا ریلر خاطرین اله الوب ارضا ایلدی و بنه  
 بیلر نه عهد و میثاق رسمی تجدید اولنوب میر محمود امان الله خانک



عسکرین الوب کنند و عسکر بنه ضم و الحاق و امان الله معتمد کسنه لر  
 قوشوب اصفهان ارسال و عزت و اکرامی کافی الاول کالد اولوب انجق  
 کوزدن ایرمیوب یا نه مخصوص ادملر تعیین اولمق اوزن قائم مقامی  
 اولانه کاغد تحریر ایلدی میرمچو دایسه بو غایله سنی دفع ایلد کده حاضر  
 و اماده اولمش عسکر و افره ایلد بر مقدار بلاد تسخیری ملاحظه سیله  
 بختیاری و اورستان و کوک کیلان مملکتلر بنه عزم راه ایلدی نکته  
 اصحاب فراست و دقت و حقیقت شناس ارباب فطنت تفرسلر بنه  
 کون میرمچو دامن الله خانه غدرو عهد و میثاقده وفادار و چیمینده پایدار  
 اولمیوب بو فحجه امور عظامه مباشرت و فحجه مملکه دن رها و سلامت  
 و میرمچو دك مشار بالبنان اولمسنه سبب و علت مجرد امان الله اولدوغی  
 جمله بی معلوم و مسلم ایکن تطیب خاطر امان الله ایلد اهتمام لازمه امور دن  
 اولمش ابدی سلطنت و حکومت شرکت قبول ایتر دیسه بنه طریق  
 اخر ایلد تطیت خاطر لری ممکن ایکن نفسانیت و بی وفالک و عهد  
 و میثاقده بی ثبات و چیمینده حانت اولمغی ارنکاب ایدوب بو حالت  
 ناسیایسته من بعد میرمچو دك حقنه نخت بر کشته لکنه بادی اولدی دیو  
 اصحاب فراست حکم ایتدی لر فعلی هذا میرمچو دایات اصفهانک جنوب  
 و غربنده و اورستانک اتصالنده واقع بلاد بختیاری بی عزیت و واصل اولمق  
 بختیاری قومی عسکر ندارک و حاضر و اماده بولنوب علی الغفله میر  
 محمودک عسکرینه هجوم ایتدی لر و چوق کسنه لر بی قتل و اموال  
 و اشیا لر بی غارت ایدوب بنه رجعت ایتدی لر میرمچو دایسه غیرت

ال

ال و یروب اندانتقام هو اسيله بونلرک دیار بی کشت و کذا رونه ب و غارت  
 سود اسيله کوک کیلان نوا چپسنه توجه ایتدی اتفاقا بر کچه عظیم قار  
 باغوب میرمچو داول نوا حیدن بر جانیه چقبوب کتمکه مجال بولمیوب هر  
 طرف دن مری اولان طریق لری برف شتا ایلد محکم سد و بند اولمق قزلباشلر  
 فرجه بواوب اطراف و انفاقن احاطه ایتدی لر اوج ای مقداری شدت  
 شتا و صولت برد و کثرت برف سد ممانعت ایدوب اولمق ایلده پابند اختیار  
 اولدی لر هر جانیه جست و جوی صحرای نیمه لدر سرگردان اولمش اسباط  
 بی اسرایله دوندی لر اوج ای مروند قارلار پیوب انهار صغار و کبار طغیان  
 ایلدی قزلباشلر دخی جسر لری قطع ایدوب بو بوزدن دخی عظیم مضایقه  
 و یردی لر حواه نا حواه صولردن یکمکه مجبور لر اولوب چوق اموال  
 و عسکر تلف ایتدی لر بنه سلامت لری حد امکان اولمیوب مکر بختیاری  
 خانی قاسم خان اصفهان النقد قد نصره میرمچو دایه کلوب حدندن زیاده  
 خان مرقومه میرمچو دایه جانندن التفات و اکرام اولمش بوانغله دوستلغه  
 بناء خان مرقوم میرمچو دایه خفیه ادملر کوندروب اولکرداب بلادن اغواندن  
 برفرد ساحل سلامته چقمق متصور دکل ایکن خانک ادملری دلیل  
 وره بر اولوب رها بولدی لر و بالجمله مهماتلر بی براغوب یا لکرا وچ بیگ  
 اغوان سواری و پیاده عریان و بریان اصفهان دوشوب کیچدنک  
 بروقتنک خفیه شهره کیردی لر بو وقعده میرمچو دایه عسکر  
 کند و سندن دلگیر اولوب جمله سی روگردان اولمغله یوز طووش ایدی  
 و نار فتنه اشتعال بوانغله چوق قالماش ایدی میرمچو دایه دخی مهم امکان  
 تطیب خاطر عسکر یله اهتمام ایدوب نوازش خاطر لر بنه رعایت واللی



تومن آنچه چقاروب عسکرینه بخش ایلدی چون بویوزدن عسکر  
اغوانیانه ضعف طاری اولدی اول ایام صیفه برجانبه حرکت ممکن  
اولیوب کندولرین محافظه برله اصفهانه مقیم اولدیلر بعد زمان  
قندهاردن بر مقدار اغوان و همد عسکری کلوب و درگز بنیلردن  
عسکریازوب بر مقدار قوت بولدیلر اغوانک ضعیفی طهماسبه معلوم  
اولوب اولدخی اصفهانه کلک اوزن ندارکن کورمش ابدی لکن طرف  
دولت علیه دن تبریز شهر بیک فتح و تسخیری مراد اولنوب طهماسب تبریز  
امدادنده بولمغی اصفهانه کیمکه و جیح ابدوب اول جانبه عزیت ایلش  
بولندی عزیت کردن میر محمد برای تا دپ اهالی شهر کز بواثناده  
قندهاردن اصفهانه بکی بیک کوچ دوه سی کاورکن اثنای طریق  
کز شهرینک خلقی عصیان ایدوب قارشولرینه چقوب جمله سنی اخذ  
وضبط و اغواندن فحیه کسنه لری قتل ایلدکاری خبر اصفهانه شیوع بولمغی  
میر محمد و اغوان تهون کلوب شهر مزبورک خلقی استیصال اولنوب من  
بعد قندهاردن کلوب کیدنلره قزلباشلردن بر درلومانع قالماق اوزن  
وای و ندیر ایتدیلر بر قاج کوند نصیره اغوان عسکری حاضر اولوب  
کز شهر بینه عزیت ایتدیلر شهر مزبورده واقع قزلباشلر بوار القه حوالی  
شهرده بولنان خلقک جنکه قادر اولنلرینی ایچ رویه الوب بر عظیم جمعیت  
اولدیلر و شهر اطرافنه خندقلر ایله برقات دخی استحکام و یروب  
وافر ذخیره دخی ندارک و جنکه یرامیان صبیان و نسوان و پیران  
مقوللرینی طشره چقاروب طاغمره قاجور دیلر و اطرافه واقع نباتاتی  
اتشه اورب علف و ما ککولات اقسامی بالکلیمافنا ایتدیلر بواثناده  
کعب طایفه سندن بروافر کسنه اتفاقا کز شهرنده بولنوب قزلباشلر ایله  
معاقباتی اقتضا ایتدی طایفه مزبور نك ايسه اغوانلره میل و رغبتی

عجلردن

۸۰ عجلردن زیاده اولمغله میر محمد خفیه ادم کوندروب بکعب طایفه سی  
شهرک فلان طرفنده فلان قیوم محافظه سندن ایزکادی کزده طرفزه کلکه  
سی ایدوک بزرگله جنک ایتیموب قیولری اچه رز دیو خبر کوندروب مشلر  
ایدی وقتا که میر محمد عسکر بله کز شهرینه واردی حوالی شهرده علف  
وما کولاته دائر برشی قالمیوب خراب و بیاب اولمش بولدی چون کعبلرک  
دخی وعدلرینه اعتمادی درکار ایدی رؤساء عسکری احضار و شهر دایرا  
مادار محاصره ایله احاطه اولنوب کتوردیکم ذخیره فنا بولمازدن فتح  
و تسخیره اقدام و اهتنام اولنه دیو محکم تنبیه ایلدی و بونیت اوزن مباشرت  
اولنوب درون شهرده واقع کعب طایفه سی اغوانلره خفیه قیو اچمق  
تدبیرنده ایکن قزلباشلر اطلاع حاصل ایدوب جمله سن قتل ایلدیلر  
و بالذفعات طشره چقوب اغوانلر ایله جنک و جان حقیله اوغراش ایدوب  
و وافر کله و دل الوب غالب کلدیلر عاقبت اغوانلرک بر قاج کون ایچنده  
ذخیره لری دخی دو کتوب بلای قحطه گرفتار اولدیلر ناچار تسخیر شهردن  
ما بوسلر اولوب رجعت و اصفهانه عود ته عزیت ایتدیلر قزلباشلر  
اغوانلرک رجعت عزیتلرنده اولدقلرین مشاهده ایدی بچک صغیر و کبیری  
زنه سی و مرده سی سوار و پیاده سی اغوانلرک اردینه دوشوب بنشدیلر  
مردانه حرکت ایدوب صواش ایتدیلر اغوانلر منهزم اولوب اکثری ائلف  
اولدیلر و بالجمله مهمانلرینی براغوب کیتدیلر بقیه السبوق اولنلر  
بر جزء عسکر اولوب میر محمد ایله اصفهانه داخل اولدیلر ظهور جنون  
میر محمد بوابکی وقعه دندمکه میر محمد فکر اندیشه یه واروب بی حضور  
اولدی غصفی ادرک ایدوب عدولرندن خوف و وهمه دوشدی بخت



برگشته لکنه حمل ایتک غیلله لیل ونهار اگل وشرعی و خواب و راحی ترک  
 ابدوب عقلنه خفت ال ویردی ووهم و سوسه یه تابع اولوب کند و سندن  
 اثر جنون ظاهر اولمغه یوز طوتدی انجامندن شیخلر کتوردوب او قوتدیلر  
 انلردن برینه تسایم اولوب تعالیم و تربیه سیمله قرق کون خلقدن کسلوب  
 و برکوشه انزاده خلوت و جله چکوب ار بعینه کردی شیخک کند و سندن  
 ویرد اولمق اوزن تعیین ایلدی وکی اسم اعظمه مداومت ایتدی بو حالت  
 میرمچوده سبب سلامت اولور ماحوظ و ما مول ایتک برکون جنونی عقلنه  
 غالب اولوب چله دن چقدی و سوسو تکو پوکند و کند و سیمله سوبلشوب  
 طشله و دیوارله و انجلره سلام ویره رک کز مکه باشلدی و یاتنه کلوب  
 کیدن احباب و اشنایه پیه و ده سوزلر سو بلکه و بی معناعتاب و خطاب  
 گفتار بنه باشلدی شیخ یاتندن لیل ونهار ایرلیوب خذ متنه مقدم اولدی  
 و ندما و خد مایه بو حالت نشانی کشف کرامت و اثر مبادی ولایت دردیو  
 جنونی ستر و کتم ایلکه عظیم اجتهاد ایلدی و قرق کون مدتی بو حال  
 اوزن کاه عاقل و کاه جنون ال و یروب چکوردی مدت انزواتمام اولمق یینه بو  
 حالت کند و سندن زایل اولمیب یومافیمو مامرض جنون زیاده اولوب  
 ترقی بولدی قتل کردن و اسنیصالی کردن میر محمد شهنزاد کان عجم میر مرقوم  
 برکون دیوانخانه ده کزینورکن اثنای افکارده اتش تهوری اشتعال بولوب  
 امر ایلد بکه شاهک اولادلر نی و قرنده اشلر نی و سارژ کوردن اولوب خاندان  
 شاهی دن اولان اقربا و پیوند قرابت ایلله شاهلره تعلقلری ثابت اولوب  
 دیوانخانه ده موجود کسنه لری بریره کتوردوب و میانلر ندن قوشاقلر نی  
 چوزوب اول قوشاقلر ایلله الارین اردلر یینه بغلیه لرو بو صورت اوزن حضورینه  
 کتون لر اغوانلر امرینه امتثال برله اولاد و اقر بادن یوز بش نفر کسنه

وشاه

۸۶ و شاه عباس اولاد لر ندن اولوب پیرو اختیار اولمش و شاه سایمان عصر نه  
 کوزلر یینه میل چکلش اوج نفر کسنه بی جمله وجه مشروح اوزن قید و بند ایلله  
 گشان گشان دیوانخانه ده میرمچودک حضورینه کتوردیلر و صف صفا بدب  
 قارشو سندن بطور در دیلر و باشدن باشلیوب اخرینه کلنجه جمله سنک بونی  
 اورلسون دیو امر ایلدی جلا دی امانلر امره میاشرت ایدی چک شهنزاده لرک  
 لالاری و خادم اغاری و سارژ خدمتلر ندن بولنان امکدرلری کیر پیمانلر بن چاک  
 و چاک ابدوب اغلشدیلر پیر صاحب شفقت بواه واهی و فریاد اینی اشدی چک  
 درد مند فی الاصل بیتاق اولمغه لنگ و لوک افغان و خیزان فریاد رس اولمغه  
 سرعت ایتدی و هر چند که میرمچود ایلله سبقت ایدن عهد و میثاقی ذکر و یاد  
 و عهد و فانیاز ایلله نورددیلر لری اولادلر یینه خلاصی ایچون صوت حزین و فریاد  
 غریب ایلله میرمچوده خاکپای اولوب جبین رقیبی زمین مزلته نهاده و سوده  
 قلدی تیرینازی هدف مقصوده اصابت ایتیموب رجا و نیاز ی قبوله قرین  
 اولدی مرقومون اراسندن شاه حسین اولاد لر ندن ایکی کوچک شهنزاده  
 یوانوب پدرلری شاه حسینک صوتن اشدوب کلد یکن کور یچک بیچان  
 معصوملر پدرلری فریاد رسلری اولور امید ایلله قوشوب پدرلر یینه جان  
 اندیلر مجود جانلر ندن اثر مر حمت کور یچک شاه حسین بوزی قویون اولادلری  
 اوزرینه قیانونوب شاه و معصوملر قنار قصابه کیرمش غم ویره کی  
 چاغر شدیلر و شاه حسین بنی قتل ایلله معصوملره قییه دیو فریاد و فغان ایلله  
 یوزین یره سوروب چوق یالواردی عاقبت میرمچودک بغری سنک  
 نشاتنه بر مقدارتا شیر و شاه حسیننه خطاب ابدوب سکا بغشلمدم دبدی  
 چه فایده بوهنکامه قیامت اترده معصوملرک ذهره لری چاک اولوب



ایکی کون ایچند ایکسی دخی وفات ابدوب کتید بلر روایت کاذبه فی سبب  
اسنیصال شهراده کان اشبو شاه حسین اوغلارینک و خاندان شاهدن  
اولان سائر کمنه لک قتل واسنیصال اولملرینه باعث مجرمیر محمودک ایکی دفعه  
انهمانندن صکره کند و سنه عارض اولان وهم ووسوسه در کند و ضعف  
حالت ادراک ایلد کده خوفه دوشوب اغوانلرک دخی کند و سنه اولکی کبی  
اعتباری قالمیوب عملردن دخی کند سنه وحشت ودهشت ال و یروب  
برطریقله فرصت یاب اولمه لر دیو عرق شاهی فی قطع واسنیصال فکر  
ایلدی و اگر چه بعضلرک رمائی بوبله در که بالاده ذکر اولندوغی اوزن اثنای  
محاصره ده طهماسبک فرارند نصکره تخت شاهی یه اجلاس اولنوب بش  
اون کون شاهه ولی عهد اولان میرزا صفی بو ائناده دولت خانه دن فرار ابدوب  
بختیاری یه وصول و اول دخی اول جانبلمرده تسلطن دعواسنه ذاهت اولمش  
اوله حنی طهماسب خبر الدقه کند و سنه ادم و کاغد کوندروب معینه دعوت  
ایلد کده میرزا مرقوم بنم سکا بردر لوضارم یوقدرو یانکه وارم و ایشکه دخی  
مانع اولم دیو جواب ویرمش دیو کفت و کوی اولمش ایدی لکن بوجه ناک  
اصلی اولمیوب مطلق اولاد و انساب شاهی اسنیصال ایچون بر بهانه و تصنع بر خبر  
غیر صادق در بیماری میر محمود وقتا کده میر محمود شیخک تعالیم و تربیه سیله  
اربعینی تکمیل ایدوب چله دن چقدی ومن بعد دفع و سوسه ایچون شاهک  
اولاد و انسابی بومرتبه ده قتل واسنیصال ایتدی ننه مرض جنونه دوام پسر  
اولمیوب یوما فیو مارتقی بولدی جابجاء عقلی بالکلیه زایل اولوب ایتدی موجود  
بولنملری بلیوب انلری دخی ضرب و قتله مباشر او اوردی گاه سرخوش  
ومدهوش کی بلند اواز ایلد چاغرر باغرردی خدماوند مایه وحشت  
ودهشت ال و یروب یانندن قاچر کیمدر لردی مرقوملر عاقبت دیوانه ناک ضبط

ور بطنه

ور بطنه عاجزل اولوب براوطه یه قیاد بلر و اوزر بنه قیولی محکم سد و  
بند و طشره دن محافظه ایلد بلر اول دخی نجه ایام ییوب ایچمیوب یا قیوب  
او یومیوب بی تاب و طاقه صاحب فراش اولدی هر چند که معالجه باند  
دقیقه فوت ایتمیوب سعی و کوشش قلد بلر افاقته نشان بر اثر ظهور ایتمیوب  
مایوس و ناامید اولد بلر خزینه سندن اچه چقاروب چوق صدقه  
ویرد بلر کند و سندن رغبت اولمشلرک تطیب خاطر لرنده اهتمام ایتد بلر  
جولفه خلقنک نوازش خاطر لرنه رعایب ایچون راهب لرنه بیگ تومن  
نقد و جوهر ویرد بلر و فلنک ایچسنه دخی بیگ تومن اچه و یروب نجه نجه  
رعایت و اگر اسلر و عیدین ایتد بلر لکن کون بکون خسته لکی مشد اولوب  
بطنه بروجع پید اولدی وجع شدتدن اللربنی و اوموز لرنی دیشلر بله  
قویاروب فریاد ایدردی بر قاج کوند نصکره وجودند یان لراچلوب بدی  
غریبال کی دلاک دلاک اولدی تلاری چوریوب قور نلغه باشلدی طیب بلر  
و جراح لرنمارندن عاجز اولوب وجودی منشنش و بدر ایجه اولدی  
فرستادن سید علی خان بجانب قزوین و انهمائی اوست میر محمودک  
حیاتندن طوا بفاغوان مایوس و لحق کند و احوال لری مشورتنه مباشر  
اولد بلر چون طهماسبک جمعیتی قزوین طرفلرنده شیوع بولمش ایدی  
میر محمودک دخی بو حاله کرفته ارا ولدوغی اطراف و کنافده استمد بلوب  
شایع اولور سه دشمنلر او یانوب بوبله بفرصتی لایحاله کند ولرنه غنیمت  
عد ابدوب حرکت ایدر لر دیو خوفه دوشد بلر بو محذورک دفعه حزم  
و احتیاط ابدوب قزوین طرفلرنه طهماسبه نظارت و اول طرفلرده  
دیده بان اولق ایچون سکر بیگ اغوانه سید علی نام خانی سر عسکر ابدوب  
صوب مقصوده مایمور قلد بلر اغوان عسکری قزوین جانب لرنه قریب



اولد قلندرده مکرطه ماسبک تیر زامدادی ایچون حاضر و آماده قلدیغی  
 وافر قزلباش عسکری اغوانلرک اول جانبلره کلد وکن خبر ایچق علی الغفله  
 اغوانلره هجوم ایتدیلر و عظیم جنگ ایدوب اغوانلر منهز مافرا و اصفهان  
 واصل اولدیلر انهزام خبری اغوانلری تشویشه براغوب عظیم کدر چکدیلر  
 جلوس اشرف بجای محود و قتل کردن محود را غیری خواه ناخواه میر محمد  
 یرینه کندولرینه حاکم نصب و تعیین اولتی فکر و اندیشنده اولدیلر میر محمدک  
 بیوک قزلباش قند هاردن کتور مک مناسب کوردیلر ایچق مسافه بعیده  
 و ایام صیف اولد بگندن ناشی طول زمانه محتاج اولوب بومقدار مدت  
 عجلاردن امنیت و عسکرده دخی باش اولمغه نظام جمعیت و برایشه مباشرند  
 حصول تشیت حد امکانده اولماق ملاحظه سیله میر محمدک عیسی  
 میر عبد اللهک اوغلی اشرف سلطانی محمودک یرینه کندولرینه حاکم نصب  
 ایلکی جملة اغوان مناسب کوردیلر و بر بلوک اغوانی کوندروب اشرف  
 سلطانی زنداندن چقاردیلر و شاه سرانیه تحت حکومته اجلاس مراد  
 ایتدیلر میر محمدک خادم لری وقعه دن خبر و ایچق سرای قیپولرینی  
 قیابوب مدافعه ایتدیلر و ایکی ساعت مقداری زمان طوب و توفنک ایلله  
 جنگ و قتال ایتدیلر انجاملنده بر تقریبله بول بولوب سرایه کیردیلر و  
 قیپولری اچدروب اشرف سلطانی سرایه کتوروب تحت حکومته اجلاس  
 مراد ایتدیلر چونکه سابقه هنوز قند هارده ایکن اشرفک پدری میر  
 عبد اللهی میر محمد و قتل ایدوب تحت قند هار اول تقریبله جلوس  
 ایلش ایدی اشرفک در و تیره پدری انتقامی چایکیر اولوب مترصد فرصت  
 اولمش ایدی و میر محمد دخی هر حالده اشرفدن امین اولموب بر بهانه ایلله  
 در زندان ایلش ایدی بواشاده فرصت ال و یروب محمود دن انتقام

سودا سنده

سودا سنده دامن در میان قلدی و اغوانه خطاب ایدوب پدرم قتل  
 ایچون میر محمد قصاص اولد قچه تحت حکومته صعود ایتیم و بوغایله  
 عظیمه یی بو پنهالم دبو جواب قطعی ویرد کده القتل بالقتل دیوب اغوانلر  
 میر محمدک فراستنده باسن کسوب اشرفک حضورینه کتوردیلر و اشرفی  
 مقصودنده بو طریقه ارض او تحت شاهیه اجلاس ایدوب رسم مالوف  
 اوزن بیعت ایتدیلر اشرف سلطان دخی تحت حکومتده قرار دان  
 اولدوغی کی میر محمدک خادم وندیلرینی و کندو محافظه سی خدمتند  
 اولان بشیوز نفر حضاری اغوانلرینی قتل و سایر تعلقات و محرم اسراری  
 اولنلری اخذ و حبس ایتدردی ذکر سیبقت ایدن امان الله خان  
 دخی بواراده نفسانیت ایدوب میر محمد ایلله اولان ماجرا دن ناشی اشرفی  
 بو کونه افعال ناشایسته یه وضع یله چوق کچموب ترغیب دن خالی اولدی  
 و جزا سیبته سیئه مثلهامفهومی مقتضای سنجه امان الله دخی اشرف خان  
 الندن جزا سن بولدی اوصاف و مناقب میر محمد میر محمد اورتیه بویلو  
 بغدادی بکزلو کوجک کوزلو کسنه ایدی و کوزلری دایما حرکت ایدردی  
 عبوس چهره لو قبیح المنظر ایدی تازه مدور قرال صقالوو باشی کویا  
 اموزلرینه یاپیشمش قصه بیونلو و ایدی غایت ایلله ضابط و حکمی اجرا ده غیور  
 وعدولری حقند جبار و قهار ایدی و بالجملة اغوانی قورقودوب کندوسنه  
 اطاعت ایتدیرمش ایدی بو مرتبه ده که جنگ شد تیرنده دخی کندوسنه  
 مخالفته اقتدار لری قالمامش ایدی میرمر قومک اگرچه جود و کرم و انعامی  
 یوغیدی لکن خلقی مال غنیمت ایلله احیاده علوهیت ایدی جنگلرده  
 عسکرینک اكونه دوشوب بنفسمه مقصودینی حصوله کتور مکده اهتمام  
 ایدردی بردفعه ده حصول پذیر اولمیان ماده یه تکرار و تکرار اقدام



و حصونه جد تام ایدردی او بخوینی از او یوب اکثر اوقات بیدار ایدی  
 نفسی عزتیه و تن پرور لکه راغب اولیوب طعام دن هر نه بولنسه یاریدی  
 ونه یرده اولسه یا توردی نجه دفعه بریغمورلق بله قناعت ایدوب برقاج  
 کونلاک یوله هجوم اعدایه بو حال اوزن کیدردی غایت چاپک سوار فارس ایدی  
 سفر اشناسنده قره غوللری هر بار کند و کزوب یوقلاردی و برکسنه یه  
 بوا مر خطیری اینا غازی شرع مبین اوزن اقتضا ایدن قصاص و تعزیر  
 و تادیبه برکسنه نك شفاعة یاتنده مقبول اولیوب حکم شرعی تنفیذ  
 ایدردی و بر در لوکیفه مبتلا دکل ایدی شاه حسینک قیزی نکاح ایدوب  
 من بعد جاریه رغبت و بقینلق ایتدی شاه حسینک قیزندن برارکک  
 اوغلی اولوب بعضیملر قولی اوزن اشرف جلوسنده قتل اولندی و بعضیملر  
 کوزلرینه میل چکادی دیرلرکن بوعاجزه حقیقی معلوم اولدی بیان  
 احوال برادر میر محمد میر محمد دقند هارده تحت حکومته صعود ایلدی یکی  
 وقتد بیوک برادری قندها و والی نصب اولمش ایدی و محمودک مالک ایرانیه  
 کلوب اصفهانده قرار داده اولدوغی ایامده ینه قندها رده والی و محمودک قائم  
 مقامی اولوب بوا ثناده محمودک برینه جلوس مر قومک ارثا و عرفا حتی ایکن  
 صاحب عقید و غنه ارباب فراست برقاج سبب بیان ایشلر در اولا والی  
 مر قوم درویش نهاد اولوب اصلا کند و سنده سلطنت هواسی یوغیدی  
 ثانیاً اشرف سلطان حسن اختیار و ارادتیه تحت اصفهانی کند و سنده  
 قصر بد و فراغت و سودای سلطنتدن طوعاً کف ید ایتیه جکی  
 عین الیقین بیلوب مقاومت کفایت مقدای عسکرندار کی دخی دشوار الحصول  
 اولمش ایدی زیرا قندها را طرفندن ایشه و کوجه یار عسکر قالمیوب میر  
 محمودک کوتده اصفهانیه نقل اولمش ایدی و هندستان حد و دنده واقع

طوائف

طوائف مختلفه دن اگرچه عسکرندار کی ینه ممکن اولوردی لکن ۸۹  
 کندوسی اوتدن برودرویش طبیعت اولوب نقود ادا خارنده چندان  
 طبعی اولیوب خزینه تدارکنده اولماش ایدی پس بو مثالو علل و او  
 ایکن مع الاستحقاق قزنداشی میر محمدک برینه بر در لو رغبت طهار ایتدی  
 بیان مقدار عسکر اغوان و عدایشان میر محمد اصفهانیه کلد بغنده  
 ته مقدار موجود عسکری اید و کند و روایات اختلاف اوزن درو بو  
 خصوص تخمین و تقریبی اولمغه اصابت دخی امر مشکدر مبادی  
 قد و ملرنده شاه حسین کلان اغوان نه مقدار عسکر در دپو امورد پده کلو  
 از موده ادمار کوندروب تحسین و تخمین ایتدرمش ایدی جمله جاسوسان  
 اون بش بیگ عسکر در دپو تخمینلر نه اتفاق ایدوب شاه و ناس دخی جمله  
 بوا اعتقاده ذاهب و عجملر یکننده توأ برله بو بله گفت و کوی اولمش ایدی  
 بعضی عسکر احوال کور میان بلیمان رامننه طایغه سی افراط ایدوب بوزالی  
 بیگ عسکر در دپو تخمین ایدرلردی بوفقیه ايسه اقلیم اور و پاده  
 سیاحت ابله کشت و کذار و نجه نجه ملوکک معدود الافراد و معلوم  
 المقدار عسکر لر نی مشاهده ایش بولند و ندن بنم غالباً اصابته قرین اولان  
 تخمین بو بله در که اغوانلرک عسکری اصفهانیه کلد کلر نه قرق بیگه بالغ  
 اولوب زیاده اولمق احتمالی دخی بوغیدی و عسکر اغوانک قدومی اشناسنده  
 جولفنده بولنوب و فرح ابادیه کلد کلر نه و بعد جولفندی محاصره و بعد  
 اصفهانی محاصره ایلد کلر نه اوج دفعه اغوان عسکر نی اچقدن کوروب  
 بالمشاهده بومقدار ایدوغی تقریباً ایش ایدم فی الواقع نصف جهان  
 عنوانیه شهرت بولمش شهر اصفهان کی بر خطه واسعة محاصره  
 و احاطه اولنوب ینه اطرافدن امداد قصدنده اولوب کلان عدو هجومنده



مانعت عقلا دخی انجق بو مقدار عسکر ابله صورت امکان بولمق بدیهیدر  
مع هذا که طشهره دن اصفهان آمد ادینه شد رحل ابدن قزلباش عسکر ابله  
جنگ ابدوب وجسر شیرازه هجوم ابدوب بدی سکر دفعه اغوانلرده  
عظیم انهزام واقع اولوب چوق عسکر لری تلف واجل ابله دخی چوق  
گمسنه لری اولمش ابدی حتی اصفهان اخذ وضبط اولند قدن صکره  
بر مقدار غایله لری بر طرف اولوب میرمچودر و ساء عسکرینی حضورینه  
کتوردوب نه مقدار صاغ و سالم عسکر و ارشمار اولنوب دفتر  
اولنسون دیوتیمیه ابدی بر قاج کون مهلت ابله اهنام اولنوب برالودن  
غیری جنگه یرار بکرمی بیک عسکر موجود در دیومیرمچوده دفتر و یردیلر  
حالا که بوندن اقدام بجه لری دخی مال غنیمت ابله ولایتلرینه عودت و جولفه  
تسخیرند نصکره حضاری اغواتک اکثری وطنلرینه کشش ابدی بو عبد  
حقیرایسه علم طب ابله بر مقدار استنا اولوب بازار کار کزار قتال  
صا ولد قد تقریب طبابت ابله اشراق اغوانیله اکثریا کوریشوب  
الفت و موافقت پیدا ایش ابدم حتی میرمچودک اشکر اغاسی عبدالله  
اغایله کوریشوب اثنای مصاحبتده دبدم کدیم افندم اصفهانی  
سکر بیک ویا اون بش بیک ادم ابله محاصره ابدوب الدبکر دیومیان  
خلقه تواتر بولمش بر امر عجیبدر بونک حقیقتن افاده بیورک دبدکه  
ایکی قول دخی غلطدر دیو جواب و یروب دبدیکه قند هاردن بوجانبه  
توجه ابلدیکمزه ایشه کوجه یرار یا مانطقسان بیک ادم ندارک ابدوب  
یولر روانه اولمش ابدک بر قاج مرحله برویکلدیکمزه پیر و اختیار مقوله سی  
عجزه و سائرلر اون سکر بیک ادم یربلوب کیر و کیقدیلر اولمش و خسته

اولمشلریز

اولمشلریز دخی ایکی بیکه بالغ اولور و الحاصل اصفهانی محاصره ابلدیکمزه  
اثنا ده میراویس وقتندن قالمش جنگ کورمش اون دورت بیک اغوانلر  
وار ابدی و سکر بیک حضاری اغوانیله دورت بیک بالوج عسکر  
دخی بولنوب سائر عسکرینز کعب و هندستان عسکر ابدی دیوب  
اغای مرقومک تقریری بزم تهنیمزه قریبدر احوال اشرف سلطان  
میر اشرف میرمچود ابله قند هاردن معا چقوب اکثریا جنگلرده بله  
بولمشلر ابدی بعد میرمچود میر اشرفه خاتلق و یروب کند و سغه  
مخصوص یربلوک عسکر ابله بعضی یرلره تعیین ایدوب کوندردی  
اشرف دخی عاقل و صاحب رأی و ندبیر اولوب مأمور اولدوغی  
خدمت لری وجوده کتوردوب شجاع و بهادر و خلقنه خیر خواه و متواضع  
اولدوغندن عسکر طایفه سی کند و سغه میل و محبت ایتمش ابدی  
و بعضی امور لرینی مشورتلرند رأی و ندبیری پسندیده اولوب خبلی  
اعتبار بولمش ابدی حتی کلناباد نام محله شاه حسین مصالحه یه طالب  
اولوب اشرف سلطان قوی سندات ابله صاحبی جائز کورنلردن اولمش  
ابدی میرمچودک ایسه دماغند عجم عسکرینک انهرامند نصکره شاهلق  
هوای جابگیر اولدوغندن اشرف صابحه رغبت کوستردیغندن  
اشرفه دلگیر و خاطر مانده اولمش ابدی لکن کتم ابله مقید اولوب اظهار  
ایتماش ابدی و اشرف دخی خبیر و آگاه اولوب محموددن خوف و تحاشی  
اوزن اولمقدن خالی دکل ابدی حتی روایت اولنور که اصفهانک  
محاصره سی اثنا سنده شاهک سراینده زاد و ذخیره نک کال مرتبه ده  
قلت و مضایقه اوزن اولدیغنه اشرف سلطان اطلاع حاصل ایدوب



میر محموده سوء قصد ایچون یا خود بر غیری مقصودینه وصول ایچون  
بر کجه بولندوغی جانبدن ایچروده شاه حسینه بر معتمد اد میل بیگ بظمان  
مقداری ذخیره کوندردی و مکتوب یازوب مفهومده شاهدن بر مقدار  
خزیننه طلب ایدوب دبد بکه بکا تابع اولان عسکرک قلاو بنی صید ایچون  
طرفه بر مقدار خزیننه کوندرسک بن عسکرک ابله ایر بلوب میر  
محمود ابله مقاومت مباشرت ایدرم و سن دخی ایچرودن عسکرک ابله هجوم  
ایدوب بو طریقله سلامت بولورسن ایچق معلومک اواسونکه بنم  
مرادم اغوانلره قصد اولیوب بلکه بو طریقله میر محموده بر رحنه  
ویرمکدر مبلغ مزبوری ویرمکه قایل اولدوغک حالده بو یوزدن  
مرادیز حاصل وایش بر طرف اولدق بکا و اغوانلردن بر فرد طرفکزدن  
بردراو ضرور و زیان ترتب ایلیمه جنکه عهد و میثاقلر ایدوب اعتماد  
ویره سز دیو تحریر ایش ایدی شاه حسین خدعه حریمه یه حمل ایدوب  
اشرفک تحریراته اعتبار ایشوب مقید اولدی میر محمود قضیه یه  
واقف و ایچق غایت ابله مغیرا خاطر اولدی لکن ستروکنم ایدوب انفعال  
خاطرین کسنه یه بلدرمدی بر قاج کوندن صکره اشرف سلطانی  
اصفهاندن تبعید و بو طریقله شاهله مکاتبه و معامله طریقله یینی سده  
ویند ابلک مراد ایدوب اشرفی بر مقدار عسکرک ابله اطراف و کنافدن  
اصفهان امداد کلمه دیو دبد بان اولمغه کوندردی بیان فرستاده کردن  
میر محمود اشرف خان را بنده ان اصفهان فتح و تسخیر اولدوغی برله اشرفی  
حضورینه احضار ایدوب ایچون شاه حسینه ذخیره ویردک دیو  
غضوبانه خطاب و عتاب ایدوب در حال زندانه کوندروب حبس

ایتدردی

۹۱ ایتدردی وینه حبس اولدوغی یرده تعییناتی ویر بلوب اکرام اولمق اوزن  
تنبیه ایلدی زیر اغوان عسکری ایچنده بختی کشاده لکن نصر الله جمله یه  
غالب حسن ند بیرده ایسه اشرف سلطان فایق الاقران اولوب بونلرک  
وامان الله خانک و میاجی اولان عالمک رأی وند بیرلری محمودک اب رویی  
اولوب دولت و رفعتنه باعث واعدایه غلبه سینه بادی اولمش ایدی  
استمالت دادن اشرف خان باهالی ایران اشرف سلطان تحت شاهی یه  
جلوس ایدوب صاحب حکم و حکومت اولیچق رفیق و ملائمت اظهار  
ایدوب حلم و تواضع و عدل و عدالت قصدن کوستروب کسنه یه  
دخی حدینی تجاوزه رضا ویرمدی اطراف و کنافه ادملر و کاغذلر  
کوندروب مفهومده اهالی بلاد و قری یه اعلام و افاده ایدوب اشاعت  
ایلدی که بوانه کلنجه کرک بزه تابع اولان و کرک تابع اولمیان بلاد و قری  
اهالیسی بوندن بو بله راحت و اسوده حال اوزن اولوب اغوان عسکرکندن  
بالکلیه امین اوله سز لا محاله چوق زمان مرور ایشوب ایران دولتی کیمه  
قرار دان اوله جق ایسه غایان اولور باوی مملکت خراب اولیوب تقدیر ازل  
کیمه نصیب و مقدر قلدیسه معمور و آبادان بولوب متصرف اولمش  
اولورد پواسمالت و یردی تطیب کردن اشرف خان شاه حسین را ونسلی  
دادن خاطر اوست و ارسال کردن نعلیه شهزادگان بشهر قم بعد شاه  
حسینک یا غنه واروب انک دخی نسلی خاطرینه اهتمام ایدوب دبد بکم  
بنم بدرم الم اوزن اولمه من بعد سنک انکسار خاطرینه باعث اوله جق  
برایشه وضع بد و رضا که مخالف امور عزیت ایش زینهار بنی ظالم  
وغدار و جبار و بی وفاء و جرم اوغلو میر محموده قیاس ابله بی جرم و کناه



اولاد لری یکی قتل ایدوب کند و سندن دزدن دگومرحت اثری و ذائقه و فاشانی  
یو غیمش چون وقوع بولاش بر قضا در بو کا صبردن غیری علاج یوق  
و جناب حقدن اجر جزیل برله مکافاتده دخی شبهه یوق انجق دپلر سگ  
تطیب خاطرک ایچون اولاد لری ککلی رینی جمع و صند و قه لره قویوب  
اجدادک مدفن اولان قم شهرینه کوندروب دفن ایتدوونیم دبد کده  
شاه حسین بر مقدار مطیب اولوب و بو خصوص غایت ارزوی درونی  
ایدوکنی اشرف خان فهم و ادراک ایدی عجبک امر ایلد بکه شاه حسینک  
مقتول اولان اولاد لرندن هربری ایچون برر صند و قه یا یلوب بحال  
احضار اولنه مقتول اولنلرک ایسه نعشه لری باعجه نیک برکوشه سندن  
شاهان سالفه نیک بوکونه مصاحت ایچون بناوند ارک ایتد کیری زیرزمینه  
وضع اولنش ایدی اشرف خانک امر بله صند و قه لری کتوروب وزیر  
زمیندن شهزاده لرنعشه لری چقاروب شاه حسینک حضورند عود  
و عنبر و کافور و سایر انجیره ایلد معتاد لری اوزن ترییه دن صکره ککلی رینی  
بشقه بشقه صند و قه لره قویوب محکم قیاد پلر و اوج قطار دوه احضار  
اولنوب صند و قه لری تحمیل ایتد پلر و صند و قه لری و دوه لری ابرشیم  
قالیچه لر و سیم و زرا بله استانش چوقه لرا بله شاهانه تجهیز ایتد پلر و قم شهری  
فقراسنه تصدق ایچون بیک تومن اچقه و یرد پلر و اول قاپله و چوقه لری  
شاهزاده لری مدفن اوله حق تریه لره وضع ایدوب بر مبلغ اچقه دخی وقف  
ایچون و یرد پلر و معاکمک اوزن بر بیراق اغوان ایلد بر بیراق قزلباش عسکرینی  
دخی تعیین ایتد پلر و بو خبر ایلد بر کورچی ضابطنی مقدجه قم شهرینه  
کوندرد پلر ضابط مرقوم واروب واقع حالدن خبر و یرد کده قم اهالیسنه

اعتماد

۹۲ اعتماد گلیوب بوامری محالاندن عدا بدوب حمله یه حمل ایتد پلر و خبر  
رسان ضابطک کوزلرینه فی الحال میل چکد پلر ازین جانب اشرف خان  
کمال مرتبه ده استمالت مراد ایدوب امر ایلد بکه مناد پلرند ایدوب صفهان  
شهرندن نعشه لری الپلر ایلد چقان لر و رسم قدیم لری اوزن قاعده  
دیرینه لری اجر و مراد ایدن لر تا قم شهرینه وارنجه تشبیح ایلد لر و معتاد لری  
اوزن تعظیم و تکریم رخصت و یر پلر و اجر ایلد لر پس بر یوم معینه  
الپلر قور پلر و اغوان بیراخی صند و قه لر تحمیل اولنان دوه لر قد اماند  
و عجب لری بیراخی خلفنده شهر اصفهان دن طشهره چقد پلر اصفهان خلقینک  
صغیر و کبیری ذکور و انانی پیر و صبیانی تشبیعه حاضر و فریاد و فغان  
ایلد رک برهنکامه قیامت نشانیله شهر دن طشهره چقد پلر و اصفهان دن  
یدی مرحله مسافه ده اولان قم شهرینه متوجه اولد پلر بر ابکی ساعت  
مسافه دن صکره نسوان و صبیان عودت ایدوب قزلباش لری قه لری قم  
شهرینه وارنجه معاکمک پلریدی کوند قم شهرینه واروب درون شهره  
برکوشه قومیوب طشهره ده کوندرد پلر طهما سبه بحال و واقع حال اعلام  
ایدوب صند و قه لر دفتند استیذان ایتد پلر طهما سب دخی اذن و یروب  
صند و قه لره استقبال ایلد لر و کمال تعظیم برله رسم مالوف لری برینه  
کتوروب دفن ایلد لر دیو قبیله ایلدی فعلی هذا کون شهره کتوروب تریه لری  
اجدیلر و جزع و فزع عظیم ایلد صند و قه لری تریه لره معتاد لری اوزن  
دفن ایلد پلر اشرف خان جانبندن ارسال اولنان مبلغی فقرایه تصدق  
و نفقه سن وقف ایدوب خدمت اتمامند عودت ایلد مراد ایدوب  
عجب لر اغوانلره علی مراتهم اهدا و هر فردک رعایت خاطر بله اهتمام ایتد پلر



و بوجال اوزن اصفهانه روبراه اولوب کلد پلر شاه حسين بوجهل دن  
خبير او ايحق درونی مخطوط اولوب خاطر پریشانی غایت خوش اولدی  
تجربه کردن اشرف خان شاه حسين را در ارزوی تخت شاهی اشرف  
سلطان بوندن بوبله شاه حسينک دروننده سلطنت سوداسی وار میدو  
دیو تجر به مراد ابدوب برکون زیارت طریقله شاهک یانته واردی اثنای  
محبته شاهه خطاب ابدوب شاهم بن بوخت ایرانک رحلی اولدوغی  
بلدم و بوجا بله عظمی یه و شاهلغک بار کیرانته تحمل ابدیه جگمی فهم  
و ادراک ایتدم دپلر سگ ملک و تاج ایرانی نه سکا قصه ربد ابدوب تخت  
شاهی یه جلوس ابله دبد یکنده شاه حسين دخی اشرف سلطانک بوکونه  
نکلیفی قصه مقارن ابدوکن اذعان ابدوب جوابنده اگر تخت شاهی یه  
بنم لیافتم اولیدی جناب متعال الیمن الوب سکا ویرمزدی چون تقدیر  
اذل سکا لایق کوردی مبارک اولسون و دنیا لطور دچه طور و پابد او  
اوله سن بنم مروت شعارم او غم قضا و قدر ابله ظهور ابدوب شاه  
بولندوغم تقریبله باشمه کلان بونجه سرانجام دنه مکره تخت و تاج  
سوداسی و حکومت هواسی محیفه دروغدن بالکلیه محور زایل اولوب  
بوکونه شیمه رغبت اثری دخی قالمشدر و بقیه عمری کوشه انواده دوام  
دولتکه دعای خیر ابله اشتغال اوزن چور ملک اقصای مرادم و خلوص  
اوزن مافی الضمیر مدروسندن نیازمند اولدوغم انجق بودرکه بر قاج کون  
عمرم دخی واریسه بکا ضرورت چکمی روا کورمیه سز عمرم اخرا و نه اولاد  
اچسی دروغدن زایل اولدوغم بلوب دل مجروحی صیانت ابدوب بکا  
صنف و قهر بله معامله یی لایق کورمه دبد کله شاه حسینک بوکونه عاطفت

و شفقت

۹۴ و شفقت انگیز نیازمندانه کلامندن اشرف سلطانه مرحمت ال و یروب  
شاه حسیننه مدار معاش ایچون ماه پناه ویره کلد کلدی چب پولی تعبیر  
اولنور اکیوز تو من اچه یی تضعیف ابدوب بر قاج ایام مرورنده چب پولی  
یرینه ابدیه اکیوز تو من اچه تعیین ایتد پلر و شاه حسین اندرون سرای  
شاهیده واقع با نجه لره و قصور بی نظیره و سرایک دبلدیکی محالینه واروب  
دبلدوکی وجه اوزن صفای خاطرین تحصیل و شاهک محبتی ابدیه احد اشته  
غالب اولمغله ناتمام اولان قصورک مقتضای طبیعتی اوزن نکمیلنه اذن  
ویر بلوب بر فرد نمانعت ایلیمه دیو محکم تنبیه ایتد پلر نکلیف کردن شاه  
حسین تزویجی دخترش با اشرف خان بوباید دخی شاه حسین  
مخطوط و اشرف سلطانک کند و سنه بوکونه عاطفت و مودت آثار وضع  
و حرکتندن دلشاد اولوب برکون اشرف سلطانله ملاقاتنده  
مافی الضمیرینی کشف ابدوب دبد بکه بنم او غلوم شان و شهرت ملوک  
شایان هدیه بهیه علاقه افزایه دایر بر شیمه مالک اولدوغم معلوم مکر در  
انجق نور دبد لرم اولاد لریدن بر با کره دخترم جاریه کز باقی قالمشدرانی  
سزه و یروب قبول بیور سز و سز بر اولادم و اول دخی بر اولادم اولوب  
بنی پدر بکر مقامته قویوب دبد ار بکر ابله دلشاد بیور سز و یانکزدن  
دور و مهجور اولمغی روا کورمیه سز دبد کله اشرف سلطان حظ موفور  
اظهار ابدوب فی الحال اطراف و اکناف ممالکه اسمالت ایچون تکرار و تکرار  
مفصل کاغذ لر یازوب مفهم و منده بوند نص مکره جمله کز طر فزدن امین  
اولوب راحت و اسوده اولک من بعد بویمه و ده حروب و قتال ابله تلف  
نفوس روا کورمیه یوب مابنده اولان برودت و عداوت عن قریب الفت



و موافقه و ستقاق و اتفاق صدق و وفاقه متبدل اولمق اسماءك حصولى  
 قوت قریبیه کلوب و پیتمزده اوزاشلوب دوستلق بر قوی صورت افراغ  
 اولمق مامول و ماحوظمزدردیو تحریر اولندی فرستادن ایاچی از جانب  
 اشرف سلطان بجانب شهنزاده طهماسب اشرف سلطان اطراف ممالک  
 واقع قزلباشلره وجه محرر اوزن اسمالت کاغذ لینی کوندرد کد نصکره  
 طهماسب طرفلرینک دخی خاطر لرین اله الملق مناسب عد ایدوب عظیم  
 تدارك ابله ایاچی کوندرمکه قرار و یردی و اون عدات حاضر ایدوب  
 شاهك خزینه سنه بولمان مجوهر اکر لر و ذی قیمت رختلر و مزین  
 بساطلر ابله تجهیز و تربین ایدوب ایاچی ابله طهماسبه هدیه نامیه  
 کوندردی و محبت نامه یازوب مفهومند نمرد و ستم بولنه کلجه مایند  
 وقوع بولان احوال من بعد نسیا منسیا فراموش اولنسه سزادو  
 و ما پیتمز وجه مناسب اوزن توفیق اولنسه شایاند و بوند نصکره برودت  
 وعداوت معامله سی طرفینه موجب ملالتدر و ما پیتمزده اوزلشلوب  
 ممالک ایرانک نظامی اهنمانه علی الاتفاق بذل مقدور قلمق الزم لوازمین  
 اولمشدر زیر ابرقاج سنه دن بر و وقوع بولان اختلال سببیه اطراف  
 ملک ممالک ایرانه وضع بد عزیمت اولوب سزه و بزه قصد قیدند  
 اولد قلمری امر محققدر مسقو کفره سی دخی فرصت بولوب حالیاچه  
 یرلره استیلا اینمشدر و دوات علیه عثمانیه یومافیه و ممالک ایرانه وضع بد  
 اینمکه در بودردک علاجنه برکون اول اهنام طرفینه نافع بر مصاحدر  
 پس ایاچیمز واروب مراد و مقصود یز معلوم اولدقد مملکت الدن کتمدن  
 نظامی تدارکنه بالذات کند و مز مباشر اولالم ایاچلر توسطیه اولسه

طول

طول و دراز زمانه محتاج اولوب احنالدر که ایش ایشدن کلوب مراد یز  
 حاصل اولمیه انسیب و اوفق اولان بودردکه طهران ابله تم مایند بر مناسب  
 محل مکالمه ایچون تعیین اولنوب سز و بز بالذات معلوم المقدار و متساوی  
 الاقتدار عسکر ابله اول محله جمع و طرفینک عسکری قوندریلوب  
 کند و مز میانه ده دوستانه کوریشوب ایشمزی کند و مز کون لم و صلح  
 و صلاحی شروط و قیود قویه اوزن بنایدوب قوی عهد و میثاقلر ابله  
 تأکید ایدلم دیوب مضمون نامه شهنزاده طهماسبک مفهومی و ایچق  
 قطعانده احنالدر فکر اندیشه و حزم احتیاط طریقن ملاحظه ایشوب  
 مضمونیه عماله حاضر و اماده اولدی زیر ابوندن اقدام دخی اشرفک  
 سوزلرینه اعتماد حاصل ایدوب مکاتب دلفریبی مضمونیه فریفته اولمش  
 ایدی بیان فرستادن نامه از جانب اشرف بجانب طهماسب در سابق  
 اصفهانک محاصره سی احیاننده اشرف سلطان شاه حسینیه خفیه بر  
 مقدار ذخیره کوندردیکی بهانه ابله فتح و تسخیر شهر واقع اولدوغی برله  
 میر محمد بالاده ذکر اولندوغی اوزن اشرف سلطانی زندانه وضع ایش  
 ایدی اشرف سلطان زندانه محبوس ایکن طهما سبه خفیه نامه  
 کوندروب مفهومند قزلباش عسکرینی جمع ایدوب اصفهان اوزرینه  
 کلکه بذل مقدور اید سن و بزاغوانلرک اولورند معلوم الاسامی عجه  
 کسمنه لابله اتفاق و اتحاد و سوز بر لکین ایشزدراصفهان کلوب عسکر بکر  
 کورندیکی کمر قومون اغوان اولوری کلوب بنی زنداندن اطلاق  
 و جمله سی بکاقتدار ایدوب سکا تابع اولور زرم یو حالیزی مشاهده ایدن  
 اغوانلرک اکثری کلوب بزه تابع اولورلر و ما پیتمزده عهد و میثاق ایدوب



اطمینان حاصل اولدوغی برله وار قوتی بازویه کتوروب میر محمدی  
 اخذ ایدرز و سنک الینه تسلیم ایدرز دیو محریرا و انمش ابدی و میر  
 محمد و عجم رجائی قتل عام ایلدیغی ائشاده مصاحبت حیانه قودوغی بکرمی  
 بش نفر رجال عجمک دخی اشرفک نامه سی مفهومی مؤکد مکتوبلری  
 واروب طهماسبک منظوری اولدقد اشرفک تحریراتی صدق و خلوص  
 اوزن دردیو اعتماد ایلش و عجمه جواب یازوب اشرفه کوندر مش  
 ابدی و بوتد بیره مخالفت ایدنه لعنت اولسون کلامن نامه سنه خاتمه  
 یازمش ابدی اشرف ایل طهماسب بومصاحبت تمشینی تدبیرنده ایکن میر  
 محمد جانبدن سید علی خان سر عسکر تعیین اولوب بر مقدار عسکر  
 ایل طهماسب احوالی تجسس و حرکتنه نظارتیه مؤر اولوب قزوین  
 جانبلی نه عزیت ایتیشلر ابدی اتفاقا تبریز آمد دینه کیده جک عجم  
 عسکر بله اغوان عسکری مصدا دفت ایدوب حروب و قتال عظیمدن  
 صکره اغوان عسکری منهزم اصفهانه عازم اولدی و بوا ائشاده اشرف  
 سلطانک زنداندن چقوب تحته جلوسی و میر محمدک قتل و قعه سی  
 دخی واقع اولمش بولمغله میر محمدک قتل ایتدوکی رجال عجمدن بقیه  
 السیوف اولان مارالذکر بکرمی بش نفر رجال عجم اتفاق و عزل  
 و نصب و قتل و سایر اصفهانده متداول اموری نقیرو قطع میر تحریر ایدوب  
 نهاینده اشرف سلطانک بوکونلرده سزه ارسال ایلدیغی نامه سنه  
 متعهد اولدوغی دوستلق و عهد و امان جمله فسخ و اغوا اولوب غافل  
 اولمیه سزیرا زندانده اولدوغی وقتده سزکله ایلدوکی اتفاق ضروری  
 و لغرض ابدی شمیدی ایسه طریق اخرا ایل مرادی حاصل اولوب قوانده

صادق

۹۰ صادق اوله جفی روجهله مؤمول دکلردیوب مکتوبی تبدیل نام و قیافه  
 برکسنه نیک الینه و یروب طهماسبه کوندر دبلر سر عسکر سید علی خان  
 بعد الانهزام اصفهانه کلورکن مکتوبی کوتورن کسنه یی اخذ و مکتوبی  
 النندن الوب نظر ایلدکده غیابنده وقوع بولان احواله و قوف حاصل  
 ایدوب اشرف سلطانک حضورینه شتاب و مکتوبی الینه و یردی دقت  
 ایلده منظوری اولدقد مفهومی کتم ایدوب کسنه یه سو ایلدی و سید  
 علی خانه دخی زینههار وزینههار ستر و کتم ایدسن دیو محکم تنبیه ایلدی  
 سفر کردن اشرف خان بجانب قزوین برای اخذ طهماسب بر قاج کون  
 مرورنده اشرف سلطان فرح اباده بش ایدوب بعضی رجال دعوت  
 ایلدی و بقیه السیوف اولان بکرمی بش نفر رجال عجمی دعوت ایدوب  
 جمله سن قتل ایلدی بر مقدار ارامدن صکره رجالنه خطاب ایدوب  
 معلوم المقدار عسکر بله متعین ضابطان و سر بلاوکاری عجمه حاضر و آماده  
 اولوب یاغنه کلوک دیو تنبیه ایلدی و عجمداری اولنلرینه طهماسب اوزرینه  
 عزیمتین بیلدردی اشرف سلطان سرایه کتمیوب فرح اباددن قیو خلقیله  
 اثره سوار اولوب صوب مقصوده متوجه اولدی ایکی ساعت ایچنده  
 بکرمی بیگ مقداری چاپک سوار اغوان عسکری حاضر و اشرف سلطان  
 قفادار اولوب یئشد بلر بوندن اقدام مصاحبه اموری ایچون ارسال  
 ایلدیغی ایلخی دخی قزوینه واروب اشرفک اصفهاندن چقدوغی کوندن  
 برکون اولجه نامه سن طهماسبه تسلیم ایدوب کند و سنه و افر اکر ام و انمش  
 ابدی اصفهانده وقوع بولان وقایعدن طهماسب و رجالی جمله غافل  
 و ایچیی یی بر قاج کون اکر امامکث و نامه ده تحریر اولنان مصاحبه احوالینی



مشاؤون ابدوب جمله سی معقول و مناسب کورد پلر وارسلان نام خانی  
بر مقدار عسکر ابله عجماله وارمق اوزن قم شهرینه تعیین ابلد پلر تا کم طهران  
ابله قم اراسنده محل مکالمه والتقای عسکرین اوله جق یرلرده اغوانلرک  
بومصاحت تنفیذ و تمشینی بقیله زاد و ذخیره جمع وندارکنه مباشرت  
ایتد کلرینی تجسس ابدوب طهماسبه عرض و سائر اقامتضا ابدن احوالی  
دخی بلدروب اکا کون طهماسب دخی محل مزبوریه وجه مصمم اوزن امر  
مصالحه مکالمه سی ایچون عازم راه اوله عزیت کردن ارسلان خان از جانب  
طهماسب بجانب شهر قم و قدوم عسکر اشرف خان بقزوین و مقابله  
وانهزام لشکر عجم ارسلان خان بر مقدار عسکر ابله قزویندن چقوب قم  
شهری جاننده روان اولدی همان چقدوغی کون بر مقدار مسافه قطع  
ايلد کده کورد بکه قارشو سنه بر عظیم عسکر کلیور حال نیوزدن ابد و کن  
فهم ابدوب سرعت ابله رجعت و طهماسبک یاتنه جان اندی شاهم  
باشمزلک ندارکن کون لم زیر اشرف سلطان نجمیه عسکر ابله شتاب  
ايلدوب اوزر یزه کلیور طهماسبک رجالی فی الحال جمع اولوب مشاؤون  
ایتد پلر چون وفرت اوزن حاضر و اماده عسکر لری بولندی اغوانه  
قارشو چقوب مقاومت اقدامی مناسب کورد پلر و بونیت اوزن جمله سی  
انلنوب شهر دن طشره چقد پلر اغوانه قارشو وارمق اوزن ابکن فجر  
عسکر ی بریره تجمع ابدوب طهماسبه عرض ابلد پلر که شاهم بز جمله مز  
او غورینه فدالور و زوانشاء الله دشمنه غالب اولور زانچق من بعد سکا  
اعتماد الدوله اولنلری قزلباشلردن نصب ایتیموب فجر طایفه سندن  
نصب ایلد جکنه عهد و الیزه قوی سند احسان ابله دبد کلر نده

طهماسب

طهماسب خواه ناخواه راضی اولوب متعهد اولدی طوایف قزلباش  
ایسه خمیر اولیحق انلردخی تجمع و بزد و لتیزده سنی اعتماد الدوله استمزن  
دیوب پینلر نده عظیم نزاع ابله شقاق واقع اولدوغن طهماسب مشاهد  
ايلد بچک بوکونه عسکر ابله دشمنه غلبه مبسر اولدوغن جزم ابدوب  
اغوان عسکر ی دخی کورنگله همان بر مقدار ادم ابله طریق مازندرای  
طوایف اول جانبه فرار ایلدی ارسلان خان ایسه قزلباش عسکر ابله اغوانه  
یقین بوانوب جنکه اقدام و قزلباش عسکر ی منهزم و کندوسی کوچیله  
سلامت بولوب طهماسبک اردنجه مازندرانه قاچدی اشرف خان دخی  
سالما غانما اصفهان عودت ایلدی بود فعه دنصکره اشرف سلطانک  
عجم طوایفنه ایلدوکی استمالت و کولریوز ابله رفق و مرحمت اوزن معامله  
والچی کوندروب مصالحه یه رغبت و انعام و احسان و هدایا ابله خاطر لرینه  
رعایت جمله سی حیله و خدعه حریبه اولدوغی ظاهر و آشکار اولدی  
الیحق زندانده ابکن میر محمد کندوسی قتل ایدر خوفندن و میر محمد دن  
انتقام الملق سودا سندن ناشی طهماسبه یازدوغی مکتوبک مالی غالباً  
حقیقت حال الملق اوزن ابدی باقی مدارا و استمالت دایر عجملر حقندن  
اظهار ایلدوکی ملائمت محض دك اولوب اقصای مرامی طهماسبی اناندروب  
بر طریق قزلباش طهران و قم شهر لری اراسنه کتوروب اطرافن احاطه و برنقر پله  
اله کتوروب اخذ ایلد ابدی زیر طهماسبی اله کتوروب اخذ ایلد غیری  
جمله قزلباشلر کند و سنه اطاعت ایدر لر و مالک ایران بونقر پله شاه و ملقه  
اقتدار حاصل ایدر ملا حظه و اعتقادی کند و سنه جا بکیرد و ن اولمش  
ايلدی باخصر ص کد دولت علیه عثمانیه ابله مسقوجاری پینندن طهماسبی



تحت شاهی به اجلاس و عدول رفتی دفع باینده اتفاق اولمش دیو اشرف  
 خانك سمعنه بو بله بر خبر مو حش لاحق اولمغله طهما سبك غایله سنه  
 دوشوب مراسله و بوجه دوناغش ات وهدایا کوندروب طهما سبی  
 بحالته بر طرف ایلکه مسارعی بوندن ناشی اولمش ایدی اهتمام کردن اشرف  
 خان برای جمع و تحصیل خزینه چون اشرف خان طهما سبی مازندران  
 قاجروب اول طرف غایله سی بر مقدار بر طرف اولدی بزجاج پام اصفهان  
 مکت و اقامت امکانی روغنا اولدی غیری جرمال ناس ایلکه تحصیل خزینه  
 سود اسنه دوشدی اغوان طایفه سی خانلرندن عنقاو ممول اون ابکی  
 کسنه یی اخذ و قتل ایدوب ماللرین مصادره ایلدی و سائر رجالنندن  
 ممول اولنلری خبر الوب اکثری ماللرین الوب کندولرین زندانه وضع  
 ایلدی میر محمدك مرض موندك جولغه لویه و فلنك ایلکسنه و سایرله  
 انعام ایلدی وکی مال نه ایسه تحصیل ایدوب الدی احوال امان الله خان  
 اشرف خان میر محمدك یریه تخته جلوس ایلدكده امان الله خانی  
 کند و سنه اعتماد الدوله نصب و تعیین ایلش ایدی خان مرقومك دخی  
 طمع غالبی اولوب بر هفته ایچنده قزلباشلردن طقساز بیک تو من اقچه  
 الدی اشرف خان خبر الوب امان الله خانی احضار و ابقارندن صلب  
 ایدوب برکون و برکجه اول حال اوزن قویوب بالجمله مالک اولدوغی  
 جواهر و نقودی اظهار ایلد مجبور قلدی جمله سن اشرف خان اخذ و قبض  
 ایدوب من بعد امان الله خانك حیاتی و مماتی معلوم اولیوب نجه  
 اولدوغنی برکسنه بلدی بیان احوال میانی میر محمد بعد اشرف خان  
 میر محمدك میانچپسی اولان شیخی اخذ ایدوب حبس ایلدی و جمع و تحصیل

ایده کی

ایلدوکی نقود و جواهر کثیره یی الندن الدقه اطلاق و هدیه طریقله  
 بر مقدار شی و یروب و یاننه ادملر قوشوب کند و ولایتی اولان کابل  
 شهرینه کوندردی امان الله خان مزبور شیخك همشیره زاده سی اولوب  
 کابلدن کلوب میر محمد معا انساب و نجه نجه امور عظامده بولمشلر  
 ایدی و ابکیسی دخی اغوان عسکرینك اب روی اولمشلر ایدی و شیخك  
 خارق عاده نجه نجه احوالی سو بیلنوب کرامته حمل ایتمشلر ایدی  
 و معتاد لری اوزن جنکه شروع ایلد کزنه شیخ عسکرک اوکونه کچوب دعا  
 و ثنار ایدوب بعد عدویه جمله و هجوم ایدرلردی و دعاسیله مباشرت  
 ایلد کزری جنکرده غالب اولورلردی اول سبیدن جمله اغوانك معتبری  
 و معتقدی اولمش ایدی میر محمود دخی یاتنه کلدکچه استقبال ایدوب  
 دست بوس ایدردی فی الواقع تمام اغوان ایچنده مرقوم میانی مثل کولر  
 یوز لوطه ملو دلولو حایم و سایر برکسنه یوغیدی اغوان ایچنده محمد بلاوج  
 خان و سید علی خان و عجمیانندن زبردست خان اشرف خانك  
 وضعندن متضرر اولیوب عزت و رفعت بولد پلر سائر لری متضرر اولوب  
 کیمك مالنه و کیمك عرضنه نقصان کلدك کسنه ز قالدی احوال قرنداش  
 اشرف خان اشرف خانك کوچك قرنداشی اشرفك جلوسن کوردوکی  
 کی فرار ایلدی عاقبت اشرف خان اخذ ایتدردوب کوزلرینه  
 میل چکدی احوال مادر میر محمود اشرف خان میر محمدك والد سنی  
 احضار ایدوب نچون زندانده اولدوغی حالده بکا صاحب چقمک دیو  
 خطاب و عتاب و شهزاده لک نعشی اولدوغی زیر زمینده اوج کون و اوج  
 کجه حبس ایلدی بعد اطلاق ایدوب خانه سنه کوندردی بعد شاه



حسینک با کره قیزی کند و سنه تزوج ایلدی و میر مجید اهلانه حرم  
جوارنده بر سرای و یروب انده اسکان ایلدی و کفاف اوزن تعینات  
و یردی لکن طشهره چقمغه وان وارمغه اذن و یرمدی خاتمه چون بو حقیر  
و فقیر سیاح پر قصورک زمین ایراند خطه واسعه اصفهانده سیره تماشای  
وقایع برله مدت مکث و اقامت پر محنتم بکرمی الی سنه یه بالغ اولدی و ینه  
حوادث غریبه ظهوری و هرج و مرج ملل متنوعه و قوعی ارام و سکونت  
بو ایوب کاه میان اغوانیاند فتنه و کاه عجمیاند شقاق و نفاق و عصیان  
و غیمه و قوعی تقریدله هر یوم توج دریای حروب و قتال احتمالی در کار  
ایلی بو بحر بلا مهلکه سندن برکنان چقمق و بو نهلکه عظیمه کرد ایندن  
ساحل سلامته جان اتقی فکر و ملا خطه سی اندیشه سیله سرگردان  
وادی حیرت ایکن اشرف خان جانبندن در دولت علیه یه کوند رملک  
اوزن اباجی تعیین اولوب صوب مأمور سنه عزیمت اتمکله بو یحان دخی  
رفاقت و بوفرصتی غنیمت عدایدوب حمدائم حمد ابوبله بر تقریب دلفریب  
ایله ممالک محروسه دولت علیه عثمانیه یه وصول برله سلامت و راحت  
و اطمینان میسر اولدی الحمد لله علی کل الحال و الیه المرجع و المآل  
تمت الترجمة بعون المالك الوهاب فی غرة شهر ذی الحجه سنه احدى  
واربعین و مائه و الف تمت النسخة الغریمة علی ایدی الضعفا المأمورین  
بعمل الطبع بدار الطباعة المعهون فی غرة صفر الخیر سنه اثنی و اربعین  
و مائه و الف فی البلدة الطیبة قسطنطنیه

صانها الله عن الافات

والبلیه